

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

صنعت و فناوری در قرآن کریم

نسخه پیش نویس : غیر قابل استناد

پژوهش : محسن بهرامی

پاییز و زمستان ۹۲ و بهار ۹۳

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۲
مقدمه :	۶
پیش گفتار:	۷
فصل اول : کلیات پژوهش	۹
هدف از پژوهش	۱۰
برکات احتمالی پژوهش	۱۰
مساله ی پژوهش	۱۰
عنوان پژوهش	۱۱
ضرورت پژوهش	۱۱
(۱) بار ارزشی عبارت فناوری در چشم انداز ۲۰ ساله ی نظام:	۱۱
(۲) اهمیت رعایت جهت اسلامی در صنعت و فناوری در بیانات امام و رهبری:	۱۳
(۳) افزایش مفاسد فرهنگی و زیست محیطی ناشی از رشد و گسترش صنعت و فناوری غیر قرآنی در کشور	۱۴
(۴) اشتیاق جامعه ی مهندسی به فهم دیدگاه قرآن در موضوع صنعت و فناوری:	۱۴
آرمانشهر قرآنی با تحلیل مفاهیم و فضاها ی معماری و شهرسازی سوره ی نحل (نخستین همایش ملی آرمان شهر ایران ۱۳۹۰).	۱۵
صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم (نشریه صحیفه مبین بهار ۱۳۷۹)	۱۵
بررسی مبانی نظری طراحی خانه های ایرانی بعد از اسلام با تاکید بر منابع فقه و قرآن کریم (همایش منطقه ای خانه ایرانی ۸۹) ..	۱۵
صنعت از دیدگاه امام جعفر صادق (ع)، نویسنده : غلامحسین رحیمی، استاد دانشکده فنی دانشگاه تربیت مدرس. (فصلنامه تاریخ و تمدن - شماره ۴)	۱۶
معماری و هنراز دیدگاه قرآن (همایش بین المللی دین در آینه هنر ۹۱)	۱۶
صفات آرمانشهر ایرانی اسلامی برگرفته از مبانی اسلام (نخستین همایش ملی آرمان شهر ایران ۹۰)	۱۷
مصادیق و مفاهیم معمارانه پدیده های طبیعی خلقت از دیدگاه قرآن مجید (اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی ۹۰) ..	۱۷
اصول شهرسازی اسلامی از نظرگاه قرآنی (دومین همایش ملی شهر اسلامی ۹۱)	۱۷
مهندسی ساختمان و شهرسازی از دیدگاه قرآن (همایش منطقه ای تاثیر آموزه های اسلامی در پیشرفت علوم و فناوری های نوین ۹۲)	۱۸
تسخیر طبیعت در قرآن و تغییر طبیعت در دنیای مدرن برخی تفاوت های این دو مفهوم و تبعات این افتراق در تکنولوژی (سومین همایش ملی بزرگداشت سهروردی با موضوع اخلاق کاربردی ۹۱)	۱۸
دیدگاه قرآن در مدیریت منابع آب (همایش بین المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب ۹۰)	۱۸
اصلاح الگوی مصرف از منظر قرآن و روایات در بخش کشاورزی (همایش ملی اصلاح الگوی تولید و مصرف ۹۰)	۱۹
مدیریت منابع آب از دیدگاه قرآن کریم (همایش بین المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب ۹۰)	۲۰
نشانه های مهندسی در قرآن (همایش منطقه ای تاثیر آموزه های اسلامی در پیشرفت علوم و فناوری های نوین ۹۲)	۲۰
کشا وری علمی و پایدار در قرآن (کنفرانس ملی حفاظت از تنوع زیستی و دانش بومی ۸۹)	۲۱

قرآن و علوم مهندسی (همایش منطقه ای تاثیر آموزه های اسلامی در پیشرفت علوم و فناوری های نوین ۹۲).....	۲۱
تبیین مفهوم درون گرایی در شهر اسلامی از طریق تحلیل آیات قرآن کریم و نهج البلاغه (نشریه هفت حصار زمستان ۹۱).....	۲۲
در آمدی بر ارزش و مدیریت اسلامی آب از دیدگاه قرآن (نخستین کنفرانس پژوهشهای کاربردی منابع آب ایران ۸۹).....	۲۲
حکمت عناصر معماری منظر در بهشت قرآنی با تاکید بر سوره مبارکه الرحمن (نشریه صفه تابستان ۹۰).....	۲۲
جایگاه مدیریت منابع آبی و محیط زیست از دیدگاه قرآن (اولین همایش تخصصی محیط زیست، انرژی و صنعت پاک ۹۲).....	۲۳
پیشرفت تکنولوژی در سایه فرهنگ اسلامی (اولین کنفرانس ملی مهندسی صنایع و سیستم ها ۹۱).....	۲۳
بررسی دیدگاه زیست محیطی قرآن و اسلام درباره جایگاه آب (همایش علمی چالش آب در استان قم ۸۹).....	۲۴
(۵) زمینه سازی برای ایجاد سبک زندگی اسلامی و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی.....	۲۴
(۶) نیاز الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی به دیدگاه قرآن در زمینه صنعت و فناوری.....	۲۵
روش پژوهش (میدانی - تحلیلی).....	۲۵
پژوهش قرآن مبنا:.....	۲۶
تفسیر یا تبیین.....	۲۶
تبیین موضوعی.....	۲۷
پیش فرض های پژوهش.....	۲۷
تعیین مرزهای موضوع پژوهش:.....	۲۷
موضوعات پیشین و پسین مرتبط با فناوری:.....	۲۷
موضوعات مرتبط با تولد یک فناوری.....	۲۸
فصل دوم: پیشینه ی پژوهش ها در این موضوع.....	۳۰
کتابهای جوادی و اصغر زاده و تفاسیر و تفسیر مشاغل در قرآن و مقالات متعدد.....	۳۱
بررسی دیدگاه های متفکران مسلمان درباره ی فناوری و صنعت اسلامی.....	۳۲
مقدمه.....	۳۲
اهداف فصل:.....	۳۳
بررسی دیدگاه های موافقین صنعت و فناوری اسلامی.....	۳۳
آیت الله عبدالله جوادی آملی:.....	۳۳
آیت الله محمد تقی مصباح یزدی:.....	۵۱
علامه طباطبایی:.....	۶۰
امام خمینی:.....	۶۳
امام خامنه ای:.....	۶۷
علامه محمد تقی جعفری:.....	۹۲
آیت الله مکارم شیرازی:.....	۹۳
آیت الله جعفر سبحانی:.....	۹۶
شهید مرتضی مطهری.....	۹۹
سید محمد مهدی میرباقری:.....	۱۰۵

- ۱۰۷..... سید احمد هاشمی:
- ۱۰۸..... داوود مهدیزادگان:
- ۱۰۸..... عبدالعلی رضایی
- ۱۰۹..... اصغر طاهرزاده:
- ۱۱۴..... علی لقمان پور:
- ۱۱۶..... فصل سوم: امکان قرآنی شدن صنعت و فناوری
- ۱۱۷..... آیا قرآن کریم مشتمل بر مطالب مفید برای صنعت و فناوری هست؟
- ۱۲۵..... بحث اشتمال قرآن کریم بر همه ی علوم
- ۱۲۵..... (۱) وجود محتوای مرتبط با صنعت و فناوری در قرآن
- ۱۲۶..... اشتمال قرآن کریم بر همه ی علوم
- ۱۲۸..... اشاره به مسائل صنعتی در قرآن کریم
- ۱۲۸..... قرآن کریم و یگانه ی پایه ساز برای تمدن اسلامی و صنعت و فناوری اسلامی
- ۱۳۰..... فصل چهارم: روش کشف ارزشها و سیاستهای صنعت و فناوری اسلامی از قرآن کریم
- ۱۳۱..... طرح ریزی و سیاست گذاری راهبردی (استراتژیک) فناوری:
- ۱۳۱..... مثالی برای یافتن جهت و مبنای فناوری بر اساس ارزش ها:
- ۱۳۲..... مثال دیگر برای ارزش های حاکم بر صنعت و فناوری:
- ۱۳۴..... فصل پنجم: معنای پسوند قرآنی و اسلامی برای صنعت و فناوری
- ۱۳۵..... آیا اصولاً صنعت و فناوری اسلامی داریم؟
- ۱۳۵..... فناوری و صنعت مسلمانان یا فناوری و صنعت اسلامی؟
- ۱۳۵..... نظر آیت الله مصباح درباب پسوند اسلامی بر علوم و فنون:
- ۱۴۰..... نظرات علامه جوادی آملی حفظه الله علی صراطه المستقیم:
- ۱۴۴..... صنعت و فناوری اسلامی از نگاه نائبان امام زمان ارواحنا لثراب مقدمه الفدا
- ۱۴۸..... فصل ششم: مفهوم شناسی
- ۱۴۹..... تعریف فناوری:
- ۱۴۹..... تعریف صنعت:
- ۱۵۰..... تعریف محصول صنعتی:
- ۱۵۰..... تعریف عمل صنعتی:
- ۱۵۰..... تحلیل واژه ی فناوری:
- ۱۵۰..... تعریف اصطلاحی فناوری:
- ۱۵۱..... تعریف مختار:
- ۱۵۲..... فصل هفتم: دسته بندی آیات در موضوع صنعت و فناوری:
- ۱۵۳..... انواع فناوری از نظر منشأ:
- ۱۵۳..... دسته بندی اول: از نظر گونه ی طرح محتوای مرتبط با فناوری: (نوع عنایت قرآن به موضوع)

- ۱) ذکر محصولات صنعتی..... ۱۵۳
- ۲) ذکر فرآیندهای صنعتی..... ۱۵۳
- ۳) ذکر واحدهای صنعتی..... ۱۵۳
- ۴) ذکر تجمیع صنعتی..... ۱۵۳
- ۵) ذکر مثالهای صنعتی..... ۱۵۳
- واژگان محصولات صنعتی:..... ۱۵۴
- واژگان به کار رفته برای فعالیتهای صنعتی:..... ۱۵۴
- واژگان مشترک محصولات صنعتی و مفاهیم دیگر:..... ۱۵۴
- واژگان مشترک بین محصولات صنعتی بشرساز و طبیعی:..... ۱۵۴
- واژگان مواد خام صنعت:..... ۱۵۴
- دسته بندی دوم: بر اساس صنایع مرتبط با دنیا یا آخرت..... ۱۵۴
- دسته بندی سوم: بر اساس نسبت با انبیاء یا ظالمین و شیاطین یا شخص عادی..... ۱۵۴
- دسته بندی چهارم: بر اساس کاربرد (عمرانی، کشاورزی، نظامی و)..... ۱۵۴
- آیات دسته بندی اول: بر اساس نوع طرح..... ۱۵۴

مقدمه :

قرآن کریم به عنوان تنها متن الهی دست نخورده ی بشر در کنار امام معصوم زمانه دو امید بشریت در راه یافتن به زندگی آرمانی در روی کره ی زمین هستند. آخرین کتاب الهی با معرفی خود به عنوان تبیان لکل شیء^۱ و هادی به راه و رسم زندگی اقوام^۲ و پایدارتر بشریت را به استفاده از خود برای یافتن سبک زندگی برتر فراخوانده است. متاسفانه از زمان نزول قرآن مجید تا کنون با این متن قیم الهی آنگونه که شایسته ی یک متن الهی است برخورد نشده است و تدبر و تعمق لازم بر روی آن صورت نپذیرفته است. امروزه با روشهای ساختار یافته و نظام مند فهم متون و معناشناسی مفاهیم و عبارات، دربهای جدیدی بر روی فهم کتاب خدا برای پژوهشگران گشوده شده است. این نوشتار به دنبال یافتن دربهای ورود به فهم قرآن کریم برای یافتن صنعت و فناوری آرمانی برای بشریت است که در این مقاله از این صنعت و فناوری به صنعت و فناوری اسلامی^۳ تعبیر می شود.

^۱ سوره ی مبارکه ی نحل آیه ۸۹

^۲ سوره ی مبارکه ی اسراء آیه ۹

^۳ علاقه مندان برای فهم معنای کاربرد پسوند اسلامی به کتاب مدیریت در اسلام ص .. تا .. مراجعه فرمایند.

پیش گفتار:

بعد از گذشت سی و سه سال از انقلاب اسلامی ایران امروزه صنایع کوچک و بزرگ فراوانی در ام القرای جهان اسلام شکل گرفته است و برخی نیازهای جامعه اسلامی را برطرف کرده است. اما به راستی آیا این صنایع زبینه ی جامعه ای که برای برپایی احکام قرآن بنا شده است هستند؟ در این رساله در پی آن هستیم که با کمک منبع وحیانی عظیمی مانند قرآن کریم و با کمک گرفتن از احادیث و گفته های بزرگان جهان اسلام کند و کاوی در چیستی و چگونگی صنعت و فناوری اسلامی در حد وسع اندک خود داشته باشیم بلکه فتح بابی باشد برای بحث صنعت و فناوری مهدوی که از لوازم هر حکومت آخرالزمانی اسلام است.^۴ اصل داشتن صنایع پیشرفته به گفته ی حضرت امام برای انقلاب اسلامی یک ضرورت است.^۵ اما آیا بعد از کسب صنایع پیشرفته ی غرب چه باید کرد؟ اصولاً جریان پیشرفت و رشد تکنولوژیک و فناورانه و صنعتی کشور بر چه ریل معرفتی باید حرکت کند؟ این موضوعی است که برای اهالی مسلمان صنعت و مهندسان کشور مبهم است، یعنی اصولاً یک صنعتگر و طراح صنعت و فناوری در کشور نمی داند بر چه مبنای معرفتی و با چه جهت گیری ای باید فناوری های کشور پیشرفت کند. اصولاً مبانی فکری کشف و اختراع و استفاده از این صنایع برای یک مهندس مسلمان چیست؟ این دغدغه وقتی شدیدتر شد که متوجه شدم اسناد مبنایی رشد و پیشرفت صنعتی کشور^۶ اصولاً تفاوتی با اسناد مبنایی توسعه صنعتی غرب مدرن ندارد با آنکه قطعاً میان مبانی معرفتی نظام جمهوری اسلامی و غرب مستکبر کیلومترها فاصله است و آن ها اصولاً قائل به تعالی و سلوک انسان در جامعه نیستند و انسان را حیوان دویای ناطق می پندارند و ما او را سالک الی الله و عبدالله می دانیم. لذا از همان جا یا علی گفتم و شروع کردم به واکاوی وضعیت نگاه نخبگان جامعه به کلیدواژه ای به نام توسعه و متوجه شدم اکثریت استادان و دانشگاهیانی که در این عرصه کتاب نوشته اند نگاهشان آلوده به بنیادهای معرفتی فاسد غرب بوده است. بعد از بیش از ده هزار صفحه مطالعه و صرف صدها ساعت وقت عاقبت رانده شده از همه جا و نومیدانه خدای متعال حقیر را دوباره^۷ به آغوش قرآن کریم راهنمایی کرد. از تابستان ۸۷ تا

۴ قیر در سال ۸۶ در رشته ی مهندسی هوافضا در دوره ی کارشناسی در دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل بودم (ورودی مهر ۸۴ و فارغ التحصیل تیرماه ۸۹). نیمه ی دوم سال ۸۶ بود که به لطف خدا با حضور در یک فعالیت فرهنگی فوق العاده متوجه برخی مسائل شدم. قضیه از اینجا شروع شد که مسئولیت غرفه ی استان لرستان در جشنواره فرهنگی ریشه های سبز دانشگاه شریف و ارائه ی گزارش از وضعیت رشد و توسعه ی استان لرستان به عنوان یک دانشجوی لرستانی به حقیر محول شد. در حین جشنواره برای آشنایی با وضعیت توسعه استان لرستان به سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان لرستان مراجعه کردم و بعد از مطالعه ی طرح های توسعه ی استان متوجه عمق فاجعه که ابتدای این اسناد بر مبنای توسعه ی غربی و نبودن خبری از اسلام و قرآن در این اسناد بود شدم و اصولاً با خود اندیشیدم اگر توسعه ی استان لرستان قرار است روی این اسناد پیگیری شود که باید گفت این ریل به ناکجا آباد غرب منتهی می شود و حقیر که خود برنامه ام بازگشت به لرستان و کمک به پیشرفت استان بود متوجه شدم که قبل از وضعیت لرستان باید اسناد توسعه ی استان که ریل توسعه ی استان هستند اصلاح شوند. بعد که به اسناد بنیادی کشور مانند برنامه چهارم توسعه و سند استراتژیک توسعه ی صنعتی کشور مراجعه کردم متوجه شدم که آب از سرچشمه گل آلود است و این اسناد هم بویی از هویت اسلامی کشور نبرده اند.

^۵ امام خمینی: بروید دنبال اینکه آن صنایع پیشرفته را خودتان درست بکنید. بیانات امام خمینی در جمع کارگران و کارمندان چاپخانه هفده شهریور، گروهی از اعضای صنایع دفاع ملی، پرسنل انبارهای نیروی هوایی، پاسداران اصفهان و اعضای کمیته انقلاب اسلامی برازجان ۱۳۵۹/۱۰/۲۹، صحیفه نور جلد ۱۳ صفحه ۲۸۶

^۶ سند استراتژی توسعه ی صنعتی کشور، نقشه جامع علمی کشور، برنامه چهارم توسعه

^۷ حقیر در دوران ابتدایی توفیق داشتم که حافظ جزء سی ام قرآن کریم باشم و در استان لرستان و شهرستان خرم آباد در مسابقات حفظ قرآن کریم چندین سال مقام های اول تا سوم را کسب نموده ام

کنون (پاییز ۹۲) مهمترین دغدغه ام در پژوهش های قرآنی یافتن الگوی صنعت و فناوری اسلامی بوده است و در این رساله برنامه ام مدون کردن این کند و کاوهای علمی در قالب علمی و دانشگاهی با رعایت اصول و قواعد تفسیر و تدبر در قرآن کریم است. دعا بفرمایید ان شاء الله به فضل و کرم خدای متعال و خوشه چینی از دریای معارف اهل بیتعلیم افضل صلوات المصلین و نشستن سر سفره ی این خزان علم، در این رساله بتوانم از عهده ی این رسالت بر آیم.

ان شاء الله خدای متعال صنعت ما را صنعتی اسلامی و الهی و توحیدی و فن آوران این مرزو بوم را فن آوران قرآنی قرار دهد و مجاری انرژی و ابزارهای در دست مردم ما نیز مرضی رضای خدای تعالی قرار گیرد به برکت صلوات بر محمد و آل پاک و مطهر و معصومش.

قم مقدسه، حوالی حرم کریمه ی اهل بیت علیهم السلام، ۱۸ آذر ۹۲

فصل اوّل : کلیات پژوهش

هدف از پژوهش

سؤال اصلی این پژوهش آن است که دیدگاه قرآن کریم نسبت به موضوع صنعت و فناوری چیست؟ آیا قرآن کریم برای صنعت و فناوری نیز تبیین است؟ یعنی قابلیت جداسازی فناوری های حق از فناوری های باطل را دارد؟ حدود فناوری های حق تا کجا است و فناوری های باطل چه مشخصاتی دارند؟ آیا قرآن کریم کیفیت و نقشه ی ساخت فناوری های حق را نیز ارائه می دهد؟ آیا قرآن کریم ارزش های حاکم بر فناوری های حق را ارائه می دهد؟ فرضیه ی این پژوهش آن است که قرآن کریم برای فناوری ها نیز تبیین است یعنی ابزار شناخت و تمییز فناوری حق از فناوری باطل را به دست می دهد،

درباره ی کیفیت ساخت فناوری های حق نیز مبنای برخی آیات خداوند مصلحان را با الهامات فنی و تعالیم خاص یاری می کند. همچنین تکلیف همگانی در مورد فناوری های باطل نیز تلاش برای نابودی و انهدام آنهاست و منشأ ایجاد این فناوری ها نیز وحی شیطانی است و هدف نیز تغییر خلقت الهی برای انحراف بشر از صراط مستقیم الهی و برپایی یوم الدین است. مساله ی اصلی پژوهش یافتن ارزشها، الگوها و شاخص های قرآنی برای تمییز دادن فناوری حق از باطل است. در نهایت نیز در پی کشف چشم انداز قرآنی فناوری و صنعت حق در جامعه و ماموریت و هدف آن بر مبنای ارزش ها و الگوها و شاخص های کشف شده هستیم.

برکات احتمالی پژوهش

- تهیه ی یک متن علمی قرآن محور برای پاسخ به سئوالات معرفتی مهندسان و فعالان صنعتگر کشور در بحث صنعت و فناوری اسلامی
- تهیه ی یک متن علمی پشتیبان برای کمک به تصویب نقشه جامع فن آوری و صنعت اسلامی در شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی
- ترغیب فقها به تشکیل شورای فقهی صنعت، فناوری و انرژی از فقهای صاحب نظر در بحث صنعت در قرآن و حدیث
- جمع بندی نظرات نخبگان کشور در بحث صنعت و فناوری آرمانی از منظر معرفت دینی
- تهیه ی متن قابل تبدیل به کتاب درسی برای درس صنعت و فناوری اسلامی در دانشگاه های فنی-مهندسی کشور

مساله ی پژوهش

مشکل اصلی: صنعت و فناوری کشور ما کاملاً قرآنی و اسلامی نیست.^۸

تفکیک مشکل: علت بروز مشکل علمی است یا عملی

مساله ۱: آیا مجریان صنعت و فناوری کشور در پی ایجاد صنعت و فناوری قرآنی هستند؟ آیا در این زمینه مشکل عملی داریم؟

مساله ۲: آیا بحث علمی لازم پیرامون صنعت و فناوری قرآنی صورت گرفته است؟ آیا در این زمینه مشکل علمی داریم؟

با توجه به گفته های وزیر صنایع و معادن پیشین^۹ به نظر می رسد که مدیران و مسئولان کشور علاقه مند به ایجاد صنعت دینی و اسلامی

۸ البته نمی توان به همه ی صنایع و فناوری های کشور صنایع غیر اسلامی گفت و بسیاری از صنایع و فناوری های کشور احتمالاً با سنجه های صنعت و فناوری اسلامی و قرآنی سازگار خواهند بود اما برخی از صنایع و فناوری های کشور به علت مفاسد فرهنگی و زیست محیطی یقیناً غیر اسلامی هستند.

۹ وزیر صنایع و معادن: در مسابقه توسعه، باید بر اساس دین و آیین خودمان، به تعریف توسعه و صنعت بپردازیم... نیاز اصلی ما، تبیین مبانی فقهی بخش های مختلف اجرایی کشور از جمله صنعت و معدن توسط علما و اندیشمندان حوزوی است و اکنون زمان آن رسیده است تا شبهات دینی در بخش صنعت و معدن به یک چالش علمی تبدیل شود و نتایج این مباحث، به عنوان راهنمای مدیران این بخش مورد استفاده قرار گیرد. منبع: وبلاگ محمد لطفی نیاسر مدیر رادیو معارف (خرداد ۹۳)

هستند لکن این نوع صنعت و فناوری از لحاظ علمی تبیین کافی نشده است.

مشکل نهایی: عدم طرح منسجم و روشمند (از حیث علم تفسیر) موضوع صنعت و فناوری در قرآن کریم

مساله نهایی: صنعت و فناوری قرآنی چیست؟ دیدگاه قرآن کریم درباره صنعت و فناوری چیست؟

عنوان پژوهش

عنوان پژوهش (صنعت و فناوری در قرآن) کلی تر از مسئله ی مورد پژوهش انتخاب شده است. علت این انتخاب پر نشدن این پله از پژوهش به عنوان پله ی اول پژوهش های قرآنی در بحث است یعنی متاسفانه تا کنون بررسی جامعی از عنایت قرآن کریم به این موضوع انجام نشده است. گرچه تک آیه هایی برای برداشتهای مرتبط با صنعت و فناوری مورد استفاده ی پژوهشگران قرار گرفته است اما اصولاً کل آیات قرآن کریم پیرامون صنعت و فناوری تا کنون مورد استخراج و شمارش و دسته بندی قرار نگرفته اند و تا چنین عملی انجام نشود صحبت از آیات مربوط به نظام ارزشی صنعت و فناوری از نظر قرآن کریم ممکن نیست. لذا ابتدا باید رابطه ی عنایتی که قرآن کریم به موضوع صنعت و فناوری داشته است جداسازی و دسته بندی شود و سپس به بحث ارزش ها و ویژگی ها وارد شد. البته با توجه به حجم عظیم جمع آوری همه ی آیات و موضوع بندی آنها بر اساس همه ی صنایع این پژوهش تنها به مبانی و اصول و روش برداشت از قرآن در موضوع صنعت و فناوری و کشف صنعت و فناوری اسلامی بر مبنای قرآن کریم می پردازد. هر چند در پایان پژوهش به عنوان نمونه آیات مرتبط با صنایع و فناوری های نظامی در قرآن کریم جمع آوری شده و سعی شده است بر اساس مبانی و روش به دست آمده از این آیات سیاستهای قرآنی و ارزشهای اسلامی لازم برای برپایی صنعت و فناوری نظامی قرآنی استخراج گردد.

ممکن است گفته شود با توجه به آنچه که در رساله می آید بهتر بود نام آن فرهنگ اسلامی در صنعت و فناوری بر مبنای آیات قرآن کریم نامیده می شد. با اینکه این رساله بنیانهای ارزشی صنعت و فناوری را مورد کاوش قرار می دهد و به مباحث ریز صنعتی و مباحث تکنیکی صنعت و فناوری نمی پردازد اما در فصل آخر بنا آن است که از نتایج فصولی که بحثهای ارزشی و بنایینهای فرهنگی صنعت قرآن مبنای در آنها به دست آمده است استفاده شود و نکات صنعتی و جزئیات فنی چند فناوری نیز بر اساس اصول ارزشی به دست آمده مورد کندوکاو قرار گیرد.

عنوان رساله بنا بر نظر استاد راهنما انتخاب شده است هر چند عناوین زیر نیز برای رساله مناسب به نظر می رسند:

- ۱) اصول ارزشی حاکم بر صنعت و فناوری اسلامی بر مبنای آیات قرآن کریم
- ۲) ارزشهای اسلامی برای صنعت و فناوری در آیات قرآن کریم
- ۳) تبیین موضوعی آیات قرآن کریم درباره صنعت و فناوری از منظر ارزشی
- ۴) نسبت انسان با صنعت و فناوری بر مبنای آیات قرآن کریم
- ۵) هدف و مبانی معرفتی صنعت و فناوری بر مبنای آیات قرآن کریم

ضرورت پژوهش

۱) بار ارزشی عبارت فناوری در چشم انداز ۲۰ ساله ی نظام:

یکی از دلایل ضرورت این پژوهش آمدن تعبیر فناوری در سند مهم چشم انداز بیست ساله ی کشور است. در سند مهم دو صفحه ای

چشم انداز نظام جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴^{۱۰} تعبیر فناوری سه بار آمده است:

در چشم‌انداز بیست ساله: ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و

فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با

تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا و تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع

انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی

- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب

غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)^{۱۱}

۱۰ اهمیت سند چشم‌انداز به گونه‌ای است که امام خامنه‌ای درباره آن می‌فرماید:

تا چشم‌انداز را برای خود تعریف نکنیم، هیچ کار درستی صورت نخواهد گرفت، همه‌اش روزمرگی است، بعد از آن که تعریف کردیم، اگر برنامه ریزی نکنیم، کار بی‌برنامه به سامان نخواهد رسید. بعد از آن که برنامه‌ریزی کردیم، اگر همت نکنیم، حرکت نکنیم، ذهن و عضلات و جسم خود را به تعب نیندازیم و راه نیفتیم، به مقصد نخواهیم رسید؛ اینها لازم است... شما جوانهای عزیز این سند چشم‌انداز را مطالعه کنید. اگر کسی دقت نکند، ممکن است خیال کند افرادی نشستند و انشاء نوشته‌اند؛ ولی نه، بدانید انشاء نیست. کلمه کلمه‌ی این چشم‌انداز - با تأکید می‌گویم - محاسبه شده است. دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه های استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۷

جهتگیری‌های برنامه‌ای و کاری دولت را با شاخص سند چشم‌انداز بسنجید. این سند چشم‌انداز چیز مهمی است؛ این را دست‌کم نباید گرفت. شاید بتوان گفت که بعد از قانون اساسی، ما هیچ سندی را در کشور به این اهمیت نداریم. یک نگاه کلان و بلندمدت است. دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۰۶/۱۸

چشم‌انداز بیست ساله یک سند بسیار معتبر و مهم است که مسئولان کشور - چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی مقننه - و در بخشهای مختلف موظف شده‌اند گام به گام این سند چشم‌انداز را تعقیب کنند و به آن اهداف نزدیک شوند. مردم هوشمند و جوانان با استعداد در هر نقطه‌ی کشور مسئولیت بزرگی در این زمینه بر دوش دارند. دیدار مردم مریوان ۱۳۸۸/۲/۲۶

قشقه‌ی راه، سند چشم‌انداز است. سند چشم‌انداز را هیچ نبایستی مورد غفلت قرار داد. این حقیقتاً یک سند واقعی و یک نقشه‌ی راه حقیقی است. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۶/۲

سفارش اول ما مسأله‌ی «سند چشم‌انداز» است. در گزارش آقای رئیس‌جمهور یک جمله‌ی کوتاهی گفته شد و اسم سند چشم‌انداز آمد؛ لکن این کافی نیست. سند چشم‌انداز، یک مسأله‌ی فرادولتی است؛ مال این دولت و آن دولت و این سیاست و آن سیاست و این جریان و آن جریان نیست؛ محصول یک کار فشرده و مترکم است؛ کار کارشناسی شده است؛ و درست هم هست. این سند، در واقع برنامه‌ی کلان بیست‌ساله‌ی ماست و یک سند به معنای حقیقی کلمه است. آنچه که در این سند گفته شده، تعارف نشده. باید در همه‌ی برنامه‌ریزیها - چه در قانون‌گذاری که قانون‌گذارها مسؤولش هستند، چه در اجرا و مقررات اجرائی که شماها مسؤولش هستید - سند چشم‌انداز را مورد ملاحظه قرار بدهید؛ بسنجید و ببینید کجاها در جهت سند چشم‌انداز نیست، آن‌جا را تصحیح کنید و نگذارید زاویه بخورد. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۶/۶/۴

در همه‌ی برنامه‌ریزیها، سند چشم‌انداز در نظر باشد و این را در همه‌ی سطوح ملاحظه کنند. ثبات در برنامه‌ریزی، شرط موفقیت است. دیدار رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۴/۹

۱۱ سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای: (بازدید خرداد ۹۳)

همچنین یکی از بندهای سیاست های کلی نظام برای رشد و توسعه فناوری در کشور نیز این تعبیر است:

اهتمام به حفظ ارزشهای فرهنگی، اجتماعی و موازین اسلامی در استفاده از فناوری.^{۱۲}

یکی از بندهای سیاست های کلی نظام در امور «شهرسازی» نیز چنین است:

تعیین ابعاد کالبدی شهرها در گسترش افقی و عمودی با تاکید بر هویت ایرانی-اسلامی و با رعایت ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، حقوق همسایگی و امکانات زیربنایی و الزامات زیست محیطی و اقلیمی.^{۱۳}

سؤال اینجاست که فناوری مورد نظر در سند چشم انداز کدام فناوری است؟ موازین اسلامی در استفاده از فناوری چیست؟ هویت اسلامی برای یک شهر به چه معناست؟ اگر مشخصات فناوری مطلوب توسط نخبگان دارای اندیشه ی اسلامی تبیین نشود و در اینباره پژوهش لازم انجام نشود نخبگان دارای اندیشه ی غربی فناوری های دارای ارزش های غربی را مقصود از فناوری در سند چشم انداز معنا کرده و به جامعه ارائه خواهند کرد.

۲) اهمیت رعایت جهت اسلامی در صنعت و فناوری در بیانات امام و رهبری:

یکی دیگر از مواردی که ضرورت انجام این پژوهش را نشان می دهد اهتمام حضرت امام خمینی و امام خامنه ای که سفیران امام زمان ارواحنا فدا و نائیبان ایشان هستند و اطاعت امرشان واجب است بر متفاوت بودن صنعت و فناوری اسلامی نسبت به صنعت و فناوری موجود است. ضرورت اسلامی شدن فناوری و صنایع کشور در برخی بیانات امام راحل عظیم الشان و امام خامنه ای حفظه الله چنین نمود یافته است.

امام راحل عظیم الشان رحمه الله تفاوت صنعت اسلامی را با صنعت کنونی جهان متذکر می شوند و می فرمایند^{۱۴}:

آیا صحیح است که چون آنها موشک درست می کنند ما باید تابع آنها باشیم، در حالی که آنها با این صنعت ها دنیا را تخریب می کنند و ما می خواهیم صنعتی داشته باشیم که تخریبگر نباشد، بلکه مفید و سازنده باشد.

امام خامنه ای نیز در دیدار با مدیران و فعالان صنعت می فرمایند^{۱۵}:

صنعت میتواند یک صنعت پیشرفته باشد، در عین حال ملاحظات دینی، ملاحظات اخلاقی، ملاحظات انسانی در صنعت کاملاً رعایت بشود. ما می خواهیم شما صنعتگران کشورمان، مدیران صنعت، نماد این حقیقت باشید. پایبند به دین و در همان حال و به همان استناد، پایبند به پیشرفت جهشی صنعت.

ایشان در دیدار دیگری^{۱۶} می فرمایند:

۱۲ سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام (بازدید خرداد 93):

<http://old.maslahat.ir/contentstopless.aspx?p=26376da7-6f20-4615-b152-991be541b236>

۱۳ سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای: (بازدید خرداد 93)

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=11270>

۱۴ موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور جلد ۱۸ ص ۲۱۸

۱۵ بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی - ۱۳۸۹/۱/۹

۱۶ دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی - ۱۳۸۱/۹/۲۶

هر دانش، فناوری و محصولی که در یک جامعه تولید می شود، محتوا و بار فرهنگی آن جامعه را نیز با خود داشته و منتقل می نماید. وقتی ما می خواهیم ساختمان بسازیم و شهرسازی کنیم، در واقع با این کار داریم فرهنگی را ترویج می کنیم، یا تولید می کنیم و یا اشاعه می دهیم. وقتی تولید اقتصادی هم می کنیم، در واقع داریم از این طریق فرهنگی را تولید می کنیم، یا اشاعه می دهیم، یا اجرا می کنیم.... فرهنگ ما باید در تولید صنعتی ما اثر بگذارد، ما چه چیزی تولید کنیم؟ چگونه تولید کنیم، برای چه تولید کنیم؟

ایشان همچنین بر نوآوری در صنعت نیز تاکید فراوانی دارند:

امروز همه همت ما این است که نه فقط علم را، بلکه فرآورده های علمی و فناوری و خرده فناوری را از آنها یاد بگیریم و آن را در این جا تقلید کنیم. این کاری نیست که یک ملت باید به آن همت بگمارد. البته این کارها باید بشود و چاره ای نیست. وقتی انسان چیزی را ندارد، آن را از کسی که دارد، می گیرد. وقتی ساخت آن را بلد نیست، از کسی که آن را بلد است، یاد می گیرد - در این شکی نیست - اما باید راه نو و فکر نو و بن بست شکنی را وجه همت خود قرار دهد.^{۱۷}

ایشان همچنین بر پیوست فرهنگی داشتن فناوری ها هم تاکید دارند.^{۱۸}

۳) افزایش مفاسد فرهنگی و زیست محیطی ناشی از رشد و گسترش صنعت و فناوری غیر قرآنی در کشور

اینکه هر ساله کلان شهرهای کشور به خاطر آلودگی هوا چند روز تعطیل می شوند و یا موضوع آلودگی آب رودخانه ها و مرگ و میر ماهی ها و یا قضیه ی ریزگردها همه ناشی از صنایع و فناوری های نامناسب و غیر قرآنی هستند و یقیناً با رشد و گسترش فناوری های قرآنی شاهد این آلودگی ها نخواهیم بود. قرآن کریم در این رابطه می فرماید:

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ^{۱۹}

فساد در خشکی و دریا به سبب دستاورد مردم نمودار شده است تا (خدا ثمره تلخ) بعضی از آنچه را انجام داده اند به آنان بچشاند شاید (از گناه) برگردند.

۴) اشتیاق جامعه ی مهندسی به فهم دیدگاه قرآن در موضوع صنعت و فناوری:

از طرف دیگر با توجه به پیشرفت صنعتی روزافزون کشور و ورود چندین میلیون از جوانان کشور به عرصه های طراحی مهندسی و صنعتی

۱۷ دیدار برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمونها سراسری ۸۰ و ۸۱ - ۱۳۸۱/۷/۳

۱۸ اینکه ما گفتیم مسائل اقتصادی و مسائل گوناگون مهم پیوست فرهنگی داشته باشد. معنای آن همین است؛ معنای آن این است که یک حرکت اساسی که در زمینه اقتصاد، در زمینه سیاست، در زمینه سازندگی، در زمینه فناوری، تولید، پیشرفت علم می خواهیم انجام بدهیم، ملتفت لوازم فرهنگی آن باشیم. گاهی اوقات انسان در یک کاری وارد میشود، یک کار اقتصادی انجام میدهد، اما لوازم آن و تبعات فرهنگی آن را توجه ندارد. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۹/۰۹/۱۳۹۲ امروز وسایل ارتباطی بسیار پیشرفته ای که وجود دارند، مثل جریانهای متعدد که به دریا می ریزند، دارند چیزهایی را به درون جامعه منتقل می کند، کتاب می آید، روزنامه می آید. کالاها و ابزارهای صنعتی می آید و هر کدام حامل فرهنگی هستند. مصنوعات موجود دنیا هم هر کدام با خود بخشی از فرهنگ را

وارد کشور می کند ۱۳۸۳/۱۰/۸

^{۱۹}سوره روم آیه ۴۱

و اقبال جوامع اسلامی بیدار شده به فهم دیدگاه قرآن کریم در این زمینه لازم به نظر می رسد که به طور مستقل به این موضوع مهم و کاربردی از دیدگاه قرآن کریم پرداخته شود. بسیاری از مهندسين دغدغه مند در این موضوع تا کنون ده ها مقاله در این باره نوشته و منتشر نموده اند اما از آنجا که این بحث یک بحث میان رشته ای است لازم است نویسندگان علاوه بر مباحث مهندسی تخصص کافی در موضوع تفسیر نیز داشته باشد. ضمن این که برای کشف دیدگاه قرآن کریم لازم است کار جامع و فراگیر بر مبنای کل آیات قرآن کریم انجام گیرد و استفاده از چند آیه و یا یک سوره شایسته نیست. عناوین و خلاصه ی نمونه هایی از مقالات همایش ها و کنفرانس های علمی و مجلات تخصصی در کشور به این شرح است:

آرمانشهر قرآنی با تحلیل مفاهیم و فضاهای معماری و شهرسازی سوره ی نحل (نخستین همایش ملی آرمان شهر ایران ۱۳۹۰)

نویسندگان: حسن ستاری ساربانقلی - عضو هیات علمی استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد، مهسا ایچیلر - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

خلاصه: در پژوهش حاضر، تلاش گردیده است مسائل مرتبط با «فضاهای معماری و شهرسازی از «سوره ی نحل» قرآن کریم استخراج گشته و دسته بندی شوند. مورد بررسی قرار دادن دو محور اصلی ۱. فضاهای معماری و شهرسازی با زیر مجموعه های: مسکن و سرپناه- شهره- راه- سازه- گرما- بهره گیری از عناصر آسمان- رنگ- تخصص- نور و سایه- آب و ۲. مفاهیم معماری و شهرسازی با زیر مجموعه های: زیبایی- نشانه ها- عبرت گیری- بهره گیری از دستورات الهی- آرامش- امنیت- درستکاری در این سوره، نشان دهنده آنست که این سوره با جامع نگری به اصول معماری و شهرسازی پرداخته است. هدف تحقیق تحلیل ویژگی های فضاهای مطلوب معماری و شهری از دیدگاه قرآن کریم و به عبارتی آرمان شهر مطلوب قرآنی در «سوره نحل» می باشد. روش گردآوری مطالب این مقاله به صورت کتابخانه ای و شیوه ی تحقیق آن به صورت تحلیلی، تفسیری می باشد. نتایج نهایی تحقیق لزوم و امکان تحقق خلق و ساماندهی فضاهای بهینه زندگی برای انسان با توجه به مباحث آرمان شهری قرآنی است.

صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم (نشریه صحیفه مبین بهار ۱۳۷۹)

نویسنده: دکتر محمد نقی زاده (عضو هیات علمی دانشکده ی هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی)

خلاصه: خدای تعالی برای حل تمام مشکلات زندگی در قرآن کریم راهنمایی هایی را معمول کرده است. از آن جمله ویژگی های یک شهر اسلامی را به لحاظ معماری و شهرسازی نمایانده است. در این مقاله سعی شده است، این ویژگی ها از آیات قرآن استخراج و معرفی شود. عناوینی که در آن مورد بحث قرار گرفته است، عبارت است از: اصول و ارزش ها، صفات فعل الهی، طبیعت و عناصر طبیعی، تنظیم روابط اجتماعی، صفات محیط مصنوع، عناصر شهری و معماری.

بررسی مبانی نظری طراحی خانه های ایرانی بعد از اسلام با تاکید بر منابع فقه و قرآن کریم (همایش منطقه ای خانه ایرانی ۸۹)

هورخش احمد نیا - عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، نصرت الله بشیری - عضو هیئت علمی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، مجید قلی زاده - عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز خلاصه: مسکن یکی از مهمترین عوامل زندگی بشری که بیش از نیمی از زندگی انسان در آن می گذرد همواره مفهوم اصلی خود یعنی فراهم کردن شرایط آرامش و آسایش برای افراد خانواده را به خوبی فراهم نموده است آنچه معماری خانه های مسلمان نشین را از سایر معماری منازل مسکونی جهان جدا میکند احترا به انسان و فضا در تعریف مفهومی خاص از خانه برای بیان مفهوم سکونت می باشد به عبارت دیگر قران و سنت حاوی فهرست منسجمی از منابعی است که میتواند مجموعه ای از اصول اساسی را به عنوان راهنما و چهارچوب برای طراحی و معماری مسکن در اختیار ما قرار دهد بنابراین طراحان و سازندگان نیز بایستی در طراحی خود این اصول را بعنوان رهنمود مدنظر قرار دهند به عبارت دیگر طراحی خانه یک مسلمان بایستی حاصل ارزش ها و عقاید اسلامی ساکنین آن باشد.

صنعت از دیدگاه امام جعفر صادق (ع)، نویسنده : غلامحسین رحیمی، استاد دانشکده فنی دانشگاه تربیت مدرس.
(فصلنامه تاریخ و تمدن - شماره ۴)

چکیده : بهره گیری هوشمندانه از منابع علمی تمدن اسلامی، به ویژه توجه به متون دینی و استنتاج اصول و قواعد علمی در رشته های مختلف، می تواند در بومی سازی منابع آموزشی و کمک آموزشی راهگشا باشد. تصور عمومی و اولیه دانشجویان و اساتید بر آن است که پیشوایان دین مبین اسلام بیشتر به حوزه فقه، اخلاق، عرفان و بخش هایی از علوم عقلی محض پرداخته، و نسبت به دانش تجربی به ویژه حوزه های کاربردی آن بی توجه بوده اند. مقاله پیش رو درصدد بیان غنای مکتب ائمه و توجه ایشان به مسائل مهم زندگی فردی و اجتماعی انسان هاست؛ از این رو، پس از طرح بیانات امام جعفر صادق (ع) از کتاب گران سنگ تحف العقول درباره صنعت و مصنوعات صنعتی، در حد اولیه به تشریح آن خواهیم پرداخت. در این مقاله نشان داده می شود که حضرت با دید مثبت نسبت به صنایع و تأیید عمومی و همه جانبه بر آن، دو دسته قیود برای مصنوعات قائل اند: توجه به منع های شرعی که بخش بسیار معدودی از صنایع را دربرمی گیرد؛ و قیود اخلاقی.

معماری و هنر از دیدگاه قرآن (همایش بین المللی دین در آئینه هنر ۹۱)

نویسندگان: الهه اسماعیلی - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، محمد پروا - دکتری استادیار گروه معماری دانشگاه علوم تحقیقات فارس، محسن علی برز - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری

خلاصه: قرآن بعنوان یکی از بارزترین معجزات الهی مطرح بوده و بدون شک تاثیراتی بر تمامی شئون انسانی دارد هنر معماری نیز از این قاعده مستثنی نیست در این راستا این مقاله با بررسی کمی معماری از دیدگاه قرآن و معرفی اشارات مستقیم یا غیرمستقیم آیات قرآنی به معماری و گاه هنر می پردازد با توجه به اینکه در قرآن عموماً به جای جملات و توصیفات معماری کلمات مرتبط با معماری به چشم می خورد به جای جملات معماری این کلمات در نظر گرفته شده اند در ادامه نیز از تاثیر و کاربرد قران در معماری و هنر صحبت می گردد این تحقیق بر مبنای یک پژوهش کمی و با بررسی تعداد واژه های مرتبط با معماری به کاررفته در قرآن به تحلیل و میزان تاثیر گذاری واژه ها در این معجزه الهی می پردازد برای تفهیم بیشتر موضوع ضمن آوردن چند نمونه مثال کاربردهایی از قران و آیات قرآنی به رشته تحریر درآمده و در پایان تاثیر قران به عنوان یک کتاب و یا در جایگاه یک منبع نقل قول بر روی معماری و هنر تجزیه و تحلیل می گردد.

صفات آرمانشهر ایرانی اسلامی برگرفته از مبانی اسلام (نخستین همایش ملی آرمان شهر ایران ۹۰)

نویسندگان: محمد مهدی گودرزی سروش - عضو هیأت عملی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، نگار مهدی تبار آری - دانشجوی ارشد معماری دانشگاه گیلان

خلاصه: بشر به دلیل ذات کمال گرایی که دارد، از دیرباز در پی ساخت آرمانشهری مطابق با افکار و علایق خویش بوده است. در هر دوره ی تاریخی، متفکران، مدینه فاضله ای را به تناسب آرمان های خودشان ترسیم نموده اند. اما هیچ یک به معنای واقعی آرمانی، کامل و بدون نقص نبوده اند. این امر به دلیل ماهیت عقل انسان است که چون محدود به دایره ی زمان و مکان است، ناگزیر دید جامعی ندارد و نمی تواند طرحی بدون نقص ارائه دهد. با گذر زمان و گاهی حتی در همان زمان کاستی های آرمانشهر های ترسیم شده توسط متفکران رخ نمود. انسان روح الهی دارد و باید محیط زندگی اش و آرمانشهری که برای وی ترسیم می شود تناسب با این روح لایتناهی داشته باشد. از این رو بهترین منبع الهام برای ترسیم آرمانشهر حقیقی، تعالیم آسمانی و بهره گیری از ادیان است. از آنجایی که کاملترین دین، اسلام است، در این نوشتار تلاش شده است تا با بهره گیری از فرامین دین اسلام به خصوص آن چنان که در قرآن و نهج البلاغه آمده است، دورنمایی از آرمانشهر اسلامی ترسیم گردد.

مصادیق و مفاهیم معمارانه پدیده های طبیعی خلقت از دیدگاه قرآن مجید (اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی ۹۰)

نویسنده: محمد مهدی پوستین دوز - استادیار گروه معماری دانشگاه هنر اصفهان

خلاصه: ویژگیهای معمارانه پدیده های طبیعی خلقت در قرآن مجید در قالب مصادیق مختلف مطرح شده اند. علاوه بر ویژگیها، مبانی نظم دهنده یا معماری بخش به پدیده های طبیعی خلقت در قالب مفاهیم معمارانه آنها مطرح شده اند. در مقاله حاضر جنبه های مفهومی و مصادقی بنا یا کالبد و نتیجه آن یعنی فضا که توسط پدیده های خلقت ایجاد شده است از قرآن مجید استخراج شده و از دیدگاه تفاسیر معتبر شیعه و سایر منابع مرتبط توضیح داده شده اند. دو نکته دیگری که مورد توجه قرار گرفته اند عبارتند از: ۱- هدف الهی از آفرینش مصادیق و مفاهیم معمارانه پدیده های طبیعی خلقت چیست؟ که در این رابطه دو هدف ابتدایی و نهایی الهی توضیح داده شده اند. ۲- اثر و نتیجه یا فایده نظم (یا معماری) پدیده های مذکور چیست؟ در پایان یاد داشتها و منابع ذکر شده اند.

اصول شهرسازی اسلامی از نظرگاه قرآنی (دومین همایش ملی شهر اسلامی ۹۱)

نویسندگان: سیده مهدیه میرمیران - نویسنده مسئول . کارشناس ارشد معماری ، مدرس دانشگاه، فاطمه الیاسی - کارشناس ارشد معماری ، مدرس دانشگاه

خلاصه: مقاله حاضر با هدف بررسی اصول معماری اسلامی مرتبط با شهرسازی در آیات قرآن و امکان به کارگیری آن برای شهرسازی معاصر تدوین شده است که نتیجه تحقیق و تفحص در قرآن کریم ، تفسیر نمونه و کتب و مقالات مرتبط است . با بررسی آیات ، ۱۵۱ آیه مرتبط با شهر و شهرسازی و مباحث مرتبط با آن تشخیص داده شد . سپس با استفاده از روش تحلیلی ، آیات براساس ۵ اصل دسته بندی گردید . سپس بر مبنای میزان توجه و تکرار در قرآن ۱۹ سطح مختلف تشخیص داده شد . بیش ترین تکرار معیار ، مرتبط با اصل رده بندی اهداف کمی و کیفی است که مشتمل بر زیر سامانه های ساختاری ، کالبدی ، کارکردی و پیرامونی می باشد . سطح بندی اهمیت معیارها در آیات به دست آمده می تواند راه گشای توجه بیشتر حوزه های مرتبط با شهر و شهرسازی به این مباحث گردد.

مهندسی ساختمان و شهرسازی از دیدگاه قرآن (همایش منطقه ای تاثیر آموزه های اسلامی در پیشرفت علوم و فناوری های نوین ۹۲)

نویسنده: حسین احمدی - دانشجوی مهندسی سازه، موسسه آموزش عالی پویندگان دانش

خلاصه: انسان به عنوان موجودی اجتماعی، هویتی جمع گرایانه دارد و نمی تواند بدون حضور دیگران، زندگی با آرامش و در مسیر کمال را طی کند. این قالب اجتماعی در معیاری کوچک در یک خانواده و در اندازه وسیع تر در قالب یک اجتماع شهری ظهور پیدا می کند. بر همین اساس نیز نمی توان تصور کرد که دستورات دینی برای انسان آمده باشند اما از این هويت جمعی غفلت شده باشد زیرا ویژگی آدمی، انس گرفتن با دیگران است و اگر قرآن کریم به عنوان قانون اساسی رشد انسانی صادر شده-که بر همین اساس نیز نازل شده است- باید در میان این آیات، ویژگی های یک شهر دینی را که می تواند تجلی باورها و ارزش های فرهنگی جامعه باشد، یافت. همانگونه که قرآن کریم در معرفی خود گفته است: « و لا حبه فی الظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین » و هیچ دانه در زیر تاریکی های زمین و هیچ تر و خشکی نیست جز آن که در کتاب مبین و قرآن عظیم مسطور است (آیه ۵۹ سوره مبارکه ی انعام) و در روایاتی از امام صادق (ع) به این موضوع تاکید شده است، که ایشان می فرمایند: «خدای تبارک و تعالی در قرآن بیان هر چیز را فرو فرستاده تا آنجا که به خدا سوگند چیزی را از احتیاجات بندگان فرو گذار نفرموده است تا آنجا که هیچ بنده ای نتواند بگوید ای کاش، این در قرآن آمده بود جز آن که خدا آن را در قرآن فرو فرستاده است». حال در این پژوهش اهتمام ما بر این بوده است که با توجه به تفاسیر، کتاب ها و روایات مختلف بتوانیم به بیان ویژگی های یک ساختمان و شهر اسلامی از دیدگاه قرآن بپردازیم.

تسخیر طبیعت در قرآن و تغییر طبیعت در دنیای مدرن برخی تفاوت های این دو مفهوم و تبعات این افتراق در تکنولوژی (سومین همایش ملی بزرگداشت سهروردی با موضوع اخلاق کاربردی ۹۱)

نویسندگان: مهدی کفائی - عضو پژوهشکده علم، فلسفه و اخلاق مهندسی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر مصطفی تقوی - مدرس گروه فلسفه علم، دانشگاه صنعتی شریف

خلاصه: یکی از مفاهیمی که در ارتباط مستقیم و همه جانبه با مفهوم تکنولوژی قرار دارد، مفهوم تغییر طبیعت است. بدون مفهوم تغییر، واژه تکنولوژی بی معنی میشود و در خارج نیز امکان تحقق پیدا نمی کند. این مفهوم در ارتباط با تکنولوژی جدید معنای خاص تری پیدا تصریح دارد که، «تسخیر طبیعت» میکند. همچنین در قرآن ضمن به کارگیری مفهوم خدا جهان را برای انسان تسخیر نموده است. هرچند این دو مفهوم دقیقاً با یکدیگر متناظر نیستند ولی در این مقاله سعی داریم تا این دو مفهوم را با هم مقایسه نموده و تأثیر توجه به هر کدام از این دو مفهوم را در تکنولوژی و الگوی زندگی نشان دهیم. به نظر میرسد بحث توسعه پایدار در بستر مفهوم تسخیر طبیعت بتواند جایگاه روشن تری برای خود بیابد. همچنین برای تصحیح ارتباط انسان با محیط زیست در حوزه عمل، رویکرد تکلیف گرا به عنوان یک راهکار ارائه شده است.

دیدگاه قرآن در مدیریت منابع آب (همایش بین المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب ۹۰)

نویسندگان: سهیل سبحان اردکانی - استادیار گروه محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، فائزه دانشوری - دانشجوی

کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی - محیط زیست، دانشگاه آزاداسلامی، ساناز آشورلو - دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی - محیط زیست، دانشگاه آزاداسلامی، میثم موسوی نیا - دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی - محیط زیست، دانشگاه آزاداسلامی

خلاصه: (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا) هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم. (سوره ی انبیاء، آیه ی ۳۰) در طول ادوار گذشته تاریخ، آدمیان «آب» را به عنوان عنصری تمدن ساز می نگریسته اند. هر کجا آبادانی در پهنه گیتی نمایان شده است، بقای خود را از این گوهر هستی بخش داشته است و در واقع آب، ضامن حیات جوامع انسانی قلمداد می شود. در طول تاریخ آب عامل مهمی در شکل دادن به روش زندگی بشر و توسعه فناوری، زبان و فرهنگ بوده است، که همواره بشر از طریق فعالیت های مختلف این نعمت مقدس را آلوده می کند دین اسلام، دین اعتدال، میانه روی و دوری از افراط و تفریط است. اسلام سعی می کند با برنامه های متعدد پیروان خویش را در راه راست و خط اعتدال نگهدارد و با افراط و تفریط در هر امری مخالف است و آن را برای زندگی دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی مسلمانان مضر می داند. آیات قرآن و احادیث فراوان، با تعبیر گوناگون، اسراف و زیاده روی در هر کاری را به طور عام و در مورد آب به طور خاص مورد نکوهش قرار داده است. قرآن کریم دو عبارت صریح راجع به صرفه جویی و مدیریت آب دارد؛ اول آن که منابع آب ثابت است (و آن خدایی که از آسمان آبی به قدر و اندازه نازل می کند) و دوم اینکه در مصرف آب نباید اسراف شود (از نعمت های خدا بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسراف کاران را دوست ندارد). یکی دیگر از راههای مدیریت آب که خداوند در آیات ۱۶ و ۱۵ سوره سبأ به آن اشاره فرموده اند، سدسازی و جدول کشی و تقسیم و توزیع عادلانه آب است. از این رو در این نوشتار سعی شده است تا با اشاره ای بر ارزش و اهمیت آب در کلام خداوند و بر اساس تعالیم قرآن به بررسی ارزش آب در تکوین حیات و راهبردهای مدیریتی برای حفظ این منبع ارزشمند بپردازیم.

اصلاح الگوی مصرف از منظر قرآن و روایات در بخش کشاورزی (همایش ملی اصلاح الگوی تولید و مصرف ۹۰)

نویسندگان: امین رستمی - دانشگاه پیام نور کرمان - واحد بردسیر، مهلا آقاملابی - دانشجوی دانشگاه پیام نور مرکز کرمان

خلاصه: سال اصلاح الگوی مصرف، فرصت مناسبی پیش روی پژوهشگران قرار داد تا همت خود را در تبیین و ارائه راهکارهای پیشنهادی جهت تحقق این آرمان مصروف دارند. در بخش کشاورزی نه تنها اصلاح الگوی مصرف، که اصلاح الگوی تولید نیز ضرورتی انکارناپذیر است، آمارهای منتشره نشان می دهد که متأسفانه میزان ضایعات کشور در این بخش قریب ۳۰ درصد است که معادل غذای مصرفی ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر می باشد. همچنین جهت نشان دادن اهمیت اصلاح الگوی تولید از مراحل پیش از کاشت یعنی عملیات تسطیح و آماده سازی زمین تا پس از برداشت یا فرآوری، می توان به مصرف خودسرانه و بی حساب نهاده های کشاورزی از جمله برداشت بی رویه از منابع آب زیرزمینی اشاره نمود که برخی پژوهشها نشان می دهد افت سطح ایستابی در برخی مناطق سالانه به بیش از ۷ متر رسیده است؛ در امر بسته بندی نیز، سالانه حدود ۵۰ درصد از محصولات کشاورزی در سطح دنیا بخاطر عدم گسترش این صنعت از بین می رود از این رو می توان با اجرای یک الگوی صحیح تولید و مصرف، حتی بدون افزایش سطح زیر کشت، غذای بخش قابل توجهی از جامعه بشری را تامین و از هدر رفت منابع و امکانات طبیعی جلوگیری و برای آیندگان حفظشان نمود. در این پژوهش با بیان ضرورت اصلاح الگوی تولید و مصرف از منظر آیات و روایات و با اشاره به دستورات مترقی اقتصادی اسلام چه در واجبات مثل خمس و زکات و چه در مستحبات چون انفاق، صدقه، وقف و قرض و همچنین با تبیین مشکلات در بخش کشاورزی و رویکرد غیر صحیح کشاورزان، راه کارهایی نظری و عملی در دو بخش باورها و عملکردها ارائه می گردد.

مدیریت منابع آب از دیدگاه قرآن کریم (همایش بین المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب ۹۰)

نویسندگان: حسین ملکی نژاد - دانشیار گروه منابع طبیعی دانشگاه یزد، دانشگاه یزد - دانشکده منابع طبیعی، ریحانه طاهری - دانشجوی

کارشناسی ارشد آبخیزداری دانشگاه یزد، منیژه اسکندری - دانشجوی کارشناسی ارشد آبخیزداری دانشگاه یزد

خلاصه: آب از دیرباز و از بدو پیدایش حیات، نقش اساسی در ادامه زندگی و طبیعتاً موجودیت انسان ایفا کرده است. در طول تاریخ، آب عامل مهمی در شکل دادن به روش زندگی بشر و توسعه تکنولوژی، زبان و فرهنگ بوده است. انسان به طرق مختلف با انجام فعالیت های کشاورزی، صنعتی و... به راحتی آب، این نعمت مقدس خداوندی را آلوده می نماید و با گذشت زمان، شاهد تنزل کیفیت آب، به خصوص منابع محدود آب شیرین خواهد بود. در احادیث مختلف از ائمه اطهار و آیات متعدد قرآن کریم به صورت مکرر نسبت به اهمیت این ماده در زندگی بشر اشاره شده است. با کنکاش در آیات قرآن کریم درمی یابیم که علاوه بر اشاره به اهمیت حیاتی آب، به نکات علمی و خواص فیزیکی و شیمیایی آب نیز به صور مختلف اشاره شده است و انسان را به تعمق بیشتر و پی بردن به ارزش این ماده حیاتی وادار نموده است. قرآن کریم، توجه و عنایت فوق العاده ای به طبیعت و عناصر طبیعت دارد (در این میان، آب از عمده ترین عناصر طبیعت به شمار می آید)، به طوری که در میان ادیان الهی هیچکدام به اندازه دین مبین اسلام، به ویژه قرآن کریم، به موضوع «آب» نپرداخته اند؛ تنوع موضوعی، تفصیل مباحث آب و تأکیدات قرآن به ارزش و اهمیت آب، بیانگر این حقیقت است که توجه قرآن، به طبیعت و بالخصوص آب همه سویه بوده است. واژه «ماء» اصل عبری آن «مِی - میم» و سریانی آن «میا» است که در عربی تغییر شکل داد و «ماء» شد. این لغت در اصل به معنی «هر مایع غیر جامد» است، چه آب مطلق باشد یا آب های مضاف، ولی وقتی به صورت «ماء» مطلق استفاده می شود، مراد از آن، آب خالص است. آب در قرآن اهمیتی عمیق دارد. خداوند در آیات متعدد، انسان را به تفکر در آب و شکرگزاری این نعمت بزرگ یادآور شده است. آب به عنوان برکت خداوندی است که حیات می بخشد، حیات را حفظ می کند و بشر و زمین را پاکیزه می گرداند. عرش خدا بر آب بوده و بهشت به صورت باغ هایی که نهلهایی زیر آنها جاری است، تشریح می گردد. به نظر می رسد که در قرآن، آب با ارزش ترین آفریده خداوند بعد از انسان می باشد. به خاصیت «حیات دهنده» آب در آیات متعدد قرآن اشاره شده است. آب نه تنها حیات می بخشد بلکه هر حیاتی اصلش از آب است (ما هر موجود زنده ای را از آب آفریدیم). قرآن کریم دو عبارت صریح راجع به صرفه جویی آب و مدیریت تقاضا دارد: اول اینکه منابع آب، ثابت (معین) است (و آن خدایی که از آسمان آبی به قدر و اندازه نازل می کند...) و ثانیاً در مصرف آب نباید اسراف شود (از نعمت های خدا بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد). در این مقاله سعی می شود اهمیت و جایگاه آب از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد.

نشانه های مهندسی در قرآن (همایش منطقه ای تاثیر آموزه های اسلامی در پیشرفت علوم و فناوری های نوین ۹۲)

نویسنده: منیره حکمت پناه - عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور / آذربایجان شرقی / واحد هریس

خلاصه: انسان زمانی می تواند به عظمت پروردگار پی ببرد که اهل تفکر و اندیشه باشد و اگر کسی به قرآن از زوایای مختلف از جمله فصاحت و بلاغت، محتوای عالی و خالی از هر گونه خرافات آن با تأمل و تدبر بنگرد قطعاً برایش یکی از چهره ها و جهات اعجاز آن بالاخص در زمینه مسایل علمی و مهندسی آشکار خواهد شد. فقط قرآن در مورد مسایل فنی و مهندسی به بیان جزئیات نپرداخته است بلکه اصول لایتغیر را بعنوان سنت الله مطرح فرموده که در همه اعصار و قرون با روشهای مجاز قابل اجرا باشد در این مقاله نویسنده به لطف الهی به بررسی برخی از پدیده هایی از جمله مهندسی شهر سازی اسلامی و خانه سازی اعجاب انگیز زنبوران عسل و مورچگان و ... که قرآن در موردشان سخن فرموده است خواهد پرداخت که امید است نتایج تفحص و تدقیق در متون فنی و مهندسی قرآن، راهنمای دست اندر کاران مهندسیین متعهد مربوطه قرار گرفته و با بکارگیری اصول مهندسی قرآنی و اسلامی، زیبایی الهی و معنوی جایگزین زیبایی یا

کشا ورزی علمی و پایدار در قرآن (کنفرانس ملی حفاظت از تنوع زیستی و دانش بومی ۸۹)

نویسندگان: رضا شاه حسینی - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم باغبانی دانشگاه تربیت مدرس تهران، رضا حقی دره ده - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه اصلاح نباتات، عباس یداللهی - استادیار گروه علوم باغبانی، دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس، حسین خسروی - دانشجوی کارشناسی ارشد اصلاح نباتات

خلاصه: و مثل (صدقات) کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودر خدا و استواری روحشان انفاق می کنند، همچون مثل باغی است که بر فراز پشته ای (بلندی، ناهمواری) قرار دارد (که اگر) رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد و اگر رگباری هم بر آن نرسد (باران ریزی) برای آن بس است (و خداوند) به آنچه انجام می دهید بیناست (بقره، ۲۶۵). با توجه به کوهستانی و ناهموار بودن کشور و پراکنش نامناسب بارندگی، تخمین زده می شود حدود ۶۵ درصد بارش ها در کشور به علت استفاده از شیوه های سنتی آبیاری هدر می رود. شرایط اقلیمی و توپوگرافی ایران از مهم ترین کارمایه ها برای توسعه باغات است. به دلیل اهمیت تامین آب برای درختان میوه و محدودیت منابع آب، در سیستم کشت دیم استفاده از روش هایی که به طور طبیعی از بارندگی موجود حداکثر بهره برداری را می نمایند بسیار حائز اهمیت هستند. در سیستم کشت دیم با توجه به بارندگی و آبیاری محدود، یکی از نقاط کلیدی در مدیریت باغ، افزایش حفظ توانایی خاک در نگهداری آب جذب شده می باشد. در نتیجه در این روش، هدف اصلی مدیریت نزولات آسمانی در جهت کاهش تبخیر و تعرق و افزایش راندمان جذب آب توسط گیاه می باشد. بیشتر منابع علمی موجود در کشور ترجمه هایی از کتب دانشگاه های اروپا و امریکا هستند که شرایط کاملا متفاوتی با اقلیم کشور ما دارند و عدم توجه به این موضوع باعث خسارت های هنگفت به صنعت کشاورزی مملکت شده است. در حالی که توجه به قرآن کریم به عنوان یک منبع جهانی کارآمد می تواند مشکلات عدیده کشاورزی پایدار را کاهش دهد. به عنوان مثال مطابق نص صریح آیات الهی با انتخاب صحیح محل کشت، انتخاب گونه های مقاوم یا متحمل به خشکی (زیتون، انجیر، انگور و میوه های خشک) و استفاده بهینه از آب باران، می توان در مکان های شیب دار کم بازده اقدام به کشت باغ به صورت دیم نمود.

قرآن و علوم مهندسی (همایش منطقه ای تاثیر آموزه های اسلامی در پیشرفت علوم و فناوری های نوین ۹۲)

نویسنده: یاسمن عابد - هیات علمی فیزیک پیام نور آباده

خلاصه: قرآن از نظر علوم روز و اکتشافات علمی، در بر دارنده مسائلی از علوم طبیعی است که منطبق با قواعد علمی امروز می باشد شاید بیشتر افراد قرآن را یک کتاب که حاوی یک سری آیات بوده که فقط وسیله ای برای ارتباط با خدا است می داند اما چه بسیار مفاهیم علمی که در این کتاب آمده و چه رهنمودهای ارزنده ای که پیش روی ما قرار داده است به همین دلیل بر آن شدیم تا گوشه ای از این کتاب و اشارات آن به علم مهندسی را بررسی کنیم در این مقاله به بررسی ارتباط بین آیات قرآن و علوم مهندسی پرداختیم و آیاتی را برای اشاره هر چه بیشتر به این موضوع بیان کردیم شاید برای همگان سوال باشد که قرآن چگونه به مساله مهندسی آب عمران معماری کشتی سازی شیمی هواشناسی پرداخته است و کدام آیات دال بر این مدعا هستند.

تبیین مفهوم درون گرایی در شهر اسلامی از طریق تحلیل آیات قرآن کریم و نهج البلاغه (نشریه هفت حصار زمستان

۹۱)

نویسنده: سعیدعلی تاجر، سمیه افشاری آزاد

چکیده: نگاه مفهومی به موضوع درون گرایی به عنوان یکی از شاخص ترین ویژگی های مطرح شده در معماری های منتسب به اسلام، مساله اصلی این پژوهش است که پس از ارائه تحلیل های موجود از موضوع درون گرایی و نقد مختصر آنها، با تمرکز بر توپولوژی رابطه شهر و فضای معماری، به تبیین این مفهوم پرداخته می شود. در این راستا، ابتدا مدلی از انسان شناسی اسلام ترسیم و سپس با تکیه بر این مدل، عناصر محیطی انسان ساخت که در منابع اصلی اسلامی (آیات قرآن و روایات) مورد اشاره است، شناسایی و معرفی می گردد. آنگاه موضوع اصلی تحقیق «مفهوم درون و بیرون» مطرح می شود به این ترتیب که: پنج موضوع موثر در ایجاد معنای درون از یک فضا شامل محصوریت، ضوابط دخول، حوزه خلوت، دوام حضور در قلمرو و تفکیک جنسیتی، در چهار عنصر کالبدی مورد تاکید در منابع اسلامی (بیت، مسجد، سوق و سبیل) بررسی می گردد و این بررسی ها به صورت تطبیقی با ادبیات معنانشناسی روابط انسان - محیط، پی گرفته و در پایان، ضمن تعریف دوباره درون گرایی، مدلی از این فضاها و شهر اسلامی ارائه می شود.

در آمدی بر ارزش و مدیریت اسلامی آب از دیدگاه قرآن (نخستین کنفرانس پژوهشهای کاربردی منابع آب ایران

۸۹)

نویسنده: علیرضا الماسوندی - مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب ایران

خلاصه: اهمیت نقش و جایگاه ایدئولوژی اسلامی در مدیریت منابع آب با این نکته که یک پنجم جمعیت جهان را مسلمانان تشکیل می دهند مسجل می گردد. منابع آب در تعالیم اسلامی جایگاهی رفیع دارد تا جایی که خداوند همه موجودات را از آب می آفریند، در قرآن کریم به کرات آب مظهر قدرت و نعمت شناخته شده و خداوند بندگان را با این موهبت الهی منعم ساخته است. آیات قرآن به مثابه راهبردی روشن و سندی معتبر از اعجاز الهی، می تواند تاثیری شگرف در مدیریت منابع آبی داشته باشد که بر مدار اندیشه اسلامی برنامه ریزی شده است. تعالیم دینی و به ویژه مدیریت اسلامی منابع آب م تواند رهیافتی نو برای حل مشکلات آب در کشورهای اسلامی و ب هویژه کشور ما باشد. بی گمان انجام درست مدیریت و برنامه ریزی موفق برای صنعت آب کشور در سایه تغییر نگاه ابزاری به آب به نگاهی توأم با بینش اعتقادی و احترام و ارزشگزاری برای آب میسر است. تسری این بینش به بدنه جامعه کاری بسیار ارزشمند و گرانقدر خواهد بود. مطمئناً هر گونه تلاشی که برای برون رفت از بحران آب برای پایداری و حصول نتیجه بهتر انجام می گیرد یا در شرف انجام است لازم است با فرهنگ و اعتقادات عامه مردم عجین گردد. این نوشتار در تلاش است تا با اشاره ای بر ارزش و اهمیت آب در کلام خداوند و بر اساس تعالیم قرآن به بازکاوی ارزش آب در تکوین حیات و راهبردهای مدیریتی برای حفظ منابع آن بپردازد.

حکمت عناصر معماری منظر در بهشت قرآنی با تاکید بر سوره مبارکه الرحمن (نشریه صفه تابستان ۹۰)

نویسنده: محمدرضا بمانیان، مجتبی انصاری، عبدالحمید نقره کار، بهزاد وثیق، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده: در این مقاله، ابتدا با مطالعه پیشینه متافیزیکی عناصر باغ اسلامی مانند درخت و آب، به این عناصر پرداخته و پس از آن با مطالعه بر روی عناصر مذکور، از دیدگاه حکمت اسلامی در قرآن و نمونه های باغ اسلامی، سعی شده تا با نزدیک شدن به حکمت مفاهیم بهشت

و با جستجو در متن قرآن و توجه ویژه به سوره الرحمن، تفاسیر مربوط به این سوره مطالعه شود. بر اساس مطالعات انجام شده در این مقاله، می توان دریافت که باید حکمت عناصر باغ، مانند نور و سایه، درخت و گیاهان، آب، غرفه و قصور، و مانند آن را در نظم بندی محکمی دانست، که بر اساس هندسه قدسی، و علم الهی، انسان را به سعادت رهنمون کند.

جایگاه مدیریت منابع آبی و محیط زیست از دیدگاه قرآن (اولین همایش تخصصی محیط زیست، انرژی و صنعت پاک ۹۲)

نویسندگان: زهرا شکوری- مدیر روابط عمومی آب و فاضلاب شهری استان زنجان، دانشجوی ارشد دانشگاه آزاد واحد زنجان، مسلم پور نصرت- مدیر عامل آب و فاضلاب استان زنجان، کارشناس ارشد مدیریت دولتی

خلاصه: قرآن کریم توجه و عنایت فوق العاده ای به طبیعت و عناصر طبیعت دارد که در این میان آب از عمده ترین این عناصر به شمار می آید. آب، محتوای هستی، پیدایش، محتوای تغییر و تحول، رشد و نمو آبادی و آبادانی است. آب سحرآمیزترین عنصر حیات زای این کره خاکی بوده که در عین وفور و کثرت ظاهری بسیار اندک و کم مقدار است. انسان به طرق مختلف با انجام فعالیتهای کشاورزی و صنعتی و ... به راحتی آب این نعمت مقدس خداوندی را آلوده می نماید و با گذشت زمان مخازن آب سالم و گوارا به تدریج آلوده شده و شاهد تنزل کیفیت آب به خصوص منابع محدود آب شیرین است. پروردگار متعال در ۴۳ سوره شریفه قرآن از آب تحت عنوان «ماء» با معانی گوناگون یاد نموده است که وجود احادیث و روایات و آیات متعدد در قرآن نشان از اهمیت این ماده حیاتی در بین مسلمانان دارد. این مقاله با هدف بررسی نقش قرآن و آموزه های دینی در زمینه مدیریت منابع آبی با استفاده از آیات قرآن کریم، احادیث، کتب و مقالات موجود در این زمینه به بحث پیرامون آب و مفاهیم مرتبط با مدیریت این منبع از دیدگاه اسلام پرداخته است. بررسی آیات قرآن در این رابطه اهمیت حیات بخش آب را به عنوان اساسی ترین عنصر پیدایش طبیعت و تمام موجودات از جمله انسان را به خوبی نشان میدهد. همچنین نگرش اسلام و آموزه های دینی می تواند نقش مهم و بنیادی در ارائه بینش صحیح در تبیین جایگاه محیط زیست و وظیفه انسان در قبال آن که همانا مسئله حفاظت از منابع مختلف از جمله منابع آبی است ایفاء نماید.

پیشرفت تکنولوژی در سایه فرهنگ اسلامی (اولین کنفرانس ملی مهندسی صنایع و سیستم ها ۹۱)

نویسندگان: سمیه عظیمی - دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، سینا شجاعی - دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، محمد مهدوی - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

خلاصه: علم و تکنولوژی هدیه خداوند است شاید تکنولوژی بزرگترین هدیه ای است که خداوند بعد از حیات به بشر مرحمت فرموده این هدیه از اول خلقت ادم از سوی خداوند با علم و حکمت به وی اموخته شده که او را به امتیاز خلیفه الهی مفتخر نمود همانطور که میدانیم بشر از ابتدای خلقت همواره به دنبال نوعی آرامش و رفاه بوده است که تدریجا در طول عمر خود این آرامش و رفاه را تجربه کرده است از ظرفی رسیدن به آرامش نیازمند توسعه و پیشرفت است که این خود در گرو زحمت و تلاش می باشد برای دستیابی راه چنین پیشرفت و توسعه ای تکنولوژی شناسایی ملت ها تمدن ها فرهنگ ها و ارتباط افراد در برخورد با یکدیگر امری مهم و ضروری به نظر می رسد از این جهت تکنولوژی در جهان امروز با تحول انسان و جامعه انسانی درهم تنیده شده است و به عبارت دیگر هرگونه تحول تکنولوژیکی و صنعتی با تحول فرهنگ توأم است و در نتیجه پیشرفت فرهنگ با تحول رشد و توسعه تکنولوژی هم سو است و یکی برد دیگری اثر میگذارد بطور کلی این مقاله مبتنی بر روشنگری اسلام برای نسل امروزی در جهت پیشرفت تکنولوژی در سایه فرهنگ اسلامی می باشد که از اهداف

مهم آن می توان به : دستیابی به صنعت و تکنولوژی اسلامی در سایه عمل به اصول قرآنی و شناخت فرهنگ ها و تمدنهای مختلف به منظور هشیاری و برطرف کردن نیازهای انسان در سایه اصول اسلامی و مبارزه با ترویج منش غربی در هرزمینه ای و نهایتاً مبارزه با تهاجم فرهنگی با تمسک به اسلام و قرآن .

بررسی دیدگاه زیست محیطی قرآن و اسلام درباره جایگاه آب (همایش علمی چالش آب در استان قم ۸۹)

نویسندگان: حسین گنجی دوست - ازاد عرفانی جاودانی - طهمورث حیدری موصولو

خلاصه: آب از دیر باز و از بدو پیدایش حیات، نقش اساسی در ادامه زندگی و طبیعتاً در موجودیت انسان ایفا کرده است. نقش آب در پیدایش و رشد حیات در نظریه های علمی نیز مدتها مورد توجه دانشمندان قرار گرفته و امروزه همه در آن اتفاق نظر دارند. آب همچنین بشر را به ایجاد شاهکارهای فوق العاده مهندسی سوق داده است و ساخت آبراههای سنتی در دوران اوج قدرت امپراتوری روم و ایران، ساخت سد های کوچک، حمام های عمومی، چاه ها و قنوات باقی مانده و لوله کشی های سفالینی مصداقی از شاهکارهای فوق می باشند. در طول تاریخ آب عامل مهمی در شکل دادن به روش زندگی بشر توسعه تکنولوژی، زبان، و فرهنگ بوده است. مع الوصف هزاران سال است که انسان به طریق مختلف با انجام فعالیت های کشاورزی و صنعتی و... به راحتی آب این نعمت مقدس خداوندی را الوده می نماید. رشد روز افزون جمعیت و بدنبال آن افزایش نیاز به امکانات و مواد اولیه باعث شده است که آب های زیر زمینی و سطحی با مواد شیمیایی جدیدی آلوده شده و با گذشت زمان مخازن آب سالم و گوارا به تدریج آلوده شده و کیفیت آب بخصوص منابع محدود آب شیرین کاهش یابد. هدف از مقاله مروری بر اهمیت و ارزش آب از نظر اسلام و قرآن کریم است.

همچنین این مقالات و بسیاری مقالات دیگر در این زمینه نشان دهنده ی شور و شوق وصف ناپذیر جوانان مهندس ایرانی در کشف نظرگاه قرآن کریم در موضوع فناوری است.

مسکن و شهرسازی در سایه ی قرآن (نشریه فرهنگ اصفهان ۱۳۷۶) نویسنده: سید مصطفی میرسلیم

بررسی صفات و ساختار شهر فرهنگی اسلامی و تبیین ابعاد ساختاری شهر اسلامی از دیدگاه قرآن کریم (دومین همایش ملی شهراسلامی)، نویسنده: سید رسول زیرک، لیلا فاتحی اقدام

باغ ایرانی، آئینه معمارانه بهشت جاودانی در شهر اسلامی (ترجمان معمارانه باغ با الهام از آیات بهشت در قرآن کریم) (دومین همایش ملی شهراسلامی)، نویسنده: اکرم السادات میرممتاز، سید محمد مهدی میرممتاز، فاطمه قلی پور

شهر اسلامی از دیدگاه قرآن (دومین همایش ملی شهراسلامی)، نویسنده: مریم باقری، حمید رضوی

شهر اسلامی - ایرانی با الگوی توسعه پایدار قرآنی (دومین همایش ملی شهراسلامی)، نویسنده: ساناز لیتکوهی، پریسا شیرانی و ده ها پژوهش دیگر از این سنخ... گرچه باید دست این پژوهش گران را که در این وانفسای غریزدگی صنعتی دست نیاز به قرآن دراز کرده اند بوسید اما متأسفانه تنها از باب اعجاز قرآن کریم و احیانا تبرک و تیمن پژوهش به قرآن کریم به این پژوهش ها نگاه می شود و به صورت جدی در دانشگاه ها و صنایع و سازمانهای مسئول برای کشف صنعت و فناوری از قرآن اهتمام نمی شود.

۵) زمینه سازی برای ایجاد سبک زندگی اسلامی و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی

بدیهی است که لازمه ی ایجاد سبک زندگی اسلامی دانستن نوع تعامل اسلامی با صنایع و فناوری هاست. از طرفی لازم است خود این صنایع و فناوری ها هم به گونه ای طراحی شوند که اختلالی در سبک زندگی اسلامی ایجاد نکنند. در صورتی که عنصر صنعت و فناوری

به عنوان یک عنصر مهم جامعه اصلاح و به صورت صنعت و فناوری اسلامی در آید راه برای ظهور تمدن نوین اسلامی هم که از مطالبات اساسی و محوری رهبری است گشوده می شود.

۶) نیاز الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی به دیدگاه قرآن در زمینه صنعت و فناوری

الگوهای پیشرفت کشور (برنامه های توسعه پنج ساله) در دهه های گذشته متأسفانه برگرفته از الگوهای پیشرفت غربی بوده است. امروزه برای همه واضح شده است که زیربنای فکری و ارزشی این الگوها بر ارزشهایی بنیانگذاری شده است که مانند مادپرایی و حس گرایی امروزه ابطال شده اند، لذا لازم است بخش ارزشی فناوری که جزو علوم انسانی تلقی می شود از قرآن کریم اخذ شود. امام خامنه ای در این باره می فرماید:

مبنای علوم انسانی غرب که در دانشگاههای کشور بصورت ترجمه ای تدریس می شود، جهان بینی مادی و متعارض با مبانی قرآنی و دینی است، در حالیکه پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن جستجو کرد.^{۲۰}

همچنین نیاز جوامع اسلامی به اطمینان از هم جهت بودن و انطباق صنعت و فناوری مورد استفاده با تعالیم اسلام و قرآن کریم، بر حذر بودن جامعه ی اسلامی از اثرات سوء فناوری های کشورهای غیر اسلامی به واسطه ی داشتن میزانی برای سنجش فناوری وارداتی با اسلام و نیاز اختراعات و ابتکارات صنعتی و فناورانه مسلمین به جهت داشتن بر مبنای جهت شریعت و سلوک انسان نیز از دیگر ضرورت های این پژوهش است.

در محورهای زیر نیز می توان ضرورت این پژوهش را دسته بندی نمود:

- ۱) نیاز جوامع اسلامی به اطمینان از هم جهت بودن و انطباق صنعت و فناوری مورد استفاده با تعالیم اسلام و قرآن کریم
- ۲) بر حذر بودن جامعه ی اسلامی از اثرات سوء فناوری های کشورهای غیر اسلامی و بلاد کفر به واسطه ی داشتن میزانی برای سنجش فناوری وارداتی با اسلام
- ۳) نیاز اختراعات و ابتکارات صنعتی و فناورانه مسلمین به جهت داشتن بر مبنای جهت شریعت و سلوک انسان

روش پژوهش (میدانی - تحلیلی)

روش این پژوهش کشف، دسته بندی و تحلیل آیات مرتبط با موضوع فناوری بر مبنای اصول و قواعد تفسیر قرآن کریم است. کشف آیات از دو روش کشف واژه محور و کشف موضوع محور صورت می گیرد. همچنین دسته بندی نیز بر اساس چند شاخص مختلف انجام گرفته و سپس یکی از شاخص ها به عنوان شاخص محوری برای دسته بندی ارائه خواهد شد. بخشهای مورد بحث در تحلیل آیات عبارت اند از معناشناسی واژگان مرتبط آیه، بررسی نظرات مفسرین و مفاد مرتبط با فناوری در آیه ی مورد بحث. در نهایت سعی می شود در هر موضوع (دسته) ارزشهای قرآنی محوری برای آن فناوری استنباط شده و ارائه گردد. در این رساله بنای اصلی و بدنه ی اصلی یک کار میدانی در باب کشف دیدگاه قرآن کریم پیرامون صنعت و فناوری اسلامی است. این کار با کمک یافتن کلید واژه و کلید موضوع های قرآنی در بحث صنعت و فناوری دنبال خواهد شد و در نهایت با جمع بندی مطالب طرح شده در قرآن کریم ان شاء الله قرار است به یک منظومه ی علمی از دیدگاه قرآن کریم در بحث صنعت و فناوری برسیم. همچنین بخش اصلی تحلیلها در رساندن آیات جمع آوری شده به یک منظومه ی علمی خواهد بود. در جای جای رساله از یافته های ارزشمند طرح شده توسط نخبگان نشست بر سر سفره ی کرم الهی نیز بهره

خواهیم برد. در آینده امید است نظرات تمام دانشمندان کشور که از دیدگاه‌های مختلف فلسفی و جامعه‌شناسی و فرهنگی و تربیتی به موضوع صنعت و فناوری نگریسته‌اند نیز بررسی و با یافته‌های این پژوهش مورد مقایسه‌ی تطبیقی قرار گیرد تا شما برادر و خواهر عزیز در جریان تلاش‌ها و دغدغه‌های دلسوزان دانشگاهی برای هدایت ارزشی رشد صنعت و فناوری کشور نیز قرار گرفته باشید. آنچه باید گفته شود آن است که در این رساله اصولاً دنبال بحث‌های فنی و مهندسی صنعتی نیستیم هر چند در صورت نیاز ممکن است به اجمال در بخش مصادیق اشاره‌هایی کلی داشته باشیم اما رویه غالب آن است که به روح ارزشی حاکم بر صنعت و فناوری ای که مورد نظر اسلام و قرآن کریم است پرداخته شود.

پژوهش قرآن مبنا:

در این پژوهش تلاش بر آن است که آیات قرآن کریم و آنچه خدای تبارک و تعالی ارائه فرموده است در صدر همه‌ی گفته‌ها و دیدگاه‌ها قرار داده شود و فصل الخطاب و خدشه‌ناپذیر و محکم و مسلم فرض شود. لذا هر سخن و دیدگاهی از هر شخصیتی در تعارض با آیات مبارک قرآن کریم قرار گیرد از طرف آیات به انحراف از سبیل حق متهم می‌شود. حضرت امیر نیز با تعبیر زیبای اتهموا آرائکم به (کتاب الله) این روش را ارائه می‌فرماید.

تفسیر یا تبیین

نکته‌ی دیگری که در اینجا باید اشاره شود آن است که اصولاً در قاموس واژگان قرآن کریم تفسیر به ذکر دلیل و حکمت برای انجام یک فعل یا قول اطلاق شده است و وظیفه‌ی تفسیر افعال الهی حتی از دوش نبی اکرم صلی الله علیه و آله و السلم نیز برداشته شده است و خود خدای متعال با انحصار تفسیر به خود این باب را بسته است. در آیه‌ی شریفه‌ی زیر دقت بفرمایید:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَّاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً (32) وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسِيرًا (فرقان 33)

در این آیه‌ی شریفه خداوند احسن تفسیر برای نزول تدریجی قرآن کریم را بیان فرموده است و خود را متولی تفسیر امور برای پیامبر اکرم معرفی می‌فرماید. با این حساب اولاً تفسیر به معنای دلیل و حکمت فعل در این آیه آمده است که با توجه به آنکه قول نیز از مصادیق فعل است آیه قول را نیز در بر می‌گیرد. ثانیاً در این آیه خداوند خود را متولی تفسیرگری فعل خود برای پیامبر اکرم معرفی می‌نماید و تفسیر کردن را از دوش ایشان بر می‌دارد تا چه رسد به اینکه غیر پیامبر بخواهد قول و فعل خدای متعال را تفسیر کند و البته در جمع باید گفت عبد تکلیفی در تفسیر قول و فعل مولا ندارد.

نکته‌ی بعدی آن است که خداوند گرچه وظیفه‌ی تفسیر را از دوش پیامبر و امت برداشته است اما تبیین قرآن کریم را هم از وظایف پیامبر اکرم و هم از وظایف اهل کتاب‌ها آسمانی دانسته است. البته آیه‌ی اثبات‌کننده‌ی تکلیف تبیین درباره قوم یهود صحبت می‌کند هر چند به قرینه می‌توان از آن به اثبات تکلیف تبیین برای اهل قرآن کریم نیز دست یافت. در باب تدریس و تعلیم نیز گفتنی‌هایی هست که تکلیف چه کسی هستند و تکلیف چه کسانی نیستند که این مجال مناسب آن بحث‌ها نیست.

وَ إِذِ اخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلاً فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ (آل عمران 187)

البته تفسیر تنها واژه‌ای نیست که گرفتار این بلا و انحراف شده است و واژه‌ی افتاء هم سرنوشتی همانند دارد. یعنی در حالی که خداوند

مقام افتاء را نیز منحصر در خود می‌داند و از پیامبرش هم سلب می‌کند (و یستفتونک قل الله یفتیکم فی الکلاله، و یستفتونک فی النساء قل الله یفتیکم ..) برخی از عالمان بدون توجه به جایگاه و کاربرد قرآنی این واژه‌ها خود را مفتی می‌نامند و فتوا صادر می‌کنند.

تبیین موضوعی

شاید بتوان از جهتی این رساله را یک تبیین موضوعی پنداشت. البته تبیین موضوعی از بازه‌ی معجم‌های موضوعی تا رساله‌های عمیق و منظومه‌های علمی که سالها روی آن‌ها کار شده است را شامل می‌شود. معمولاً عامه‌ی اهل تفسیر با توجه به عدم توجه به اختلاف تفسیر و تبیین در فرهنگ قرآن از اصطلاح تفسیر موضوعی استفاده می‌کنند تا تبیین موضوعی، اما در هر حال این رساله در زیرمجموعه‌ی همین شیوه طبقه‌بندی می‌شود هر چند همان‌طور که اشاره شد از نظر حقیر نام تبیین موضوعی مناسب‌تر از تفسیر موضوعی است.

ظاهراً موضوع صنعت و فناوری در قرآن کریم چندان به صراحت نیامده است و قرآن کریم ظاهراً در بحث فناوری و صنعت کلام و دستورات صریحی ندارد. ان‌شاءالله به فضل الهی در پایان مطالعه‌ی این رساله خواننده در خواهد یافت که این تصور صحیح نیست و قرآن کریم به این مقوله نیز عنایت دارد و نکات بدیعی و راهبردی کاملی در این باره ارائه می‌دهد. و در پایان مطالعه‌ی این پژوهش ان‌شاءالله شما هم با حقیر هم عقیده خواهید بود که دریایی از گهرهای ناب در بحث فناوری و صنعت اسلامی از قرآن کریم قابل برداشت است.

پیش فرض های پژوهش

قرآن تحریف نشده است.

قرآن کتاب منسجم و نظام مند و هدف مند است .

آیات و مفاهیم قرآن ناظر به هم بوده و به کمک آیات دیگر می‌توان معنای آیات را کشف نمود.

هیچ ابهامی در قرآن کریم نیست.

قرائت مشهور قرائت اصلی قرآن کریم است.

سیستم محتوایی ارزشی منسجم در قرآن کریم وجود دارد.

مفردات قرآن کریم تک معنایی بوده و ریشه‌ی واحد در مفردات قرآن کریم وجود دارد.

هدف مند بودن نسبتهای برقرار شده میان فناوری‌ها با مصلحان و مفسدان و بهشت و جهنم.

تعیین مرزهای موضوع پژوهش:

موضوعات پیشین و پسین مرتبط با فناوری:

هر فناوری با موضوعات مختلفی مرتبط است. می‌توان از اثرات اجتماعی فناوری تا اثرات زیست محیطی تا اثرات اقتصادی و حتی سیاسی را در دامنه‌ی اثر یک فناوری در نظر گرفت. به عنوان مثال فناوری ساخت موشک‌ها در معادلات سیاسی اثرگذار بوده و هست یا مثلاً فناوری‌های ارتباطی امروزه تأثیرات زیادی بر روابط اجتماعی داشته است. فناوری‌های تولید محصولات غذایی و لوازم خانگی و حمل و نقل نیز امروزه حجم بالایی از جابجایی ارزش اقتصادی در یک کشور و یا در عرصه‌ی بین‌المللی را به خود اختصاص داده‌اند. تمام این مسائل در واقع موضوعات پسین و یا تبعی یا عرضی نسبت به ایجاد یک فناوری هستند. اما برخی مسائل را نیز می‌توان موضوعات پیشین فناوری به حساب آورد. مثلاً ادبیات و داستان‌های علمی تخیلی و مقالاتی که در مورد نیازهای جامعه و گروه‌های

مختلف جامعه نوشته می‌شود در بسیاری از موارد محرک قشر مولد فناوری برای تولید فناوری هاست. مثلاً فناوری های انتقال و توان بخشی معلولین در پی تشکلهای حمایت از معلولین و حقوق معلولین بوجود آمده است و امروزه با پیگیری همین تشکل ها در حال رشد است. یا مثلاً فناوری های فضایی فرازمینی مانند فناوری های اکتشافی سیارات دیگر و قمرهایشان بیشتر در پی داستان‌های علمی تخیلی بوجود آمده است و منشأ آن نه نیازهای جسمی و بدنی است و نه رشد اقتصادی و نه عوامل فرهنگی و رسانه ای، بلکه صرفاً ایده پردازی های داستان نویسان علمی تخیلی به رشد این فناوری ها دامن زده است. برخی فناوری ها نیز به دنبال توصیه‌های دینی به وجود آمده اند. مثلاً امروزه فناوری هایی مانند قلم های قرآنی و مهرهای رکعت شمار و نشانگرهای اوقات شرعی و اذکار یومیه و یا در باز کن های یاعلی گو و امثال آن همه در پی توصیه‌های دینی به وجود آمده اند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که این پژوهش دقیقاً به دنبال چه چیزی است؟ آیا این پژوهش به دنبال موضوعات پسین فناوری یا موضوعات پیش از فناوری است؟ یا نه بحث ما از این دو مقوله فارغ است و موضوع دیگری مدنظر است. پاسخ آن است که این پژوهش با خود فناوری به عنوان یک موضوع جداگانه مرتبط است و در صورت شناخت فناوری های صالح از فناوری های ناصالح خود بخود محرک‌های صالح از محرک‌های ناصالح نیز مشخص خواهند شد و شاخصی در دست طراحان قرار می‌گیرد که محرک‌های حق را پاسخ دهند و به محرک‌های باطل بی‌اعتنایی کنند. از طرفی تبعات و اثرات ناشی از فناوری های حق و صالح نیز صلح و امور خیر و حسن خواهد بود و تبعات ناشایستی بر فناوری های حق مترتب نخواهد بود.

محرک‌ها ← فناوری ← تبعات و آثار

موضوعات مرتبط با تولد یک فناوری

برخی موضوعات دیگر اصولاً نه التفاتی به مقوله‌های پیشین و محرک‌های ایجاد یک فناوری دارند و نه توجهی به تبعات یک فناوری دارند بلکه بیشتر پیگیر خود فرایند تولد یک فناوری هستند. مثلاً طراحی فنی جزئیات یک فناوری مرحله ای از ایجاد فناوری است که بیشتر با خود فناوری در ارتباط است و به ارتباطات فناوری با محیط دور پیرامون اعم از محرک‌ها یا متاثرها کاری ندارند. یکی از مهمترین بخش‌های تولد یک فناوری طراحی مفهومی یک فناوری است. طراحی مفهومی مرحله‌ای است که ایده ی اصلی شکل و ساختار یک فناوری در آن شکل می‌گیرد. مثلاً در طراحی مفهومی یک ساختمان مکان قرارگیری هر یک از اجزاء ساختمان مشخص می‌شود. در مراحل بعدی است که به ابعاد دقیق و محاسبات ریز مهندسی برای همسازی بنا و ساختمان پرداخته می‌شود. در طراحی مفهومی یک هواپیما نیز مشخص می‌شود که هر یک از اجزای هواپیما در کدام قسمت قرار گیرند، مثلاً موتور هواپیما و بال و دم های آن هر یک در کدام بخش قرار گیرند. برخی از امور مرتبط با فناوری نیز مانند فناوری های تعمیر و نگهداری^{۲۱}، خود تابع طراحی مفهومی و اولیه ی فناوری هستند و خیلی در چگونگی یک فناوری مؤثر نیستند. طراحی مفهومی یک فناوری با تصمیم گیری بر مبنای ارزشهای شناخته شده در ذهن طراح صورت می‌گیرد. یعنی مثلاً اگر یک طراح کرامت انسانی را به عنوان یک ارزش در طراحی لحاظ نکند اهمیتی به جایگاه قرار گرفتن انسان در محصول تولیدی نمی‌دهد و برای او مهم نیست که انسان در پایین‌ترین قسمت محصول قرار گیرد یا در بالاترین قسمت آن. یا مثلاً اگر کسی برای ارزشهای دینی مانند نجاست و طهارت ارزشی کمتر از ارزش سودآوری اقتصادی قائل باشد حاضر است

۲۱ اصل اولیه بر آن است که یک فناوری قابلیت تعمیر و نگهداری داشته باشد. البته امروزه شرکتها برای دست گرفتن انحصاری بازار سعی می‌کنند خود به صورت انحصاری تعمیر و نگهداری محصولات خود را در اختیار بگیرند تا اولاً دیگران از علوم فنی فناوری آنها مطلع نشوند و ثانیاً اینکه همه ی قابلیت‌های اقتصادی چرخه ی فناوری های خود را خودشان پوشش دهند و درآمدی هم از طریق تعمیر و نگهداری به شرکتشان بیفزایند. گرچه موج محصولات یک بار مصرف در مقطعی توسط برخی شرکتهای سودجو به راه افتاد اما بسیاری از مردم با مشاهده ی آلودگی ناشی از این محصولات بازگشت به محصولات قابل تعمیر و نگهداری و چندبار مصرف را انتخاب کردند.

حمام و بیت الخلاء را در آپارتمان با هم ادغام کند تا در هزینه‌های کاشی کاری و لوله و اتصالات ساختمان هزینه ی کمتری مصرف شده و سود بیشتری عاید سازنده ی بنا شود. عمده آن است که چه ارزشهایی در ذهن طراح مهم است و بر اساس آن‌ها تصمیم گیری صورت می گیرد. دغدغه ی اصلی این پژوهش کشف ارزش‌های حاکم بر فناوری‌ها از آیات قرآن کریم است. لذا بیشترین موضوع مرتبط با فناوری که درباره آن سخن گفته می‌شود طراحی مفهومی فناوری‌ها بر اساس ارزش‌های قرآنی است. بدیهی است که طراحی فنی محصولات بر مبنای قوانین آفرینش در زمینه‌های فیزیک و مکانیک و شیمی و امثال آن صورت می‌گیرد و قابل تخطی از این قوانین نیست. لذا تشریح در رابطه ی با آن‌ها دارای تکلیف نیست و آن‌ها قوانین تکوینی هستند که طراح برای عمل کردن و نتیجه بخش بودن محصول فناورانه ی خود ملزم به تبعیت از آنهاست. اما آن بخش از طراحی که تشریحی است و اختیاری همان طراحی مفهومی است که در آن تصمیم گیری صورت می‌گیرد.

فصل دوم : پیشینه ی پژوهش ها در این موضوع

در زمینه ی صنعت و فناوری در قرآن کریم گرچه پژوهش مستقلی به رویت نگارنده نرسیده است اما در بسیاری از کتب تفسیری علمای اسلام در ذیل آیات مربوط به صنعت و فناوری بحث های متنوعی صورت پذیرفته است که شایان توجه است. از جمله برادر عبدالله جوادی آملی در چندین کتاب^{۲۲} بحث مشخصات صنعت مستفاد از آیات قرآن کریم را طرح نموده است و برادر اصغر طاهرزاده نیز در بحثهای تفسیری خود^{۲۳} از برخی آیات برای فهم صنعت و فناوری آرمانی و نقد صنعت و فناوری کنونی بهره جسته است. در برخی مقالات تحت عنوان صنعت در اسلام

کتابهای جوادی و اصغر زاده و تفاسیر و تفسیر مشاغل در قرآن و مقالات متعدد

////

امام بزرگوار ما معتقد بودند و تصریح کردند که حرکت به سمت صنایع پیشرفته مانند هواپیماسازی باید در کشور انجام شود و صنعتگران باید به سمت داشتن صنایع پیشرفته حرکت کنند، البته همراه با استقلال فکری و صنعتی، ایشان می فرمایند^{۲۴} :

اگر ما به این معنا توجه کنیم و بیدار بشویم، دنبال بیداری، اراده پیش می آید که ما بخواهیم که خودمان وسایل اجتماعی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان... باید کارهای خودمان را انجام بدهیم. مدتی می گذرد و ما خودمان صنعتگر خواهیم شد... اگر دهقانهای ما در صحراها و در هر کجا که هستند این معنا را بفهمند که کوشش باید کرد تا وابسته نبود، و هرکس وابسته است اسیر است و ممکن است که اسارتش زیاده تر بشود. اگر آنها در بیابانها این معنا را احساس کنند، اراده می کنند که وابسته نباشند، و اراده می کنند که ارزاق خود مملکت را خودشان تهیه کنند. و اگر در کارخانه های ما این معنا را متنبه بشوند که ما باید وابسته نباشیم و ما باید خودمان برای خودمان کار انجام بدهیم، آنها کوشش می کنند که کارخانه ها را بهتر راه ببرند. و اشخاصی که مغز تفکر صنعتی دارند این مغزها را به کار می اندازند. و بعد از اینکه فهمیدند که باید برای خودمان کار بکنیم و باید صنعت را هم - چه صنعت بزرگ، چه صنعت کوچک را - خودمان باید درست بکنیم، این مبدأ عمل می شود که بعد از آن بیداری و این اراده راه بیفتند، و مشغول بشوند و تفکر کنند و مغزها را به کار بیندازند و کار خودشان را خودشان انجام بدهند... شما متوقع نباشید که همین امروز بتوانید طیاره درست کنید. میگ درست کنید. البته الآن نمی شود، اما مایوس نباشید از اینکه می توانیم درست کنیم. باید بیدار بشوید، بروید دنبال اینکه آن صنایع پیشرفته را خودتان درست بکنید. وقتی این فکر در یک ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می کند و دنبال کوشش این مطلب حاصل می شود. یأس از جنود ابلیس است،

ایشان البته در کنار اعتقاد به داشتن صنایع پیشرفته معتقد بودند که این صنایع باید در یک نظام توحیدی اسلامی و مهار شده برای معنویت

فرق بین دانشگاههای غربی و دانشگاههای اسلامی باید در آن طرحی باشد که اسلام برای دانشگاهها طرح می‌کند. دانشگاههای غربی - به هر مرتبه‌ای هم که برسند - طبیعت را ادراک می‌کنند، طبیعت را مهار نمی‌کنند برای معنویت. اسلام به علوم طبیعی نظر استقلالی ندارد. تمام علوم طبیعی - به هر مرتبه‌ای که برسند - باز آن چیزی که اسلام می‌خواهد نیست. اسلام طبیعت را مهار می‌کند برای واقعیت؛ و همه را رو به وحدت و توحید می‌برد.

امام راحل عظیم الشان رحمت الله علیه قرآن کریم را مشتمل بر تمام معارف و همه ی چیزها می‌داند: ما همچو کتابی داریم که مصالح شخصی، اجتماعی، مصالح سیاسی، کشورداری و همه چیزها در آن هست.^{۲۶}

قرآن مشتمل بر تمام معارف و تمام ما یحتاج بشر است.^{۲۷}

قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود بدان احتیاج دارد. در کافی فصلی به عنوان تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان شده و «کتاب» یعنی قرآن «تبیان کل شی» است.^{۲۸}

ایشان در وصیت‌نامه ی خویش نیز که از زرین‌ترین یادگارهای آن سرباز وفادار امام زمان ارواحنا لتراب مقدمه الفدا بود می‌نویسند: اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگرها و چپاولگرها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسانها را به کمال مطلوب خود برساند. و مکتبی است که برخلاف مکتبهای غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است.^{۲۹}

بررسی دیدگاه‌های متفکران مسلمان درباره ی فناوری و صنعت اسلامی

مقدمه

در این فصل ان‌شاءالله به لطف خدا نظرات متفکرین روحانی کشور را درباره صنعت و فناوری اسلامی مورد کنکاش قرار خواهیم داد. قصد ما این بود

^{۲۵} موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور جلد ۸ ص ۴۳۳

^{۲۶} صحیفه نور، امام خمینی جلد ۱۸ صفحه ۲۵۷

^{۲۷} همان جلد ۲۰ صفحه ۸۲

^{۲۸} امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۱

^{۲۹} صحیفه امام، ج ۲۱ ص ۴۰۲ و ۴۰۳

که در ادامه به بررسی و نقد دیدگاه‌های برخی از اهل قلم کشور که در این رابطه دیدگاه‌های احياناً مخالف وجود صنعت و فناوری اسلامی دارند^{۳۰} هم پردازیم که با توجه به زیاد شدن حجم پایان نامه مجال دیگری می‌طلبید. متفکرین انتخاب شده بر مبنای درجه ی فقاہت و اسلام شناسی و همچنین پرداختن به این موضوع انتخاب شده اند.

اهداف فصل:

۶) شناخت صاحب نظران مسلمان در حوزه ی ارتباط قرآن کریم و صنعت

۷) معرفی دیدگاه‌های بزرگان علوم و معارف قرآن کشور در زمینه ی صنعت در قرآن کریم

نکته: فیش‌های ارائه شده در این فصل هنوز پردازش نهایی نشده‌اند و تنها در حد جمع‌آوری بیانات مرتبط با موضوع رساله هستند و تحلیل و دسته‌بندی و پالایش آن‌ها در آینده ان‌شاءالله انجام خواهد شد.

بررسی دیدگاه‌های موافقین صنعت و فناوری اسلامی

آیت الله عبدالله جوادی آملی:

مطالب طرح شده توسط حضرت آیت الله جوادی آملی درباره ی صنعت را می‌توان در چند بخش دسته‌بندی نمود:

حفظ محیط زیست و نظم و نظام الهی در آفرینش توسط صنعت انسانی:

گروهی در اثر اغوای شیطان که با ارائه کژراهه‌ها و اغرا و تمویه و تسفیه، بشر فریب‌خورده را وادار به عصیان می‌کند، به بهانه حفظ صنعت، سنت زیبای خلقت را به بدعت تبدیل و نظام باشکوه آفرینش را به هرج و مرج آرایش و آلودگی دگرگون می‌نمایند. پیام قرآن کریم درباره ناسپاسان زیست محیطی و فاقدان فرهنگ صیانت محیط زیست، این است: (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) آنچه از دستور سپهری و فرمان آسمانی برمی‌آید، این است که تابلوی زیبای آفرینش، امانت الهی به دست بشر است. صنایع تجربی موظف‌اند که در راستای تأمین سعادت و سلامت تمام بشر جهت‌گیری کنند؛ چنان‌که مکلف‌اند که حقوق طبیعی هر موجود دیگر را، اعم از دریا و آبزیان و هوا و پرندگان هوا و استنشاق‌کنندگان از آن و نیز هر پدیده طبیعی دیگر، رعایت نمایند و هرگز به هلاکت نسل و حرث رضایت ندهند و گزندگان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن را انسان گزیده نمی‌داند و در تعبیر و توییح آنان چنین می‌گوید: (وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ) چون ارزش عامل به عمل است، هنگامی که فساد، محبوب نباشد، مُفسد نیز محبوب نخواهد شد.^{۳۱}

آیت الله جوادی آملی در این باره می‌گوید:

اسلام در تمام شؤون حیات، به دو عنصر محوری اهمیت می‌دهد و همگان، به ویژه دولت‌مردان را مسؤول تأمین آن دو رکن اساسی می‌داند: یکی استحکام عمل و دیگری هنرمندی و زیبایی آن، یعنی کاری که مطابق اصول علمی نباشد، چون متقن و استوار نیست مقبول نیست و کاری

۳۰ از جمله دیدگاه‌های عبدالکریم سروش و علی پایا، حسین نصر، احمد فردید که مخالف صنعت و فناوری اسلامی هستند و همچنین دیدگاه

دکتر مصطفی تقوی که ایشان هم دیدگاهی قابل نقد و بررسی در این زمینه دارند.

که در عین اتقان و استواری، هنرمندانه و زیبا نیست، مطبوع و مطلوب نخواهد بود. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره عنصر محوری نخست چنین فرمود: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمَلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَهُ** [47]. یعنی آنچه محبوب خداست، کار محکم و عمل مطمئن است و درباره عنصر محوری دوم، چنین فرمود: **يُحِبُّ اللَّهُ الْعَامِلَ إِذَا عَمَلَ أَنْ يُحْسِنَ**. [48] یعنی آنچه محبوب خداست، کار هنرمندانه، ادیبانه و زیباست. خداوند نیز جهان را با دو اصل استحکام و زیبایی آفرید و دوست دارد که جانشین او در زمین، انسان وارسته‌ای باشد که معماری کارهای او فنی و نیز زیباسازی‌های عمل او هنرمندانه باشد. رعایت دواصل یاد شده، حافظ تمام اصول معیاری زیست محیطی است؛ زیر استحکام و زیبایی، مایه پالایش فضای زندگی است و فضای پالوده، پایدار خواهد بود؛ همان‌طور که محیط آلوده، زودنی و از بین رفتنی است.^{۳۲}

هماهنگی صنعت با نظام آفرینش:

زیبایی جهان آفرینش در نظام‌مند بودن آن است؛ به طوری که هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و با هدف معین و راه و راهنمای مشخص آفریده شد، لذا هم نظام فاعلی آن منسجم و عالمانه است و هم نظام غایی آن مرتبط و حکیمانه است و هم نظام داخلی آن هماهنگ و خردمندانه تعبیه شده است. پیام قرآن حکیم در این زمینه چنین است: **(رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى)**؛ یعنی پروردگار ما ساختار هر مخلوق را برابر استعداد، استحقاق، ظرفیت و هدفمندی او تأمین کرد؛ آن‌گاه او را در بستر مستقیم به مقصدی که مقصود در آنجاست، رهبری نمود. این مثلث میمون، زیبایی هر چیزی را در رعایت اصول علمی و تجربی نظامهای سه‌گانه مزبور می‌داند و اگر آسیبی به ساختار چیزی برسد، هم او را از نیل به هدف اصیل او باز می‌دارد، هم دیگران را از فیض او محروم می‌کند. آن هجران پلید و این حرمان زشت، چهره زیبای صحنه آفرینش را مشوه می‌کنند، و هر گونه تشویه خلقت که به سلامت جامعه و امنیت امت آسیب رساند، وسوسه ابلیس است؛ زیرا شیطان، مکر ابلیسانه خود را در مطاوی امور، تلبیس و تلبیس می‌کند که یکی از آنها تغییر ساختار هدفمند انسان یا هر موجود دیگر است: **(فَلْيَعْبُرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ)**.^{۳۳}

وجود کرامت انسان در پرتو خلافت الهی و وجوب صنعت الهی :

زیبایی انسان گذشته از سازمان نظامواره هستی او - که در هر موجود دیگری هر چند ضعیف یافت می‌شود - در گرو کرامت اوست. متون مقدس آسمانی، به ویژه قرآن کریم، هستی بشر را تکریم کرده و او را موجودی گرامی شمرده و درباره کرامت وی، چنین فرموده است: **(وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا)**. کرامت انسان مرهون خلافت اوست؛ زیرا جانشین موجود کریم از کرامت برخوردار است و چنین کرامتی که از ناحیه خلافت الهی باشد، بهره غیر انسان نیست، لذا تعبیری که درباره انسان شده است، درباره هیچ موجود دیگر نشده است و آن تعبیر ممتاز، همین حدیث معروف «من عرف نفسه فقد عرف ربه» است؛ زیرا شناخت جان آدمی از آن جهت که خلیفه خداست و این خلافت نیز تکوینی است نه قراردادی، حتماً منتهی به شناخت خدا خواهد شد و اگر به شناخت خداوند منتهی نگشت، معلوم می‌شود که انسان به خوبی شناخته نشد. اما موجودهای دیگر، شناخت آنها از جهت امکان ماهوی یا امکان فقری و نیز از لحاظ حدوث، حرکت، نظم و مانند آن، موجب معرفت وجود خدا یا شناخت وصفی از اوصاف کمالی خداست. بنابراین، **کرامت انسان در پرتو**

۳۲ جوادی آملی عبدالله، اسلام و محیط زیست ص ۲۵۹

۳۳ اسلام و محیط زیست صفحه ۲۲ و ۲۳

خلافت اوست و «خلیفه» آن است که در تمام شؤون علمی و عملی خود، تابع «مستخلف عنه» باشد و برابر علم او اندیشه پیدا کند و مطابق اراده او صاحب انگیزه شود. اگر موجودی دعوی خلافت کند، ولی مطابق «مستخلف عنه» نیندیشد و انگیزه پیدا نکند، ادعای او مشفوع به بینه نبوده و او در دعوا صادق نیست، بلکه غاصبانه بر کرسی خلافت تکیه زده است؛ (أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ). چنین بشر هوامدار و هوس‌محور به مقام منیع خلافت خدا بار نمی‌یابد و در نتیجه از کرامت خلافت سهمی ندارد.^{۳۴}

ضرورت بهره‌وری بهینه از منابع طبیعی بر مبنای مسخر ساختن انسان بر برخی موجودات توسط خدای متعال:

خدای سبحان موجودات را در تسخیر انسان قرار داد؛ نه به آن معنا که خود انسان آنها را تسخیر کند، بلکه خداوند آنها را برای بشر مسخر قرار داد؛ چنان که در سوره «ابراهیم» می‌فرماید: (اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ) در این آیات کلمه (سَخَّرَ) چهار بار تکرار شده است و ضمیر خطاب (لَكُمْ) نیز چندین بار تکرار شده است. هر چند واژه «تسخیر» مفهوم جامع ذهنی دارد ولی تسخیر شمس و قمر با تسخیر لیل و نهار متفاوت است؛ همچنان که تسخیر بحر با تسخیر نهر متفاوت است. بنابراین هر یک از مخلوقات الهی؛ هم وجودشان با دیگری تفاوت دارد و هم تسخیر آنها، از این جهت بهره‌برداری از آنها نیز متفاوت خواهد بود. ولی آنچه مهم است اینکه همه موجودات مسخر انسان هستند، از این جهت لازم است به نحو احسن از این نعمتهای الهی بهره‌برداری شود که در غیر این صورت کفران نعمت است. یکی از نعمتهای خدادادی دریا است. اگر انسان استفاده ابتدایی از آن بکند، او با سایر موجودات آبی و پرندگان دریایی در استفاده از دریا یکسان است و تسخیر آن مصداق ندارد. اگر انسان افزون از استفاده از آب دریا و کشتیرانی، در دریای نعمتهای الهی غواصی کند و از عمق دریا تا فضای درون و بیرون آن به تحقیق علمی بپردازد و معادن دریایی و سرمایه‌های موجود در دریا را شناسایی و به بشر عرضه کند، آنگاه می‌توان گفت از دریای تسخیر شده استفاده صحیح کرده است؛ چنان که اگر تنها از روشنایی و گرمای خورشید استفاده کند، تفاوتی میان انسان و دیگر موجودات زنده - اعم از حیوانات و نباتات - در استفاده از خورشید نخواهد بود، کسی می‌تواند ادعا کند که از نعمت خورشید به خوبی استفاده کرده و به آیه (سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ) عمل کرده است که انواع استفاده‌های مفید و منافع زیست محیطی آن را شناسایی کرده در اختیار بشریت قرار دهد. زمین را نیز خداوند مسخر انسان قرار داد تا به راحتی توان زندگی روی آن را داشته باشد؛ برای کشاورزی بتواند آن را شخم زده و برای استخراج معادن و کاوشهای علمی در رشته‌های مختلف خاک‌شناسی و معدن‌شناسی بتواند حفاریهای عمیق کند و همچنین برای شناخت گسلها و مناطق زلزله‌خیز به تحقیق عمقی زمین بپردازد تا مردم از زندگی مرفه و آسانی برخوردار شوند ولی اگر استفاده از زمین تنها در حد ساختن آشیانه و زندگی عادی باشد، دیگر حیوانات نیز چنین بهره‌مندی را دارند. هم‌چنان که انسان به عمق زمین می‌رود و نفت و گاز و دیگر منابع زیرزمینی را استخراج می‌کند باید از فضا و موجودات آن نیز بهره‌برداری مناسب کند. اگر تنها به استفاده ابتدایی از نعمتهای الهی بسنده شود و مسخر بودن موجودات برای

انسان نادیده گرفته شود؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: (أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ (وَالخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا) و از مخلوقات الهی به طور شایسته بهره‌مند نشود، کفران نعمت کرده شامل آیات: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ)، (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ) خواهد بود.^{۳۵}

آرایش نظام هستی پایه ی آرامش انسان:

پیام قرآن کریم که مقدس‌ترین متن دینی است، صحنه آفرینش را پرده پرنیانی جمال و شکوه خدا می‌داند و **آرایش نظام هستی را پایه آرامش بشر معرفی می‌کند** و سراسر گیتی و مینو را به زیبایی می‌ستاید و در این باره چنین می‌فرماید: ۱. هر چه مصداق شیء است و عنوان چیز بر آن صادق است، مخلوق خدای سبحان است؛ (اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ). ۲. هر چه را خداوند آفرید، زیبا و جمیل خلق کرد که از آن زیباتر ممکن نبود، وگرنه حتماً علم خداوند به آن تعلق می‌گرفت و از قدرت فراگیر الهی خارج نبود و از گستره سفره جود و بخشش خدایی جدا نمی‌شد؛ (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ). ۳. انسان که می‌تواند جهانی بنشسته در گوشه باشد، در کمال زیبایی آفریده شد؛ (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ)؛ (فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ) [۴]؛ (وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ)^{۳۶}

زیاله های اتمی مصداق فساد در زمین:

مقصود از فساد زمین: (لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ)، انهدام نظام حاکم بر آن است. در این حال همان‌طور که موجودهای زنده مانند انسان و حیوان آسیب می‌بینند، دیگر مخلوقات زمینی نیز صفا و لطافت و اثر طبیعی خود را از دست می‌دهند و این مطلب همان است که مسائل زیست محیطی عهده‌دار تبیین آن است؛ به گونه‌ای که آب دریا با **زیاله‌های اتمی آلوده می‌شود و هوای صحرا با آزمایشهای میکروبی تباہ می‌گردد و زمین توان رویش گیاه را از دست می‌دهد و مانند آن.** همه این امور در ضرورت دفاع از کیان زمین سهیم‌اند و خداوند به دست عده‌ای از صالحان جلوی تباہکاری طالحان را می‌گیرد. هم‌اکنون از نظام سلطه و استکبار همان مشهود است که قرآن مجید چنین خبر داده است: (إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً).^{۳۷}

ایمان عامل حفظ محیط زیست:

چنان‌که گذشت همان طوری که مراکز مذهبی را مردم با ایمان آباد می‌کنند: (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ) تنها مردم و جامعه متدین در حفظ و حراست محیط زیست می‌کوشند؛ زیرا اگر ایمان نباشد هیچ تعهدی نسبت به حفظ طبیعت وجود ندارد. امروزه در کشورهای پیشرفته شاهد آزمایشها و انفجارهای اتمی و غیراتمی در دریا و صحرا هستیم که به گونه‌های مختلف محیط زیست بشر را آلوده می‌کنند. کشورهای استعمارگر با حرص و ولع هرچه بیشتر منابع گاز و نفت دیگران را به یغما می‌برند و حتی بیش از ظرفیت کشتیهای باری نفت حمل می‌کنند و هر از چندی یکی از آنها غرق و مقدار زیادی نفت به دریا می‌ریزد، افزون بر اینکه دریا را آلوده و جان بسیاری از آبزیان را به خطر

۳۵ اسلام و محیط زیست صفحه 31 و 32

۳۶ اسلام و محیط زیست صفحه 19 و 20

۳۷ تسنیم، جلد 11 - صفحه 711 و 712

می اندازند، محیط زیست بشر را دستخوش مشکلات جدی می سازند.^{۳۸}

زیبایی حقیقی نه اعتباری، از سنخ هستی است و هستی، حقیقت تشکیکی است، لذا زیبایی مراتبی دارد که در طول یکدیگرند. چون زیبایی انسان در جانشینی او از خدا نهفته است و این خلافت در حاکمان، بیش از دیگران است. لذا رسالت دولت مردان در تأمین محیط سالم بیشتر از توده مردم است؛ زیرا برنامه ریزی کلان فضا و دریا و ساخت سلاحهای شیمیایی و تخریبی و آزمایشهای فرسایشی اتمی و مانند آن، در اختیار حکمرانان مقتدر است. آنچه هم اکنون سلامت محیط زیست را تحدید می نماید وجوامع بشری را به مرگ یا بیماری تهدید می کند، اقتدار تعدیل نشده صاحبان صنایع اتمی است که هر گونه نعمت خدادادی را به سود خود و زیان ملت‌های دیگر مصادره می نمایند، گویا مدیر عامل لگام گسیخته دهکده دنیای کنونی اند. پیام قرآن کریم که عصاره متون مقدس آسمانی است، چنین است: (إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَجهَ أَهْلَهَا أَذْلَهَ). سلاطین ستم، حکمرانان قلدر، دولت مردان جور و طغیان، هنگام ورود به منطقه دیگران و زمان اقتدار بر آن و وقت نفوذ در آن، به تباهی آن اقدام می کنند. اگر در گذشته تاریخ، برای افساد و تخریب، دخول شخصی و ورود فیزیکی لازم بود، هم اکنون با سرعت سرسام آور صنعت، کنترل از دور برای افساد کافی است. اینان که رسالت اصلی آنها غمخواری توده محروم است، سفارت خویش را چونان ددان، خونخواری می دانند: (هر که را رنجه داشتن دین است*** تن او نیست تن که تئین است) کسی که از قدرت برتر برخوردار است، وظیفه‌ای سنگین تر متوجه اوست. اگر امیری مکلف باشد که حوزه امارت خود را سالم نماید، امیر امیران که از وی به میرمیران یاد می شود، تکلیف مهم تری دارد؛ زیرا قلمرو امارت او فسیح تر و وسیع تر از منطقه امارت امیری است که خود مأمور اوست.^{۳۹}

می توان گفت: اسلام، هم مدعی مصالح علوم است و هم قبله نمای آن‌ها؛ اما مصالح علوم، چون هر علمی به مثابه تفسیر درست از زاویه خاص نظام آفرینش است و صدر و ساقه نظام هستی هماهنگ است: (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور)؛ در خلقت خدا هیچ اختلاف در نظم نمی بینی. پس، دیده را برگردان آیا خلل و شکافی می بینی؟ بنابراین، سراسر علوم، هم آوا خواهد بود. اما قبله نمایی اسلام برای علوم، برای آن است که دستور رسمی خدا، تبیین جهت انتفاع از دانش بشر، پرهیز از سلاح کشتار جمعی، اجتناب جدی از به کارگیری نیروی مخرب اتمی و از هر چه صلح عادلانه انسان‌ها را تهدید و امنیت آنان را تحدید می کند، است.^{۴۰}

دیدگاه قرآن کریم درباره ی صنعت :

یکی از نتایج بینش قرآنی در این مورد آن است که در استفاده از جهان و نعمتهایش نمی توان به گونه‌ای عمل کرد که با صلح و مسالمت ناسازگار باشد. فرآیند صنعتی سازی هرگز نباید به تخریب جهان منتهی شود. قرآن از نیکانی یاد می کند که در عین برخورداری از موهبت‌های فراوان و شکوهمند، هرگز در اندیشه تهاجم و تخریب نبودند. «سلیمان» و «داود» (علیهما السلام) و «ذوالقرنین» نمونه‌های همین نیکان‌اند. مثلاً داوود (علیه السلام) از رهگذر تسلط بر آهن و برخورداری از شخصیت انقلابی و رهبری ملی، قدرت والایی داشت. اما او

۳۸ . اسلام و محیط زیست - صفحه 39

۳۹ اسلام و محیط زیست صفحه ۴۱ و ۴۲

۴۰ انتظار بشر از دین صفحه ۱۸۷ و ۱۸۸

این قدرت اعجازگر را در راه تهاجم و تخریب و ساخت سلاحهای هجومی به کار نگرفت، بلکه آن را صرف ساختن زره کرد: (وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَهُ لَبُوسٍ لَّكُمْ)؛ و به او صنعت زره‌سازی برای شما آموختیم. پس وی از این توان بی‌نظیر خداداد در راه دفاع بهره برد؛ نه در مسیر هجوم. او رهبر یک انقلاب پیروز بود و از جنگ با «طالوت» سرافرازانه بیرون آمده بود، اما راه تهاجم و تخریب را در پیش نگرفت. «ذوالقرنین» نیز چنین بود. بنا به گفته قرآن کریم، وی از همه توانمندیهای روزگار خویش، طبق افاضه الهی، بهره داشت؛ (وَأَتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا)؛ و از هر چیز رشته‌ای بدو دادیم. با این حال، او برای مقابله با «یاجوج» و «مأجوج» فسادگر، پیشنهاد سدسازی را پذیرفت و راه تخریب و تهاجم را انتخاب نکرد. پس از پایان سدسازی نیز از قدرت و اراده پروردگار غافل نماند و طریقه ناسپاسی پیشه نداشت؛ بلکه گفت: (هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي)؛ این رحمتی است از سوی پروردگارم. پس قرآن کریم به بشر می‌آموزد که در استفاده از نعمتهای هستی راه درست را برگزیند و در تحقیق و پژوهش، به دنبال اصلاح و نجات باشد، همان‌گونه که در ساخت سلاح نیز باید در پی دفاع و امنیت باشیم. توجه به این دیدگاه قرآنی می‌تواند در زمینه تربیت انسانها نیز آثار ارزنده‌ای به بار آورد.^{۴۱}

صنعت نباید در اسباب‌بازی خلاصه شود:

بر اساس بینش مادی، به تناسب رشد امکانات صنعتی، توان استفاده از بازیچه‌ها و سرگرمیها نیز رشد می‌یابد. امروز بشر برای هر گروهی از افراد جامعه، بازیچه‌ای ساخته است. نوسالان، کودکان، نوجوانان، جوانان، بزرگسالان و پیران، هر یک وسایلی برای سرگرمی و بازی دارند. به این ترتیب، زندگی سراسر بازی و لهو است. اما بر پایه بینش قرآنی در مورد ارتباط انسان و جهان، یک فرد پس از نوجوانی پا به دنیای تحقیق و حق‌جویی می‌گذارد و از مرز سرگرمی و بازی درمی‌گذرد. روزی از امام «صادق» (علیه السلام) پرسیده شد: «پس از شما، امامت از آن کیست؟» آن امام همام (علیه السلام) فرمود: «مَنْ لَا يَلْهُو وَلَا يَلْعَبُ»؛ امامت از آن کسی است که اهل بازیچه نیست. ناگاه فرزند گرامی آن امام؛ یعنی «موسی بن جعفر» (علیه السلام) به درون آمد، در حالی که گوسفندی به همراه داشت. خطاب به گوسفند فرمود: «برای پروردگار خود سجده کن!» در این هنگام، امام صادق فرزندش را در آغوش گرفت و فرمود: «پدر و مادرم فدای آن کسی که اهل بازیچه نیست».^{۴۲}

وظیفه در آباد کردن زمین:

آیت الله جوادی آملی جمله و استعمرکم فیها را در قرآن کریم اشاره به امر الهی به آباد کردن زمین می‌گیرد و از این جمله چنین استنباط می‌فرماید:

خدای سبحان که خلعت خلافت را با آیه کریمه (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) بر اندام موزون انسان وارسته پوشانید، تار و پود استبرق جانشینی را، معرفت اسمای حسناى الهی و مرمت قلمرو خلافت، و آباد و آزادسازی منطقه جانشینی از نفوذ تخریبی اهریمنان قرار داد و از جهت علمی چنین فرمود: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ) و از لحاظ عملی چنین فرمود: (هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ). اصل انشاء و ایجاد انسان از زمین به وسیله خدای سبحان است. خلقت انسان هدفمند است و او مانند علف هرز از زمین نروییده است. خدای سبحان خالق انسان است و او را جانشین خویش قرار داد و خلیفه خدا باید کار مستخلف عنه را انجام دهد. برای آنکه بستر مناسبی برای زندگی بشر فراهم

۴۱ اسلام و محیط زیست صفحه ۱۷۷ و ۱۷۸

۴۲ اسلام و محیط زیست - صفحه ۱۷۸

شود، خدای سبحان مواد خام را به عنوان غذای سفره طبیعت خلق کرد و به انسان، هوش، استعداد، فناوری و خلاقیت داد تا به عنوان مهمان سر سفره مواد خام طبیعت بنشیند و از این مواد به بهترین وجه بهره‌مند شود. عقل را از درون و وحی را از بیرون برای راهنمایی بشر قرار داد تا وی هم به وجود این مواد خام آگاه شود و هم به چگونه استفاده کردن از آن رهنمون گردد، تا زمین را آباد و محیط زیست را سامان بخشد، از این جهت از انسان خواست با بهره‌گیری از این مواد خام به آبادانی زمین بپردازد: (وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا) تا زندگی مناسبی برای بشر فراهم شود. باب استفعال (استعمار) در اینجا برای تحقیق است؛ یعنی به جدّ از شما خواست تا زمین را آباد کنید.^{۴۳}

آیت الله جوادی در جای دیگری با همین مضمون می‌نویسند:

مأموریت جامعه بشری به عمران دنیا را می‌توان از ادله فراوان عقلی و نقلی به دست آورد و بارزترین آن‌ها آیه (هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا) است؛ خداوند شما را از زمین آفرید و از شما خواست که آن را آباد کنید. استعمار الهی از مقدس‌ترین واژه‌های دینی است، زیرا همه عناصر محوری آن را رهنمود خداوند تأمین می‌کند، چون خدا اولاً تمام لوازم سپهری و زمینی را و آنچه بین آسمان و زمین است آفرید؛ ثانیاً همه آن‌ها را مسخر جامعه بشری قرار داد؛ ثالثاً به آنان تمام امکانات آباد کردن زمین را از جهت علوم تجربی و تجریدی و صنایع حسّی و تجربی و نیروی اجرایی عطا کرد؛ رابعاً از ایشان خواست که این کره خاکی را با همه معادن، ذخایر، سلسله جبال، دریاها و صحراهایش را آباد کنند و از آن بهره‌مند شوند و برای خویش آباد کنند نه برای

دیگری.^{۴۴}

فرایند صحیح صنعتی و خطوط کلی صنعت اسلامی:

آیت الله جوادی آملی خطوط کلی و فرایند صحیح صنعتی را بر مبنای متون دینی چنین ارائه می‌فرماید:

پیشوایان نظام اسلامی، عهده دار ترغیب به فراگیری کامل فرایند صحیح صنعتی و تعلیم کیفیت بهره برداری از آن می‌باشند. قوانین الهی، ضمن ارائه خطوط کلی فراگیری آن، با نقل سیره آموزنده اسوه‌های تمدن و عصاره‌های مدینه فاضله، نحوه استفاده از مدرن‌ترین صنعت‌های هر عصر را به انسان‌های صالح سالک کوی سعادت می‌آموزند.^{۴۵}

ایشان در همین باره می‌فرماید:

(۱) اصل فرایند صنعتی در حکومت اسلامی، ممدوح و مورد ترغیب است. (۲) لزوم استفاده صحیح از آن، در سیره عملی زمامداران دینی بیان شده است. (۳) مهم‌ترین بهره‌درست از صنایع پیشرفته هر عصر، عبارت است از تأمین نیازهای علمی و عملی مردم آن عصر. (۴) آنچه در قرآن یاد شد، جنبه «تمثیل» دارد نه «تعیین» یعنی در قرآن، مثال بهره‌وری صحیح از صنعت بازگو شده نه آنکه استفاده درست از صنعت، منحصر در همین چند مورد باشد. (۵) صنعت کشتی‌سازی نوح(علیه السلام) الگویی برای ساخت و پرداخت هر گونه وسائل نقلی دریایی و زیردریایی، اعم از وسیله نقل مسافر، بار و مانند آن و نیز وسایل نقلی زمینی و هوایی به طور عام می‌باشد صنعت زره بافی داود(علیه السلام)، الگویی برای ساختن هر گونه وسائل دفاعی است خواه در برابر تیر و مانند آن

۴۳ اسلام و محیط زیست صفحه ۲۷ و ۲۸

۴۴ جامعه در قرآن - صفحه ۲۸۳

۴۵ ولایت فقیه - صفحه ۱۱۰

باشد و خواه در قبال سموم شیمیایی و نظائر آن و صنعت معماری و کارهای دستی و ظرائف هنری و ساختن ظروف فلزی سلیمان(علیه السلام)، نمونه ای برای ساختن هر گونه لوازم زندگی است که نیازمندی های فردی یا گروهی و همچنین نیازمندی های هنری و ادبی، به وسیله آن برطرف می گردد.^{۴۶}

در نهایت ایشان چنین جمع بندی می فرماید:

از مجموعه این نمودارها می توان خطمشی حکومت اسلامی را درباره بهره برداری از صنایع استنباط نمود که استفاده از تکنولوژی در تمام امور سازنده و سودمند رواست، ولی بهره برداری از آن در امور تخریبی، و تهاجمی، و سوزنده، و کشنده، و تباه کننده زمین، دریا، هوا، گیاهان، جانوران، انسان ها، مناطق معمور، و... هرگز روا نیست و با این تحقیق، می توان فرق میان کادر صنعتی در مدینه فاضله که هدف حکومت اسلامی است را با کادر صنعتی کشورهای مهاجم و مخرب و مدعی تمدن، بررسی نمود.^{۴۷}

قوانین حقوقی اسلامی عهده دار تبیین صلاح حقوقی و اخلاقی صنعت:

قوانین اسلامی و مسئولان نظام دینی، عهده دار تبیین، تدوین و اجرای رشد حقوقی داخلی و بین المللی می باشند؛ زیرا جامعه انسانی هر چند در شئون گوناگون اقتصاد متریقی باشد و هر چند در امور متنوع صنعت کارآمد باشد، مادامی که از قوانین حقوقی کامل و متقابل آگاه نبوده و به آن معتقد نشده، در عمل به آنها متعهد نباشد، هرگز کامیاب نخواهد شد چون همان سلاحهای اقتصادی و صنعتی بدون صلاح حقوقی و اخلاقی، زمینه تباهی را فراهم می کند و جریان جنگ جهانی اول و دوم و تهاجمهای موضعی بعد از آنها که باعث شد همواره زورمداران در موضع تخریب قرار گرفته و محرومان در موضع انزوا و قتل و غارت واقع شوند، گواه بر آن است.^{۴۸}

بنابراین اگر صاحب نظری روشمندانانه تحقیق کرد و بدین نتیجه رسید که برای مهار آب باران و بهبود زندگی مردم لازم است سد بتونی احداث گردد تا افزون بر حفظ و نگهداری از آب، مانع زیانهای احتمالی سیل شده، در محیط زیست مؤثر و در بخش کشاورزی، دامداری و صنعت مفید باشد و آب شرب مردم نیز تأمین گردد، اگر با یافته های عقلی خویش مخالفت کرده و به گونه دیگری عمل کند، در قیامت عذاب خواهد شد. او نمی تواند ادعا کند که در قرآن یا روایات اسلامی چنین دستوری برای سدسازی بیان نشده بود؛ زیرا عقل، او را راهنمایی کرده و حجت خدا بر او تمام شده بود.^{۴۹}

صنعت کشتی سازی نوح(علیه السلام) الگویی برای ساخت و پرداخت هرگونه وسایل نقلی دریایی و زیردریایی، اعم از وسیله نقل مسافر، بار و مانند آن و نیز وسایل نقلی زمینی و هوایی به طور عام است و صنعت زره بافی داود(علیه السلام) الگویی برای ساختن هرگونه وسایل دفاعی است؛ خواه در برابر تیر و مانند آن و خواه در قبال سموم شیمیایی و نظائر آن؛ و صنعت معماری و کارهای دستی و ظرایف هنری و ساختن ظروف فلزی سلیمان(علیه السلام) نمونه ای برای ساختن هرگونه لوازم زندگی است که نیازمندیهای فردی یا گروهی و همچنین نیازمندیهای هنری و ادبی به آن برطرف می گردد.^{۵۰}

۴۶ ولایت فقیه - صفحه ۱۱۲

۴۷ ولایت فقیه - صفحه ۱۱۴

۴۸ اسلام و محیط زیست - صفحه ۵۵

۴۹ اسلام و محیط زیست - صفحه ۱۱۵ و ۱۱۶

۵۰ اسلام و محیط زیست - صفحه ۵۴ و ۵۵

معارف دینی مانند مطالب متافیزیکی آن، مستقیم با پیشرفت علوم و صنایع پیوند ندارد تا بر اثر بازسازی و تحول در آن، علوم و صنایع متحول گردند؛ یا رکود در آن به ایستایی جامعه در جهت صنعتی و کشاورزی انجامد. معارف دینی، انسان را به فهم اسرار طبیعت تشویق و به فراگیری علمی که مایه پیشرفت صنایع می‌شود سفارش می‌کند. قرآن کریم در آیات فراوانی مسخر بودن آسمان‌ها و زمین برای انسان را گوشزد می‌کند تا کارشناسان علمی به اسرار طبیعت پی‌برند و از منابع آن به خوبی استفاده کنند؛ مثلاً قرآن کریم درباره مسائل نظامی می‌فرماید: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ) و درباره شکوفایی اقتصادی: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ)؛ اوست که زمین را (همانند حیوانات اهلی) برای شما رام کرد، پس بر دوش آن سوار شوید و از روزی او بخورید. راه رفتن روی دشت، کار آسانی است؛ اما کندوکاو کوه‌ها برای معدن‌شناس و معدن‌کاو ماهر دشوار است، پس دین ما را به کشف اسرار جهان از سطح زمین تا اعماق اقیانوس‌ها و اوج آسمان‌ها (دانش تجربی) تشویق می‌کند، همان‌گونه که به فهم معارف الهی (دانش تجربی) بر این پایه، تأکید دین بر دو بخش است: بخش بهره‌برداری از طبیعت که به مسائل علوم و صنایع برمی‌گردد؛ بخش ماورای طبیعت که به علوم و معارف عقلی و قلبی برگشت می‌کند. بخش اول، کارشناسان را به ایجاد تحول عمیق و دقت در علوم تجربی و صنایع وامی‌دارد و بخش دوم صاحب‌نظران را به تحقیق و تأمل در علوم نظری تشویق می‌کند. بسیار روشن است که میان این دو ارتباط مستقیمی نیست، هرچند هر یک می‌تواند برخی از مبادی و مبانی دیگری را فراهم کند. گرچه میان علوم عقلی با پرورش و شکوفایی علوم تجربی ارتباط تنگاتنگ نیست، علوم نظری، خطمشی و اصول کلی علوم تجربی را تعیین می‌کنند و علوم عقلی، جنبه راهنما و هدایت‌گری برای علوم تجربی دارند؛ مثلاً علوم عقلی و معارف دینی به ما می‌آموزند که به جای سلاح تخریبی و تهاجمی، سلاح دفاعی بسازیم، چنان‌که قرآن کریم الگوی آن را در داستان حضرت داود پیامبر(علیه‌السلام) برای مسلمانان ارائه می‌کند: (وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّنْ بِأْسِ كُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ)؛ برای شما زره‌بافی را به او (داود) آموختیم تا از (گزند) جنگتان نکه دارد؛ نه اینکه از آن سلاح سرد بسازد تا عامل تخریب و کشتار گردد. شبیه آنچه در روایات آمده که از امام صادق(علیه‌السلام) پرسیدند: آیا اجازه داریم به دو طرف متخاصم که هردو کافرند سلاح بفروشیم؟ امام فرمود: به هر دو طرف بفروشید، آن هم سلاح دفاعی؛ مانند زره و سپر؛ نه سلاح تهاجمی؛ مانند شمشیر، تیر و نیزه. بر این اساس، سهم معارف الهی و نظری این است که صنعت قهار را مهار می‌کند و این عالی‌ترین نوع ترقی جوامع انسانی است. توخس جنگجویان و غارتگران اتمی را نمی‌توان تمدن نامید، زیرا نتیجه پیشرفت و ثمره ارتقای اجتماعی، ایجاد آرامش و امنیت و کاهش اضطراب و ناامنی است، در حالی که امروز در کشورهای غربی ایجاد اضطراب فکری و اعتقادی و ناهنجاری‌های اخلاقی را پیشرفت جوامع بشری می‌نامند.^{۵۱}

پیامبران و دین مداران به وجود آورندگان صنایع سالم:

نوع انسان در بقای خود نیازمند به آلات و ابزار است که در اثر صنعت پدید می‌آید و صنعت، نیازمند علم و فن مخصوص است که از راه تمرین و تجارب به دست می‌آید و تمرین و تجارب نیز تدریجی و نیازمند به مرور زمان است. یکی از فواید بعثت انبیا تعلیم صنایع و فنونی است که

بر بشر پوشیده است؛ چنان که خداوند به نوح(علیه السلام) صنعت کشتی و به داوود (علیه السلام) صنعت زره‌بافی را آموخت و آنان نیز آن را به بشر آموختند.^{۵۲}

بیشتر صنایع، علوم و فنی که در ارتقای زندگی اجتماعی انسان اثرگذار بوده و بشر را به مراحل از عزت رسانده‌اند، مرهون تلاش پیگیر و مستمر مسلمانان بوده است که آنان به جهت تحریض و تشویق تعالیم دینشان بدان سمت کشانده شدند و اگر قبل از اسلام نیز پیشرفتی در رشد و تعالی حیات انسانی وجود داشت یا عاملی که آنان را از حیات بدوی به حیات مدنی تشویق می‌کرد، نتیجه زحمات طاقت‌فرسای انبیای الهی بوده است، چنان که آنان به این امور در جهت پیشرفت حیات انسان اهتمام داشتند، چنان که صنعت زره‌بافی یادگار داود پیامبر: (وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ)^۲ و فن کشتی‌سازی از نوح پیامبر بوده است: (وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرَفُونَ)^{۵۳}

خلیفه الله مدیر مسئول سلسله منظم نظام هستی امکانی است و بر این اساس: «اولاً، به جزئیات و ویژگی های اشیای مادی احاطه دارد و منافع و آثار آنها را از قوه به فعل می‌رساند و از این طریق صناعی را استنباط و ابزاری را اختراع می‌کند. از این رو ممکن است بسیاری از فنون و صنایع همانند علوم و سُنن به دست پیامبران، یا با هدایت آنان به وجود آمده باشد.^{۵۴}

صنعت در عصر حضرت سلیمان :

آیت الله جوادی آملی در کتاب بنیان مرصوص امام خمینی خود خطوط کلی صنعت اسلامی ایجاد شده توسط پیامبران الهی از قرآن کریم را در سه صفحه^{۵۵} چنین استنباط می‌فرمایند:

سلیمان(علیه السلام) که حکومت اسلامی را در پهنه وسیعی از زمین گسترش داد و به برخی از زمامداران عصر خود نامه نوشت و آنان را به اسلام فراخواند و کامیاب شد، از امکانات فراوانی برخوردار بود و قرآن کریم نحوه استفاده او از وسائل صنعتی آن روزگار را چنین بازگو می‌کند: «وَأَسْلَمْنَا لَهُ عَيْنَ الْقَطْرِ» ما برای او چشمه مس گذاشته را سیل گونه روان ساختیم «یعلمون له ما يشاء من محارِب و تمائیل و جفان کالجواب و قدروا راسیات اعملوا ال داود شکرا و قلیل من عبادی الشکور». کارگزاران نظام اسلامی حضرت سلیمان(علیه السلام)، هم در صنعت معماری بناهای بلند و قصرهای منبع می ساختند و هم در صنعت نقاشی و هنر، تمثال فرشتگان و پیامبران و صالحان را با زیبایی ترسیم می کردند تا ضمن تشویق به هنر و ارضای غریزه هنرجویی، روش بهره برداری درست را ارائه نمایند و اسوه ها را به صورت نقاشی، فراسوی مردم نصب کنند تا با مشاهده نقش، هنر بیاموزند و با شهود منقوش، سعادت را تحصیل کنند و نیز در صنعت فلزکاری، ظروف مورد نیاز فردی و جمعی را می ساختند تا در کنار هنرآموزی، وسائل رفاهی را فراهم نمایند و آئین بهزیستی را در سایه تامین لوازم ضروری زندگی، بیاموزند و از اینرو به ساختن ظرف های بزرگ و کاسه های عظیم و دیگ های رفیع و استوار می پرداختند و در عین حال که نعمت صنعت را بجا صرف می کردند، به شکرگزاری خداوند منان مامور شدند خداوندی که هم نعمت مواد خام و معدنی را آفرید و هم نعمت استخراج آنها را در اذهان بشر خلق کرد و هم نعمت صنعت و ساخت وساز وسائل سودمند را یادشان داد. جریان ورود ملکه سبا به ساحت قدس سلیمان(علیه السلام) و مشاهده قصر ظریف شیشه ای و پندار آب و بالا زدن پوشش پا، شاهد بر

۵۲ انتظار بشر از دین - صفحه ۴۳

۵۳ جامعه در قرآن - صفحه ۲۰۲

۵۴ تسنیم، جلد ۳ - صفحه ۱۲۵

۵۵ جوادی آملی، عبدالله؛ بیان مرصوص امام خمینی رحمت الله علیه؛ صفحه ۳۴۳ تا ۳۴۶ این بحث با اندک تفاوتی در کتاب اسلام و محیط زیست در ۵ صفحه از صفحه ۵۲ تا ۵۶ آمده است و در کتاب ولایت فقاقت و عدالت نیز در ۵ صفحه ۱۱۰ تا ۱۱۴ آمده است.

پیشرفت صنعت معماری، هنری، و صنعتی آن عصر است: «قیل لها ادخلی الصرح فلما راته حسبته لجة وكشفت عن ساقیها قال انه صرح ممرد من قواریر» .

صنعت در عصر حضرت داود:

داود که پدر سلیمان(علیهما السلام) بود و زمینه حکومت اسلامی را با رهبری انقلاب و ستمزدایی عصر خود آغاز کرد و از امکانات مناسبی متنعم بود، مأمور شد از نعمت غیبی خداوند که آهن سرد سخت را در دستش چون موم نرم کرده بود، صنعت زره‌بافی را ارائه کند و نظم هماهنگ بندها و حلقه‌های زره را رعایت کند: (وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يٰجِبَالُ اَوْبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ اَللّٰهُ اَلْحَدِيْدَانِ اَعْمَلْ سِبْغَتِ وَقْدَرٍ فِى السَّرْدِ وَاَعْمَلُوا صٰلِحًا)، (وَعَلَّمْنٰهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحَصِّنْكُمْ بِاَسِيْكُمْ فَاَهْلَ اَنْتُمْ شٰكِرُوْنَ). گفتنی است که صنعت زره‌بافی در شمار علوم عملی و هنری است و انتقال‌پذیر به غیر است، لذا قرآن از آن با کلمه «تعلیم» یاد کرد؛ ولی آهن را با دست موم کردن، هرگز جزو علوم نظری یا عملی نیست، زیرا به کرامت روح ولی خدا و نزاهت نفس رسول حق وابسته است، از این رو قرآن در این باره به «تعلیم» تعبیر نکرد بلکه به (اَللّٰهُ) بسنده کرد تا روشن شود که لاین و نرم شدن آهن در دست داود(علیه السلام) با قدرت غیبی عملی می‌شود، البته آهن را از دیر زمان با آتش نرم می‌کردند؛ لیکن آن، جزو علوم عملی است و امری عادی؛ نه خارق عادت.

صنعت در عصر حضرت نوح :

نوح، شیخ الانبیاء(علیه السلام) که نه تنها در مساله وحی و نبوت، جزء پیشگامان کوی رسالت است، بلکه در جریان استفاده صحیح از علم صنعت، از پیش کسوتان به شمار می‌آید و خداوند، هم تعلیم کشتی‌سازی او را به عهده گرفت و هم توفیق و تایید عملی آن را عهده دار شد که قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید: «اصنع الفلک باعیننا ووحینا» «فاوحینا الیه ان اصنع الفلک باعیننا ووحینا» .

صنعت در عصر ذوالقرنین:

اکنون که عصاره سیره رهبران حکومت اسلامی در نحوه بهره‌برداری از صنعت بازگو شد، مناسب است آنچه از ذوالقرنین در قرآن کریم نقل گردیده بیان شود. قرآن کریم اگر چه از نبوت او سخن نگفت، ولی روش پسندیده او را با برخورداری از همه وسائل مقدور آن عصر، به طور نسبی گزارش داد. او از تمام امکانات لازم بهره‌مند بوده و کارهای قابل توجهی انجام داده است. یکی از آن کارهای شگفت‌انگیز، ساختن سد عظیم نفوذناپذیر است که بر اثر ارتفاع و صاف بودن، قابل فتح نبود و بر اثر استواری و استحکام، قابل نقب و سوراخ نمودن نبود زیرا آن سد عظیم فلزی، از خاک، آجر، سنگ، سیمان، و مانند آنها ساخته نشد، بلکه از پاره‌های آهن و مس گداخته ساخته شد که بیان قرآن مجید در این باره چنین است: «اتونی زبر الحدید حتی اذا ساوی بین الصدفین قال انفخوا حتی اذا جعله نارا قال اتونی افرغ علیه قطرا» یعنی پس از چیدن تکه‌های آهن همانند قطعات سنگ، دستور داد که با استفاده از کوره آهن‌گری، در آن بدمند تا کاملاً قطعه‌های آهن به صورت آتش گداخته درآید و آنگاه فرمان داد که مس گداخته را در آن تعبیه نمایند تا به صورت سد کامل و محکم فلزی درآید.

پهن شدن سفره ی صنعت توسط خدای متعال:

گوهر کار بلکه کار گوهرین، هماهنگی کامل بین سنت و صنعت و هماوایی بین طبیعت و هنر است. خدای سبحان، همه مواد خام و لازم هرگونه ابتکار را در سفره سنت الهی قرار داده و زمینه هرگونه صنعت بدیع و هر نوع نوآوری را در نهان بشر نهادینه کرده است تا اصل کار از سادگی

صدف به پیچیدگی گوهر، بار یابد و از تکرار پرهیز شود و به سمت خلاقیت جهت‌گیری کند. اصل حاکم بر کار، تزیین مواد خام سنتی به چهره دلپذیر صنعتی است که یکی را خداوند با دست طبیعت در خارج از ذهن فراهم نموده و دیگری را همان خداوند با دست صنعت در قلمرو اندیشه بشر، شکوفا کرده است تا تمام خواسته‌های انسانی، «از علم به عین آید و از گوش به آغوش»؛ چنین کار گوهرین را کیمیا گویند. حضرت امام صادق (علیه السلام) از صنعت کشاورزی به کیمیا ابر یاد فرمود: «الکیمیا الأكبر الزراعة» زیرا در پرتو چنین صنعتی به مواد جامد طبیعی، حیات گیاهی بخشوده می‌شود و هنر این فن ویژه، فراهم نمودن شرایط جهش از مرحله جماد و مردگی به منطقه نبات و زندگی است. پس، اصل کار باید به منزله دمیدن روح هنر در ماده به ظاهر بی‌روح طبیعت باشد تا صنایع آدمیان، تبلوری از حیات هنر و تجلی زنده بودن و زنده شدن باشد.

۵۶

فرو رفتن کشتی در آب، این امکان را به انسانها می‌دهد تا برای انتقال کالاها و تأمین منافع تجاری و غیرتجاری از ساحلی به ساحل دیگر حرکت کنند: (وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ). کشتی، هواپیما و مانند آن، ساخته دست بشر است؛ ولی وی نباید چنین بپندارد که اوست که آن را ساخته و می‌تواند با آن دریا و فضا را شکافته و درنوردد، زیرا همه فکرها، هوشها و قدرتها جزو امور امکانی است و طبق اطلاق آیه (خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ) هر ممکنی را خدای سبحان بی‌واسطه یا باواسطه می‌آفریند؛ یعنی همان‌گونه که موجودات طبیعی، مخلوق خدای سبحان‌اند و از ربوبیت او بهره‌مند می‌شوند، موجودات صناعی نیز با واسطه آفریده خداوند هستند و از ربوبیت او برخوردار می‌گردند، افزون بر این، اصل مواد خام صنایع را خداوند آفریده است. تذکر: ۱. آنچه در این آیه به عنوان (بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ) مطرح شده نظیر مطلبی است که در آیه (وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَوُوفٌ رَّحِيمٌ) ۳ راجع به بهره‌وری از انعام آمده است. ۲. آنچه به حال فرد و جامعه بشری نافع است هم وسیله نقلیه بودن کشتی است که خود حمل و نقل نافع است و هم اینکه کالاها نافع تجاری و اقتصادی ... به وسیله کشتی جابه‌جا می‌شود. استظهار نافع بودن حمل و محمول با استعمال لفظ در جامع انتراعی که هیچ محذوری ندارد میسر است. ۵۷

اسلام و صنایع تسلیحاتی :

با آنکه خدای سبحان انبیا (علیهم السلام) را به شمشیر و سلاح آهن مسلح کرده: (وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ، در ساختن سلاحهای نظامی، تقدّم را به سلاحهای دفاعی داده است، نه تسلیحات تهاجمی و تخریبی، چنان‌که به حضرت داود (علیه السلام) ساختن زره را آموخت (وَعَلَّمَانَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ) نه نیزه و شمشیر را. از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند که هنگام گرمی بازار سلاح بر اثر جنگ اهل دو منطقه غیر مسلمان، آیا می‌توان به آنان اسلحه جنگی فروخت؛ آن امام همام (علیه السلام) فرمود که سلاحهای محافظ آنان را بفروشید مانند زره: بعهما ما یکنهما کالدرع و الخفین و نحو هذا، پس اصل فروش سلاح در زمان جنگ به کافران درگیر با یکدیگر جایز است؛ لیکن سلاح باید به هر دو طرف فروخته شود، تا یکی تقویت و دیگری تضعیف نشود. نیز باید سلاحهای دفاعی مانند سپر و زره را فروخت تا آنها را حفظ کند نه سلاحهای تخریبی را. این روایت از جلوه‌های بشر دوستی اسلام است که نمونه آن حتی به صورت ظاهری نیز در مشورهای سازمان ملل و حامیان دروغین حقوق بشر یافت نمی‌شود؛ چه رسد به طرح و تصویب

اشتمال قرآن بر علوم صنعتی:

خدای سبحان، قرآن کریم را تبیان همه چیز دانست. گرچه ممکن است منظور از (تبیاناً لکل شیء) این باشد که هرچه در جهان تکوین و عالم خارج وجود دارد، قرآن کریم از لحاظ علمی حاوی آنهاست؛ زیرا این کتاب عظیم الهی از مبدأ اعلا تنزیل یافت و در آن مقام، همه حقایق وجود جمعی دارند: (إن من شیء إلا عندنا خزائنه) و برای قرآن همان طوری که ظاهر انبیک است، باطن عمیق می‌باشد و برخی از روایات نیز همین اشتمال قرآن بر همه علوم جهان هستی را تأیید می‌کند؛ لیکن محور اساسی قرآن، همان تعلیم و تزکیه انسانها در راه عقیده و اخلاق و اعمال شایسته است، تا از این رهگذر، سعادت خود را تحصیل نموده، به هدف نهایی که لقای خداوند سبحان است، نایل گردند. اما سایر دانشهای مادی و علوم و صنایع تجربی و حرفه‌های هنری و آداب و سنن اعتباری و مانند آن، دور از هدف اصیل آن است لذا آنچه بیش از هر چیز مورد عنایت این کتاب عظیم الهی است، تشریح اصل شناخت و تعلیل معیارهای اساسی آن و اعلام طرز تعقل و کیفیت استنتاج از مقدمات عقلی و پرهیز از تقلید جاهلی و نیز اجتناب از مغالطه در تفکر و مانند آن است که به عنوان شرط درست اندیشیدن یا مانع آن خواهند بود. آنگاه به اصیل‌ترین معلوم و مهم‌ترین معروف که خدای سبحان و اسمای حسناى آن حضرت و تعریف جمال و جلال آن ذات اقدس و تبیین صفات ذات و اوصاف فعل آن حضرت و تعلیل توحید ذاتی و صفاتی و فعلی و نیز تشریح توحید ربوبی و عبادی و مانند آن می‌باشد می‌پردازد و همچنین به کیفیت تدبیر خدای سبحان نسبت به جهان آفرینش، توسط قضا و قدر و لوح و قلم و محو و اثبات و أمّ الکتاب و فرشتگانی که مدبر امورند و نظایر آن پرداخته و از آنها بحث می‌کند.^{۵۹}

دین نه تنها تشویق به فراگیری علوم را عهده‌دار است و انسانهای مستعد را به تحصیل کمالهای علمی ترغیب می‌نماید، بلکه خطوط کلی بسیاری از علوم را ارائه کرده، مبانی جامع بسیاری از دانشهای تجربی، صنعتی، نظامی و مانند آن را تعلیم داده است.^{۶۰}

داشتن تفسیر توحیدی از نظام کیهانی زمینه ی خدمت صنعتی به هموعان:

وقتی انسان عالم به هدف آفریدن خود بار می‌یابد که دانش وی تفسیر توحیدی از نظام کیهانی باشد و سراسر صحنه خلقت را آیت قدرت و علم خداوند بداند تا خود که صلاحیت خلافت الهی را داراست، هم مظهر علم خدا گردد و به مقدار توان خویش، اسرار مرموز هستی را کشف نماید و هم آن‌ها را در راه صحیح سودمندی جوامع بشری تسخیر کند. سر آن که برخی از صاحبان صنایع علمی از توفیق سودرسانی به هموعان خود استنکاف دارند، این است که علم آن‌ها صبغه توحیدی نداشته و علم و قدرت بیکران خداوند را برای آنان روشن نکرده است، و متجربانه به کیهان‌شناسی پرداختند.^{۶۱}

۵۸ - تسنیم، جلد 11 - صفحه 723

۵۹ - سرچشمه اندیشه جلد 1 - صفحه 27 و 28

۶۰ - اسلام و محیط زیست - صفحه 109 و سرچشمه اندیشه جلد 4 - صفحه 76

۶۱ - سروش هدایت جلد 1 - صفحه 69

اعتنا به دستاوردهای علمی در صنایع مختلف برای مهندسان و صنعتگران، بُعد شرعی دارد؛ مثلاً اگر در صنعت هواپیماسازی یا کشتی‌سازی، صنعتگر و مهندسی از روی علم و عمد یافته‌های اطمینان‌آور علمی را زیر پا گذاشت و ضوابط عملی رشته خود را نادیده انگاشت و به این ترتیب جان مسافران و استفاده‌کنندگان از هواپیما و کشتی را به خطر انداخت، شرعاً مسئول و ضامن است.^{۶۲}

پیشرفت صنعت و تکنولوژی در پرتو دولت مهدوی (عج)

به رغم زعم باطل گروهی که تشکیل حکومت مهدوی (عج) را مایه ارتجاع بشر به شیوه‌های زندگی بدوی معرفی می‌کنند، عصر نورانی حکومت حضرتش دوران شکوفایی بشر در صنعت، تکنولوژی و توسعه همه جانبه است: عمران، آبادی و توسعه شهری به گونه‌ای فزاینده رو به کمال می‌رود و مساجد به عنوان نماد این توسعه وسعت فراوان می‌یابند. در برخی روایات عصر ظهور، نمونه‌ای از این توسعه و رشد در صنایع عمران و معماری چنین بیان گردیده است: در بیرون از شهر کوفه مسجدی با هزار در ساخته می‌شود و خانه‌های شهر به نهر کربلا وصل می‌گردند؛ توسعه شهرها چنان خواهد بود که مردی سوار بر استر تیزرو به قصد نماز جمعه حرکت می‌کند؛ اما بر اثر فاصله فراوان مکان و فراخی شهر به آن نمی‌رسد عن ابی‌عبدالله (علیه‌السلام): *إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ يُبْنِي لَهُ فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدَ لَهُ أَلْفَ بَابٍ؛ وَ تَتَّصِلُ بِيُوتِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَا؛ حَتَّى يَخْرُجَ الرَّجُلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى بَغْلَةٍ سَفْوَاءٍ يَرِيدُ الْجُمُعَةَ فَلَا يَدْرِكُهَا.* [۱] تذکر: ۱. انسان صالح به عنوان خلیفه خداوند مأمور آباد نمودن زمین است: *(هُوَ أَشْأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا).* [۲] ۲. گسترش عدل، توزیع عادلانه امکانات، ارائه خدمات و تسهیلات مساوی و مواسی، توهم اختصاص عمران به کوفه و مانند آن را از بین می‌برد. ۳. ارتباط همه جانبه با حکومت مرکزی عدل‌مدار، موجب توسعه پایدار و پیوند سیاسی، اجتماعی بوده و پهنه چنین پیمانی وسعت آبادی را به همراه خواهد داشت. در پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیکی نیز تحوّل شگرف رخ خواهد داد، به گونه‌ای که بین آن حضرت و یارانش پیکی نخواهد بود: او سخن می‌گوید و آنان در هر کجا که باشند وی را می‌بینند و صدایش را می‌شنوند: عن ابی‌عبدالله (علیه‌السلام): *إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) شَيْعَتَنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ؛ حَتَّى لَا يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يَكْلَمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ.* گرچه می‌تواند مراد از این حدیث شریف عنایت ویژه‌ای در حق پیروان آن حضرت باشد، به گونه‌ای که چشم و گوششان قدرتی دو چندان یابد؛ اما اگر منظور این حدیث امری کرامت و خارق عادت نباشد، قطعاً بیانگر پیشرفت‌های صنعتی عصر ظهور است، همان‌طور که بخشی از آن اکنون نیز در سایه ماهواره‌ها، وسایل ارتباط جمعی و شبکه جهانی اینترنت عملی شده است که می‌تواند از آثار و علایم ظهور آن حضرت باشد و بخش کامل‌تر آن در زمان ظهور و حکمت آن حضرت محقق گردد.^{۶۳}

هر چند بشر امروزی با پیشرفت صنعت و تکنولوژی، توانسته است از بروز بسیاری از حوادث طبیعی جلوگیری کند؛ ولی هرگز نمی‌تواند بر سنت قطعی الهی تسلط یابد. اشتباه اندیشه اومانیستی در این است که پنداشته‌اند، با پی‌بردن به برخی علل پیدایش حوادث، می‌توانند بر نوامیس طبیعت فائق آیند و هر گونه که اراده کردند عناصر محوری طبیعت را به نفع خود سوق داده و دستگاه آفرینش را مطیع خود سازند. آنان با خیالات و توهمات به این پندار باطل رسیده‌اند که با کشف برخی از علل حوادث از مبدأ هستی مستثنی و از تدبیر ربوبی بی‌نیازند.^{۶۴}

رابطه ی اومانیزم و پیشرفت صنعتی:

آیا تمدن کنونی مغرب‌زمین که با صد هزار جلوه سپهری و زمینی، فضایی و دریایی، جمادی، گیاهی، حیوانی و انسانی خودنمایی می‌کند، با اندیشه سکولاریزم، اومانیزم و... هماهنگ است و بر آن استوار می‌باشد یا نه؛ در صورت ابتدا چاره‌ای جز پذیرش جدایی دین از سیاست نیست؛ چه اینکه ناچار از قبول اصالت انسان بوده و باید تمام شئون فردی و جمعی به صورت انسان‌مداری تنظیم گردد، زیرا وقتی از پذیرش تکنولوژی چاره‌ای نباشد، از قبول مبنای فکری و علمی آن نیز چاره‌ای نیست و در صورت عدم ابتدا، تبیین آن لازم و تعلیل انفکاک پیشرفت صنعت از اندیشه‌های یاد شده ضروری است.^{۶۵}

بر فرض صحت تفکر عاطل سکولاریزم و اندیشه باطل اومانیزم، چون اصل کلی و جامع ترابط معارف فی‌الجمله صحیح است نه بالجمله، و به نحو ایجاب جزئی تام است نه ایجاب کلی، و در غیر محور نظام علی و معلولی در مبادی تصویری و تصدیقی ناصواب است، و هیچ‌گونه ربط علمی و علی بین پیشرفت صنعت و تکنولوژی و بین مکتب‌های اقل مزبور وجود ندارد، هرگز التزام به قبول صنعت پیشتر با نکول افکار فائل و باطل یاد شده منافات ندارد و صرف اینکه آن صنعت و این مکتب از یک دیار درآمد یا از یک نژاد برخاست و یا در یک عصر ظهور کرد، نشان تلازم و هماهنگی آن‌ها نیست و توهم ترابط ضروری آنها از سنخ مغالطه بالذات و بالعرض و مانند آن است؛ در کار خانه‌ای که ره عقل و فضل نیست *** فهم ضعیف رأی فضولی چرا کند، نبذ عقل برهانی و طرد شهود عرفانی و بی‌اعتنایی به وحی آسمانی و جمود بر معرفت احساسی و تجربی ثمره‌ای جز حنظل سکولاریزم یا اومانیزم نخواهد داشت؛^{۶۶}

گرچه ابتکار صنعت، فن‌آوری و تکنولوژی، مبتنی بر مبنای فاسد سکولاریزم و کاسد اومانیزم نیست، لیکن کیفیت بهره‌داری از آن و کمیت استفاده از آن و موقعیت داد و ستد و سایر امور مربوط به آن، همگی ناشی از نگرش خاص به انسان، جهان و پیوند بین آنها است.^{۶۷}

در فرهنگ قرآن، معیار حیات جاهلانه یا زیست عاقلانه، پیشرفت در صنعت یا برخورداری از رفاه و ابزار زندگی تجملی نیست. قرآن کریم اقوامی را معرفی می‌کند که با وجود برخورداری از پیشرفت‌های شگرف صنعتی و بهره‌مندی از رفاه زندگی اجتماعی تا بدان پایه از جاهلیت پیش رفتند که مستوجب عقاب الهی و حرمان از رحمت خداوند شدند و سر انجام به هلاکت رسیدند. قوم عاد و ثمود و اصحاب جبر نمونه‌ای از این مردمان‌اند. قوم عاد با اینکه در صنعت شهرسازی

۶۴ حق و تکلیف در اسلام- صفحه 102

۶۵ سروش هدایت جلد 2 - صفحه 62

۶۶ سروش هدایت جلد 2 - صفحه 64 و 65

۶۷ سروش هدایت جلد 2 - صفحه 68

در آیات گوناگونی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن جهت که رهبر جامعه اسلامی است، خطاب کرد که مبدا تحول و پیشرفت کافران در صنعت و تکنولوژی فریبستان دهد، چون اینها متاع اندک و زودگذر دنیا است و اغترار به اینها دوزخ و عذاب دائمی خدا را در پی دارد: (لا یَعْرَنُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ)^{۶۹}

لزوم همراهی پیشرفت صنعتی با تبعیت از فرهنگ حیات بخش ائمه:

در عصر کنونی، برخی از جوامع صنعتی غرب در تکنولوژی و صنعت پیشرفتی شگفت انگیز کرده‌اند؛ کیهان پیمایی و فضانوردی (با سرنشین و بدون سرنشین) برای آنها امری عادی شده است و... اما چون از هدایت‌ها و حمایت‌های فکری و فرهنگی ائمه اطهار (علیهم السلام) بهره‌مند نشدند، پیشرفتشان به آسمان ظاهری و طبیعی محدود شده است و نه تنها برای پیشروی در آسمان معنویت و انسانیت، گام صعود برداشته‌اند، بلکه سراشیب سقوط را پیش گرفته‌اند. آلودگی‌های فکری و آفات فرهنگی، چنان بیمارشان کرده است که پیکر نحیف و تکیده انسانیت در آن جوامع به سوی مرگ و نابودی گام می‌زند. از این رو نه عرض و آبروی مردم برای آنان ارجی دارد و نه جان و مالشان ارزشی؛ مستضعفان فکری و جسمی، نه در جامعه امنیت دارند و نه در داخل خانه. نه پدر از احترام فرزند برخوردار است و نه فرزند از نعمت تربیت پدر بهره‌مند. نه کانون خانواده گرم است و نه چراغ عطف و مهری در جامعه روشن. نه کشورهای دور از شرشان در امان هستند و نه همسایگان نزدیک از شرارتشان آسوده. به عقرب جراره‌ای شباهت دارند که زهر فساد و فتنه را با شهد تمدن و پیشرفت آمیخته و با نیش‌های مسموم خود به نام اصلاحات، آزادی اندیشه و ده‌ها نام پر زرق و برق دیگر به پیکر بشریت وارد می‌کنند و بدین صورت هاضمه فکری و بنیان‌های اخلاقی آنها را به فساد و تباهی سوق می‌دهند. به اسم نظم نوین، نظام استوار انسانیت را به کام شعله‌های حقد و کینه خود می‌کشند. همه شخصیت و ارزش انسان را در شکم و دامن خلاصه می‌کنند و... اما جوامعی که سهمی هر چند اندک از فرهنگ حیات‌بخش ائمه (علیهم السلام) دارند، اگرچه عوامل فراوانی مانع پیشرفت صنعتی و تکامل علمی آنها شده است، لیکن بسیاری از اصول و آرمان‌های انسانی، در صدر ملاک‌ها و معیارهای ارزشی آنها قرار دارد و از این جهات تفاوتشان با جوامع مادی بسیار است.^{۷۰}

معایب زندگی ماشینی و تناقض با فطرت الهی:

ایشان معتقدند حشر و نشر بیش از حد با وسایل صنعتی انسان را از شهود نظام فاعلی و سنت‌های الهی به حجاب می‌برد:

فطرت در جهان صنعت: فطرت از آن جهت که نحوه هستی ویژه انسان است، از سنخ وجود و کمال وجودی است و نیز از وحدت حقیقی برخوردار است؛ لذا در محور بحث علی و معلولی قرار می‌گیرد و نظام داخلی آن، مانند نظام خارجی آن اعم از نظام فاعلی و نظام غایی، مورد استدلال عقلی، تجربی و مانند آن واقع می‌شود؛ زیرا بنابر این فرض، فطرت موجود عینی است و نموداری از آن در قلمرو طبیعت یافت می‌شود، چنان که بسیاری از آثار و مآثر فراطبیعی است. لذا درخور تحلیل عقلی از یک سو و تجربه تجربی از سوی دیگر خواهد بود، و چیزی که وحدت حقیقی ندارد، موجود واقعی نخواهد بود و از تمام مطالب یادشده محروم است. زیرا چیزی که کثرت آن واقعی باشد، وحدت آن اعتباری است و چون هستی مساوق با وحدت است، اگر وحدت چیزی

۶۸ امام مهدی (عج) موجود موعود - صفحه 33

۶۹ تسنیم، جلد 10 - صفحه 640

۷۰ ادب فنای مقربان جلد 3 - صفحه 27

اعتباری بود، وجود آن چیز نیز اعتباری خواهد بود و وجود اعتباری هرگز به نظام فاعلی و نظام غایی اعتماد ندارد و بر پایه علیّت و معلولیت حقیقی استوار نیست، در نتیجه سخن از مبدأ نخست نظام آفرینش و نیز مبدأ نهایی آن به عنوان (هو الأول والآخر) [سوره حدید، آیه ۳] اصلاً مطرح نخواهد شد. آنچه توجه به آن لازم و سودمند است این است که با پیشرفت تکنولوژی و عرضه کالاهای صنعتی به بازار فرهنگ و مصرف، توجه علمی و انعطاف عملی جامعه بسوی موجودهای بی‌شماری است که ترکیب و تکثیر آنها مانع تحقق وحدت آنها خواهد بود و چیزی که فاقد وحدت حقیقی باشد، واجد وجود حقیقی نخواهد بود و چیزی که وجود حقیقی نداشت از محور علت و معلول بیرون بوده و طرح ساختار نظام‌مند فاعلی و غایی درباره آنها روا نیست، البته اجزای اصلی آنها واحد حقیقی و موجود واقعی‌اند، لیکن آنها از منظر اصحاب صنعت دورند. جامعه‌ای که در تمام شئون صعود و هیوط خود با همین وسائل صنعتی فاقد هویت به سر می‌برد و هیچ‌گونه آثار وحدت حقیقی، معلولیت، مخلوقیت و سنت الهی را در متن چنین صنعتی مشاهده نمی‌کند، متدرجاً از شهود سنت الهی محروم و از ادراک وحدت، هستی، معلولیت و مخلوقیت و در نتیجه از نگاه به نظام فاعلی و غایی محجوب خواهد بود. اُنس مستمر به حیات صنعتی نه تنها اشتغال به طبیعت را به همراه دارد بلکه اعراض از فراطبیعی لازمه چنین اشتغال گسترده به طبیعت است، و حتی بالاتر موجب بینش صنعتی و تکنولوژیکی و ماشینی به انسان خواهد بود، قهراً حیات انسان از منظر مبتلایان به انغمار در صنعت و از دیدگاه لاهیان به طبیعت همان حیات یک موجود صناعتی خواهد بود و روشن است که هیچ خبری از فطرت در موجود صنعتی نیست و هیچ اثری از آن در موجود ماشینی وجود ندارد. ابتلای به صنعت از جهات فراوان نیازمند به بازنگری و ضبط جهات دیگر است، وگرنه از جهت معرفت‌شناسی نیز آسیب خاص خود را رسانده و می‌رساند؛ زیرا در چهار سوق صنعت هرگز سخن از خارج محمول و جنس و فصل و لازم ذات، و ذاتی باب ایساغوجی و ذاتی باب برهان و قضیه حقیقیه و ضرورت ذاتی محمول برای موضوع و مانند آن نخواهد بود، مگر به لحاظ اجزای واحد صنعتی که موجودی طبیعی است و دارای خواص ذاتی و عرض است، لیکن آثار جزئی آن اجزا محسوس نبوده و محسوب نخواهد شد و تفصیل این بحث را می‌توان، در معرفت‌شناسی در قرآن یافت.^{۷۱}

ایشان معتقدند پیشرفت صنعتی بدون پیشرفت عقلی و فطری تهدیدکننده ی جهان بشریت است :

انسان توان بهره‌برداری علمی و عملی از مواهب طبیعی را دارد تا با این قدرت خدادادی به کمال برسد، چون آدمی به حسّ و عالم طبیعت نزدیک‌تر و گرایش او بیشتر است؛ لیکن این تکامل طبیعی نباید او را از تکامل فطری و عقلی که به ماورای طبیعت وابسته است غافل کند. وحی و نبوت برای شکوفایی و بیداری فطرتی آمده است که دنیای کنونی اصلاً از آن خبر ندارد. نشانه‌اش آن است که در برخی از کارخانه‌های پیشرفته دنیا شاید در هر دقیقه چند اتومبیل ساخته می‌شود؛ ولی از نظر اعتقادی و اخلاقی جز فساد و ظلم و درندگی چیزی دیده نمی‌شود. پیشرفت صنایع و علوم، آسیبهای فراوانی به انسانیت زده است؛ به‌گونه‌ای که هر روز خطر جنگ جهانی سوم و خاکستر شدن جهان، بشریت را تهدید می‌کند. زیرا با غفلت از معاد و فراموشی عرصه حساب و پاداش و کیفر و انعدام انگاری انسان با مردن دلیلی ندارد که کسی از لذت، کامجویی، استثمار و استعمار صرف‌نظر کند و عقل چنین بشری فقط در راستای علوم تجربی پیشرفت می‌کند؛ نه دانشهای تجربی. آنچه مستکبران، مترفان، مرفه‌ان بی‌درد، مسرفان و تکاثرزدگان در طی تاریخ کرده و می‌کنند، گفته و می‌گویند، نوشته و می‌نویسند، سند این حرف است.^{۷۲}

اسلام در تمام شئون زندگی بشر قانون سازنده دارد، به طوری که رفاه طبیعی را در کنار فضیلت فراطبیعی طرح می‌کند و فنون بهره‌وری از مزایای تکنولوژی را در جوار نزاهت روحی لازم

خطوط کلی و مبانی جامع دانش‌های صنعتی:

آیت الله جوادی آملی معتقد است خطوط کلی و مبانی جامع دانش‌های صنعتی در دین ارائه شده است:

دین نه تنها تشویق به فراگیری علوم را عهده‌دار است، و انسان‌های مستعد را به تحصیل کمال‌های علمی ترغیب می‌نماید، بلکه علاوه بر آن خطوط کلی بسیاری از علوم را ارائه کرده و مبانی جامع بسیاری از دانش‌های تجربی، صنعتی، نظامی و مانند آن را تعلیم داده است.^{۷۴}

اتومبیل و هواپیماشناسی دینی:

آیت الله جوادی آملی معتقدند که سفینه‌شناسی و هواپیماشناسی و اتومبیل‌شناسی به دینی و غیر دینی تقسیم نمی‌شوند:

بخشی از علوم که برخاسته از متون مقدس است؛ مانند تفسیر، فقه، اخلاق، حقوق، داستان پیامبران، علوم وحیانی و... دانش‌های دینی‌اند؛ اما دانش‌های دیگر آیا قابل انقسام به دینی و غیردینی‌اند یا نه مورد تأمل برخی است. منشأ تأمل آنان این است که علم به معنای فن یاد شده دارای موضوع، روش، هدف و غایت هرگاه بخواهد دینی شود باید در همه عناصر محوری مزبور یا در بعضی از آن عناصر قابل دینی شدن باشد تا فن خاص بر اثر دینی بودن موضوع یا روش و یا هدف آن به دینی شدن متصف گردد وگرنه نام دینی گذاشتن بر دانشی که در هیچ‌کدام از جهات یاد شده صیغه دینی ندارد نارواست؛ مثلاً فن انسان‌شناسی، زمین‌شناسی، آسمان‌شناسی، درباره موجودهای زمینی نفت و گازشناسی، درباره موجودهای آسمانی ستاره‌های ثابت و سیارشناسی و نیز درباره صنایع اتومبیل و کشتی‌شناسی یا هواپیما و سفینه فضایی‌شناسی و... هیچ‌یک از این امور یاد شده به دینی و غیردینی تقسیم نمی‌شوند تا علوم مربوط به آنها به دینی و غیردینی تقسیم شوند، چه اینکه روش تحقیق پیرامون احکام، آثار، عوارض ذاتی و غیرذاتی آنها به دو قسم دینی و غیردینی تقسیم نخواهد شد. آری هدف علوم شده قابل انقسام به صلاح و صلاح و طلاح است؛ یعنی کاربرد آنها یا حسن است یا قبیح وگرنه از لحاظ موضوع و روش دانش‌های یاد شده قابل دینی شدن نیستند، بنابراین طمع اسلامی کردن علوم و دینی نمودن دانش‌های درج در مراکز علمی کشور از خام و غیرقابل عمل است و چون از ناحیه غایت قابل انقسام است اگر کسی خواست علوم یاد شده را دینی کند می‌تواند آنها را با رویکرد اسلامی و هدفمندی دینی تألیف و تدریس کند و با این ابتکار فضای دانشگاهها و سایر مراکز علمی، اسلامی می‌شود؛ نه علوم و متون درسی آن. پس علم دینی نشد، هرچند معلّم و متعلّم با جهت معین در فضای تعلیم و تعلّم حرکت می‌کنند.^{۷۵}

اخلاق و سبک زندگی اسلامی در تعامل با صنعت:

ایشان معتقدند در دین اسلام ادعیه و مناسکی برای تعامل با صنایع بیان شده است:

خدای سبحان درباره کیفیت شکرگزاری برخی از نعمتها چنین فرمود: (وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفَلَکِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرَكُونَ لِيَسْتَوُوا عَلٰی ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذَكَّرُوا نِعْمَةً رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ) [سوره زخرف، آیات ۱۲ - ۱۴]؛ در جریان کشتیرانی، هواپیمایی و صحرانوردی به شما توفیق ساختن کشتی

۷۳ سروش هدایت جلد ۴ - صفحه ۹۸

۷۴ شریعت در آینه معرفت - صفحه ۹۶

۷۵ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی - صفحه ۸۱

دادیم تا با آن دریا را بشکافید یا با مرکبهای صحرانورد و هوایما به دوردست سفر کنید؛ لیکن بدانید اینها نعمتهای الهی است و هنگام سوار شدن و بهره‌وری از آنها باید به یاد خدا باشید؛ یعنی هم این نعمت را از خدا بدانید و هم شکر عملی و زبانی داشته باشید و کیفیت شکرگزاری آن است که بگویید: پاک است خدایی که این مرکب را برای ما رام کرد، و گرنه ما توان رام کردن آن را نداشتیم. لازم است عنایت شود که این آیه به مرکبهای دریایی یا صحرایی اختصاص ندارد، بلکه ناظر به اصل نعمت است و شامل همه نعمتهای طبیعی و صناعی می‌شود، چون مرکبهای صنعتی و طبیعی هر دو مخلوق و نعمت خدایند؛ لیکن یکی با واسطه است و دیگری بی‌واسطه، بنابراین نحوه شکرگزاری نعمت آن نیست که تنها با زبان مضمون جمله بالا را بگویید، بلکه باید منطقی و اعتقاد او این باشد که این نعمت از خداست و رفتار و کردارش را با آن نعمت هماهنگ سازد.^{۷۶}

در جای دیگری در همین رابطه چنین می‌فرمایند:

مستحب است کسی که بر مرکبی سوار می‌شود بگوید: (سبحان الذی سخر لنا هذا وما كنا له مقرنین وإنا إلی ربنا لمنقلبون)^۱، چنانکه نقل شده است: امام صادق (علیه السلام) هرگاه بر مرکب سوار می‌شدند ابتدا آیه (سبحان الذی...) را تلاوت و سپس هر یک از تسبیح، تحمید و تهلیل را هفت بار تکرار می‌کردند.^۲ گرچه این آیه در مورد سوار شدن بر چهار پایان است ولی اختصاصی به آنها ندارد و شامل اتومبیل، کشتی، ترن، هوایما و سفینه نیز می‌شود.^۳

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی:

آیت الله مصباح یزدی ناسازگاری پیشرفت صنعتی با دین و دین‌مداری را رد می‌کنند و می‌نویسند:

حدود ۲۰ سال پیش یکی از نویسندگان معروف دگراندیش با نوشتن مقالاتی به اصطلاح علمی و با استناد به اصول روان‌شناسی و جامعه‌شناسی چنین القا می‌کرد که ما برای پیشرفت اقتصادی و صنعتی باید با دین و مفاهیم دینی خداحافظی کنیم. انسان نمی‌تواند از یک سو طالب فتح کره مریم باشد، و از سوی دیگر اهل زهد و دین‌داری باشد؛ این دو با هم نمی‌سازند! ادعا می‌کرد: اگر ما به دنبال تکنولوژی جدید هستیم، باید فرهنگ آن را هم بپذیریم، چون پیشرفت‌های سریع اروپا و مغرب زمین نتیجه فرهنگ حاکم بر آن جوامع است؛ اما اگر بخواهیم بر فرهنگ خودمان و ارزش‌های اسلامی و معنوی آن پافشاری کنیم، باید از پیشرفت صنعتی و دسترسی به تکنولوژی‌های جدید چشم‌پوشیم! ما نباید چنین شبهاتی را ساده بگیریم. مبدا تدریجاً در ذهن افراد ساده رسوخ کند و ناخودآگاه آنها را نسبت به دین و ارزش‌های دینی سست کند. البته روشن است که ادعای جدایی‌ناپذیری تکنولوژی از فرهنگ ابتدال مغالطه‌ای بیش نیست و می‌توان تکنولوژی جدید و پیشرفته را بدون فروغلتیدن در منجلاب فرهنگ مبتذل غربی به دست آورد. مگر نه این که زمانی که مغرب زمین در توحش به سر می‌برد، مسلمانان در دنیا پرچم‌دار علم و صنعت بودند؟ آیا بعد از پیروزی انقلاب، زمانی که به تعبیر امام رضوان الله علیه فقط بویی از اسلام در کشور پیچید، فرهنگ دینی مانع پیشرفت علمی و صنعتی کشور شد؟ نه تنها چنین نشد؛ بلکه حتی رواج فرهنگ دینی کمک کرد که ایران از عقب افتادگی - یا به تعبیر درست‌تر عقب نگه‌داشتگی؛ ناشی از نفوذ غربی‌ها نجات پیدا کند و به پیشرفت‌های علمی برسد که امروز چشم جهانیان را خیره کرده است. و شاید اگر ما بیشتر به ارزش‌های دینی پایبند باشیم، در علوم و صنایع مادی هم پیشرفت بیشتری خواهیم کرد.^{۷۸}

۷۶ تسنیم، جلد ۱۰ - صفحه ۳۴۵ و ۳۴۶

۷۷ مراحل اخلاق در قرآن - صفحه ۳۱۴

۷۸ سخنان حضرت آیت الله مصباح یزدی (دامت برکاته) در دفتر مقام معظم رهبری است که در تاریخ 88/06/21

ایشان لازمه ی بهره مندی بیشتر از نعمت‌های خدای متعال را که از نگاه ایشان مطلوب اسلام است بهره مندی از صنعت و تکنولوژی می‌دانند و می‌فرمایند:

ما براساس بینش اسلامی، طالب استفاده بیشتر از نعمت‌های خدا در این عالم هستیم که لازمه‌اش پیشرفت علم و صنعت و تکنولوژی است، طالب این هستیم که اقشار مختلف جامعه از بهره‌های زندگی بیشتر بهره‌مند شوند، راحت‌تر زندگی کنند، از نعمت‌های خدا بیشتر استفاده کنند، اما این هدف نهایی نیست. ما معتقدیم که هدف از حرکت و سیر انسان که کل زندگیش را در برمی‌گیرد، تکامل انسانیت اوست.^{۷۹}

ایشان در یکی از بیانات خود نیز حکومت با جلال و جمال حضرت سلیمان را به عنوان یک شاهد برای علاقه ی اسلام به پیشرفت دنیوی ذکر می‌فرمایند:

آیا به راستی اسلام گفته که نباید ثروت دنیا در دست مسلمان ها باشد؟! آیا در اسلام چنین بینشی وجود دارد که هر کس مجموعه ای از نعمت های خدا در دستش باشد از نظر اسلام مذموم است؟! حال آن که در قرآن کریم، سخن حضرت سلیمان(علیه السلام) آمده که در یکی از دعاهایش خطاب به پروردگار عرض می کند: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَخِي مِنْ بَعْدِي فَإِنَّهُ كَانَ مِنَ الْخَالِفِينَ. البته یهود و نصارا، حضرت سلیمان(علیه السلام) را پیامبر نمی دانند، ولی از دید ما مسلمانان، آن حضرت یکی از پیغمبران بزرگ الهی است. اگر داشتن ثروت و بهره مندی از نعمت های خدادادی مذموم می بود، قرآن کریم از حضرت سلیمان(علیه السلام) که نعمت های فراوانی در اختیارش بود این مقدار ستایش نمی کرد. از جمله نعمت هایی که خداوند به حضرت سلیمان(علیه السلام) عطا فرمود این بود که باد، جن، وحوش و شیاطین را مستخر او گردانید. آن حضرت کاخ هایی از جنس بلور داشت که شاید امروز هم در جهان نمونه‌اش وجود نداشته باشد، به طوری که وقتی ملکه سبا، بلقیس، وارد کاخ او شد به گمان این که باید از نهر آب عبور کند لباس هایش را جمع کرد. حضرت سلیمان(علیه السلام) به او گفت: إِنَّهُ صَرَحَ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ این قصری است از آبگینه صاف. حضرت سلیمان(علیه السلام) چنین کاخی داشت و نعمت های فراوان دیگری که در قرآن به برخی از آنها اشاره شده است.^{۸۰}

ایشان درباره ی صدور فرهنگ غربی همراه با تکنولوژی غربی می‌فرمایند:

تفکر اومانیسیم نهایتاً به سکولاریزم و لیبرالیزم ختم می‌شود و این دو عناصر اصلی فرهنگ غرب را تشکیل می‌دهند. این که تذکر داده می‌شود که مواظب باشید فرهنگ غربی هجوم نیابد و فرهنگ شما را تاراج نکند، منظور چنین فرهنگی است که دستاورد آن لیبرالیزم و سکولاریزم است. این فرهنگ در مغرب زمین رواج پیدا کرد و همراه با پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیکی جاذبه‌های گسترده‌ای در میان جوامع مختلف بشری ایجاد کرد و کشورهای دیگر نیز کم و بیش تحت تأثیر این فرهنگ قرار گرفتند؛ زیرا همان طور که اندیشمندان جامعه شناس معتقدند، با صدور تکنولوژی غرب فرهنگ غربی نیز صادر شد. این واقعیتی است که کشورهای در حال رشد و توسعه باید دقت و توجه لازم و کافی به آن داشته باشند. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان تکنولوژی را بدون پذیرش فرهنگ پذیرفت؟ البته بحث در این موضوع مجال دیگری می‌خواهد، اما اجمالاً باید گفت که تاکنون همراه با صدور تکنولوژی غرب فرهنگ غربی نیز به سایر کشورها صادر شده است و کم و بیش تمام جوامع انسانی از این فرهنگ اثر پذیرفته اند، حتی جامعه اسلامی ما و کشورهای اسلامی نیز از این فرهنگ بی بهره نمانده اند. (البته این تلازم خارجی در اثر بی‌مبالاتی در حفظ ارزشهای اصیل اسلامی بوده، نه این که تفکیک آنها

امکان نداشته است.) متأسفانه امروزه شاهد التقاطها و اختلاطهایی در سطوح مختلف روشنفکران هستیم که زمینه‌های تفکر التقاطی فرهنگ اسلامی با فرهنگ الحادی غربی را فراهم کرده است. منتها این اختلاط در سطوح مختلف تفاوت دارد: در بعضی موارد فرهنگ غالب فرهنگی غربی است و اسلام کم رنگ شده است و در مواردی دیگر، اسلام جلوه و صبغه بیشتری دارد؛ ولی متأسفانه فرهنگ غربی جو فرهنگی غبارآلود و مه آلودی را ایجاد کرده است و جو فرهنگی شفاف اسلام ناب در هیچ جای دنیا بوضوح دیده نمی‌شود.^{۸۱}

ایشان درباره ی ارتباط پیشرفت صنعتی با نقطه ی آرمانی انسان معتقدند:

درست است که غرب از نظر مادی و صنعتی پیشرفت کرده، اما از نظر اخلاقی و معنوی عقب گرد کرده است. مگر بُعد اخلاقی و اجتماعی و معنوی مربوط به انسان نیست؟ امروزه ضعف اخلاق و معنویت در غرب، بالای رفاه اجتماعی آنان شده است، به گونه‌ای که زندگی در بسیاری از کشورهای جهان سوم از زندگی در شهرهای آمریکا، به مراتب راحت‌تر است. ساختمانهای رفیع و صد طبقه! اما ساکنانی مضطرب و افسرده! افسردگی، ناراحتی، مواد مخدر، ناامنی و...، ره آورد تکامل صنعتی امروز غرب و پشت پا زدن به معنویت و اخلاق است. پس چنین پیشرفتی، نشانه کمال آدمی نیست. پیشرفت صرفاً صنعتی، نقطه آرمانی انسان نیست و فقط در صورتی سودمند است که در کنار آن آرامش، آسایش، تکامل و تعالی روح نیز موجود باشد.^{۸۲}

ایشان در پاسخ به سؤال از علت محدود بودن وحی های صنعتی می فرمایند:

با توجه به اینکه حکمت الهی اقتضاء دارد که انسانها هر چه بیشتر و هر چه بهتر، به کمال و سعادت برسند آیا بهتر این نبود که خدای متعال، اسرار طبیعت را بوسیله وحی، بر مردم مکشوف سازد تا با بهره گیری از انواع نعمتها بتوانند به سیر تکاملی خودشان شتاب بخشند؟ چنانکه کشف بسیاری از نیروهای طبیعی در چند قرن اخیر و اختراع اسباب و وسایل زندگی، تأثیر شگرفی در پیشرفت تمدن داشته و آثار مطلوبی را در حفظ سلامتی و مبارزه با امراض و نیز تبادل اطلاعات و توسعه ارتباطات و مانند آنها به ارمغان آورده است. بدیهی است اگر انبیاء با ارائه علوم و صنایع شگفت انگیز و فراهم کردن وسایل آسایش، به مردم کمک می‌کردند می‌توانستند بر نفوذ اجتماعی و قدرت سیاسی خودشان بیفزایند و بهتر به اهدافشان برسند. پاسخ این است که نیاز اصلی به وجود وحی و نبوت، در اموری است که بشر با ابزار و شناختهای عادی نتواند به آنها پی ببرد و در صورت جهل به آنها، نتواند جهت حرکت خود را به سوی کمال حقیقی، تعیین کند و در مسیر آن، گام بردارد. به دیگر سخن: وظیفه اصلی انبیاء (علیهم السلام) این است که انسانها را در جهت دادن به زندگی و حرکت تکاملی، یاری دهند تا بتوانند در هر شرایطی وظیفه خود را بشناسند و نیروهایشان را در راه رسیدن به هدف مطلوب بکار بگیرند، خواه مردمی بیابانگرد و چادر نشین باشند و خواه مردمی اقیانوس پیما و فضا نورد، ارزشهای اصیل انسانی را بشناسند و بدانند چه وظایفی در مورد پرستش خدای متعال و درباره فرد فرد خودشان و نیز نسبت به هموعان و سایر آفریدگان دارند تا با انجام دادن آنها به کمال و سعادت حقیقی و ابدی، نائل گردند، اما اختلاف استعدادها و امکانات طبیعی و صنعتی، چه در زمان واحد و چه در زمانهای مختلف، امری است که بر طبق اسباب و علل خاصی پدید می‌آید و نقش تعیین کننده‌ای در تکامل حقیقی و سرنوشت ابدی ندارد چنانکه پیشرفتهای علمی و صنعتی امروز که موجب گسترش و افزایش بهره های مادی

۸۱ نظریه ولایت فقیه ۱ صفحه ۱۷۳ و ۱۷۴ چک شود

۸۲ مدیریت اسلامی صفحه ۳۰ و ۳۱

و دنیوی شده، تأثیری در تکامل معنوی و روحی مردم نداشته بلکه می‌توان گفت که با آن، تناسب معکوس داشته است. حاصل آنکه: مقتضای حکمت الهی این است که انسانها بتوانند با بهره‌گیری از نعمتهای مادی، به زندگی دنیوی خودشان ادامه دهند و با بهره‌گیری از عقل و وحی، جهت حرکت خود را به سوی کمال حقیقی و سعادت ابدی، تعیین کنند، اما اختلاف در توانشهای بدنی و روحی و نیز اختلاف در شرایط طبیعی و اجتماعی و همچنین اختلاف در بهره‌مندی از علوم و صنایع، تابع اسباب و شرایط تکوینی خاصی است که بر طبق نظام علی و معلولی، پدید می‌آید و این اختلافات، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت ابدی انسانها ندارد و چه بسا فردی یا گروهی که به ساده‌ترین وجهی زندگی کرده و از حداقل نعمتهای مادی و دنیوی، بهره‌مند شده و در عین حال، به درجات والایی از کمال و سعادت، نائل گشته است و چه بسا فرد یا گروهی که از پیشرفته‌ترین صنایع و علوم و بهترین وسایل زندگی، برخوردار بوده و در اثر ناسپاسی و غرور و استکبار و ستم به دیگران در پست‌ترین درکات شقاوت، سقوط کرده است. البته انبیاء الهی غیر از انجام وظیفه اصلی یعنی هدایت بشر بسوی کمال و سعادت حقیقی و ابدی کمکهای فراوانی به بهتر زیستن مردم در همین زندگی دنیا کرده‌اند و هر جا حکمت الهی، اقتضاء داشته تا حدودی پرده از حقایق ناشناخته و اسرار طبیعت برداشته‌اند و به پیشرفت تمدن بشر کمک کرده‌اند چنانکه نمونه‌های این گونه کمکها را در زندگی حضرات داود و سلیمان و ذوالقرنین (علیهم السلام) می‌توان یافت و یا در اداره جامعه و حُسن تدبیر امور، تلاشهایی انجام داده‌اند چنانکه حضرت یوسف (علیه السلام) در سرزمین مصر، انجام داد ولی همه اینها خدماتی زائد بر وظیفه اصلی ایشان بوده است. و اما درباره اینکه چرا انبیای الهی برای پیشبرد مقاصدشان از قدرت صنعتی و اقتصادی و نظامی، استفاده نکردند باید گفت: هدف انبیاء (علیهم السلام) همانگونه که بارها گفته شد فراهم کردن زمینه برای انتخاب آگاهانه و آزادانه بوده است و اگر می‌خواستند با توسل به قدرتهای غیرعادی، قیام کنند رشد معنوی و تکامل آزادانه برای انسانها حاصل نمی‌شد بلکه مردم تحت فشار قدرت ایشان تن به پیروی در می‌دادند نه با انگیزه الهی و براساس انتخاب آزاد. امیرمؤمنان (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «اگر خدای متعال می‌خواست هنگامی که پیامبران را برمی‌انگیخت گنجینه‌های زر و سیم و معادن گوهرهای ناب و باغ و بستانهای پرمیوه را در اختیار ایشان قرار می‌داد و پرندگان هوا و چرندگان زمین را به خدمت ایشان می‌گماشت و اگر چنین می‌کرد زمینه آزمایش و پاداش از بین می‌رفت.... و اگر می‌خواست به پیامبران، قدرتی دست نیافتنی و عزتی شکست‌ناپذیر و ملک و سلطنتی عطا می‌کرد که دیگران از روی ترس یا طمع، تسلیم ایشان شوند و دست از گردنکشی و بزرگی فروشی بردارند و در آن صورت، انگیزه‌ها و ارزشها همسان می‌شد ولی خدای متعال چنین خواسته است که پیروی از پیامبران و تصدیق کتابهای او و کرنش و فروتنی و تسلیم مردم، تنها با انگیزه الهی و بدون شائبه باشد. هر قدر بلاء و آزمایش، بزرگتر باشد پاداش و ثواب الهی فراوانتر و افزونتر خواهد بود». البته هنگامی که مردمی با میل و رغبت و با گزینش آزاد، به دین حق گرویدند و جامعه‌ای الهی و خداپسند تشکیل دادند استفاده از انواع قدرتها در راه پیشبرد اهداف الهی بویژه برای سرکوبی تجاوزگران و دفاع از حقوق مؤمنان، مطلوب خواهد بود چنانکه نمونه آن در حکومت حضرت سلیمان (علیه السلام) ملاحظه می‌شود.^{۸۳}

ایشان بحثی در کتاب معارف اخلاق در قرآن کریم خود دارند که موضوع این بحث بخشی از فناوری‌های همگانی مطرح شده در قرآن کریم است. این بخش تحت عنوان مسکن، لباس و مرکب نام گذاری شده است و به نگاه قرآن کریم به فناوری مسکن و فناوری لباس و فناوری های حمل و نقل می پردازد:

بیان آیت الله مصباح یزدی از دیدگاه قرآن کریم درباره مسکن:

در قرآن کریم، در ارتباط با اینگونه نیازهای انسانی نیز آیاتی وجود دارد که آنها را مورد توجه قرار داده و نعمتهای خداوند را در این باره گوشزد کرده است. هر چند که، به تناسب درجه اهمیت این نیازها در مقایسه با نیازهای غذایی و جنسی، وسعت آیات مربوط به لباس و مسکن در حد وسعت و گسترش آیات مربوط به زمینه نیازمندیهای جنسی و غذایی نیست. خداوند در دو آیه از آیات سوره نحل در مورد لباس و مسکن، نعمتهای خدا را گوشزد کرده در یکجا می‌فرماید: «و الله جعل لکم من بیوتکم سکناً و جعل لکم من جلود الأنعام بیوتا تستخفونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم و من اصوافها و اوبارها و اشعارها اثاثاً و متاعاً الی حین.» [خداوند آرامگاهی از خانه‌ها تان برای شما قرار داد و از پوست چارپایان خانه‌هایی قرار داد که برای شما خفیف و سبک وزن و قابل انتقال باشد به هنگامی که می‌خواهید سفر کنید و یا اقامت گزینید و از پشمها و کرکها و موپهای آنها اثاثیه و کالایی فراهم نمود]. خداوند در این آیه، نخست روی مسکن تکیه کرده است که خدای متعال خانه‌هایی برای شما به منظور تأمین نیاز شما به مسکن و محلی برای سکونت و آرامش قرار داده است. البته، با این روش قرآن آشنا هستیم که همه نعمتهای عالم را منتسب به خدای متعال می‌کند و با تعبیر مختلف مثل خلق و جعل که در این آیه آمده آنها را به خدا نسبت می‌دهد تا از این طریق، ما را و افکار ما را به طرف توحید افعالی بکشاند. هر خانه و مسکنی که انسان داشته باشد، هر چند خودش آن را با زحمت ساخته باشد، از آن جهت که همه مقدمات و وسایل فراهم آوردن و ساختن و بنا کردن آن و حتی همه قدرت و توان و درک و معرفت و تخصصی نیز که خود شخص یا دیگران در ساختن آن به کار گرفته در واقع، همه و همه اموری است که به خدا منتهی می‌شود، خدا خالق آن معرفی می‌شود. خواه خانه‌ها و بناهایی که در شهرها ساخته می‌شود و خواه چادرها و خیمه‌هایی که چادرنشینها و ایلها و یا حتی دیگران به هنگام مسافرت از آنها استفاده می‌کنند. آری از پوست حیوانات چادرها و سرپناههایی درست می‌کنند که چه در حال سفر و چه در حال حضر، استفاده از آنها آسان است. از آنجا که سبک وزن و قابل انتقالند، به راحتی آنها را برپا می‌کنید، جمع می‌کنید، و به خوبی از آنها استفاده می‌کنید. سپس یادآوری می‌کند که خداوند از پشم، کرک و موی حیوانات لباس و لوازم زندگی را برایتان فراهم می‌آورد و پس از آن به دنبال آیه چنین ادامه می‌دهد که: «و الله جعل لکم مما خلق ظلالاً و جعل لکم من الجبال اکناناً و جعل لکم سراویل تقیکم الحر و سراویل تقیکم بأسکم کذالک یتم نعمته علیکم لعلکم تسلمون.» [و خداوند از آنچه که آفریده (از درختها، سقفها و دیوارها) برای شما سایانهایی قرار داد و در کوهها غارها را (برای پناه بردن از سرما و گرما و خطرات دیگر) برای شما قرار داد و لباسهایی برایتان فراهم کرد تا شما را از گرما و از خطرها محافظت کند اینگونه خدا نعمت خویش برای شما کامل کند باشد که تسلیم اوامر او شوید]. در این آیه خداوند اشاره به غارها می‌کند که در کوهها برای سکونت و سایبان می‌توان از آنها استفاده کرد. این چیزها برای ما که در شهر و در خانه‌های زیبا و بناهای مجهز آن هم در قرن بیستم با این پیشرفتی که شهرسازی کرده است - چندان اهمیتی ندارد؛ ولی، برای مردمی که چادرنشین یا بیابانگرد هستند و یا برای انسانهایی که هنوز این ساختمانها و بناها را و اینگونه شهرها و شهرسازی‌ها و شهرنشینی‌ها را نداشتند، برای چنین مردمی همین غارها و سکونت گاههای طبیعی و سایبانها خیلی اهمیت داشته است.^{۸۴}

بیان آیت الله مصباح یزدی از دیدگاه قرآن کریم درباره ی لباس:

آیت الله مصباح یزدی درباره ی لباس به عنوان یکی از نعمات الهی سه آیه ی زیر را ذکر کرده و ترجمه نموده اند:

«و الله جعل لکم مما خلق ظلالاً و جعل لکم من الجبال اکناناً و جعل لکم سراویل تقیکم الحر و سراویل تقیکم بأسکم کذالک یتم نعمته علیکم لعلکم تسلمون.» [و خداوند از آنچه که آفریده (از

درختها، سقفها و دیوارها) برای شما سایانهایی قرار داد و در کوهها غارها را (برای پناه بردن از سرما و گرما و خطرات دیگر) برای شما قرار داد و لباسهایی برایتان فراهم کرد تا شما را از گرما و از خطرهای محافظت کند اینگونه خدا نعمت خویش برای شما کامل کند باشد که تسلیم اوامر او شوید]. «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا یواری سوءاتکم و ریشا و لباس التقیوی ذلک خیر.» [ای فرزندان آدم (بدانید که ما) برایتان فرو فرستادیم لباسی را که با آن عورتهاتان را می‌پوشانید و جامه‌های نرم و فاخر را (تا برای تجمل و زیبایی به تن کنید و نیازهایتان تأمین شود). و پوشش و لباس تقوا برایتان بهتر و مفیدتر خواهد بود]. «و علمناه صنعاً لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم.» [و به او (داود) ساختن زره (که نوعی لباس رزمی است) یاد دادیم تا شما را از آسیب و خطر محافظت کند].

ایشان همچنین بحثی هم دارند درباره ی لباس و مسکن در جهان دیگر، در این قسمت چنین می نویسند:

مسکن و لباس در دنیا، در اصل، برای رفع نیازهای اولیه انسان است و اگر نداشته باشد در برابر سرما و گرما و خطرها و آفات جوی و نظایر آنها نمی‌تواند سلامتی خودش را حفظ کند و در بعضی موارد نیز اغراض دیگری مثل تجمل و زیبایی، از پوشش لباس دنبال می‌شود. ولی التذاد و بهره‌گیری از لباس اختصاص به دنیا ندارد بلکه در عالم آخرت نیز خداوند هم لباس زیبا و مطلوب و هم مسکن و مأوای خوب و مطلوب برای مؤمن فراهم می‌آورد و آیات قرآن در مواردی گواه بر این حقیقت است. در دو آیه از آیات قرآن، خدای متعال به مؤمنین وعده داده است که مسکن و جایگاههای خوبی در بهشت به شما خواهیم داد. در این دو آیه بویژه از تعبیر «مسکن» استفاده شده، با آیات فراوانی که در آنها از تعبیر «جنت و بهشت» استفاده شده است تفاوت بارز دارند. خداوند، در این دو آیه می‌فرماید: «و مسکن طیبه فی جنات عدن.» [و جایگاهها و مسکنهای پاکیزه در بهشتی که جایگاه و اقامتگاه برای زندگی انسان است]. در این دو آیه هم از تعبیر مسکن و هم از تعبیر عدن که به معنی اقامتگاه و جای زندگی است استفاده شده و علاوه بر آن دو از تعبیر جنات نیز که در آیات فراوان دیگری به کار رفته است در این دو آیه نیز بهره‌گیری شده است. در چند آیه نیز آمده است که بهشتیان لباسهای زیبایی دارند و از این حقیقت با تعبیر مختلف سخن به میان کشیده یک جا می‌گوید: «و یلبسون ثیابا خضرا من سندس و استبرق.» [و لباسهای سبز از جنس حریری و دیبا می‌پوشند]. در جای دیگری می‌گوید: «و یلبسون من سندس و استبرق متقابلین.» [لباسهایی از جنس حریر و دیبا پوشیده روبروی هم می‌نشینند]. و در جای سومی چنین آمده است که: «عالیهم ثیاب سندس خضر و استبرق.» [بر نشان لباسهایی از حریر سبز و دیبا هست]. از مجموعه آیات فوق می‌توان دریافت که استفاده از لباس و مسکن هم در این جهان و هم در جهان آخرت، برای انسان پیش بینی شده است و لذت بردن از آن مثل سایر لذتهای دیگر جنبه فطری دارد. این نیازها نیازهایی طبیعی هستند و خدا انسان را به گونه‌ای آفریده است که این نیازها را احساس می‌کند و از تأمین آنها لذت می‌برد و بر عکس، اگر به اینگونه خواسته‌های خود نرسد و مایحتاج خود را در این موارد نیابد، متأثر و متالم خواهد شد و در واقع، لذت و الم انسان، اثر طبیعی بود و نبود این نعمتها و چیزهای مورد نیاز انسان است.

ارزش اخلاقی لباس و مسکن از دیدگاه آیت الله مصباح یزدی:

ایشان در ادامه بحثی دارند درباره ی ارزش اخلاقی لباس و مسکن و در این باره می‌فرمایند:

از آنجا که نیاز به لباس و مسکن، چنانکه قبلا هم گفته‌ایم، فطری و طبیعی انسان است، خود به خود و در اصل بار ارزشی مثبت یا منفی ندارد، بلکه، ارزش آن نیز به کمیت، کیفیت و جهت تأمین این نیاز مربوط می‌شود. در حوزه اخلاق و ارزش از مقدار و کمیت بهره‌برداری سخن به میان می‌آید و سؤال این است که چه مقدار می‌بایست به دنبال لباس و مسکن رفت؟ و در پاسخ این سؤال باید بگوییم: مسلماً آن اندازه‌ای که نیاز انسان به لباس و مسکن را برطرف سازد، طبعاً، ارزش منفی نخواهد داشت. ما قبلاً، توضیح داده‌ایم که بطور کلی در هیچ یک از لذتهای انسان

اصل لذت بری، به خودی خود، ارزش منفی یا ارزش مثبت ندارد، و اگر به زبان فقهی بگوییم «مباح» است؛ ولی، اگر دلبستگی به لباس و مسکن انسان را از سایر کمالات باز دارد، در این صورت، کارهایی که بر اساس این دلبستگی افراطی از انسان صادر می‌شود ارزش منفی پیدا می‌کند. از اینجا است که ملاحظه می‌کنید در بعضی از آیات بعضی از موارد تعارض را مطرح و ارزش منفی آنها را بیان کرده است: «قل ان كان اباؤکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترتموها و تجارة تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله فتربصوا حتی یأتی الله بامرہ و الله لا یهدی القوم الفاسقین.» [بگو اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خویشانتان و اموالی که جمع‌آوری کرده‌اید و تجارتی که از کساد آن بیمناک هستید و مساکن و جایگاههایی که مورد رضایت و خشنودی شماست از خدا و رسول و جهاد در راه او در نزد شما محبوبتر و دوست‌داشتنی‌تر است پس منتظر بمانید تا امر خداوند در رسد و خداوند قوم فاسق را هدایت نمی‌کند]. جایی که انسان بر سر دو راهی قرار می‌گیرد که یا باید مسکن مورد پسند خود را حفظ کند یا به انجام تکلیف الهی بپردازد، اگر دلبستگی به مسکن، مانع شود از این که انسان به جهاد برود یا سایر تکالیفش را انجام دهد، در این صورت، این دلبستگی افراطی خواهد بود و ارزش منفی پیدا می‌کند، زیرا با یکی دیگر از کمالات انسانی تعارض پیدا کرده است؛ ولی اگر مزاحمتی با هیچ یک از شؤون فردی و مصالح اجتماعی انسان نداشته باشد، التذاد از آن مشروع است و ارزش منفی ندارد. بنا بر این، می‌توان گفت: لذت بری از لباس و مسکن، به لحاظ یکی از دو جهت عارضی، محدود خواهد شد: یا از جهت راه تحصیل مسکن است که باید از راه مشروع و با پول حلال تهیه و فراهم گردد، و دوم از جهت مزاحمت آن با شؤون و کمالات دیگر انسان است که نباید دلبستگی به مسکن شخص را از تحصیل کمالات دیگر باز دارد و در غیر این صورت، این دلبستگی و آثار و ظواهر رفتاری آن از ارزش منفی برخوردار خواهد بود.

در ادامه این بحث را با عنوان ارزش اخلاقی در گزینش مسکن چنین ادامه می‌دهند:

اساس ارزش مثبت در التذاذها و تلاشهای مربوط به لباس و مسکن نیز مثل سایر تمایلات به نیت و انگیزه انسان مربوط می‌شود. اگر هدف از تهیه این مسکن یا فراهم آوردن لباس، به نحوی با خدا و کمالات معنوی انسان ارتباط پیدا کند، در این صورت تلاش برای آن و تهیه آن هم از ارزش مثبت برخوردار می‌شود و رنگ عبادت پیدا می‌کند. مثل آن که هدف از تهیه مسکن، فراهم کردن آسایش بیشتری برای خانواده و اهل و عیال یا احسان به دیگران باشد و اینگونه انگیزه‌ها موجب آن می‌شود که تحصیل مسکن، و هر نوع تلاشی برای تهیه آن از نظر اخلاقی، دارای ارزش مثبت باشد. علاوه بر آنچه که در بالا گفتیم، در مواردی نیز ممکن است تلاش برای تهیه لباس و مسکن و تحت عناوین ثانویه، ارزش مثبت پیدا کند. مثلاً، در بعضی از شرایط ویژه اجتماعی که داشتن لباس فاخر علامت نوعی شخصیت و بزرگ منشی است و یا داشتن مسکن خوب و وسیع منشأ نگرش مثبت به وی در سطح جامعه خواهد شد و در کل باعث رواج اسلام و عزت مسلمین و توجه مردم به دین و خدا خواهد شد، تلاش و تهیه لباس و مسکن خوب در چنین شرایطی می‌تواند، تحت این عنوان ثانوی، و بر اساس این انگیزه الهی و معنوی دارای ارزش مثبت اخلاقی باشد به شرطی که اولاً، واقعا شرایط اجتماعی اینگونه باشد که گفتیم و ثانیاً، واقعا انگیزه انسان در تهیه مسکن و لباس خوب همین انگیزه الهی باشد. تذکر این نکته را از این رو، در اینجا لازم می‌دانستیم که در بسیاری از موارد اتفاق می‌افتد که بسیاری از افراد خودشان و مردم را فریب می‌دهند و چه بسیار انگیزه‌های هوس آلود و هواهای نفسانی خویش را در زیر چنین پوششهایی مخفی کنند، تا در ضمن لذت‌بری‌ها و التذاذات نفسانی اعمال و رفتار خود را در اذهان ملت دیندار و خداپرست توجیه کرده باشند. از این رو وضع و حالت پیچیده‌ای به خود می‌گیرند. در هر حال اگر واقعا، دارای چنین انگیزه‌هایی باشند که در بالا گفته شد، کارشان از ارزش مثبت اخلاقی برخوردار خواهد بود. قرآن درباره حضرت سلیمان علیه السلام می‌گوید: او

کاخی داشت از بلور که وقتی بلقیس وارد آن شد، گمان کرد که زیر پای او آب ایستاده است. فکر کرد از درون آبی صاف و زلال باید عبور کند. از این رو، لباسهایش را جمع کرد و بالا گرفت. همراهیان که متوجه اشتباه او شده بودند، به وی گفتند: در اینجا آب نیست، بلکه، این کاخ از بلور ساخته شده است. بلقیس با دیدن این شکوه ظاهری در برابر مقام و عظمت معنوی سلیمان علیه السلام خاضع شد و اسلام آورد. این وضعی که سلیمان علیه السلام درست کرده بود برای شکوه و عظمت اسلام در مقابل کفار بود. در آن عصر، بینش اجتماعی مردم در سطحی بود که می‌پنداشتند کسانی از مؤمنین که دستشان از نعمتهای دنیوی خالی است، مردمی پست، وامانده و عقب افتاده هستند و اگر دستگاه حکومت اسلامی ساده و بی‌پیرایه باعث می‌شد مردمی که سطح فرهنگشان پایین است گرایشی به اسلام و دین حق پیدا نکنند. آری اکثر مردم در طول تاریخ زندگی انسان، گرفتار چنین سطحی نگری بوده و هستند و به اصطلاح معروف عقلشان در چشمشان است و حتی بسیاری از اهل ایمان هم از این شکوههای ظاهری و دیدنیها و شنیدنیها خیلی متأثر می‌شوند و قادر نیستند مسایل را با دقت و عقل و درایت کافی ارزیابی کنند. امروز نیز که سطح فرهنگ عموم مردم نسبتاً بالا رفته است مع الوصف، حتی وقتی می‌خواهند عقاید و افکار و دین ملتها را ارزیابی کنند، صنعت و تکنولوژی و پیشرفتهای ظاهری و محسوس کشورهای پیشرفته را به رخ می‌کشند و می‌گویند اگر دین آنها درست نیست پس چطور اینقدر در صنعت و اقتصاد پیشرفت کرده‌اند؟! اینگونه سطحی نگری و ظاهر بینی در عصر حضرت سلیمان علیه السلام به صورت بارزتری وجود داشت و شکوه و جلال ظاهری، منشأ گرایش عمومی مردم به یک‌مسلك خاص، یک نظام اجتماعی و یا یک جامعه می‌شد و از اینجا بود که حضرت سلیمان علیه السلام از خدا خواست، یک دستگاه وسیع سلطنتی به او مرحمت کند که هیچ کس دیگر نظیر آن را نداشته باشد. (ص ۳۴ تا ۴۰)

ایشان مظاهر فناورانه را در برخی شرایط اجتماعی برای مسلمانان از ارزش‌ها و مطلوب‌های ثانویه می‌شماند و چنین می‌نویسند:

از آنچه که در بالا گفتیم به این نتیجه کلی می‌رسیم که در هر جامعه دیگر نیز اگر ظاهر ساده مسلمانان و اهل حق باعث این شود که در نظر دیگران پست، خوار و زبون جلوه کنند، وظیفه دارند که شکوه ظاهری خود را حفظ کنند. در یکی از روایات امام علیه السلام به شیعه دستور می‌دهد تا در مقابل مخالفین آراستگی ظاهری خود را حفظ کنند تا در چشم مخالفین، شیعیان مردمی وارفته و عقب‌افتاده و ناتوان جلوه نکنند. البته، همانطور که گفته‌ایم و نوشته‌ایم، آبروی واقعی و کمال حقیقی انسان، به این ظواهر نیست ولی، هنگامی که در یک جامعه و در بین یک ملت، چنین ارزشهای ظاهری مطرح باشد، آراستگی و شکوه ظاهری، به عنوان ثانوی، برای مؤمنین مطلوب و دارای ارزش اخلاقی و معنوی خواهد بود. مؤمن باید آبرویش محفوظ باشد و این حکمی است که در روایات مطرح شده است. او به ویژه در جامعه‌ای که ارزشهای مادی حکم فرماست هر چند که جامعه اسلامی باشد - نباید بگونه‌ای زندگی کند که دیگران به چشم خواری به او بنگرند. بلکه، باید طوری زندگی کند که عزت و احترام او در نظر دیگران محفوظ بماند. در چنین جوامعی، پوشیدن لباس فاخر و حفظ دیگر آراستگیهای ظاهری، در چارچوب عناوین ثانویه‌ای، از آن دست که در بالا گفتیم و بر اساس انگیزه‌های الهی و معنوی آنچنانی که در این زمینه اظهار داشتیم، مطلوب و از نظر اخلاقی ارزشمند خواهد بود. البته، در جامعه‌ای که کاملاً ارزشهای معنوی بر آن حاکم باشد و ارزشهای مادی در آن، مطرود، دیگر طرح اینگونه مسایل و رعایت انگونه ظواهر جایی ندارد و چنین شکوه ظاهری دیگر - تحت آن عناوین ثانوی و بر اساس انگونه انگیزه‌ها که گفتیم - ارزش مثبت و مطلوبیت اخلاقی پیدا نمی‌کند. از اینجا است که می‌توان گفت: ارزشهای مربوط به این تمایلات تا حدودی دستخوش تغییر و تحول خواهد شد: یعنی در بعضی از شرایط اجتماعی هر قدر که بناهای اسلامی باشکوهتر و باعظمت بیشتر باشد مطلوبتر و ارزشمندتر خواهد بود و در بعضی دیگر از شرایط اجتماعی، هیچ‌گاه شکوه و عظمت ظاهری مطلوب نیست. در بعضی از روایات چنین آمده است که در زمان ظهور ولی عصر علیه

السلام بناهایی که از یک حدی بلندتر باشد یا با طلا زینت شده باشد دستور می‌دهند که آنها را خراب کنند هر چند که آن بنا مسجد باشد. این روایت زمینه اجتماعی خاصی را مطرح می‌سازد. جامعه‌ای که آنچنان ارزشهای معنوی بر آن، حاکم شده که دیگر جایی برای اینگونه عناوین ثانویه نخواهد بود. در جوامع معاصر که مردم هنوز از آن چنان بینش معنوی خالصی برخوردار نیستند و حتی فرهنگ جوامع دینی و اسلامی تا حدودی آلوده به فرهنگ مادی است برای آن که مسلمانان در چشم دیگران خوار و بی‌مقدار نباشند و نظام اسلامی از عزت و اقتدار و شکوه و عظمت برخوردار باشد، وجود برخی از تجملات برای مسلمانان و در جامعه اسلامی مطلوب و ارزشمند است. یکی دیگر از نعمتهایی که در قرآن کریم روی آن تکیه شده «مرکب» است. انسان برای انتقال یا مسافرت از جایی به جایی دیگر برای آن که زودتر به مقصد برسد، خسته نشود، و از انجام کارهایش باز نماند نیاز به مرکب دارد و در مواردی نیز اصولاً بدون مرکب قادر نیست به محل مورد نظر خود انتقال یابد. مثل کسی که برای کار و مشغله و نیاز زندگی تصمیم می‌گیرد به جزیره‌ای در میان دریا و یا به ساحل آن سوی دریا سفر کند. از اینجا است که انسان، در هر حال، هم در خشکی و هم در دریا، برای آن که زندگی‌اش بهبود یابد و بهتر بگذرد و نیازهایش زودتر برطرف شود، نیازمند مرکب و سواری خواهد بود.

دیدگاه قرآن کریم درباره مرکب از نگاه آیت الله مصباح یزدی:

خدای متعال در ضمن بیان نعمتهایی که به انسان عطا فرموده است در تعدادی از آیات، نعمت مرکب را نیز گوشزد می‌کند. نخستین مرکبهایی که انسان از آنها استفاده می‌کرده، حیواناتی مثل گاو، شتر، الاغ، اسب و قاطر بوده که انسان در سفرها او نقل و انتقالات خود در خشکی از آنها استفاده می‌نموده است. ولی، برای سفر دریایی، چنین مرکبهای طبیعی وجود نداشته است. از این رو، نیاز به سفر دریایی او را بر آن داشت که برای سفرهای دریایی دست به کار ساختن وسایلی چون قایق و کشتی بزند تا این نیاز زندگی خود را نیز با دست خودش برطرف سازد. با وجود این تفاوت آشکار، میان مرکبهای طبیعی چون اسب و قاطر و مرکبهای مصنوعی و ساخته دست بشر چون قایق و کشتی، خداوند آفرینش همه آنها را به خود نسبت می‌دهد و طبعاً، اگر بنا بود که قرآن کریم در این عصر نازل شود، ساختن وسایل پیشرفته این عصر: هواپیماها، ناوگانها و سفینه‌ها و دیگر وسایل غول‌پیکر و پیشرفته نقل و انتقالات رایج این عصر را نیز به خود نسبت می‌داد و می‌فرمود: هواپیما را هم ما برای شما خلق کردیم و سفینه‌های فضا پیما را هم ما برای شما آفریدیم. زیرا ملاک در همه یک چیز است. منظور این است که انتساب همه موجودات به خدای متعال ملحوظ بوده توجه بشر همیشه و در همه جا به سوی او باشد، چرا که در نهایت منشأ و مبدأ همه نعمتها اوست. خداوند در یکی از آیات قرآن می‌فرماید: «و من الأنعام حمولاً و فرشاً.» [و از چارپایان برایتان وسیله حمل و نقل و باربری و مرکب سواری ایجاد کرد]. او در میان چارپایان بعضی را بارکش قرار داده است تا وسایل زندگی شما را حمل کنند و همانا یا بعضی دیگر را مرکب قرار داده تا شما را به این سو و آن سو ببرند. در یکی دیگر از آیات قرآن آمده است که: «اللّٰه الذی جعل لکم الأنعام لتركبوا منها و منها تأکلون و لکم فیها و منافع لتبتغوا علیها حاجه فی صدورکم و علیها و علی الفلک تحملون.» [خدا همان کسی است که چارپایان را برایتان آفرید تا از آنها برای سوار شدن استفاده کنید و از (گوشت) آنها بخورید و برایتان در آنها فواید دیگری نیز خواهد بود و بر آنها به نیازها و مقاصدی که دارید می‌رسید و بر چارپایان (در خشکی) و بر کشتی (در دریا) سوار شوید]. در آیه فوق نیز در دو مورد بر این نعمت الهی تأکید کرده است. ضمناً جمله آخر این آیه یعنی جمله «و علیها و علی الفلک تحملون.» در آیه دیگری نیز تکرار شده است. در یک مورد می‌فرماید: «و جعل لکم من الفلک و الأنعام ما ترکبون.» [و برایتان از کشتی و چارپایان وسیله‌ای قرار داد تا سوار شوید]. در مورد دیگری در قرآن آمده است که: «و تحمل اثقالکم الی بلد لم تکنوا بالغیه الا بشق الأنفس ان ربکم لرؤف رحیم و الخیل و البغال و الحمیر لتركبواها.» [و (چارپایان) بارهای سنگین شما را (بر پشت خود) حمل می‌کنند به شهری که جز با

مشقت و سختی نمی‌توانستید به آنجا برسید که پروردگار شما رؤوف و مهربان است و اسب و قاطر و الاغ را قرار داد تا بر آنها سوار شوید. در آیه دیگری می‌فرماید: «و آیه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون.» [و این آیت و نشانه‌ای است برایشان که ما فرزندان‌شان را در کشتی پر از بار سوار کردیم و نظیر آن چیزهای دیگری که سوار شوند برایشان آفریدیم]. سر انجام در آیه دیگری نیز آمده است که: «ا و لم یروا انا خلقنا مما عملت ایدینا انعاما فهم لها مالکون و ذلناها لهم فمئها رکوبهم و منها یأکلون.» [آیا نمی‌بینید که با دست خود چارپایان را آفریدیم که مالک آنها هستند و آنها را برایشان رام و هموار ساختیم پس از آنها سواری می‌گیرند و از (گوشت) آنها تغذیه می‌کنند]. در آیات فوق به طور کلی با دو تعبیر کلی «انعام» و «فلک» به دو نوع وسیله طبیعی و صنعتی برای سفر و نقل و انتقال اشاره شده و در آیه ۸ سوره نحل با تعبیر «و الخیل و البغال و الحمیر» انعام را که قابل استفاده سواری و نقل و انتقال هستند با ذکر مصادیق آن مثل اسب، استر و الاغ روشن ساخته است که همگی آنها در حمل و نقل و سفر کمک انسان بوده‌اند و در اینجا به یک آیه کلی هم اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «و لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر.» [و به فرزندان آدم کرامت و احترام دادیم و در خشکی و دریا (بر چارپایان و کشتی) آنها را حمل کردیم]. و منظور این است که وسیله [حمل و نقل و سواری انسان را در خشکی و دریا که همان مرکب‌های طبیعی مثل اسب و استر و الاغ و مرکب‌های صنعتی مثل کشتی که از قدیم بوده در اختیار انسان قرار داده است و امروز نیز وسایل پیشرفته زمینی، هوایی و دریایی و ابزار و ادوات غول‌پیکر و در عین حال راحت و خوب و سریع در اختیار انسان قرار داده است؛ چرا که ملاک در این وسایل همان است که در کشتی آمده و همانطور که خداوند کشتی، این وسیله صنعتی را با این که ساخته دست انسان است به خود نسبت داده است به همان ملاک می‌توان و باید همه ابزار و وسایل صنعتی پیشرفته امروز را نیز به خداوند نسبت دهیم.

علامه طباطبایی:

علامه ی طباطبایی وجوب صنعتی شدن را به دلیل امکان استفاده از مصنوعات در طریق کمال انسانی می‌دانند و می‌نویسند:

فهذه السلسلة من العلوم و الإدراکات هی التي تربط الإنسان بالعمل فی المادة، و من جملة هذه الأفكار و التصدیقات تصدیق الإنسان بأنه یجب أن یستخدم کل ما یمکنه استخدامه فی طریق کماله، و بعبارة أخرى إذعانه بأنه ینبغی أن ینتفع لنفسه، و ینتقی حیاته بأی سبب أمکن و بذلك یأخذ فی التصرف فی المادة، و یعمل آلات من المادة، یتصرف بها فی المادة کاستخدام السکین للقطع، و استخدام الإبرة للخیاطة، و استخدام الإناء لحبس المائعات، و استخدام السلم للصعود، إلى غیر ذلك مما لا یحصی کثرة، و لا یحد من حیث التریب و التفصیل، و أنواع الصناعات و الفنون المتخذة لبلوغ المقاصد و الأغراض المنظور فیها. و بذلك یأخذ الإنسان أیضا فی التصرف فی النبات بأنواع التصرف، فیستخدم أنواع النبات بالتصرف فیها فی طریق الغذاء و اللباس و السکنی و غیر ذلك، و بذلك یستخدم أیضا أنواع الحیوان فی سبیل منافع حیاته، فینتفع من لحمها و دمهها و جلدھا و شعرها و وبرھا و قرنھا و روئھا و لبنھا و نتاجھا و جمیع أفعالھا، و لا یقتصر علی سائر الحیوان دون أن یستخدم سائر أفراد نوعه من الأدمیین، فیستخدمها کل استخدام ممکن، و یتصرف فی وجودھا و أفعالھا بما یتیسر له من التصرف، کل ذلك مما لا ریب فیہ.^{۸۵}

جالب است مثالهایی که علامه در عبارات بالا آورده‌اند مثالهای قرآنی هستند، مثلاً واژگان سلم و سکین و إناء در قرآن کریم آمده است.

علامه طباطبایی معتقد است مؤمنین در دنیا با تفکر در آیات آفاقی و انفسی در پی قیام برای واجبات معاش به ایجاد صنایع و فنون کاربردی در رشد شهرسازی و تمدن می‌پردازند و این رشد در سایه ی وحی و نبوت خواهد بود:

أن المؤمنين هم الذين ينتهي إليهم العلوم النافعة في الحياة الصالحة، والأوامر المحرصة لإصلاح الحياة بأخذ الزينة و الارتزاق بالطيبات و القيام بواجبات المعاش ثم التفكير في آيات الآفاق و الأنفس المؤدى إلى إيجاد الصناعات و الفنون المستخدمة في الرقى في المدنية و الحضارة، و معرفه قدرها و الشكر عليها. كل ذلك من طريق الوحي و النبوة.^{٨٦}

علامه ي طباطبائي درباب نسبت فناوری و پیشرفتهای تمدن غرب با نوامیس آفرینش و قوانین آفرینش الهی و زعم باطل برخی برای غلبه ی تکنولوژی بر قهر الهی توسط نیروهای طبیعی می نویسند:

هذه السنه التي هي من السنن الكونية التي أقرها الله سبحانه في الكون غير متخلفه عن الإنسان، و لا الإنسان مستثنى منها فالأمة من الأمم إذا انحرفت عن صراط الفطرة انحرفا يصدده عن السعادة الإنسانية التي قدرت غاية لمسيره في الحياة كان في ذلك اختلال حال غيره مما يحيط به من الأسباب الكونية المرتبطة به، و ينعكس إليه أثره السيئ الذي لا سبب له إلا انحرافه عن الصراط و توجيهه آثارا سيئة من نفسه إلى تلك الأسباب، و عند ذلك يظهر اختلالات في اجتماعاتهم، و محن عامة في روابطهم العامة كفساد الأخلاق، و قسوة القلوب، و فقدان العواطف الرقيقة، و تهاجم النوائب و تراكم المصائب و البلايا الكونية كامتناع السماء من أن تمطر، و الأرض من أن تنبت، و البركات من أن تنزل، و مفاجأة السيول و الطوفانات و الصواعق و الزلازل و خسف البقاع و غير ذلك كل ذلك آيات إلهية تنبه الإنسان و تدعو الأمة إلى الرجوع إلى ربه، و العود إلى ما تركه من صراط الفطرة المستقيم، و امتحان بالعسر بعد ما امتحن باليسر. تأمل في قوله تعالى: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»: الروم: ٤١ تراه شاهدا ناطقا بذلك، فالآية تذكر أن المظالم و الذنوب التي تكسبها أيدي الناس توجب فسادا في البر و البحر مما يعود إلى الإنسان كوقوع الحروب و انقطاع الطرق و ارتفاع الأمن و غير ذلك، أو لا يعود إليه كاختلال الأوضاع الجوية و الأرضية الذي يستتبع به الإنسان في حياته و معاشه. و نظيره بوجه قوله تعالى: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»: الشورى: ٣٠ على ما سيجيء إن شاء الله من تقرير معناه، و كذلك قوله تعالى: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»: الرعد: ١١، و ما في معناه من الآيات. و بالجملة فإن رجعت الأمة بذلك- و ما أقله و أندره في الأمم- فهو، و إن استمرت على ضلالها و خبطها طبع الله على قلوبهم فاعتادوا ذلك، و أصبحوا يحسبون أن الحياة الإنسانية ليست إلا هذه الحياة المضطربة الشقية التي تزاحمها أجزاء العالم المادي و تضطهدها النوائب و الرزايا، و يحطمها قهر الطبيعة الكونية- و أن ليس للإنسان إلا أن يتقدم في العلم و يتجهز بالحيل الفكرية فيبارزها و يتخذ وسائل كافية في دفع قهرها و إبطال مكرها كما اتخذ اليوم وسائل تكفي لدفع القحط و الجذب و الوباء و الطاعون و سائر الأمراض العامة السارية، و أخرى تنفي بها السيول و الطوفانات و الصواعق، و غير ذلك مما يأتي به طاغية الطبيعة، و يهدد النوع بالهلاك. قتل الإنسان ما أكفره! أخذه الخيلاء فظن أن التقدم فيما يسميه حضارة و علما يعده أنه سيغلب طبيعة الكون، و يبطل عزائمها، و يقهرها على أن تطيعه في مشيته، و تنقاد لأهوائه، و هو أحد أجزاءها المحكومة بحكمها الضعيفة في تركيبها و لو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السماوات و الأرض، و لو فسدت لكان الإنسان الضعيف من أقدم أجزاءها في الفساد و أسرعها إلى الهلاك. و يخيل إليه أن الذي ترومه المعرفة الدينية هو أن تبطل نسبة الحوادث العظام إلى أسبابها الطبيعية ثم تضع زمامها في يد صانعها فيكون شريكا من الشركاء، للأسباب الآخر آثارها من الحوادث- و هي الحوادث التي يسعنا البحث عن عللها و أسبابها- و للسبب الذي هو الصانع بقية الآثار من الحوادث كالحوادث العامة و الوقائع الجوية كالوباء و القحط و الأمطار و الصواعق و غيرها ثم إذا كشف عن العلل الطبيعية المكتنفة

لهذه الأمور زعم أنه في غنى عن رب العالمين و تدبير ربوبيته.^{٨٧}

علامة طباطبائي در پاسخ به کسانی که زندگی صنعتی را وراء دين و دين پذيری می دانند می فرماید:

ربما يقال: هب أن الإسلام لتعرضه لجميع شؤون الإنسانية الموجودة في عصر نزول القرآن كان يكفي في إيصاله مجتمع ذاك العصر إلى سعادتهم الحقيقية و جميع أمانيتهم في الحياة لكن مرور الزمان غير طرق الحياة الإنسانية فالحياة الثقافية و العيشة الصناعية في حضارة اليوم لا تشبه الحياة الساذجة قبل أربعة عشر قرنا المقتصرة على الوسائل الطبيعية الابتدائية فقد بلغ الإنسان إثر مجاهداته الطويلة الشاقة مبلغا من الارتقاء و التكامل المدني لو قيس إلى ما كان عليه قبل عدة قرون كان كالمقاييس بين نوعين متباينين فكيف تفي القوانين الموضوعه لتنظيم الحياة في ذلك العصر للحياة المشكلة العبقريه اليوم؟ و كيف يمكن أن تحمل كل من الحياتين أثقال الأخرى. و الجواب: أن الاختلاف بين العصرين من حيث صورة الحياة لا يرجع إلى كليات شؤونها، وإنما هو من حيث المصايق و الموارد و بعبارة أخرى يحتاج الإنسان في حياته إلى غذاء يتغذى به، و لباس يلبسه، و دار يقطن فيه و يسكنه، و وسائل تحمله و تحمل أثقاله و تنقلها من مكان إلى مكان، و مجتمع يعيش بين أفراد، و روابط تناسلية و تجارية و صناعية و عملية و غير ذلك، و هذه حاجة كلية غير متغيرة ما دام الإنسان إنسانا ذا هذه الفطرة و البنية و ما دام حياته هذه الحياة الإنسانية، و الإنسان الأولى و إنسان هذا اليوم في ذلك على حد سواء. و إنما الاختلاف بينهما من حيث مصايق الوسائل التي يرفع الإنسان بها حوائجه المادية و من حيث مصايق الحوائج حسب ما يتنبه لها و بوسائل رفعها. فقد كان الإنسان الأولى مثلا يتغذى بما يجده من الفواكه و النبات و لحم الصيد على وجه بسيط ساذج، و هو اليوم يهيم منها ببراعته و ابتداعه ألوان الطعام و الشراب ذات خواص تستفيد منها طبيعته، و ألوان يستلذ منها بصره، و طعوم يستطيبها ذوقه، و كيفيات يتنعم بها لمسها، و أوضاع و أحوال أخرى يصعب إحصاؤها و هذا الاختلاف الفاحش لا يفرق الثاني من الأول من حيث إن الجميع غذاء يتغذى به الإنسان لسد جوعه و إطفاء نائرة شهوته. و كما أن هذه الاعتقادات الكلية التي كانت عند الإنسان أولا لم تبطل بعد تحوله من عصر إلى عصر بل انطبق الأول على الآخر انطباقا، كذلك القوانين الكلية الموضوعه في الإسلام طبق دعوة الفطرة و استدعاء السعادة لا تبطل بظهور وسيلة مكان و وسيلة ما دام الوفاق مع أصل الفطرة محفوظا من غير تغير و انحراف و أما مع المخالفه فالسنه الإسلامية لا توافقها سواء في ذلك العصر القديم و العصر الحديث. و أما الأحكام الجزئية المتعلقة بالحوادث التجارية التي تحدث زمانا و زمانا و تتغير سريعا بالطبع كالأحكام المالية و الانتظامية المتعلقة بالدفاع و طرق تسهيل الارتباطات و المواصلات و الانتظامات البلدية و نحوها فهي مفوضه إلى اختيار الوالي و متصدى أمر الحكومه فإن الوالي نسبته إلى ساحة ولايته كنسبة الرجل إلى بيته فله أن يعزم و يجرى فيها ما لرب البيت أن يتصرف به في بيته و فيما أمره إليه، فلولى الأمر أن يعزم على أمور من شؤون المجتمع في داخله أو خارجه مما يتعلق بالحرب أو السلم مالية أو غير مالية يراعى فيها صلاح حال المجتمع بعد المشاورة مع المسلمين كما قال تعالى: وَ شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ: «آل عمران: ١٥٩»، كل ذلك في الأمور العامه. و هذه أحكام و عزمات جزئية تتغير بتغير المصالح و الأسباب التي لا تزال يحدث منها شيء و يزول منها شيء غير الأحكام الإلهية التي يشتمل عليها الكتاب و السنه و لا سبيل للنسخ إليها و لبيانها التفصيلي محل آخر.^{٨٨}

علامة طباطبائي همچنين در پاسخ به شبهه ی سعادت آوری زندگی پیشرفته ی صنعتی غرب برای انسان در مقابل دين می فرماید:

أما قولهم: إن المدنية الحاضرة سمحت للممالك المتروكية سعادة المجتمع و هذب الأفراد طهرهم عن الرذائل التي لا يرتضيها المجتمع فكلام غير خال من الخلط و الاشتباه و كان مرادهم من

٨٧ الميزان في تفسير القرآن، ج 8، ص 196 و 197

٨٨ الميزان في تفسير القرآن، ج 4، ص: 120 و 121

السعادة الاجتماعية تفوق المجتمع في عدتها و قوتها و تعاليتها في استفادتها من المنابع المادية و قد عرفت كرارا أن الإسلام لا يعد ذلك سعادة و البحث البرهاني أيضا يؤيده بل السعادة الإنسانية أمر مؤلف من سعادة الروح و البدن و هي تنعم الإنسان من النعم المادية و تحليله بفضائل الأخلاق و المعارف الحقة الإلهية و هي التي تضمن سعادته في الحياة الدنيا و الحياة الأخرى و أما الانغمار في لذائذ المادة مع إهمال سعادة الروح فليس عنده إلا شقاء. و أما استعجابهم بما يرون من الصدق و الصفاء و الأمانة و البشر و غير ذلك فيما بين أفراد الملل المترقية فقد اختلط عليهم حقيقة الأمر فيه، و ذلك أن جل المتفكرين من باحثينا معاشر الشرقيين لا يقدرن على التفكير الاجتماعي و إنما يتفكرون تفكرا فرديا فالذي يراه الواحد منا نصب العين أنه موجود إنساني مستقل عن كل الأشياء غير مرتبط بها ارتباطا تبطل استقلاله الوجودي (مع أن الحق خلافه) ثم لا يتفكر في حياته إلا لجلب المنافع إلى نفسه و دفع المضار عن نفسه فلا يشتغل إلا بشأن نفسه و هو التفكير الفردي، و يستتبع ذلك أن يقيس غيره على نفسه فيقضى فيه بما يقضى على هذا النحو من الاستقلال. و هذا القضاء إن صح فإنما يصح فيمن يجري في تفكره هذا المجري و أما من يتفكر تفكرا اجتماعيا ليس نصب عينيه إلا أنه جزء غير منفك و لا مستقل عن المجتمع و أن منافعه جزء من منافع مجتمعه يرى خبير المجتمع خبير نفسه و شره شر نفسه و كل وصف و حال له وصفا و حالا لنفسه فهذا الإنسان يتفكر نحو آخر من التفكير و لا يشتغل في الارتباط بغيره إلا بمن هو خارج عن مجتمعه و أما اشتغاله بأجزاء مجتمعه فلا يهتم به و لا يقدره شيئا. استوضح ذلك بما نورد من المثال: الإنسان مجموع مؤلف من أعضاء و قوى عديدة تجتمع الجميع نوع اجتماع يعطيها وحدة حقيقية نسميها الإنسانية يوجب ذلك استهلاك الجميع ذاتا و فعلا تحت استقلاله فالعين و الأذن و اليد و الرجل تبصر و تسمع و تبتطش و تمشي للإنسان، و إنما يلتذ كل بفعله في ضمن التذاذ الإنسان به، و كل واحدة من هذه الأعضاء و القوى همها أن ترتبط بالخارج الذي يريد الإنسان الواحد الارتباط به بخير أو شر فالعين أو الأذن أو اليد أو الرجل إنما تريد الإحسان أو الإساءة إلى من يريد الإنسان الإحسان أو الإساءة إليه من الناس مثلا، و أما معاملته بعضها مع بعض و الجميع تحت لواء الإنسانية الواحدة فقلما يتفق أن يسيء بعضها إلى بعض أو يتضرر بعضها ببعض. فهذا حال أجزاء الإنسان و هي تسير سيرا واحدا اجتماعيا، و في حكمه حال أفراد مجتمع إنساني إذا تفكروا تفكرا اجتماعيا فصالحهم و تقواهم أو فسادهم و إجرامهم و إحسانهم و إساءتهم إنما هي ما لمجتمعهم من هذه الأوصاف إذا أخذ ذا شخصية واحدة و هكذا صنع القرآن في قضائه على الأمم و الأقوام التي ألجأتهم التعصبات المذهبية أو القومية أن يتفكروا تفكرا اجتماعيا كاليهود و الأعراب و عدة من الأمم السالفة فتراه يؤاخذ اللاحقين بذنوب السابقين، و يعاتب الحاضرين و يوبخهم بأعمال الغائبين و الماضين كل ذلك لأنه القضاء الحق فيمن يتفكر تفكرا اجتماعيا، و في القرآن الكريم من هذا الباب آيات كثيرة لا حاجة إلى نقلها.⁸⁹

امام خميني:

پیش تر در بخش امکان صنعت اسلامی برخی بیانات حضرت امام خمینی رحمت الله علیه از نظرتان گذشت، در این فصل ادامه ی نظرات ایشان را با هم مرور می کنیم:

لزوم پیشرفت صنعتی:

احتیاج ما پس از اینهمه عقب ماندگی مصنوعی به صنعتهای بزرگ کشورهای خارجی حقیقتی است انکارناپذیر. و این به آن معنی نیست که ما باید در علوم پیشرفته به یکی از دو قطب وابسته شویم. دولت و ارتش باید کوشش کنند که دانشجویان متعهد را در کشورهایی که صنایع بزرگ پیشرفته را دارند و استعمار و استثمارگر نیستند بفرستند؛ و از فرستادن به امریکا و شوروی و

کشورهای دیگر که در مسیر این دو قطب هستند احتراز کنند، مگر ان شاء الله روزی برسد که این دو قدرت به اشتباه خود پی برند و در مسیر انسانیت و انساندوستی و احترام به حقوق دیگران واقع شوند، یا ان شاء الله مستضعفان جهان و ملت‌های بیدار و مسلمانان متعهد، آنان را به جای خود نشانند. به امید چنین روزی.^{۹۰}

اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است.^{۹۱}

لزوم حفظ فرهنگ اسلامی و اهداف الهی در صنعت:

از گوش خودمان بیرون بکنیم که همه چیزمان باید از خارج بیاید، و بر فرض که به خاطر احتیاج چیزی را وارد می‌کنیم، فرهنگ و ادبمان چرا از خارج باشد؟ ما دارای ادب و فرهنگ غنی هستیم، و آیا صحیح است که چون آنها موشک درست می‌کنند ما باید تابع آنها باشیم، در حالی که آنها با این صنعت‌ها دنیا را تخریب می‌کنند و ما می‌خواهیم صنعتی داشته باشیم که تخریبگر نباشد، بلکه مفید و سازنده باشد.^{۹۲}

همه مصیبت‌هایی که بر کشورها وارد می‌شود، و شما ببینید که در تمام دنیا وقتی که ما نظر بیندازیم به تمام دنیا، این همه مصیبت‌هایی که وارد می‌شود بر مظلومان در تمام دنیا، و این همه افکار که خرج می‌شود برای اینکه، یک چیزی درست کنند که مردم را هلاک کنند، توپ و تانک و - نمی‌دانم - موشک و امثال ذلک، اینها برای این است که، تربیت معنوی ندارند. نه آنهایی که مسیحی هستند، مسیحی هستند و به تعلیمات حضرت مسیح - سلام الله علیه - عمل می‌کنند و تربیت شدند، و نه آنهایی که یهودی هستند به تربیت‌های حضرت موسی - سلام الله علیه - تربیت شدند، و نه آنهایی که مسلمان هستند به تربیت‌های معنوی اسلام تربیت شدند. ... تمام این خرابیهایی که می‌بینید وارد می‌شود بر همه کشورها، خرابیهایی است که منشأش علما بودند. علمای دانشگاهها منشأ این مسائل بودند. آنهایی که موشکها می‌سازند، آنهایی که طیاره‌ها می‌سازند، آنهایی که چه می‌سازند، منشأ تمام این خرابیهها اینها هستند. و هرچه به سر بشر می‌آید از علم می‌آید؛ علم بدون تهذیب ..^{۹۳}

استقلال و خودباوری صنعتی :

اگر مغزهای ما عمل می‌کرد، حالا وضع کشور ما غیر از این بود، لکن نگذاشتند مغزهای ما عمل بکند. همه چیز را آوردند، اموال زیرزمینی ما را دادند و همه چیز را آوردند، فراهم کردند که مبادا شما به فکر این بیفتید یک صنعتی ایجاد کنید. تا ارتباطتان را از دنیا قطع نکنید - این ارتباطی که شما را به انزوای حقیقی می‌کشد - نمی‌توانید خودتان اهل صنعت بشوید و نمی‌تواند مملکتتان صنعتی بشود، نمی‌توانید مستقل باشید و نمی‌توانید آزاد باشید. این انزوا از نعمت‌های بزرگ

۹۰ صحیفه نور ج 21 ص : 434

۹۱ صحیفه امام ج 21 ص : 393

۹۲ همان ج 18 ص : 218 و 219

۹۳ همان ج 16 ص : 498 و 499

ما الآن در فرهنگ و اکثر علوم احتیاجی به خارج نداریم. و اگر در صنعت هم مانند آنها نیستیم نباید خودمان را بازییم و بگوییم که آنها پیشرفته هستند و ما همه چیزمان باید خارجی باشد. نه، مسئله این جور نیست. نباید اگر صنعتی از آنها می‌گیریم انگلیسی یا روسی یا امریکایی بشویم، بلکه باید مسلمان بود. البته استفاده از علوم و گرفتن آن از دیگران مانعی ندارد، ولی باید توجه داشت که از جایی علوم را بگیریم که نخواهند ما را منحرف کنند که در سابق اگر مقداری از علوم و تخصصها را به ما می‌دادند، می‌خواستند ما را از همه چیزمان منحرف نموده و مصرفی بار بیاورند.^{۹۵}

من امیدوارم که اشخاصی که تفکر دارند، مغز صنعتی دارند، اینها هم کارها را راه بیندازند و صنعت درست کنند خودشان. شما بدانید که اگر خودتان به فکر بیفتید، [می‌توانید]. نگذاشتند شماها به فکر بیفتید، هی آمدند به شما دادند، شما هم تنبل شدید... خودشان راه بیندازند کارخانه را. شما خودتان باید انجام بدهید کار خودتان را. هی منتظر این نباشید که یکی دیگر بیاید شما را اداره کند. خودتان اداره کنید خودتان را. من امیدوارم که همه این کارها به دست خودتان بشود و هیچ به خودتان خوفی راه ندهید. ما آن قدرتهای بزرگ را هل دادیم و بیرونشان کردیم و کسی نمی‌تواند شما را ان شاء الله، دیگر هل بدهد از مملکت خودتان.^{۹۶}

اگر در کارخانه‌های ما این معنا را متنبه بشوند که ما باید وابسته نباشیم و ما باید خودمان برای خودمان کار انجام بدهیم، آنها کوشش می‌کنند که کارخانه‌ها را بهتر راه ببرند. و اشخاصی که مغز تفکر صنعتی دارند این مغزها را به کار می‌اندازند. و بعد از اینکه فهمیدند که باید برای خودمان کار بکنیم و باید صنعت را هم - چه صنعت بزرگ، چه صنعت کوچک را - خودمان باید درست بکنیم، این مبدأ عمل می‌شود که بعد از آن بیداری و این اراده راه بیفتند، و مشغول بشوند و تفکر کنند و مغزها را به کار بیندازند و کار خودشان را خودشان انجام بدهند.^{۹۷}

ما، در برنامه صنعتی کردن مملکت هرگز چون امروز سراغ مونتاژ نمی‌رویم. ما در ایران صنایع مادر ایجاد خواهیم کرد و نوسازی را به بهترین وجه انجام خواهیم داد. البته توقع نباید داشت که این کارها به محض رفتن شاه صورت گیرد، زیرا شاه ایران را به طور کلی خراب کرده است و ایران به صورت یک کشور جنگزده درآمده است. لذا برای ترمیم خرابیها و ایجاد صنایع اصیل احتیاج به مدت است. ما نیازهای تکنولوژی خود را از هر منبعی که مفیدتر برای کشورمان باشد تأمین خواهیم کرد. ما از جهت متخصص کارآموده بسیار غنی هستیم. هزاران کارشناس ایرانی در رشته‌های گوناگون علمی در کشورهای خارجی هستند. اینها به دلیل ظلم و ستم شاه و فقدان برنامه‌های صنعتی علمی اصیل مجبور به ترک مملکت و کار برای مؤسسات خارجی شده‌اند. با رفتن شاه اکثر اینها به ایران برخواهند گشت.^{۹۸}

۹۴	صحیفه امام ج ۱۳	۳۱۴
۹۵	همان ج ۱۸ ص : ۲۱۹	
۹۶	صحیفه امام ج ۱۳	۳۳۶
۹۷	صحیفه امام ج ۱۳	۵۳۶
۹۸	همان ج ۵ ص : ۲۹۵-۲۹۴	

مصاحبه با روزنامه «استریت تایمز» [آیا تغییری در سیاست ارتش اتفاق خواهد افتاد؟ آیا ایران دیگر تسلیحات پیچیده نخواهد خرید؟ آنچه که تاکنون با پول نفت می‌خریده است؟] - هرگز! ارتش ایران هیچ‌گاه احتیاج به اسلحه‌های کنونی ندارد. مستشاران نظامی امریکایی بر ارتش ایران سیطره دارند. ما ارتشی مستقل تشکیل خواهیم داد و زوایدی را که به درد ارتش و مملکت و مردم ایران نمی‌خورد حذف خواهیم نمود. ما نفت را به هر کشوری که صلاح دانستیم می‌فروشیم و در مقابل پول می‌گیریم نه اسلحه‌هایی که اصلاً به درد ارتش ما نمی‌خورد و ارتش را درست در اختیار بیگانه قرار دهد.^{۹۹}

ما می‌خواهیم که تمام اداراتی که در این کشور هست و تمام جاهایی که صنعت می‌خواهند ایجاد کنند و می‌خواهند این مملکت [وارد] در صنعت بزرگ بشود و در علم، ما می‌خواهیم این علم و صنعت و همه چیزها در خدمت ملت باشد، نه در خدمت اجانب. تخصصی که در خدمت اجانب است ضررش از همه چیزها بالاتر است. علمی که ما را بکشد به طرف امریکا یا شوروی آن علم علم مضر است؛ آن علمی است که برای ملت‌ها هلاکت می‌آورد. اشخاصی که در دانشگاه سابق تربیت شدند - آلاً قلیلی از آنها - اینها برای کشور ما اگر ضرر نداشتند که داشتند، نفعی نداشتند. ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم در خدمت خود مملکت، در خدمت خود ایران.^{۱۰۰}

سیاست صنعتی رژیم شاه، توسعه صنایع مصرفی و مونتاژ و وابسته کردن صنایع به صنایع اجنبی است. سیاست صنعتی دولت جمهوری آینده بر اساس ایجاد صنایع بنیادی و مادر خواهد بود، به طوری که هرگونه وابستگی از بین برود. با ایجاد صنایع بنیادی مادر، توسعه کالاهای مصرفی صنعتی نیز به شکلی توأم با آن پیشرفت می‌کند که منافع مصرف کنندگان ایرانی را مقدم بر هر چیز حفظ خواهد کرد.^{۱۰۱}

اصل شغل انبیا غیر از این نیست که آدم سازی است. تمام نبوتها، تمام کتابهای آسمانی، برای این آمده است که آدم درست کند؛ انسان درست کند؛ انسان با فضیلت. در مقابل انبیا، این دستگاههای مادگیری است که می‌خواهند که انسان را نگذارند انسان بشود؛ نگذارند بافضیلت بشود. به همان حد حیوانی، که سایر حیوانات هم با او مشترکند، به همان حد باشد. ولو خیلی صنعتگر باشد، ولو خیلی متخصص باشد، لکن فضایل نداشته باشد. ممکن است که یک کسی فانتوم درست کند، لکن فضیلت انسانی نداشته باشد؛ خائن باشد. ممکن است که یک کسی طیب بسیار خوبی باشد که خیلی هم مبرز، لکن فضیلت انسانی نداشته باشد، آنها از طیب نمی‌ترسند؛ از صنعتگر نمی‌ترسند؛ آنها از آدم می‌ترسند. اگر آدم در یک کشوری پیدا بشود، دست آنها را کوتاه می‌کند.^{۱۰۲}

۹۹ همان ج 5 ص : 471

۱۰۰ همان ج 14 ص 359

۱۰۱ همان ج 4 ص : 506

۱۰۲ همان ج 7 ص : 443-444

بیانات امام خامنه ای درباره ی رابطه ی پیشرفت صنعتی و پیشرفت حقیقی:

نمیشود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل اینهاست؛ آنها ابزاری است برای اینکه این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند. یک مقوله ای در اینجا مطرح میشود و سر بر میآورد، به عنوان مقوله ی فرهنگ زندگی. باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بُنمایه های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بُنمایه های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکردهایم. باید دنبال این بخش، زیاد کار کنیم؛ زیاد تلاش کنیم.^{۱۰۳}

اسلام ما را مأمور کرده است که از ثروت عظیم زمین به نفع بشر استفاده کنیم؛ «واستعمرکم فیها». خداوند متعال این زمین را - که همه ی خیرات و منابع حیاتی برای بشر در دل آن گنجانده شده است - در اختیار انسان قرار داده و از او می خواهد که آن را آباد کند و منابع حیاتی را به نفع زندگی بشر از آن بیرون بکشد. اگر جوامع مسلمان از کاروان علم و سازندگی و ابتکار عقب ماندند، به خاطر این است که به دستور اسلامی عمل نکردند. امروز داعیه ی ما این است که می خواهیم به این دستور اسلام هم به طور کامل عمل کنیم. کار شما - استخراج این معدن و فرآوری محصولی که نقش مهم و روزافزونی در زندگی پیدا کرده است؛ یعنی مس - یکی از مصادیق مهم عمل به این دستور قرآنی است. بقیه ی منابع هم هر کدام در جای خود همین خصوصیت و نقش را دارند؛ کار کشاورزی هم همین نقش را دارد. زمین، منبع منابع فراوان برای ایجاد حیات طبیعی انسانی است؛ ما می خواهیم این را برای کشور خود تأمین کنیم؛ ما می خواهیم به دستور اسلام عمل کنیم. آن جا که زمین آباد می شود، اگر با رعایت حدود و ضوابط الهی باشد، زندگی انسان هم آباد می شود.^{۱۰۴}

ضرورت پیشرفت صنعتی:

باید به سمت کارهای بزرگ برویم. ببینید! یک وقت هست شما می توانید هواپیمایی را که دیگران اختراع کرده اند و ساخته اند، خودتان بدون کمک دیگران در داخل کشور بسازید، این خیلی خوب است؛ این بهتر از خریدن هواپیمای ساخته شده است؛ اما یک وقت هست شما خودتان یک چیزی در سطح هواپیما در کشورتان تولید می کنید؛ این است آنچه که ما لازم داریم؛ ما باید بر ثروت علمی بشر بیفزاییم. نگویند نمی شود؛ می شود. یک روزی بشریت فناوری ریزترینها - نانو تکنولوژی - را نمی شناخت، بعد شناخت. امروز صد تا میدان دیگر ممکن است وجود داشته باشد که بشر نمی شناسد؛ اما می توان آنها را شناخت و می توان جلو رفت.^{۱۰۵}

تکنولوژی هسته ای هیچ گناهی نکرده، گناه مال آن کسی است که جهت او را جهت تخریب

۱۰۳ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی 1391/07/23

۱۰۴ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه ۱۸/۰۲/۱۳۸۴

۱۰۵ بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۲۹/۰۳/۱۳۸۵

انسانها قرار میدهد. یا مثلاً فناوریهای پیشرفته‌ی نانو، یا صنایع الکترونیک بسیار پیشرفته و آبرودینامیک و امثال اینها گناهی ندارند؛ اینها خیلی خوبند و ابزارهایی هستند برای اینکه انسان بتواند در دنیا از منابع و فرصتهایی که خدا در این طبیعت قرار داده، به بهترین وجهی استفاده کند. گناه مال آن کسانی است که از این نعمت خدادادی و از این گنجینه‌ی الهی، برای زورگویی به بشر، تسلط به دیگران و پامال کردن حقوق دیگران استفاده میکنند. شما که مبنای خوبی دارید، شما که به خدا معتقدید، شما که به کرامت انسان معتقدید، شما که با ظلم و غصب و تعدی و تجاوز مخالفید، شما که استکبار و جامعه‌ها یا حکومت‌های برآمده‌ی از شهوات شخصی و جمعی را تبحیح میکنید شما این علوم را یاد بگیرید تا ارزشهای خودتان را در دنیا ترویج کنید و معارف خودتان را در دنیا حاکم کنید. این چیز بدی است؟! یک نفر سوار هواپیما میشود و برای عیاشی و هرزگی، به فلان شهر فلان کشور میرود؛ یک نفر هم سوار همین هواپیما میشود، میرود برای زیارت خانه‌ی خدا؛ این هواپیما که گناهی ندارد؛ جهت‌ها فرق میکند. شما دانش و فناوری را فرا بگیرید و از هوش ویژه‌ای که در شما هست - که من حالا اشاره خواهم کرد و بعضی از دوستان هم گفتند - استفاده کنید، برای اینکه در این جهت، قله را فتح کنید. آن وقت از این موقعیت و از این فرصت، برای نشر ارزشهای حقیقی - به جای ارزشهای دروغین، به جای نفسانیات، به جای هرزگی، به جای سلطه‌ی زر و زور بر سرنوشت بشر - استفاده کنید.^{۱۰۶}

کارگران و عناصر فنی، کیفیت صنعتی را تا آنجا که به دقت و دلسوزی در کار مربوط است، بالا برده، با روح ابتکار و اعتماد به نفس، نیاز کشور به محصولات و دانش فنی بیگانگان را کاهش دهند و پایه‌های صنعت اصیل و ملی را استوار سازند و موجب شوند که مصرف کنندگان به محصولات داخلی اطمینان و علاقه پیدا کنند. همچنین راه به سمت صنعت پیشرفته و پیچیده را باز کنند و نشان دهند که استعداد و ابتکار ایرانی قادر است کشور را - حتی در صنایع پیشرفته - از دیگران بی‌نیاز سازد.^{۱۰۷}

دیدار امروز من یک معنای نمادین هم دارد؛ علاوه بر اینکه دیدار از یک بخش قابل توجه و مهمی هست. مضمون مورد نظر ما این است که ما توجه بدهیم به اهمیت صنعت در پیشرفت کشور. منظورمان از صنعت، صنعت جوشیده‌ی از ذهن و فکر و ابتکار و ایمان خود شماست. معتقدیم که صنعت تأثیر بسیار اساسی‌ای دارد در پیشرفت کشور، یعنی در واقع عنصر اصلی پیشرفته محسوب شدن یک کشور و لوازمی که دارد، پیشرفت در صنعت است؛ با شرایط در جای خود معین شده‌ای که مربوط میشود به افکار و عقاید و ایمانهای ملت ما و شما عزیزان. یک توهم خطرناکی در ذهنها وجود داشت، تزریق شده بود - شاید در بعضی از ذهنها هنوز هم این توهم وجود داشته باشد - و آن عبارت بود از توهم تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه‌یافتگی از یک طرف، و معنوی زیستن و اخلاقی زیستن از طرفی دیگر. باور شده بود برای بعضی که اگر جامعه بخواهد عقلانی و عملگرا و رونده و شتاب‌گیرنده‌ی در راه پیشرفت زندگی بکند، ناچار است از اخلاقیات و معنویات و دین و خدا فاصله بگیرد! اگر به همبستگی اخلاقی فکر کردیم، به معنویات دل بسته بودیم، ملاحظه‌ی ضوابط و حدود دینی و اخلاقی را کردیم، ناچاریم از پیشرفته بودن کشور صرف‌نظر کنیم؛ از زندگی عقلانی چشم‌پوشیم! یک چنین توهمی وجود داشته. دلایل تاریخی روشنی هم دارد این گمان؛ این گمان باطل، و دلایل جامعه‌شناسی هم دارد. آنچه که ما میخواهیم بر آن با فشاریم، این است که جمهوری اسلامی و حاکمیت دین و اسلام این توهم را ابطال کرده. ما میخواهیم و میتوانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشرفته زندگی کنیم، هم در عین حال متمسک به ارزشهای اخلاقی خودمان و پایبند به ایمان دینی خودمان و عامل به فرائض و لوازم زندگی مذهبی خودمان باقی بمانیم؛ بلکه در این جهت هم بیشتر

یکی از شرایط توسعه‌ی یک کشور، استقلال صنعتی آن است. ما باید بتوانیم در همه‌ی زمینه‌های صنعتی بر پای خودمان بایستیم؛ به فکر خودمان تکیه کنیم؛ تواناییهای خودمان را به کار بگیریم. البته دنیا، دنیای تبادل است؛ اما تبادل دوجانبه. تبادل؛ دادن و ستاندن. آن وقتی شما میتوانید در بازار تبادل صنعتی حرفی برای گفتن داشته باشید که خودتان روی پای خودتان در زمینه‌ی صنعت بایستید. ما این را میخواهیم؛ ما این را لازم داریم. ایران اسلامی شایسته‌ی این است؛ با این تاریخمان، با این میراث عظیم تمدنی‌مان، با این حرکت مردمی، با این آمادگی جوانها، با این استعداد فراوان که در کشور ما هست؛ ما این را لازم داریم. باید بتوانیم در بخش صنعت در دنیای اسلام یک پرچم برافراشته به حساب بیاییم. و دنیای اسلام استقبال خواهد کرد - حالا من بعد در زمینه‌ی مسئله‌ی صادرات که یکی از مسائل اساسی ماست، اشاره میکنم - و دنیا نگاه کند به جمهوری اسلامی و ببیند که این ملت با هوشمندی خود، با تواناییهای خود، توانسته در این میدان این پیشروی‌ها را انجام بدهد.^{۱۰۹}

برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً، نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند؛ ثانیاً، ابزار برطرف کردن این نیازها را که در درجه‌ی اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد؛ این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ‌ساز است؛ این تمدن‌ساز است. فرق کشورهایی که می‌توانند سرنوشت خود و بلکه بخشی از دنیا را به دست بگیرند، با آن کشورهایی که مثل پر کاهی در امواج سیاستهای جهانی به این طرف و آن طرف می‌روند، در همین است. کلید اصلی هم علم و بر اثر علم، فناوری است؛ بایستی آن کشور و ملتی که تصمیم دارد سرنوشت خودش را خودش بسازد و خودش، خودش را به خوشبختی برساند، این کلید را پیدا کند.^{۱۱۰}

هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند. ما باید علم را با همه‌ی معنای کامل آن به عنوان یک جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوانها، استادان و دانشگاهها می‌گویم. علاوه بر این، علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنید به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه‌ی کشور. صنعتی که مایه‌ی توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست؛ علمی که به فناوری تولید نشود، فایده‌ای ندارد و نافع نیست.^{۱۱۱}

ما علم را از همه کس می‌گیریم؛ حرفی نداریم. اسلام به ما گفته: «اطلبوا العلم ولو بالصین». صین یعنی چین. چین آن روز وارث یک تمدن کهن و پیشرفته بود، با آن فاصله؛ و مطلقاً هم بویی از اسلام به مشامشان نرسیده بود؛ در عین حال پیغمبر فرمود علم و دانش و تجربه و - به زبان امروزی ما - فناوری را هر جا بود، بروید طلب کنید؛ یعنی شاگرد عالم بشوید، در مقابل عالم زانوی ادب بنزید و از او یاد بگیرید.^{۱۱۲}

انتقال ارزشهای فرهنگی غربی همراه با صنعت :

امریکا و اروپا و کشورهای غربی، در لابلای فرآورده‌های خوب تمدن خود - مثل صنعت و علم و تحقیق، که متعلق به همه‌ی بشریت است و برای گروه خاصی نیست - انواع و اقسام بدیها و

۱۰۸ بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی ۱۳۸۹/۰۱/۰۹

۱۰۹ همان

۱۱۰ بیانات در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته ای ۱۳۸۵/۰۳/۲۵

۱۱۱ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخن جامع رضوی ۱۳۸۵/۰۱/۰۱

۱۱۲ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

فسادها و انحطاطها را وارد کشورهای جهان سوم کردند و مردم و جوانها و دولتها و ملتها را مبتلا و ذلیل نمودند و به خاک سیاه نشاندند. آنها از کارهای خود شرم نمی‌کنند و خجالت نمی‌کشند و به صادرات پلید خودشان به کشورهای دیگر افتخار هم می‌کنند!^{۱۱۳}

اهمیت صنعت و فناوری در تحمیلگری استکبار جهانی:

مسأله این است که یک مجموعه فرهنگی در دنیا با تکیه به نفت، حق و توتو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی می‌خواهد همه باورها و چارچوبهای مورد پسند خودش برای ملتها و کشورهای دیگر را به آنها تحمیل کند.^{۱۱۴}

ارزش صنعت وابسته به کاربرد آن برای ارزش‌های الهی:

پول و ثروت و قوت بازو و زبان گویا و بقیه‌ی ثروتهایی که در خدمت حق و انسانها و راستی و درستی نباشد، چه ارزشی دارد؟ ارزشی ندارد. الان علم در خدمت سلاحهای اتمی و در دست اسرائیل است. آیا این ارزشمند است؟ نخیر، هیچ ارزشی ندارد. ارزش این چیزها نسبی است. ارزش مطلق، متعلق به اینها نیست. البته چیزهای ارزشمند مطلق وجود دارد. اصلاً مبانی ادیان، مطلق کردن ارزشهای صحیح و راستین است؛ منتها علم و صنعت و تکنولوژی، از آن ارزشهای مطلق نیست؛ تا در کجا به کار برود، تا در دست چه کسی باشد، تا از آن چگونه استفاده بشود؛ هنر هم از این قبیل است.^{۱۱۵}

خستگی جهان از زندگی ماشینی:

امروز مشتاقان معارف معنوی واقعی و راستین - معارف معنوی راستین، نه آنچه که بعضی از مکاتب انحرافی به عنوان معنویت بیان میکنند - در دنیا بیشمارند؛ زیادند. زندگی مادی، چرخ و پَر زندگی ماشینی، مردم بسیاری را به ستوه آورده است. مکتب اسلام میتواند دریچه‌ای در مقابل آنها باز کند؛ عالم نوی را به آنها نشان بدهد.^{۱۱۶}

امروزه با سیطره‌ی نظم ماشینی بر همه‌ی جامعه‌های بشری، انسان و انسانیتها سخت در فشارند. آحاد بشر در چنین نظمی ناگزیرند آهنگ زندگی فردی و اجتماعی را با نواخت سنگین و روحگداز ماشین، همسان و یک آهنگ کنند. رحم و مروت و گذشت و ایثار و بسی ارزشهای اخلاقی دیگر در این همناختی است که کم‌تأثیر و بی‌رنگ می‌شود و خانواده و اخلاق همزیستی مهرآمیز خانوادگی، در چنین وضعی است که پایمال و منهدم می‌گردد. از دهها سال پیش دلسوزان و تیزبینان، حتی در قلب محیط تمدن صنعتی و ماشینی این خطر را احساس کرده و هشدار داده‌اند، و با تأسف، هنوز میلیونها انسان - بویژه جوانان که احساسات لطیف‌تر و روحیه‌ی آسیب‌پذیرتر دارند - در این بلای بزرگ همچنان بی‌دفاع و بی‌علاج‌اند. نیاز به رابطه‌ی معنوی با خداوند رحیم و کریم، بدین جهت امروز برای مردم دنیا از همیشه حادث‌تر و جدی‌تر است، و نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین این نیاز است. بشریت امروز به نماز خالص و کامل و پرشور اسلامی، از همیشه نیازمندتر است و شما مسئولان امر ترویج نماز، باید به کمک الهی

۱۱۳ سخنرانی در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم شهرهای قم، رفسنجان و کهنوج 1368/4/19

۱۱۴ بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر 1379/12/9

۱۱۵ بیانات در دیدار با مسؤولان، نویسندگان و هنرمندان 1370/4/25

۱۱۶ بیانات رهبر انقلاب در مراسم هیجدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) 1386/03/14

بتوانید، نه فقط نسل رو به رشد و بالنده‌ی جوان کشورمان، بلکه همه‌ی جانهای نیازمند و کامهای تشنه‌ی بشر متحیر در سراسر جهان را اشباع کنید و از سرچشمه‌ی فیاض نماز بهره‌مند سازید.^{۱۱۷}

صنعت مدرن و وسیله‌ی سلطه‌ی صهیونیست‌ها بر جهان:

اکنون آمریکا و غرب مُسْتَكْبِرٌ به این جمع‌بندی رسیده‌اند که کانون بیداری و ایستادگی در برابر نقشه‌ی حاکمیت آنان بر همه‌ی جهان، کشورها و ملت‌های مسلمان و بویژه در منطقه‌ی خاور میانه است، و اگر با ابزار اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی و سرانجام، نظامی نتوانند در چند سال آینده، نهضت بیداری اسلامی را مهار و سرکوب کنند، همه‌ی محاسبات آنان برای حاکمیت مطلق بر جهان و سیطره بر مهم‌ترین منابع نفت و گاز که تنها وسیله‌ی مُحَرِّک ماشینی صنعتی و برتری مادی آنان بر همه‌ی بشریت است، به هم خواهد ریخت، و کلان سرمایه‌داران غربی و صهیونیست که بازیگر پشت صحنه‌ی همه‌ی دولتهای مستکبرند، از اوج اقتدار تحمیلی خود ساقط خواهند شد.^{۱۱۸}

صنایع تسلیحاتی و کارخانه‌های اسلحه‌سازی نشانه‌ی جاهلیت مدرن:

اینکه ما جاهلیت مستقرِ امروز دنیا را جاهلیت مدرن مینامیم، به خاطر همین است. دوران جاهلیت پایان نیافته است. جاهلیت یعنی مقابله‌ی با حق، مقابله‌ی با توحید، مقابله‌ی با حقوق انسان، مقابله‌ی با راهی که خدا برای انسانها در جهت سعادت گشوده است. این جاهلیت، امروز هم هست؛ با شکل مدرن، با استفاده‌ی از دانش، با استفاده‌ی از فناوری‌های پیشرفته، با استفاده‌ی از سلاح هسته‌ای، با استفاده‌ی از انواع تسلیحات برای پر کردن کیسه‌ی صاحبان صنعت‌های مخرب و منهدم‌کننده‌ی زندگی بشر. داستان تسلیحات و هزینه‌های نظامی، امروز در دنیا یکی از داستانهای غم‌انگیز بشریت است. امروز در دنیا کارخانه‌های اسلحه‌سازی انواع سلاحها را میسازند، برای اینکه این سلاحها فروش برود. در دنیا جنگ ایجاد میکنند، انسانها را به جان هم می‌اندازند، دولتها را در مقابل هم قرار میدهند، ایجاد تهدید میکنند تا بتوانند فکر خائنانه و طمع خبثت‌آلود خودشان را تأمین و اشباع و ارضاء کنند. لذا تا وقتی که ابرقدرتها سلسله‌جنبان مسائل جهانی هستند، جنگ در دنیا تمام نمیشود. جنگ برای آنها دارای منافع مادی است. این جنگ، جنگ در راه عدالت نیست. دروغ میگویند آمریکائی‌ها و دیگران که میگویند ما جنگ میکنیم برای اینکه امنیت بدسیم؛ نه، درست عکس این است. هر جا حضور نظامی و حرکت نظامی دارند، موجب ناامنی و موجب بی‌عدالتی و موجب سخت کردن زندگی برای انسانها هستند. از وقتی که این ابزارهای مدرن در دنیا به وجود آمده است، انسانها دچار فشارند. در طول چهل و پنج سال - یعنی از بعد از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۹۰ مسیحی - که به اصطلاح دوران (جنگ سرد) نامیده میشود، در گزارشهای رسمی بین‌المللی آمده است که فقط سه هفته در دنیا جنگ وجود نداشته است! در تمام این چهل و پنج سال، در گوشه و کنار دنیا جنگ‌هایی وجود داشته است. این جنگها را کی به وجود می‌آورد؟ همان کسانی که تسلیحات را تولید میکنند. هزینه‌های نظامی قدرتهای بزرگ، امروز یکی از سرسام‌آورترین هزینه‌هاست. طبق آمارهای خودشان، در همین سال گذشته‌ی مسیحی، دولت آمریکا بیش از ششصد میلیارد دلار صرف هزینه‌های نظامی کرده است! این هزینه‌های نظامی را ما امروز در همسایگی خودمان داریم مشاهده میکنیم. این هزینه‌ها صرف افغانستان میشود، برای سرکوب ملت مسلمان افغانستان؛ صرف عراق میشود، برای در قبضه نگهداشتن ملت عراق؛ صرف کمک به رژیم خبیث صهیونیستی میشود، برای ملت‌بند نگهداشتن همیشگی خاورمیانه. امروز جهت قدرتهای فاسد این است. اسلام با اینها مبارزه میکند،

۱۱۷ پیام به مناسبت هفتمین اجلاس سراسری نماز 1376/07/09

۱۱۸ پیام به کنگره عظیم حج 1383/10/29

اهمیت حفظ محیط زیست:

اگر با دقت نگاه کنیم، مسائلی که مربوط به زیست انسانی است، بیشتر از آنها اهمیت دارد. سیاست برای چیست؟ اقتصاد برای چیست؟ خدمات گوناگون شهری و کشوری برای چیست؟ اصلاً پیشرفت کشور برای چیست؟ پیشرفت برای این است که انسانها زندگی سالم و مطلوبی داشته باشند. اگر محیط زیست تخریب شد، همه‌ی اینها باطل خواهد شد. اهمیت محیط زیست اینجاست. واقعاً اگر ما به مسئله‌ی آب، خاک، هوا و آن چیزهایی که منتهی میشود به این چیزها - مثل مراتع، مثل منابع طبیعی، مثل جنگلها، مثل وضع شهرسازی - نپردازیم، زندگی مردم شیرین نخواهد شد. صنعت و پیشرفت صنعتی و درآمدهای فزاینده‌ی کشور و افتخارات گوناگون علمی، متن زندگی و واقعیت زندگی را شیرین نمیکند؛ همه‌ی اینها باید مقدمه باشد برای اینکه مردم زندگی سالم و شیرین و مطلوب داشته باشند. از جمله‌ی چیزهایی که مساس مستقیم دارد، مسئله‌ی محیط زیست است، محیط زندگی انسانهاست، مسئله‌ی آب و هواست. آن وقت ریشه‌های آن، بنیانهای آن، که خاک است و جنگل است و درخت است و بقیه‌ی چیزها، اهمیت درجه‌ی یک پیدا میکند. من خواهش میکنم مسئولینی که در بخشهای مختلف هستند، به این نکته توجه کنند که نگاه به مسئله‌ی آب و هوا، نگاه به مسئله‌ی غبار، نگاه به مسئله‌ی دود، نگاه به مسئله‌ی هوای سالم، نگاه به مسئله‌ی آب سالم، نگاه به محیط زیست سالم، نگاه به مسئله‌ی جنگلها، نگاههای اصلی است؛ اینها را در متن برنامه‌ها، در مجاری همه‌ی برنامه‌های زندگی بگنجانند.^{۱۲۰}

اگر این خودبینی و خودخواهی در مقابل خداوند متعال باشد - یعنی انسان خود را در مقابل پروردگار قرار بدهد - نتیجه‌ی آن در انسان، طغیان است: طاغوت. طاغوت هم فقط پادشاهان نیستند؛ هرکدام از ما انسانها ممکن است در درون خودمان - خدای نکرده - یک طاغوت و یک بت تربیت کنیم و پرورش بدهیم. در مقابل خدا سرکشی کردن و خودبینی داشتن، نتیجه‌اش عبارت از رشد طغیان در انسان است. اگر این خودبینی در مقابل انسانهای دیگر باشد، نتیجه‌اش میشود نادیده گرفتن حقوق دیگران؛ تجاوز و دست‌درازی به حقوق این و آن. اگر این خودبینی در مقابل طبیعت واقع بشود، نتیجه‌اش میشود تزییع محیط طبیعی؛ یعنی آنچه که امروز به حق درباره‌ی مسئله‌ی محیط زیست در دنیا اهتمام هست. نادیده گرفتن محیط طبیعی زیست انسان هم، نتیجه‌ی طغیان، خودبینی و خودخواهی در مقابل طبیعت است.^{۱۲۱}

برگزاری همایش حقوق محیط زیست با مشارکت قوای سه‌گانه پاسخی مثبت به یکی از نیازهای امروز جامعه برای صیانت بیشتر از محیط زیست و رعایت حقوق عمومی است. تخریب محیط زیست معلول نابرابریهای اجتماعی و استفاده غلط از طبیعت و یکی از عوامل تزییع حقوق انسانها است. متأسفانه در جهان امروز اقلیتی مرفه و ثروتمند از همه‌ی امکانات و مواهب طبیعی و سالم بهره‌برداری می‌کنند ولی اکثریت ملتها محکوم به زندگی در شرائط محیطی آلوده و غیر بهداشتی و تن دادن به عوارض سوء و انواع بیماریها و پذیرفتن بلا و مصیبت و مرگ و میراند. کشورهای صنعتی بیشترین آسیب را به طبیعت و محیط زیست وارد ساخته و به حقوق سایر کشورها تجاوز نموده‌اند و در اثر سیاستهای خود، بیماری و فقر و ویرانی را بر بسیاری از انسانها تحمیل

کرده‌اند. شیوه‌های ناصحیح و غیر عادلانه در تعامل با طبیعت و آلوده ساختن محیط زیست در کشورمان نشان‌دهنده فقدان آگاهی‌های زیست محیطی و ضعف‌ساز و کارهای قانونی در صیانت از محیط زیست و جلوگیری از آلوده ساختن آنست. برای از بین بردن این نقیصه‌ی بزرگ و اساسی باید آگاهی افراد نسبت به مسائل زیست محیطی افزایش یابد و مدیریت‌های کلان در ایجاد ساختار مناسب همراه با الزامات قانونی برای رعایت حقوق عمومی تلاش کنند و انگیزه‌ها و حساسیت‌ها را برای مقابله با آلاینده‌ها بالا ببرند. در اسلام، جامع‌ترین دیدگاه و صحیح‌ترین شیوه‌ی تعامل با طبیعت و محیط زیست بیان گردیده است. خداوند، جهان هستی و همه‌ی پدیده‌ها را زیبا، متقن و موزون آفریده و ما باید رابطه‌ی خود را با آنها تصحیح کنیم و با تصرفات نادرست خود آنرا ویران و آلوده و جامعه را با بلا و مصیبت مواجه نسازیم. نگاه اسلام به طبیعت و محیط - اعم از جاندار و بیجان - عاطفی، اخلاقی، معنوی و هدایت‌گرانه است و برخورداری از مواهب طبیعی نیز بر پایه‌ی اصولی متین، عادلانه، حکیمانه، متوازن و سازنده استوار گردیده است. هدف متعالی اسلام برخوردار ساختن همه‌ی نسلها از نعمتهای الهی و ایجاد جامعه‌ای سالم و بدور از فاصله‌ی طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفائی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده‌روی و مقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست برای همه‌ی نسلها وظیفه‌ای عمومی تلقی گردیده و هر گونه تخریب آن در فعالیت‌های اقتصادی ممنوع اعلام شده است. اینک هماهنگی قوا که حاکی از عزم ملی بر تأمین محیط زیست سالم و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شایسته است مسئولان محترم برای ارتقاء سطح آگاهی و حساسیت عمومی در رابطه با محیط زیست تلاش و خلاءهای قانونی را پر کنند و دستگاه‌های مسئول با دقت نسبت به اجرای قوانین مراقبت نمایند و با متخلفان بطور قاطع برخورد کنند و قوه قضائیه با ساز و کار مناسب به تخلفات زیست محیطی رسیدگی کند. امیدوارم این همایش در پیشبرد اهداف انسانی خود موفق شود و زمینه‌ی برخورداری عامه مردم از مواهب طبیعی و محیط زیست سالم را فراهم سازد.^{۱۲۲}

ما باید بتوانیم با برنامه‌ریزیهای دقیق، با مدیریت قوی و با اصرار و جدیت در کار، خودمان را از تضييع خسارتبار منابع حیاتی و طبیعی - مانند درخت و آب و خاک - نجات دهیم. البته کارهای بسیار خوبی شده است - مقداری را من می‌دانستم، مقداری هم امروز در این‌جا اطلاع پیدا کردم - اما این کارها را باید به طور جدی دنبال کنیم. باید در مراحل عملی، با اصرار به دنبال تحقق اهداف سازنده باشیم. برای ما مسأله‌ی محیط زیست یا حفظ منابع طبیعی، مسأله‌ای تجملاتی و درجه‌ی دو نیست؛ یک مسأله‌ی حیاتی است. در تلاش ما برای توسعه‌ی کشور، اولویت باید در این بخش باشد. تکیه هم باید روی این بخش باشد. حتی گرایش به صنعت باید با توجه به این بخش باشد تا کشور بتواند استفاده کند؛ تا ما که کشوری هستیم به‌طور طبیعی از طبیعت خوب و مناسب برخوردار - به‌رحال امکانات اقلیمی هست و آنچه تخریب شده است، به‌دست بشر تخریب شده است - بتوانیم از این امکانات استفاده کرده و آنها را زیاد کنیم و نگذاریم آن منابع از بین برود.^{۱۲۳}

یک مسئله هم مسئله‌ی محیط زیست است - که من حالا اینجا در خلال گزارشها شنیدم که به مسئله‌ی محیط زیست توجه میشود و میخواهم روی این مسئله تأکید کنم - یعنی یکی از

۱۲۲ پیام به مناسبت برگزاری همایش حقوق محیط زیست ایران ۱۳۸۲/۳/۲۰

۱۲۳ بیانات در دیدار وزیر و مسؤولان جهاد سازندگی در هفته منابع طبیعی 1377/12/14

شاخصهای اساسی‌ای که در ساخت موتورها و همهی دستگاه‌های صنعتی باید مورد توجه باشد، مسئله‌ی محیط زیست است. تخریب محیط زیست، از آن چیزهایی است که ضربه‌اش را یک ملت، یک منطقه‌ی جغرافیائی، گاهی همهی دنیا در وقتی احساس میکنند که دیگر قابل جبران نیست. مسئله‌ی محیط زیست، بسیار مسئله‌ی مهمی است. اسلام هم بر روی محیط زیست خیلی تکیه کرده است. حفظ محیط زیست، رعایت محیط زیست، این چیزی که امروز دنیا به آن دست یافته، از جمله‌ی چیزهایی است که جزو تعالیم اسلام است. این هم نکته‌ی بسیار مهمی است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد.^{۱۳۴}

رشد صنعتی حقیقی در حکومت مهدوی:

دوره‌ی ولی‌عصر ارواحناده، دوره‌ی آغاز زندگی بشر است؛ دوره‌ی پایان زندگی بشر نیست. از آن‌جا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده‌ی عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره‌ی خاکی و استعدادها و انرژیهای نهفته در این فضا، برای انسان - بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن - ممکن خواهد شد. درست است که امروز بشر از چیزی استفاده می‌کند، اما به یک چیز دیگر ضرر می‌زند. امروز نیروی اتم را کشف می‌کند، اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار می‌برد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج می‌کند، اما این نفت در راه تضييع و تخریب محیط زیست انسان به کار می‌رود؛ کمالین که در این صد سال اخیر این‌گونه بوده است. بشر نیروهای محرکه و انرژیهای پنهان و قوه‌ی بخار و سایر نیروها را کشف می‌کند، اما انسانها را به انواع و اقسام گرفتاریهای جسمانی از ناحیه‌ی این مشکلاتی که زندگی مادی برای انسانها به وجود می‌آورد، آلوده می‌کند. به بشر سرعت و سهولت داده می‌شود؛ اما خیلی چیزها از او گرفته می‌شود. از آن طرف هم تخریب ارزشهای اخلاقی است که امروز انسان دچار آنهاست؛ لیکن در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحناده قضیه این‌گونه نیست. بشر از خیرات عالم، از انرژیهای پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، استفاده‌ی بی‌ضرر و بی‌خسارت می‌کند؛ استفاده‌ای که مایه‌ی رشد و پیشرفت انسان است.^{۱۳۵}

نظام اسلامی، یک جامعه فقیر نمی‌خواهد. یک ملت فقیر و یک درآمد عمومی ناچیز نمی‌خواهد. از ثروتها استفاده می‌کند؛ علم را پیشرفت می‌دهد، منابع زیرزمینی را استخراج می‌کند، انسانها را به رشد عقلانی می‌رساند، تجارت می‌کند و صنعت راه می‌اندازد. تاریخ اسلام نشان داد که اسلام به برکت همین احکام نورانی، در یک دوره طولانی، صاحب علم و صنعت در کل جهان بوده است. اما جهت همه اینها، عدالت است. ثروت هست؛ اما باید عدالت در جامعه تضمین شود. برای عدالت، منتظر امام زمانیم. پیغمبران آمدند؛ همه هم برای اقامه قسط آمدند؛ «لیقوم الناس بالقسط» [۴] اینها حرفهای خیلی پرمعنایی است که قرآن به ما گفته است؛ نهج البلاغه به ما گفته است و در روایات ائمه هم هست.^{۱۳۶}

رشد صنعتی کشور:

ما در زمینه بخشی از پیچیده‌ترین صنایع - که یک روز صنعتگران این کشور حتی فکرش را نمی‌کردند - به خاطر مدیریتهای کارآمد، به حدّ مطلوب رسیدیم. بسیاری از بیگانگان، دشمنان و رقیبان حتی حاضر نیستند این واقعیت را باور کنند؛ ولی بالاخره باور می‌کنند؛ چون آثارش را در گوشه کنار می‌بینند. ما در بخشهای صنعت دفاعی از کجا به کجا رسیده‌ایم؟ در دوران جنگ، ما

۱۳۴ بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی 1389/01/09

۱۳۵ بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم 1379/12/24

۱۳۶ بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای «سید محمد خاتمی» 1376/5/12

در تولید ساده‌ترین مهمات این کشور مشکل داشتیم؛ اما امروز بخشی از ابزارهای بسیار پیچیده - که خیلی از کشورهایی که نسبت به ما سابقه بیشتری در صنعت دارند، از آن محرومند - به وسیله همین جوانان متعهد و مدیران دلسوز، در بخشهای دفاعی ما ساخته می‌شود. توانایی صنعتی، قابل انحصار نیست. اگر در جایی استعداد و ظرفیتی وجود دارد، به کل بخش صنعت قابل تعمیم است. در بخشهای تولیدی دیگر نیز همین‌طور است. ما دهها سد در این کشور ساختیم. بنده به یاد می‌آورم که اوایل انقلاب در یکی از سدها نشت آب وجود داشت. آن روز بعضی افراد جمع شدند و گفتند: همان مهندسهایی که این سد را ساخته‌اند، باید بگوییم از فلان کشور اروپایی بیایند و جلو نشت آب را از این سد بگیرند. اما همین جوانان و نیروهای مؤمن و متعهد و همین مدیران دلسوز ما در این چند سال، دهها سد ساخته‌اند. امروز بزرگترین سد منطقه را - که سد کرخه است - بچه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساخته‌اند. چهار، پنج سال قبل از این، هنگامی که سد کرخه را می‌ساختند، من رفتم از آن بازدید کردم؛ دیدم روی کوه روبه‌روی سد با خط درشت - که از چند کیلومتری خوانده می‌شد - این فرمایش امام را نوشته‌اند که «ما می‌توانیم». بله، ما می‌توانیم. هم در بخش بازرگانی و سایر بخشهای خدمات، هم در بخش صنعت و معدن و هم در بخش کشاورزی، باید مدیریت دلسوز و متعهد زمام کار را در دست گیرد. سیاستهای کلی اعلام‌شده در این بخشها هیچ ابهامی ندارد. من نمی‌دانم مسؤولان بخشهای گوناگون صنعت آیا این سیاستها را مورد توجه قرار داده‌اند و مطالعه می‌کنند یا نه؟ برنامه‌ها اگر طبق این سیاستها تدوین و با مدیریت اجرا شود، ما به طور محسوس شاهد گشایش کارها و راهها خواهیم بود.^{۱۲۷}

در این کشور، مهندس ما جرئت نمی‌کرد اسم ساختن نیروگاه برق را بیاورد؛ جرئت نمی‌کرد اسم ساختن سد را بر زبان جاری کند؛ جرئت نمی‌کرد اسم ساختن فرودگاه را بر زبان جاری کند. همه‌ی این کارها را باید خارجیها می‌کردند. مهندس ایرانی حداکثر این بود که در آن پروژه‌ای که یک مهندس خارجی یا یک شرکت خارجی قبول کرده بود، یک گوشه‌ای عضو بشود؛ اگر آنها قبول می‌کردند؛ بعضی جاها هم قبول نمی‌کردند. من پای همین سد کرخه، سه چهار سال پیش، مصاحبه کردم و مفصل شرح دادم؛ سد کارون ۳ را - نه سد کرخه را - با سد دز مقایسه کردم. سد دز زمان طاغوت ساخته شده، سد کارون ۳ زمان جمهوری اسلامی ساخته شده؛ شبیه هم هستند. دو تا سد بتونی با ظرفیتهای نزدیک به هم از لحاظ آب و از لحاظ برق. در ساخت سد دز چقدر به ایرانیها توهین کردند؛ چقدر تحقیر کردند و آبروریزی کردند برای مهندس ایرانی و سرمایه‌دار ایرانی و سرمایه‌گذار ایرانی؛ اما در ساخت این سد، خود جوان ایرانی، مهندس ایرانی، این کار پیچیده‌ی عظیم را که خیلی از آن سد دز از لحاظ کار فنی ساخت بتون و وصل بتون به بدنه‌ی کوه حساستر و مهمتر است - که تفصیلهایش را برای ما شرح دادند - انجام داد، نیروگاهش را خودش درست کرد، سدش را خودش درست کرد، جاده‌ی زیر آب را که از بین رفته بود و پل معلق هوایی طولانی را خودش درست کرد؛ با افتخار. عرقش در آمد، اما سرش به افتخار برافراشته شد. این، چیز کمی نیست. این را در همه چیز شما تعمیم بدهید. امروز مهندس ایرانی، تحصیلکرده‌ی ایرانی، دکتر ایرانی، ارتشی ایرانی، سپاهی ایرانی، به خود می‌بیند که بسازد، تولید کند، ایجاد کند، به کار بگیرد و برتر از دستهای دیگر، دستی را در عرصه ظاهر کند. آن روز حتی فکرش را هم نمی‌کردند که حالا مثالهایش الی ماشاءالله. این، کارآمدی این نظام است؛ این نظام این کار را کرد. کشاورزی نابود شده‌ی کشور را این نظام احیاء کرد، صنعت ساده‌ی ابتدائی کشور را این نظام به صنعت پیچیده‌ی حساس انرژی هسته‌ای رساند. این نظام الان در زمینه‌های صنایع نو - مثل همین که آقای رئیس‌جمهور گفتند؛ (نانوتکنولوژی) و صنایعی از این دست، که اینها از صنایع نوی دنیاست - تقریباً دوش به دوش صفوف اول دارد حرکت میکند و دارد کار میکند. اینها

پیشرفت در شرایط تحریم. یکی از نقاط مهم قوت کشور این است. در سخت‌ترین شرایط تحریم، کشور پیشرفت کرده. در چه چیزی پیشرفت کرده؟ یکی در مقوله‌ی علم و فناوری، که آقای رئیس‌جمهور در گزارششان به این مسئله اشاره کردند. ما در زمینه‌ی هسته‌ای پیشرفت کردیم، در زمینه‌ی فناوری زیستی پیشرفت کردیم، در فناوری نانو پیشرفت کردیم، در فناوری انرژی‌های نو پیشرفت کردیم، در صنایع هوافضا پیشرفت کردیم، در ساخت ابررایانه‌ها پیشرفت کردیم، در مسئله‌ی بسیار مهم سلولهای بنیادی پیشرفت کردیم، مسئله‌ی شبیه‌سازی همین جور، در رادیوداروها همین جور، در نانوداروهای ضد سرطان همین جور؛ اینها همه جزو دانشهای سطح بالای دنیاست. این چند موردی که من گفتم و بعضی از موارد دیگر، جزو دانشهای درجه‌ی یک سطح بالای دنیاست، که بعضی از اینها را پنج تا کشور، ده تا کشور در دنیا بیشتر ندارند؛ ما در اینها پیشرفت کردیم؛ این در حالی بود که درهای انتقال دانش از همه سوی دنیا روی ما بسته است. من مقاله‌ای را میخواندم که از یک روزنامه‌ی آمریکائی نقل کردند که همین دو سه روزه منتشر شده. میگوید ایران در مسئله‌ی هسته‌ای یک استثناء است. چین به مسئله‌ی هسته‌ای رسید، از کی گرفت؛ پاکستان رسید، از کی گرفت؛ هند رسید، از کی گرفت؛ ایران از کی گرفت؟ آن مقاله مینویسد: از هیچ کس. این در شرایطی بود که هم تحریم بود و امکانات پیشرفت هسته‌ای به او نمیدادند، و هم با او مبارزه میکردند؛ مثل همین ویروس رایانه‌ای که داخل تشکیلات ما فرستادند. دانشمندان ما، جوانهای ما در مقابل اینها ایستادند، پیش رفتند و نقشه‌ی دشمن را خنثی کردند. او حتی به ترور دانشمندان هسته‌ای ما اشاره میکند. اینها چیزهایی است که دشمنان ما دارند میگویند. این مقاله در روزنامه‌ی واشنگتن پست درج شده است. خب، این پیشرفت در علم و فناوری است. پیشرفت در ایجاد زیرساختهای کشور - همین آمارهایی که شنیدید - در جاده، بزرگراه، سد، سیلو، کارخانجات، تولید فرآورده‌های مهم صنعتی، فولاد، سیمان و امثال اینها. ایجاد زیرساختهای فراوان در کشور، توانمندی‌های فنی و مهندسی در صنایع گوناگون، پیشرفت است. ۱۳۹

یک نکته‌ی دیگر هم که مهم است، نشان دادن استعداد ذاتی کشور و ملت ماست؛ نه به بیگانگان، بلکه به خودمان. یکی از چیزهایی که ما را باید نسبت به موقعیتهای خودمان بشدت هوشیار کند، این است که در طول ده‌ها سال تبلیغات شده بود که ایرانی ناکارآمد است؛ باید از دیگران پیاموزد، باید از دیگران تقلید کند، باید به دامن دیگران متوسل و متشبث شود. در دوران جوانی و نوجوانی‌های ما این جزو چیزهای رایج بود. تا صحبت یک چیزی میشد، میگفتند اینجا که خب، نمیشود این چیزها را بسازند. میخواستند توی یک شهر بر روی یک خیابانی پل بسازند، باید مهندس خارجی می‌آمد؛ اگر میخواستند یک سد بسازند، باید چندین شرکت خارجی و مهندسین و متخصصین خارجی می‌آمدند؛ یکی دیواره‌ی سد را میساخت، یکی توربین را میساخت، یکی بقیه‌ی دستگاه‌ها را میساخت؛ اصلاً تصور نمیشد. حتی تا اوایل انقلاب، این فکر بود. من فراموش نمیکنم؛ بنا بود یک نیروگاه گازی را یک جایی بسازند - از قبل از انقلاب نیمه‌کاره مانده بود - به مسئولینش میگفتیم این کار را انجام بدهید؛ آمدند پیش من - من آن وقت رئیس‌جمهور بودم - گفتند آقا اصلاً امکان ندارد. آنها باورشان نمی‌آمد. خب، امروز مهندسین کشور ما، جوانان ما، پیشرفته‌ترین نیروگاه‌ها را در شکلهای مختلف، در انواع مختلف خودش دارند میسازند. ما امروز میتوانیم نیروگاه هسته‌ای بسازیم. این استعدادهای شناخته شده نبود. ۱۳۰

ما باید به جایگاه بخش صنعت در کشور توجه کنیم؛ چون - همان طور که اشاره کردند و درست هم هست - پیشقراول توسعه اقتصادی کشور، بخش صنعت است. بخش صنعت را باید با تدبیر، مدیریت و امکان دادن و میدان دادن به سرمایه‌های مردم - که بتوانند در بخش صنعت سرمایه‌گذاری کنند - پیش برد. ما این را در سیاستها هم آورده‌ایم. این اقدام باید به دور از هرگونه حرکت امتیازجویانه و امتیازخواهانه باشد؛ چه برای بخش دولتی و چه برای عناصری که از امتیاز استفاده می‌کنند.^{۱۳۱}

در گذشته، صنعتی هم که می‌آوردند، صنعت دروغینی بود؛ صنعت بود، اما آن صنعتی نبود که کشور را بی‌نیاز بکند. جاهای گوناگونی از تسلسل صنعتی - آن زنجیره‌ی لازمی که در یک کشور هست؛ از معدن و از مواد اولیه، تا محصول مورد استفاده در داخل خانه‌های مردم - منقطع بود؛ عمداً منقطع نگه می‌داشتند؛ برای این که همیشه به خارج احتیاج داشته باشند؛ اما امروز این طوری نیست؛ امروز دارند جدی کار می‌کنند.^{۱۳۲}

ضرورت استقلال صنعتی کشور:

در کشورهایی که از کاروان پیشرفته‌های علمی و صنعتی عقب مانده‌اند، دو طرز تفکر وجود دارد: یک طرز تفکر، غلط و مایه‌ی بدبختی ملت است؛ یک طرز تفکر، درست است. آن طرز تفکر غلط، همان تفکری است که در دوران حاکمیت عوامل امریکا بر این کشور حاکم بود؛ و آن این که علم و صنعت و تکنولوژی و امور فنی، باید به وسیله‌ی خارجیها، اروپاییها و غربیها آماده بشود و به صورت محصول در اختیار ما قرار بگیرد؛ ما باید پول و نفت بدهیم و از محصول کار آنها استفاده کنیم؛ این یک طرز تفکر بود. متأسفانه الان هم این طرز تفکر در بعضی از کشورهای استعمارزده وجود دارد؛ می‌گویند ما پول می‌دهیم، غربیها برای ما می‌سازند، به این‌جا می‌آورند و نصب می‌کنند؛ گاهی احمقانه تصور می‌کنند که این نوع اربابی نسبت به غربیهاست؛ که ما پولدار هستیم، آنها می‌آیند برای ما می‌سازند! امروز این طرز تفکر وجود دارد؛ در دوران گذشته هم در کشور ما وجود داشت. در دوران حاکمیت ستمشاهی، این فکر در قشر تعیین‌کننده و تصمیم‌گیر کشور بود؛ ما هم این حرف را حتی از زبان بعضی از عوامل آنها شنیده بودیم. البته این به معنای آن نیست که آنها به فکر نبودند که کارخانجاتی هم وارد کشور کنند؛ خیر، اما باز همان کارخانجات هم در اختیار بیگانه و با مدیریت بیگانه بود. در ایران کارخانه‌ی ذوب‌آهن آوردند؛ اما به دست بیگانه، با مدیریت بیگانه، حتی با ملکیت بیگانه! آن روزی که انقلاب پیروز شد، از کارخانجات حساس این کشور، جمع کثیری از بیگانه‌هایی که این‌جا بودند، رفتند؛ آن کسانی که کارشان این نبود که بیایند به مردم ایران علم و تکنولوژی بیاموزند؛ کارشان این بود که به عنوان یک صاحبکار بزرگ و به عنوان یک دانا بیایند، یک مشت آدمهای زیردست را از این کشور انتخاب کنند، تا هم سرمایه‌ی کشور را ببرند، و هم کلید صنایع کشور در دست خودشان باشد. لذا اگر شما به نقشه‌ی صنعتی کشور نگاه کنید، خواهید دید که غربیها و امریکاییها و بعضی از اروپاییها این نقشه را به نحوی ترتیب داده بودند که اگر از این مملکت رفتند و دروازه‌های این مملکت به روی آنها بسته شد، ایرانیها خودشان از پیشبرد و اداره‌ی صنعت عاجز بمانند؛ یعنی عمداً حلقه‌های مفقوده‌ی در سلسله‌ی صنعت این کشور به وجود آورده بودند، با قصد این که این ملت هیچ‌وقت نتواند روی پای خودش بایستد و کمر راست کند؛ می‌خواستند همیشه محتاج آنها باقی بمانند. این طرز تفکر، در دانشگاهها هم اثر می‌کند؛ علوم دانشگاهی هم بر اساس همین روش شکل می‌گیرد؛ مهندس ما هم مبتکر و سازنده و خلاق نمی‌شود. این کاری بود که آنها آن روز کردند، و مدتها نتایج سوء تدبیر آنها گریبانگیر کشور ما هم بوده، و شاید در آینده هم تا زمانهایی

باشد. یک طرز فکر، طرز فکر درست است، و آن این که ممکن است ما علم و فن و صنعت را از بیگانه‌یی که آن را دارد و ما نداریم، بگیریم؛ اما اداره‌ی آن کار را خودمان به دست خواهیم گرفت؛ خودمان صنعت را انتخاب خواهیم کرد؛ آنچه را که برای کشور لازم است، خودمان به وجود خواهیم آورد. انسان باید علم را از هر کس که دارد، یاد بگیرد؛ اما نه این که یاد بگیرد تا مزدور او باشد. غریبه‌ها برای ملت ایران و ملت‌های مسلمان دیگر، این را می‌خواستند. ما باید علم را یاد بگیریم، برای این که خودمان کشور را بسازیم. در میان ملت ما، استعداد و روح خلاقیت زیاد است. این همان ملتی است که تا چند قرن پیش، مشعلدار علم در دنیا بوده است. ما از لحاظ استعداد و توان علمی بالقوه، چیزی کم نداریم؛ چرا باید از کاروان علم و صنعت عقب بمانیم، تا آن جایی که کوچکترین چیزها را هم آنها برای ما درست کنند؟! در دوران ستمشاهی اجازه نمی‌دادند که مهندس ایرانی، آن هواپیمایی را که پولش را داده‌اند و از بیگانه‌ها خریده‌اند، تعمیر بکند و یا به آن نزدیک بشود، تا مبادا از اسرار آن آگاه گردد! این، بزرگترین ظلم به یک ملت است. امروز وضع خیلی عوض شده است. ملت ایران به برکت انقلاب، از لحاظ علم و صنعت و اتکای به استعداد و اداره‌ی زندگی صنعتی به دست خود، با قیل از انقلاب قابل مقایسه نیست. جوانان زیادی، چه در زمینه‌ی صنعت، چه در زمینه‌ی پزشکی، چه در زمینه‌ی علوم گوناگون، چه مرد و چه زن، به مراتب بالایی نایل شده‌اند و کارهای برجسته‌یی کرده‌اند. ملت ایران بعضی از آنها را می‌داند، بعضی را هم در آینده وقتی که کارها تمام بشود، خواهد دانست و اطلاع آن در اختیارش قرار داده خواهد شد. ملت پیشرفت کردند؛ اما باید همین روش اتکای به نفس ادامه پیدا کند. مبادا بخشهای گوناگون وسوسه بشوند که کارها را در بسته و سر بسته به خارجها واگذار کنند. یک ملت باید بداند که تنها خود اوست که می‌تواند نیازهای خودش را بفهمد و آن را برطرف کند. ما نمی‌گوییم از علم و اندوخته‌های صنعتی و علمی دیگران استفاده نشود؛ خیر، باید استفاده بشود؛ اما خود ما هم باید همت کنیم.^{۱۳۳}

در صنایع نظامی و هوایی - صناعی که ما در طول چند سال گذشته اطلاعاتی راجع به آنها پیدا کرده‌ایم - مهندسانی که امروز در این کشور می‌توانند هواپیما و پیچیده‌ترین قطعات را بسازند و ساخت معکوس کنند، در آن زمان وظیفه‌شان این بود که چک لیست هواپیما را بگیرند، بروند سرکشی کنند و ببینند بگویند این قطعه درست است یا درست نیست. اگر قطعه‌ای هم معیوب بود، آن را دریاورند، تحویل مهندس بیگانه بدهند تا او آن را به خرج ما سوار هواپیما کند و به آمریکا ببرد و در آن جا آن را تعمیر یا تعویض کنند و برگردانند؛ بیش از این اجازه داده نمی‌شد. این مهندس و این آدم خوشفکر و با استعداد و قابل جهش، یا این وضع را تحمل می‌کرد - که بیشتر این گونه بودند؛ با همین وضع زندگی می‌کردند - یا اگر روح ماجراجویی داشت، از این کشور خارج می‌شد و می‌رفت در خدمت دیگران قرار می‌گرفت، یا اصلاً نمی‌آمد؛ که از این قبیل هم تعداد زیادی داشتیم. بعد از انقلاب، بنده با برخی از اینها برخورد و دیدار و آشنایی هم داشته‌ام.^{۱۳۴}

آنها هر کاری توانسته بودند، با این ملت کردند. نتیجه این شد که در مقابل امام، کشوری وجود داشت که از لحاظ سیاسی وابسته و تابع بود. هر کاری که دولت آمریکا در آن برهه اراده می‌کرد، در ایران انجام می‌گرفت. هر کاری می‌خواستند، می‌توانستند بکنند؛ در زمینه اقتصادی، در زمینه نفت، در زمینه انتصابات، در زمینه دولتها - فلان دولت برود، فلان دولت بیاید - در زمینه ارتباطات بین‌المللی، در زمینه عادات و رفتاری که بر مردم تحمیل می‌شد، در زمینه دانشگاهها. بنابراین، هر کار می‌خواستند در ایران بکنند، می‌توانستند. ما کاملاً تابع و وابسته شده بودیم. از لحاظ اقتصادی، کاملاً مصرف کننده و فقیر بودیم؛ همه چیز را باید وارد می‌کردیم. من یک وقت

گفتم، اما بعضیها باور نمی‌کردند؛ اما باور کنید که در کشور ما «دسته بیل» وارد می‌کردند؛ سوزن خیاطی وارد می‌کردند؛ انواع و اقسام خوراکیها وارد می‌کردند؛ انواع و اقسام محصولات صنعتی وارد می‌کردند! همه چیز مصرفی بود؛ یعنی این ملت، این استعدادها، این مغزها و این جوانان، قدرت یا فرصت این را نداشتند که بخشی از نیازهای خودشان را خودشان تولید کنند، که بتوانند بگویند ما به خارج احتیاجی نداریم. اگر صنعتی را هم در داخل کشور می‌آوردند - مثل صنعت اتومبیل‌سازی، یا ذوب آهن و امثال اینها، که به شکل بسیار ناقصی وارد کشور شده بود - سر تا پای آن صنعت، وابستگی بود. وسایل پیشرفته و مدرنی هم که می‌فروختند - مثل هواپیماهای جنگی - اجازه تعمیرش را حتی به داخل نمی‌دادند؛ تعمیرش هم باید در خارج انجام می‌گرفت! از لحاظ اقتصادی، صددرصد وابسته و مصرف کننده؛ از لحاظ علمی، تقریباً صفر؛ این ملت هیچ حرف تازه‌یی در بازار علم و دانش نوری جهانی نداشت. در دانشگاهها - که البته از لحاظ کمیت هم بسیار کم بودند؛ که در آخرین سالهای رژیم پهلوی، در حدود یک دهم وضع فعلی، دانشجو در کشور بود - اگر درسی در کلاسی گفته می‌شد - در هر زمینه‌ای؛ چه علوم انسانی، چه علوم فنی و صنعتی، چه علوم طبیعی - همان حرفهای دیگران بود؛ چیز نویی از لحاظ علمی وجود نداشت! از لحاظ ثروت ملی، غارتزده بودیم؛ نفت را می‌بردند، معادن را می‌بردند، همه چیز را می‌بردند؛ با هر قیمتی که خودشان می‌خواستند! از لحاظ اجتماعی و وضعیت فقیر و غنی، کشور به شدت مفلوک بود. هزاران، بلکه دهها هزار روستا در این کشور بود که برق و آب تصفیه شده و امثال اینها را نه دیده بودند، نه امیدش را داشتند! فقط به تهران و چند شهر بزرگ می‌رسیدند؛ آن هم به آن شکلی که همان روز تهران یکی از کثیف‌ترین و زشت‌ترین پایتختهای دنیا محسوب می‌شد! فقط به خودشان می‌رسیدند؛ هر جا خودشان جا پایی داشتند، آن جا فرودگاه هم بود، وسایل راحتی هم بود؛ اما آن جایی که مربوط به خودشان نبود، به کلی رها شده بود! شکاف طبقاتی در اعلی درجه خود بود.^{۱۳۵}

نظر امام خامنه ای درباره ی نفت:

گرچه امام خامنه ای نظر خود را درباره علت علاقه شان به بسته شدن درب چاه های نفت، رهایی اقتصاد کشور از وابستگی به نفت اعلام فرموده اند اما ایشان در بخش دیگری از بیانات خود به ضررات زیست محیطی نفت نیز اشاره فرموده اند و چه بسا این تخریب محیط زیست نیز در نظر ایشان مبنی بر بسته شدن درب چاه های نفت بی تأثیر نبوده باشد:

امروز بشر از چیزی استفاده می‌کند، اما به یک چیز دیگر ضرر می‌زند. امروز نیروی اتم را کشف می‌کند، اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار می‌برد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج می‌کند، اما این نفت در راه تزیین و تخریب محیط زیست انسان به کار می‌رود؛ کمالین که در این صد سال اخیر این‌گونه بوده است.^{۱۳۶}

آرزوی بسته شدن درب چاههای نفت:

آرزوی واقعی من - که البته ممکن است به این زودیها قابل تحقق نباشد - این است که ما در چاههای نفت را ببندیم و اقتصاد خود را براساس کالاها و محصولات غیر نفتی بنیاد نهیم. یعنی فرض کنیم این کشور، کالایی به نام نفت ندارد. البته این کار ممکن است در این سالها و به این زودیها عملی نباشد. زیرا دشمنان ایران در دوران رژیم وابسته و فاسد پهلوی، بیش از حد تصور خرابکاری کرده‌اند و چنان ملت و کشور ما را به نفت وابسته نموده‌اند که نشود به این آسانی چنین کاری را کرد. اما روزی باید این کار بشود و آن روز،

۱۳۵ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۸/۷/۹

۱۳۶ بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم 1379/12/24

روزی است که ملت ایران بدون این که سرمایه‌های خود را مفت و مجانی به دست کسانی بدهد که با کمال خباثت از ثروت ملی کشورها استفاده می‌کنند، با تکیه بر امکانات ذاتی، روی پای خودش بایستد. متأسفانه امروز این کار امکانپذیر نیست. امروز به خاطر خیانت بعضی از کشورهای تولید کننده نفت و همدستی‌شان با دزدان غارتگر بین‌المللی، به جای این که نفت، وسیله‌ای در دست کشورهای تولید کننده آن برای کسب سود یا استفاده سیاسی و اقتصادی باشد، به عکس به عنوان وسیله‌ای در دست مصرف کنندگان قرار دارد! درست مثل جنسی است که توی سرش خورده باشد! در حالی که نفت، جنسی است که اگر امروز آن را به دنیا ندهند همه جا فاقد نور و حرارت و حرکت و صنعت خواهد شد. تمدن صنعتی امروز، پایه‌اش بر ماشین استوار است. اگر نفت نباشد، این ماشین از حرکت خواهد ایستاد. اهمیت نفت ما تا این اندازه است. البته نفت ما که می‌گوییم، منظور نفت کل این منطقه و دیگر مناطق نفت خیز دنیاست. این منطقه بخش عمده‌ای از نفت جهان را داراست. یعنی همان دولتهایی که دستشان با دزدان غارتگر بین‌المللی یکی است، متأسفانه بخش عمده‌ای از نفت را صاحبند. امروز جنس به این ارزشمندی به منزله ابزاری در دست مصرف کنندگانی است که شدیداً به آن احتیاج دارند. آنها چنین سیاستی را از دهها سال پیش تا به امروز، طرأحی و اجرا کرده‌اند و متأسفانه همواره عده‌ای از سیاستمداران خائن کشورهای وابسته نیز، با آنها همکاری می‌کنند. در چنین وضعیتی اگر ملت ایران - اعم از کارگر ایرانی، جوان ایرانی، تولید کننده ایرانی و معلم ایرانی - با همه تلاش و غیرت خود وارد عمل شود و این کشور را به گونه‌ای بسازد که به خاطر صادرات و واردات و نیازهای مصرفی، محتاج فروش نفت خود، آن هم با این قیمت پایین نباشد، ببینید چه خدمت بزرگی به امروز و آینده این کشور خواهد بود!^{۱۳۷}

بنده از چند سال قبل - دو، سه سال قبل - شعار تکیه بر «اقتصاد منهای نفت» را با مسؤولین کشور در میان گذاشتم؛ آنها هم انصافاً استقبال کردند. البته کار آسانی نیست. این کار در طول یک سال و دو سال و پنج سال، انجام نمی‌گیرد؛ باید به مرور و بتدریج انجام گیرد، که ما برای اداره امور کشور، برای کارهای گوناگون کشور، برای واردات و خدمات کشور، برای آموزش و پرورش و بودجه جاری کشور، مجبور نباشیم نفت را که ذخیره ماست، بفروشیم و گندم، یا شیر خشک وارد کنیم! این غلط است. چند سال است که این مطلب را به مسؤولین گفته‌ایم؛ مسؤولین هم - چه در دولت قبل، و چه در دولت فعلی - جداً این قضیه را دنبال کردند و می‌کنند که شاید بتوانند؛ اما کار دشوار است. این خشت کجی است که در زمان رژیم پهلوی گذاشته شده است. آن جوانانی که نمی‌دانند رژیم گذشته با این کشور چه کرده است، بدانند یکی از دهها کار خیانت آمیزی که کردند، این است! اقتصاد این کشور را متکی به نفت کردند که به آسانی هم نمی‌شود آن را تغییر داد و دگرگون کرد! این ملت اگر بتواند، باید با صادرات گوناگون - صادرات میوه، صادرات معادن گوناگونی که در این کشور هست، تولیدات صنعتی، کشاورزی و خدمات - این کشور را اداره کند. نفت، ذخیره همیشگی این ملت است و می‌ماند. اولاً از آن برای ساخت زیربنای ماندگار و دیگر سرمایه‌های اساسی کشور استفاده می‌شود. ثانیاً به وسیله قدرت نفت، ملت ایران می‌تواند در صحنه سیاست بین‌المللی، ابراز قدرت کند. یک وقت اعلان کند که من می‌خواهم نفتم را شش ماه نفروشم! همه دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ همه سیاستها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یا بگویند می‌خواهم این قدر کم کنم، یا این قدر زیاد کنم! این در طول زمان انجام می‌گیرد.^{۱۳۸}

من دو، سه سال قبل از این گفتم که آرزو می‌کنم یک روزی در چاههای نفتمان را ببندیم و به دنیا اعلام کنیم که می‌خواهیم یک مدت نفت نفروشیم. البته این آرزوی دوردستی است؛ دسترسی

۱۳۷ بیانات در دیدار کارگران و معلمان، در «روز کارگر» و «هفته معلم» 1373/2/13

۱۳۸ بیانات در صحن مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا (ع) ۱۳۷۷/۱/۱

به آن بسیار مشکل است و آسان هم نیست. خدا لعنت کسانی را که از اوّل پیدا شدن چاههای نفت در این کشور - بخصوص آن وقتی که قیمت نفت مقداری گران شد - اساس و بنای کار را در این کشور بر روی درآمد نفت گذاشتند، که بعد از انقلاب هم به خاطر گرفتاریهای متعدّد، همان وضع کم و بیش ادامه پیدا کرد.^{۱۳۹}

ما باید بتوانیم خودمان را از درآمد نفت واقعاً بی نیاز کنیم. یکی از بزرگترین بلیات اقتصاد ما، و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است. من چند سال قبل از این گفتم - البته آن وقت مسئولین دولتی از این حرف هیچ استقبال نکردند - ما باید به جایی برسیم که اگر یک روزی به خاطر قضایای سیاسی، اقتضائات سیاسی، یا اقتضائات اقتصادی در دنیا، اراده کردیم که صادرات خودمان را مثلاً برای مدت پانزده روز یا یک ماه متوقف کنیم، شما ببینید این کار چه قدرت عظیمی را برای یک کشور تولید کننده نفت به وجود می آورد که یک وقت اگر اراده کرد، بگوید آقا من از امروز تا بیست روز نفت صادر نمیکنم. ببینید چه حادثه‌ای در دنیا به وجود می آید. امروز ما نمیتوانیم این کار را بکنیم، چون به این درآمد احتیاج داریم. اگر یک روزی اقتصاد کشور از درآمد نفت و صادرات نفت بریده شود، این توان را ملت ایران و نظام اسلامی در ایران به دست خواهد آورد؛ که تأثیرگذاری اش در دنیا فوق العاده است. ما باید به اینجا برسیم. خب، این حمایت میخواهد؛ باید از صادرات حمایت بشود.^{۱۴۰}

البته من یک نگرانی مختصری دارم - که مربوط به امروز هم نیست؛ سالهاست که این نگرانی را دارم - و آن این است که باید اقتصاد و ملت ایران از نفت جدا شود. این مسأله را اخیراً به دولت خدمتگزار ابلاغ کرده‌ایم که برایش برنامه‌ریزی کند و در حال برنامه‌ریزی است و کارهایی هم انجام داده است. ما باید کاری کنیم که ملت و دولت ایران، وابسته به نفت خود نباشند. چون متأسفانه، امروز در دنیا نفت به سیاستهای بین‌المللی، کمپانیها و غارتگران بزرگ و جهانخواران و مستکبران وابسته است. در حقیقت، نفت در مشت آنهاست. هر گاه بخواهند، قیمتش را پایین می آورند، تولید را کم یا زیاد دور می کنند، یکی را از دور خارج یا وارد دور می کنند! نفت مال ماست؛ اما سیاستش در دست دیگران است! چنین سرمایه‌ای مایه دردسر است. البته دولت ما امروز حداکثر استفاده را از نفت می کند و باید هم بکند. اما باید کاری کند که بتواند روزی به دنیا اعلام نماید که از امروز تا شش ماه دیگر، تا یک سال یا چهل روز دیگر، می خواهیم در چاههای نفت را ببندیم. می خواهیم یک قطره نفت صادر نکنیم. دولت باید بتواند تصمیم بگیرد. باید به نفت احتیاج نداشته باشد.^{۱۴۱}

نظر امام خامنه ای درباره ی فناوری هسته ای:

یکی از مهمترین فناوری هایی که امام خامنه ای بیشترین بیانات را درباره ی این فناوری و حتی جزئیات آن داشته‌اند فناوری هسته ای است.

حرام بودن بمب اتمی:

همین چند روز قبل از این، رئیس جمهور آمریکا نطق میکند و درباره‌ی مسائل هسته‌ای ایران جوری حرف میزند که انگار اختلاف بین ایران و آمریکا این است که ایران میخواهد سلاح هسته‌ای درست کند. میگوید ما تا جایی که بتوانیم، نمیگذاریم ایران سلاح هسته‌ای درست کند! خب، اگر ما میخواستیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، شما چطور میتوانستید نگذارید؟ اگر ایران

۱۳۹ تکمیل شود ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

۱۴۰ بیانات در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

۱۴۱ بیانات معظم له در جمع مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ۱۳۷۵/۰۱/۰۴

اراده میکرد که سلاح هسته‌ای داشته باشد، آمریکا به هیچ وجه نمیتوانست جلوی او را بگیرد. ما نمیخواهیم سلاح هسته‌ای درست کنیم؛ نه به خاطر اینکه آمریکا از این ناراحت میشود؛ عقیده‌ی خود ما این است. ما اعتقاد داریم که سلاح هسته‌ای جنایت بر بشریت است و نباید تولید شود؛ آنچه هم که در دنیا هست، باید محو شود و از بین برود؛ این عقیده‌ی ماست، به شما ربطی ندارد. اگر ما این عقیده را نداشتیم و تصمیم می‌گرفتیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، هیچ قدرتی نمیتوانست جلوی ما را بگیرد؛ همچنان که در جاهای دیگر هم نتوانستند بگیرند؛ در هند نتوانستند، در پاکستان نتوانستند، در کره‌ی شمالی نتوانستند. آمریکائی‌ها مخالف هم بودند، اما آنها هم سلاح هسته‌ای درست کردند. اینکه می‌گویند - ما نمی‌گذاریم ایران سلاح هسته‌ای درست کند - یک تقلب در حرف زدن است. مگر بحث سر سلاح هسته‌ای است؟ در قضیه‌ی هسته‌ای ایران، بحث بر سر سلاح هسته‌ای نیست؛ بحث سر این است که شما میخواهید جلوی حق قطعی و مسلم ملت ایران را - که غنی‌سازی هسته‌ای و استفاده‌ی صلح‌آمیز از توان داخلی خود ملت ایران است - بگیرید. البته این را هم نمیتوانید و ملت ایران آنچه را که حق خودش است، انجام خواهد داد. ۱۴۲

اتم‌شناسی و علوم هسته‌ای یکی از بزرگترین دستاوردهای بشری است که می‌تواند و باید در خدمت رفاه ملت‌های جهان و رشد و توسعه‌ی همه‌ی جوامع انسانی باشد. گستره‌ی کاربرد علوم هسته‌ای طیف وسیعی از نیازهای پزشکی، انرژی و صنعتی را پوشش می‌دهد که هر یک از اهمیت شایسته‌ای برخوردار است. به این دلیل می‌توان گفت که فناوری هسته‌ای جایگاه برجسته‌ای در حیات اقتصادی را به خود اختصاص داده است و با گذر زمان و افزایش نیازهای صنعتی، پزشکی و انرژی به طور فزاینده‌ای اهمیت آن بیشتر خواهد شد و به همین میزان، تلاش برای دستیابی به انرژی هسته‌ای و بهره‌گیری از آن نیز افزایش می‌یابد. ملت‌های خاورمیانه که مانند دیگر ملت‌های جهان تشنه‌ی صلح و امنیت و پیشرفت اند حق دارند که با بهره‌گیری از این فناوری جایگاه اقتصادی و موقعیت برتر نسل‌های آتی خود را تضمین کنند. شاید یکی از اهداف غبارآلود کردن فضا در مورد برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران این است که مانع از توجه جدی ملت‌های منطقه به این حق طبیعی و ارزشمند خود شوند. طرفه آنکه، تنها مجرم اتمی جهان اینک به دروغ خود را مدعی مبارزه با گسترش سلاح اتمی معرفی می‌کند در حالیکه یقیناً هیچ اقدام جدی در این مسیر صورت نداده است و هرگز صورت نخواهد داد. اگر ادعای مبارزه با گسترش سلاح هسته‌ای آمریکا دروغ نبود، آیا رژیم صهیونیستی می‌توانست ضمن خودداری از پذیرش مقررات بین‌المللی در این زمینه به ویژه ان. پی. تی، سرزمین اشغال‌شده‌ی فلسطین را به زرادخانه‌ی مبدل سازد که انبوهی از سلاح‌های هسته‌ای در آن ذخیره شده است؟ نام اتم به همان میزان که بیانگر پیشرفت دانش بشری است، متأسفانه یادآور زشت‌ترین واقعه‌ی تاریخ و بزرگترین نسل‌کشی و سوء استفاده از دستاورد علمی انسان نیز است. هر چند که کشورهای متعددی اقدام به تولید و انباشت سلاح هسته‌ای کرده‌اند که فی‌نفسه می‌تواند مقدمه‌ی ارتکاب جرم تلقی شده و صلح جهانی را شدیداً در معرض تهدید قرار داده است، اما فقط یک دولت مرتکب جرم اتمی شده است. تنها دولت ایالات متحده آمریکا است، که ملت مظلوم ژاپن در هیروشیما و ناکازاکی را در جنگی نابرابر و غیر انسانی مورد هجوم اتمی قرار داد. از زمانی که انفجار نخستین جنگ افزارهای هسته‌ای توسط دولت ایالات متحده در هیروشیما و ناکازاکی فاجعه‌ای انسانی با ابعاد بی‌سابقه در تاریخ آفرید و امنیت بشری را با تهدیدی عظیم مواجه ساخت، ضرورت نابودی کامل این سلاح‌ها مورد اجماع قاطع جامعه جهانی قرار داشته است. استفاده از سلاح هسته‌ای نه تنها به کشتار و تخریب گسترده منجر شد، بلکه میان آحاد ملت، نظامی و غیر نظامی، کوچک و بزرگ، زن و مرد و کهنسال و خردسال تمایزی قائل نشد و آثار ضد بشری آن مرزهای سیاسی و جغرافیایی را در نوردید، و حتی به نسل‌های بعدی نیز

خسارتهای جبران ناپذیر وارد نمود و لذا هرگونه استفاده و حتی تهدید به استفاده از این سلاح، نقض جدی مسلم ترین قواعد بشر دوستانه و مصداق بارز جنایت جنگی قلمداد می گردد. به لحاظ نظامی و امنیتی نیز به دنبال دست یابی چند قدرت به این سلاح ضد بشری، تردیدی باقی نماند که پیروزی در جنگ هسته ای ناممکن و درگیری در چنین جنگی غیر عقلانی و ضد انسانی است. ولی برغم این بدیهیات اخلاقی، عقلانی، انسانی و حتی نظامی، خواست مؤکد و مکرر جامعه جهانی برای نابودی این سلاح ها توسط گروه انگشت شماری از دولت ها، که امنیت خیالی خود را بر ناامنی همگانی بنا کرده اند، نادیده گرفته شده است. اصرار این دولت ها بر نگهداری، افزایش و گسترش توان تخریبی این سلاح ها، که هیچ کاربردی جز ارباب و ترور دسته جمعی و ایجاد امنیت کاذب، مبتنی بر بازدارندگی ناشی از نابودی تضمین شده همگانی نداشته و ندارد، استمرار کابوس هسته ای جهان، را به دنبال داشته است. منابع خارج از شمار اقتصادی و انسانی در رقابت غیر عقلانی هزینه شده اند تا هر یک از ابرقدرت ها توان خیالی پیدا کنند که بیش از ده هزار بار رقیبان خود و سایر ساکنان کره خاکی منجمله خودشان را نابود کنند. بی دلیل نیست که این راهبرد، بازدارندگی مبتنی بر، نابودی تضمین شده متقابل، یا دیوانگی نام گرفته است. برخی از دولت های هسته ای در سال های اخیر از نظریه ی بازدارندگی در مقابل سایر قدرت های هسته ای بر مبنای، نابودی تضمین شده متقابل هم، فراتر رفته اند تا جایی که در راهبرد هسته ای این دولت ها بر حفظ، انتخاب هسته ای در برابر تهدیدات متعارف از سوی، ناقضین معاهده عدم اشاعه، تأکید شده است، در حالیکه بزرگترین ناقضین معاهده عدم اشاعه، قدرت هایی هستند که، علاوه بر نقض تعهد خود در ماده ۶ معاهده برای خلع سلاح هسته ای، حتی در اشاعه عمودی و افقی این سلاح ها گوی سبقت را از دیگران ربوده و منجمله با کمک به تسلیح رژیم صهیونیستی به سلاح های هسته ای و حمایت از سیاست های آن رژیم، در اشاعه ی واقعی این سلاح ها نقش مستقیم و معایر تعهدات خود بر مبنای ماده ۱ معاهده ایفا کرده و منطقه خاورمیانه و جهان را با تهدیدی جدی روبرو کرده اند و در رأس این دولت ها، رژیم زورگو و متجاوز ایالات متحده آمریکا است. جا دارد که کنفرانس بین المللی خلع سلاح، ضمن بررسی خطرهای تولید و انباشت سلاح هسته ای در جهان، بطور واقع بینانه راهکارهایی را برای مقابله با این تهدید علیه بشریت ارائه کند تا بتوان گامی جدی در مسیر پاسداری از صلح و ثبات جهانی به پیش نهاد. به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته ای، دیگر انواع سلاح های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملتها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح ها را حس می کند و آماده است همه ی امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما **کاربرد این سلاحها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه ی همگان میدانیم.**^{۱۴۳}

امروز با تأسف فراوان دیده میشود که کشورهای دارنده ی بیشترین تسلیحات هسته ای، اراده ای جدی و واقعی برای حذف این ابزارهای مرگبار از دکتترین نظامی خود ندارند و آن را همچنان عامل رفع تهدید و شاخصی مهم در تعریف جایگاه سیاسی و بین المللی خود میدانند. این تصور، به کلی مردود و مطرود است. سلاح هسته ای نه تأمین کننده ی امنیت و نه مایه ی تحکیم قدرت سیاسی است، بلکه تهدیدی برای این هر دو است. حوادث دهه ی ۹۰ قرن بیستم نشان داد که داشتن این تسلیحات نمیتواند رژیمی همانند شوروی سابق را هم حفظ کند. امروز نیز شورهای را میشناسیم که با داشتن بمب اتم، در معرض امواج ناامنی های مهلکند. جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته ای و شیمیایی و نظائر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی میدانند. ما شعار

(خاورمیانه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای) را مطرح کرده‌ایم و به آن پایبندیم. این به معنی چشم‌پوشی از حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تولید سوخت هسته‌ای نیست. استفاده‌ی صلح‌آمیز از این انرژی، بر اساس قوانین بین‌المللی، حق همه‌ی کشورها است. همه باید بتوانند از این انرژی سالم در مصارف گوناگون حیاتی کشور و ملتشان استفاده کنند و در اعمال این حق، وابسته به دیگران نباشند. چند کشور غربی که خود دارنده‌ی سلاح هسته‌ای و مرتکب این کار غیرقانونی‌اند، مایلند توان تولید سوخت هسته‌ای را نیز در انحصار خود نگه دارند. حرکتی مرموز در حال شکل‌گیری است تا انحصار تولید و فروش سوخت هسته‌ای را در مراکز با نام بین‌المللی ولی در واقع در پنجه‌ی چند کشور معدود غربی، تثبیت و دائمی کنند. طنز تلخ روزگار ما آن است که دولت آمریکا که دارنده‌ی بیشترین و مرگبارترین سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی و تنها مرتکب به کارگیری آن است، امروز میخواهد پرچم مخالفت با اشاعه‌ی هسته‌ای را به دوش بگیرد! آنها و شرکای غربی‌شان رژیم صهیونیستی غاصب را به سلاح‌های هسته‌ای مجهز کرده و برای این منطقه‌ی حساس، تهدیدی بزرگ فراهم کرده‌اند؛ اما همین مجموعه‌ی فریبگر، استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را برای کشورهای مستقل برنمی‌تابند و حتی با تولید سوخت هسته‌ای برای رادبوداروها و دیگر مصارف صلح‌آمیز انسانی، با هرچه در توان دارند، ستیزه‌گری میکنند. بهانه‌ی دروغین آنان، بیم از تولید سلاح هسته‌ای است. در مورد جمهوری اسلامی ایران، آنان خود میدانند که دروغ می‌گویند؛ اما سیاست‌ورزی، آنگاه که کمترین اثری از معنویت در آن نباشد، دروغ را هم مجاز می‌شمرد. آیا آن که در قرن بیست‌ویکم زبان به تهدید اتمی می‌گشاید و شرم نمیکند، از دروغ‌گوئی پرهیز و شرم خواهد کرد؟! امن تأکید میکنم که جمهوری اسلامی هرگز در پی تسلیحات هسته‌ای نیست، و نیز هرگز از حق ملت خود در استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای چشم‌پوشی نخواهد کرد. شعار ما (انرژی هسته‌ای برای همه، و سلاح هسته‌ای برای هیچکس) است. ما بر این هر دو سخن پای خواهیم فشرد و میدانیم که شکستن انحصار چند کشور غربی در تولید انرژی هسته‌ای در چهارچوب معاهده‌ی عدم اشاعه، به سود همه‌ی کشورهای مستقل و از جمله کشورهای عضو جنبش عدم تعهد است.^{۱۴۴}

جنگالی که راه می‌اندازند، با هدف این است که ما را متوقف کنند. میدانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ این را فهمیده‌اند، دانسته‌اند. من شک ندارم که دستگاه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در این کشورهایی که جلوی ما ایستاده‌اند، اطلاع دارند و میدانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. واقعاً سلاح هسته‌ای به صرفه‌ی ما نیست؛ علاوه بر اینکه از لحاظ فکری و نظری و فقهی، ما این کار را خلاف میدانیم و این حرکت را حرکت خلافی میدانیم. ما استفاده‌ی از این تسلیحات را گناه بزرگ میدانیم و نگهداشتنش را یک کار بی‌په‌وده‌ی پرخطر برخطر میدانیم و هرگز دنبالش هم نمی‌رویم. آنها هم این را میدانند، اما روی این نقطه فشار می‌آورند برای اینکه این حرکت را متوقف کنند. ما میخواهیم به دنیا اثبات کنیم که داشتن سلاح هسته‌ای، قدرت‌آفرین نیست؛ به دلیل اینکه قدرتهائی که سلاح هسته‌ای دارند، امروز دارای سخت‌ترین مشکلاتند. آنها با تهدید هسته‌ای بر دنیا مسلط شدند، اما امروز این تهدید دیگر کاربرد ندارد. ما میخواهیم بگوئیم ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و اقتدار را در سلاح هسته‌ای نمیدانیم و اقتدار متکی به سلاح هسته‌ای را هم نمیتوانیم بشکنیم. ان شاء الله این ملت این کار را خواهد کرد.^{۱۴۵}

مطلب آخری که عرض می‌کنم، مسأله‌ی هسته‌ای است. قبل از آن که من دو سه جمله درباره‌ی مسأله‌ی هسته‌ای توضیح بدهم، خدعه‌ی تبلیغاتی غربی‌ها، بخصوص امریکایی‌ها را درست تبیین کنم. در واقع دو خدعه‌ی تبلیغاتی داشتند، که اولین خدعه‌ی آنها این بوده که در تبلیغاتشان وقتی می‌خواهند راجع به مسأله‌ی هسته‌ای اظهار نظر کنند، می‌گویند ما با سلاح هسته‌ای در ایران

مخالفیم و سلاح هسته‌ای یک خطر بزرگ است. کأنه ایران دنبال سلاح هسته‌ای است و این حضرات هم با سلاح هسته‌ای مخالفند! اول امریکایی‌ها این را گفتند و انسان متأسفانه می‌بیند که بعضی از اروپایی‌ها هم همین حرف را تکرار می‌کنند. این یک خدعه است، خودشان هم می‌دانند که خدعه است. این حرف برای فریب دادن افکار عمومی خودشان است. اصلاً بحث سلاح هسته‌ای در ایران نیست. مسؤولان ما گفته‌اند، آحاد ملت ما هم همه قبول کرده‌اند؛ دولت‌ها گفته‌اند، بنده هم مکرر گفته‌ام که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. اورانیومی که در ایران در این چرخه‌ی سوخت غنی می‌شود، بین ۳ تا ۴ درصد خواهد شد. برای بمب اتمی و سلاح هسته‌ای نودوچند درصد باید غنی‌سازی شود؛ فاصله اینقدر است. ما می‌خواهیم اورانیومی را که مال خود ماست، معدن خود ماست، با تجهیزاتی که متعلق به خود ماست، از کسی آن را وام نگرفته‌ایم، رهین منت کسی نیستیم و بچه‌ها و جوانهای خودمان آن را به کار انداخته‌اند، در این تشکیلات، غنی‌سازی ۳ تا ۴ درصد بکنیم تا بتوانیم سوخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر را - که فعلاً یکی نیمه تمامش را داریم - برسانیم. اصلاً بحث سر سوخت آن است. ما می‌خواهیم سوخت نیروگاه هسته‌ای مان را خودمان تولید کنیم. آنها می‌گویند خودتان تولید نکنید. برایتان نیروگاه بسازند، اما بیایید سوختش را از ما بخرید! یعنی چه؟ یعنی وابسته بمانید. ملت ایران باید به قدرتهای تولید کننده‌ی سوخت هسته‌ای وابسته بماند تا اگر آنها یک وقت خواستند سوخت ندهند، شرطی بگذارند و دولت و ملت ایران ناچار باشند دستشان را بالا ببرند و بگویند چاره‌ی نداریم؛ سوخت ما - که برق و امکانات ما وابسته‌ی به آن است - باید از آن طرف بیاید؛ و آلا نیروگاه ما خواهد خوابید. ملت ایران باید وابسته بماند؛ آنها این را می‌خواهند. برای ما مسأله‌ی هسته‌ای، مسأله‌ی علمی و اقتصادی است. در مسأله‌ی هسته‌ی هسته‌ای، راهی را که تا الان آمده‌ایم و بحمدالله به طور کامل هم موفق بوده‌ایم، اگر بتوانیم در آن پیش برویم و به آخر برسانیم، این یک پیشرفت علمی برای کشور است.^{۱۴۶}

تلاش دشمن برای نرسیدن ملت ایران به فناوری هسته‌ای:

ملاحظه کردید که درباره نیروگاه اتمی و تشکیل کوره اتمی، چه جنجالی در دنیا به وجود آوردند و گفتند که ایران می‌خواهد بمب اتم درست کند! می‌دانند که این طور نیست. آنها می‌خواهند صنعت اتمی، وارد کشور نشود. می‌خواهند روشهای نوین و فناوری جدید، به این ملت نرسد؛ زیرا اگر این ملت، با این استعدادی که دارد، دستش به دانش و فناوری جدید رسید، دیگر به هیچ وجه نمی‌توانند با او مقابله کنند. این، جزو همان روشهاست.^{۱۴۷}

شما می‌بینید دشمنان دنیای اسلام چه فشاری بر روی مسأله انرژی هسته‌ای در ایران دارند. آنها می‌دانند که ما دنبال بمب اتم نیستیم. آنها از پیشرفت علم در این کشور، از پیشرفت فناوری در یک کشور اسلامی ناراحتند. یک کشور اسلامی‌ای که نشان داده که تسلیم سیاستهای امریکا نیست؛ نشان داده که از امریکا نمی‌ترسد. این کشور اسلامی باید به پیشرفت مهمترین تکنولوژی امروز دنیا - یعنی تکنولوژی هسته‌ای - مجهز نباشد. آنها به خاطر این، فشار را وارد می‌کنند. البته ما تصمیم خودمان را گرفته‌ایم. ملت ایران در طول بیست و هفت سال بعد از انقلاب، با تجربه فهمیده است که تنها راه خلاصی از کید دشمنان، توکل به خدا و صبر در میدان و مجاهدت است. ما این راه را تا امروز رفته‌ایم و ثمرات شیرین آن را چشیدیم و به حول و قوه‌ی الهی در ادامه هم همین راه را با قوت تمام خواهیم رفت، که آثارش را هم می‌بینیم.^{۱۴۸}

۱۴۶ خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

۱۴۷ بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۹/۸

۱۴۸ بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۵/۰۵/۳۰

بی‌شرمی و وقاحت استکباری تا آنجاست که اظهار نظر می‌کنند ایران به انرژی هسته‌ای احتیاجی ندارد! به شما چه! شما چه حقی دارید قضاوت کنید که ملتی حق دارد از انرژی هسته‌ای استفاده کند یا حق ندارد؟ زمامدارانی که جزو شریرترین چهره‌های دنیا هستند، زمامدارانی که از سرانگشت آنها در نقاط مختلف دنیا خون می‌چکد، دولت جهانخوااری که هر جا توانسته، به ملت‌های گوناگون ستم کرده و دروغ‌گویی و فریبگری شعار و شیوه و رویه‌ی اوست، جمهوری اسلامی و ملت ایران را متهم به دروغ‌گویی می‌کند؛ وقاحت از این بالاتر؟! می‌گویند ملت ایران چرا باید از انرژی هسته‌ای استفاده کند. چرا استفاده نکند؟ ملت ایران انرژی هسته‌ای را از شما نه وام گرفت، نه دیروزگی کرد و نه از شما درخواست کرد؛ جوانان ما، دانشمندان ما و استعداد‌های درخشان ما خودشان توانستند به آن دست پیدا کنند؛ این یک دستاورد ملی است. سخنگویان استکباری اعلام می‌کنند که ما منتظریم انتخابات ایران برگزار شود، آنگاه راجع به مسأله‌ی انرژی صلح‌آمیز در ایران تصمیم‌گیری کنیم! انتخابات ایران چه ربطی به شما دارد؟! انتخابات، متعلق به ملت ایران است. هر کس به وسیله‌ی این انتخابات سر کار بیاید و رئیس‌جمهور مردم شود، نه می‌خواهد و نه این ملت اجازه می‌دهند که برخلاف منافع آنها قدمی بردارد.^{۱۴۹}

این جنجال و قرشمال‌بازی سیاسی که راه انداخته‌اند، مثل این است که شما یک زمین حاصلخیزی دارید، یک چشمه‌ی آب جوشنده‌ای هم در این زمین دارید، که با این چشمه‌ی آب که مرتب می‌جوشد و ممکن است بیشتر از این هم بشود، می‌توانید همه‌ی این زمین را سرسبز، زنده و آبیاری کنید. به شما می‌گویند این چشمه را کور کنید، رویش را اسفالت کنید، ما یک لوله‌ی آب سه اینچی به شما می‌دهیم، تا مزرعه‌تان را آبیاری کنید! آن چیزی که اروپایی‌ها - متأسفانه با حمایت آژانس - و امریکایی‌ها می‌گویند، این است. می‌گویند این چشمه‌ی جوشنده‌ی استعداد انسانی را از بین ببرید، تا ما به شما یک لوله‌ی سه اینچی آب بدهیم و هر وقت هم خواستیم قطع کنیم و هر وقت هم خواستیم بهای این آب را بهای آبروی ملی و حیثیت ملی شما قرار بدهیم؛ معنای حرفشان است. چه کسی زیر بار این حرف می‌رود؟ ما زیر بار این حرف نخواهیم رفت. ما استمرار و روزافزونی این حرکت را جزو اهداف برجسته‌ی خودمان می‌دانیم.^{۱۵۰}

ضرورت دستیابی به فناوری هسته‌ای به عنوان یک وظیفه ملی:

انرژی هسته‌ای یک فناوری باارزش و محصول یک دانش پیشرفته است و برای زندگی مردم لازم است. بسیاری از نیروگاه‌های دنیا در کشورهای پیشرفته، نیروگاه‌های هسته‌ای است. تولید برق، یکی از کارهای دانش و فناوری هسته‌ای است و برای یک کشور امتیاز است؛ اینها می‌خواهند ملت ایران این امتیاز را نداشته باشد؛ دعوا سر این است؛ منتها بدروغ می‌گویند ما می‌ترسیم ایران بمب اتمی درست کند. آنها می‌دانند که ساخت بمب اتمی در برنامه‌ی ما نیست؛ ملت ایران این را بدانند؛ جوانهای ما توجه داشته باشند. آنچه امروز در تبلیغات غربی‌ها - بخصوص امریکایی‌ها - در مورد انرژی هسته‌ای گفته می‌شود، هدفش این است که ملت ایران را از یک پیشرفت علمی و فناوری محروم کند. این حق ماست؛ چرا محروم شویم؟ بله، این حق مسلم ملت ایران است؛ هم علم است، هم فناوری است، هم سلامت محیط زیست است، هم دارای مصارف پزشکی است، هم امید و چشم‌انداز پیشرفت برای جوانان کشور است، و بدیهی است که ملت ما این را از دست نمی‌دهد.^{۱۵۱}

می‌گویند شما که نفت دارید، دیگر به انرژی هسته‌ای چه نیازی دارید؟ مگر باید نفت را تمام

۱۴۹ بیانات در اجتماع پرشور مردم کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۱

۱۵۰ بیانات در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای ۱۳۸۵/۰۳/۲۵

۱۵۱ بیانات در دیدار دهها هزار نفر از زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۸۴/۰۱/۰۱

کنیم، بعد دست به طرف شما حتماً دراز کنیم! سرنوشت ملت‌ها نیاز به شماس‌ت؟ آنها می‌گویند نفت را مصرف کنید، بعد دستتان که خالی شد، محتاج ما شوید؛ بیایید در خانه‌ی ما، ملت ما نمی‌خواهد این را قبول کند و ما باید به سمت انرژی هسته‌ای برای تولید برق برویم؛ این نیاز کشور ماست؛ باید به این راه برویم، و الا عقب‌ماندگی‌های یکی دو قرن گذشته باز هم مضاعف خواهد شد و آن وقت یک قرن دیگر این ملت را عقب می‌اندازند. بنابراین رفتن دنبال این کار وظیفه‌ی ملی است. وقتی که دنبال این کار می‌رویم، بایستی قضیه را بومی کنیم و اگر بومی نکنیم، باز همان وابستگی و باز همان نیاز است. وقتی می‌خواهیم وابسته نباشیم و کار بومی باشد، البته فشار هست. باید در مقابل فشارها مقاومت کرد. آنهایی که نفهمیده علیه این فکر حرف می‌زنند، نمی‌فهمند و ملتفت نیستند که دارند به این ملت خیانت می‌کنند و همان چیزی را که امریکا می‌خواهد، بیان می‌کنند و بر زبان می‌آورند.^{۱۵۲}

ملت ما هم می‌داند که انرژی هسته‌ای یک شاخص بزرگ و نمایان برای پیشرفت به تناسب پیشرفتهای امروز علمی دنیا است که اگر ملتی نداشت، کلاهش پس معرکه است؛ و می‌داند که این حق مسلم آنهاست و این را شعار می‌دهند و از ته دل از مسؤولینشان می‌خواهند؛ و هم می‌دانند که کشورشان قادر است بدون اعتنای به دیگران، بدون دراز کردن دست نیاز به سوی دیگران، این حق مسلم خودش را بگیرد و به دست آورد. این، خیلی چیز مهمی است. این، روحیه‌ی ملت ماست؛ این، امید ملت ماست. عزیزان من! همین امید و نگاه امیدوارانه، باید بتواند شما را در راههای دشوار رسیدن به قله کمک کند و به پیش برسد؛ و به پیش خواهد برد.^{۱۵۳}

در قضیه‌ی هسته‌ای آنچه که ایران به دنبال آن است، دانش مورد نیاز است؛ دانشی که اگر امروز ملت ایران آن را دنبال نکند، فردا دیر خواهد بود؛ فردائی که نفتی به کار نباشد و همه‌ی چرخهای اقتصادی دنیا بر اساس نیروی هسته‌ای حرکت کند و ملت ایران دستش خالی باشد؛ بنشیند منتظر که دیگران به او کمک کنند؛ آنها این را می‌خواهند. مسئله‌ی هسته‌ای ما این است؛ من بارها گفته‌ام. ما امروز برای دانش هسته‌ای که برای ما مهم است، کار میکنیم که بیست سال دیگر، سی سال دیگر، فرزندان ما، جوانان ما، نسل آینده، ملت بزرگ ایران، آن روز دستش به طرف غربیها دراز نباشد. غربیها امروز که نفت مال ماست، از زمین ما نفت استخراج میشود و به آنها داده میشود، دارند برای همین نفت به ما زور می‌گویند! - امروز این نفتی که از چاه‌های این منطقه بیرون می‌آید، سودش برای دولتهای غربی از سودش برای کشورهای نفت‌خیز بیشتر است! - امروزی که نفت مال ماست، در اختیار ماست، دست ماست، زورگوئی میکنند، فردا که ما بخواهیم انرژی هسته‌ای را از خود آنها بگیریم، شما ببینید چه بر سر ملت‌ها می‌آید. نظام جمهوری اسلامی فکر آن روز را میکند. لذا امروز اصرار میکند که ما بایستی این علم را، این فناوری را، این دانائی را، این تمکن را برای خودمان کسب کنیم. آن وقت جنجال راه می‌اندازند در دنیا که چرا میخواهید شما این را کسب کنید؟ و تهمت می‌زنند، افکار عمومی را گمراه میکنند که اینها دنبال بمب اتمند، اینها فلانند.^{۱۵۴}

نفت یک منبع تمام شدنی و تجدیدنپذیر است. نفت تا ابد که باقی نمی‌ماند؛ اگر این طور که امروز مصرف می‌شود، مصرف شود، تا بیست سال، بیست و پنج سال دیگر نفت ملت ایران تمام خواهد شد. دنیا به جای نفت به سراغ انرژی‌های جایگزین رفته است که از همه مهمتر و قابل اطمینان‌تر، انرژی هسته‌ای است. اگر کشور ما بیست سال دیگر انرژی هسته‌ای نداشته باشد، برای راه‌اندازی یک کارخانه، دستش به سمت کسانی دراز است که پیشرفت ملت ایران را به هیچ

۱۵۲ بیانات در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۰۴/۰۱

۱۵۳ بیانات در دیدار مردم استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

۱۵۴ دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم در سالروز عید سعید غدیر ۱۳۸۸/۰۹/۱۵

قیمتی نمی‌پسندند. آبرو و عزت ملت را می‌گیرند تا یک مختصری از آنچه که در اختیار دارند، به این ملت بدهند.^{۱۵۵}

در مقابل افکار جهانی و نگاههای جهانی، ملت ایران در هیچ مسئله‌ای، باید اظهار ضعف و عقب‌نشینی نکند. اینی که در باب مسئله هسته‌ای شما می‌بینید مسئولین دولتی اصرار می‌ورزند، به خاطر این است که اولاً این یک ضرورت است - من پریروز در یزد در جمع جوانها و دانشجویان این را تشریح کردم - این یک نیاز ملی است که اگر امروز شروع نکردیم، ده سال بعد، پانزده سال بعد، ضربه‌اش را ملت و کشور خواهند خورد. اگر امروز شروع کنیم، در آن زمانی که نیاز داریم، محصول دسترنج ملی خود را خواهیم گرفت. اگر امروز شروع نکردیم، اولاً این مسئله است و مسئله دوم این است که در یک چنین نیازی، هرگونه انفعال در مقابل دشمن، دشمن را تشجیع میکند به اینکه توقع بیشتری را مطرح کند، یک قدم جلو بیاید. این است که ملت ایران ایستاده‌اند و ایستادگی درست است و همانطور که مسئولین کشور، مسئولین دولتی بارها گفته‌اند و آحاد مردم در همه‌ی نقاط کشور تکرار کردند و تجاوب کردند، حقیقتاً حق مسلم ملت ایران است که بتواند بر این قدرت علمی و قدرت انرژی دست پیدا کند.^{۱۵۶}

دشمنان سعی کردند مسئله هسته‌ای را در کشور ما از چشم مردم بیندازند، یک عده هم شروع کردند به اینها کمک کردن. عرض می‌کنم همین آدم‌های کوتاه‌فکر و سطحی‌نگر، احیاناً هم بعضی‌شان دلدادگی به آن سوی مرزها، می‌گویند: انرژی هسته‌ای را می‌خواهیم چه کار کنیم؟! با این خرج زیاد، با این زحمت زیاد، با این همه دردسر. اما ملت تسلیم نشد. مردم ما بیدار بودند، فهمیدند که مسئله هسته‌ای، فقط مسئله امروز کشور ما نیست؛ مسئله فراداهای کشور و آینده‌ی کشور است؛ مسئله سرنوشت کشور است. این حق مسلم خیلی از کشورها و ملت‌هاست، اما مثل شما نمی‌آیند توی میدان تا این حق را مطالبه کنند. نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه این می‌شود که آن کسانی که توانسته‌اند انرژی هسته‌ای را به دست بیاورند، در آینده نه‌چندان دوری خواهند توانست سرنوشت انرژی دنیا را در دست داشته باشند. حالا آنها نفت را ندارند، ولی اگر همین نفت - فعلاً انرژی کنونی ما نفت و گاز است - که در اختیار کشور ما و کشورهای این منطقه خلیج فارس هست، در دست دیگران بود و بنا بود آنها به ما بدهند، من بارها گفته‌ام که نه بشکهای، هر بطری‌اش را گرانتر از قیمتی که ما امروز به آنها یک بشکه را می‌فروشیم، به ما می‌فروختند؛ با هزار تحمیل. آنها می‌خواهند فردا که نفتی وجود نداشت در دنیا - نفت که تا ابد نمی‌ماند، تمام می‌شود - اختیار انرژی در دست آنها باشد. ملت‌هایی که می‌توانند خودشان تولید انرژی کنند، نکنند؛ این را می‌خواهند، دنبال اینند. ملت ما این را فهمید، ایستاد. خوشبختانه مسؤولان ما آگاهانه دنبال این قضیه رفتند و تصمیمشان هم جدی است، به جاهای بسیار خوبی رسیده‌اند؛ ان‌شاءالله به جاهای بهتری هم خواهند رسید.^{۱۵۷}

اجر معنوی بری تولید سانتریفیوژهای پیشرفته:

امروز در دنیا سانتریفیوژهای نسل چهارم و پنجم هم تولید شده؛ شما ان‌شاءالله خواهید توانست روی دست آنها بنزید؛ خواهید توانست پیش ببرید. ای بسا که شیوه‌های تولید همین مواد - چه از معدن تا تولید (Fuf) یا غنی‌سازی آن - راه‌های خیلی میانبرتر و خوبی‌تری داشته باشد که شما آنها را کشف خواهید کرد؛ من شک ندارم که شما می‌توانید این کارها را بکنید و می‌توانید حرکت را سریعتر، آسانتر و بهتر انجام دهید. این را به شما عرض کنیم: هر حرکت شما، هر لحظه‌ای از

۱۵۵ بیانات در صحن جامع رضوی ۱۳۸۵/۰۱/۰۱

۱۵۶ بیانات در دیدار عمومی مردم ابرکوه ۱۳۸۶/۱۰/۱۵

۱۵۷ بیانات در دیدار عمومی مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۵/۱۱/۲۸

این کار شما - که با این انگیزه و در این جهت به کار می‌گیرید - اجر الهی و معنوی غیرقابل معادل با هر ارزش مادی دارد؛ یعنی هیچ ارزش مادی‌ای نمی‌تواند معادل آن اجر الهی‌ای باشد که در پرونده‌ی شما ثبت می‌شود. اولاً، به خاطر اینکه کار، فی‌نفسه کار باارزشی است؛ ثانیاً، برای اینکه شما دارید مقدمات استقلال و عزت مستمر و مستدام یک ملت را فراهم می‌کنید. من به شما بگویم که اهمیت به کارگیری انرژی هسته‌ای و به دست آوردن فناوری هسته‌ای در کشور ما، از کشف و استخراج نفت - آن روزی که برای اول بار در کشور ما نفت استخراج شد - بیشتر است. حالا شما ببینید نفت چقدر در سرنوشت یک کشور اثر دارد. کشف کردن نفت و استخراج کردن نفت یعنی یک ذخیره‌ای را از زیر زمین درآوردن و در واقع به یک معنا هدر دادن؛ این بلایی که ما امروز داریم سر نفت در می‌آوریم، هدر دادن نفت است؛ ولاً استفاده‌ی بهینه از این ماده ممکن است هزار برابر ارزش مادی و معنوی‌اش بیشتر از آن چیزی باشد که امروز ما داریم خرج می‌کنیم. اما این کار شما به معنای استخراج آن حقیقت نهفته‌ی در مغز و ذهن انسان در ورای این ظواهر عالم وجود است که شما این حقیقت را کشف می‌کنید؛ مثل همه‌ی دانشمندی‌های برتر دنیا. خیلی از این حقایق عالم وجود را ما نمی‌بینیم؛ اما ذهن انسانها آن را کشف می‌کند و به کار می‌گیرد و برای بهبود زندگی بشریت از آن استفاده می‌کند. شما این کار را می‌کنید و ارزش این کار از کشف و استخراج و به‌کارگیری و راه‌اندازی نفت و صنعت نفت خیلی بیشتر است. بنابراین، کار شما تاریخ‌ساز است. به این دلیل، هر لحظه‌ای کار شما، وقتی که با این انگیزه، با این توجه آن را انجام می‌دهید، اجر الهی دارید و این اجر الهی از همه‌ی این تشویق و تقدیرهایی که ما می‌کنیم و از هر معادل مادی، بالاتر است؛ قدر آن را بدانید و در حین کار، قبل از کار، بعد از کار، همیشه این را به یاد داشته باشید که خدای متعال این کار شما را می‌بیند و فرشتگان مقرب الهی این کار شما را به عنوان یک عمل صالح ثبت می‌کنند.^{۱۵۸}

ضرورت تولید سوخت هسته‌ای:

مسئولان ما گفته‌اند، آحاد ملت ما هم همه قبول کرده‌اند؛ دولت‌ها گفته‌اند، بنده هم مکرر گفته‌ام که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. اورانیومی که در ایران در این چرخه‌ی سوخت غنی می‌شود، بین ۳ تا ۴ درصد خواهد شد. برای بمب اتمی و سلاح هسته‌ای نودوپنجم درصد باید غنی‌سازی شود؛ فاصله اینقدر است. ما می‌خواهیم اورانیومی را که مال خود ماست، معدن خود ماست، با تجهیزاتی که متعلق به خود ماست، از کسی آن را وام نگرفته‌ایم، رهین منت کسی نیستیم و بچه‌ها و جوانهای خودمان آن را به کار انداخته‌اند، در این تشکیلات، غنی‌سازی ۳ تا ۴ درصد بکنیم تا بتوانیم سوخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر را - که فعلاً یکی نیمه تماش را داریم - برسانیم. اصلاً بحث سر سوخت آن است. ما می‌خواهیم سوخت نیروگاه هسته‌ای مان را خودمان تولید کنیم. آنها می‌گویند خودتان تولید نکنید. برایتان نیروگاه بسازند، اما بیایید سوختش را از ما بخرید! یعنی چه؟ یعنی وابسته بمانید. ملت ایران باید به قدرتهای تولید کننده‌ی سوخت هسته‌ای وابسته بماند تا اگر آنها یک وقت خواستند سوخت ندهند، شرطی بگذارند و دولت و ملت ایران ناچار باشند دستشان را بالا ببرند و بگویند چاره‌ی نداریم؛ سوخت ما - که برق و امکانات ما وابسته‌ی به آن است - باید از آن طرف بیاید؛ ولاً نیروگاه ما خواهد خوابید. ملت ایران باید وابسته بماند؛ آنها این را می‌خواهند. برای ما مسأله‌ی هسته‌ای، مسأله‌ی علمی و اقتصادی است. در مسأله‌ی هسته‌ای، راهی را که تا الان آمده‌ایم و بحمدالله به طور کامل هم موفق بوده‌ایم، اگر بتوانیم در آن پیش برویم و به آخر برسانیم، این یک پیشرفت علمی برای کشور است. جوانان ایرانی در این میدان، مهارت و استعداد و توانایی علمی خودشان را ثابت کرده‌اند؛ این از لحاظ علمی خیلی برای ما باارزش است. از لحاظ اقتصادی هم مقرون به صرفه است. آنها می‌گویند

شما از همین نفت و سوخته‌های فسیلی - یعنی منابع تجدیدناپذیر و تمام شدنی - استفاده کنید. این مثل این است که شما بخواهید در باغچه‌ی خودتان سبزی بکارید یا میوه تولید کنید و بفروشید و زندگی‌تان را از آن اداره کنید؛ کسی بگوید نه آقا، شما برو اشیایی که در خانه‌ات هست - آن یادگارهای قدیمی، آن نگین تاریخی، آن فرش زیر پایت - بفروش و بخور. ما می‌خواهیم منابع تجدیدناپذیرمان برای نسل‌های دیگر بماند. این‌طور نباشد که بیست سال دیگر، بیست و پنج سال دیگر، این کشور نفت نداشته باشد؛ مجبور باشیم نفت خود را از آمریکا یا از عوامل آمریکا بخریم. ما می‌خواهیم جایگزین نفت داشته باشیم و آن، انرژی هسته‌یی است. آنها می‌گویند نه، نداشته باشید؛ همان نفتان را مصرف کنید تا تمام شود. اگر می‌خواهید نیروگاه هسته‌یی هم داشته باشید، سوختش را باید از ما بخرید. این حرف زوری است که امروز بخشی از دنیای غرب دارد با ما در میان می‌گذارد. مجرم این قضیه هم باز در درجه‌ی اول امریکاست.^{۱۵۹}

در قضیه‌ی هسته‌ای، چرخه‌ی تولید سوخت حق ماست و ما از این حق کوتاه نخواهیم آمد و دست برنخواهیم داشت؛ این حق ماست. ما می‌خواهیم سوخت را تولید کنیم. چندین هزار مگاوات، ما به سوخت هسته‌ای نیاز داریم. نیروگاه‌های هسته‌ای باید به وجود بیاید. خوراک این نیروگاه‌ها باید در داخل تولید بشود. اگر قرار شد برای خوراک این نیروگاه‌ها به خارج متوسل بشویم و محتاج باشیم، امور کشور نخواهد گذشت؛ باید داخل بتواند خودش تولید کند. بنابراین حق ماست و دنبال این را نخواهیم گرفت. آنها در جواب می‌گویند خوب، ایران احتیاج دارد به سوخت هسته‌ای، ما برایش تأمین می‌کنیم؛ بانک جهانی درست بکنیم، چه می‌کنیم، تأمین می‌کنیم. این حرف، حرف مهمی است، حرف بی‌معنا و بی‌وجهی است. در همین ماجرای جریان تبادل سوخت بیست درصد، معلوم شد که چقدر اینها صادقند(!) ما نیاز داشتیم برای این نیروگاه کوچک و آزمایشی، به سوخت بیست درصد. خوب، این چیز معمولی هم هست، در دنیا می‌گیرند، ما هم قبلها، چندین سال قبل از این، پانزده شانزده سال قبل از این خودمان گرفته بودیم؛ این را خریده بودیم و هیچ مشکلی هم وجود ندارد. اینها بمجرد اینکه حس کردند ایران به این احتیاج دارد، شروع کردند به بازی درآوردن و این را تبدیل کردند به یک مسئله. خود این به نظر من اشتباه بزرگی بود از طرف آمریکا و غرب؛ اشتباه کردند در قضیه‌ی سوخت بیست درصد اینجوری عمل کردند. اولاً با این کارشان ما را تشویق کردند که ما خودمان برویم سراغ سوخت بیست درصد. ما نمی‌خواستیم؛ ما تصمیم نداشتیم سوخت بیست درصد تولید کنیم؛ ما همان سه و نیم درصد برایمان کافی بود؛ اما با این کار، اینها ما را تشویق کردند، وادار کردند، به ما تفهیم کردند که باید برویم سراغ بیست درصد؛ و رفتیم. این اشتباه اولشان بود. اشتباه دوم این بود که به همه‌ی دنیا ثابت کردند، مدلل کردند که آمریکا و بقیه‌ی کسانی که این سوخت را میتوانند تولید کنند، قابل اطمینان نیستند برای اینکه انسان سوختش را به امید اینها بگذارد. چون تا مورد احتیاج قرار گرفت، همه‌ی مدعاهای خودشان، همه‌ی خواسته‌های خودشان را فهرست میکنند، می‌گویند: آقا! باید اینها را عمل کنید تا ما این سوخت را به شما بدهیم! خوب، این که معامله نشد. بنابراین در مسئله هسته‌ای حرفی ندارند، منطقی ندارند. ما هم راه را پیدا کرده‌ایم، داریم حرکت می‌کنیم؛ ان‌شاءالله همین راه را هم ادامه خواهیم داد.^{۱۶۰}

امروز با تأسف فراوان دیده میشود که کشورهای دارنده‌ی بیشترین تسلیحات هسته‌ای، اراده‌ای جدی و واقعی برای حذف این ابزارهای مرگبار از دکتترین نظامی خود ندارند و آن را همچنان عامل رفع تهدید و شاخصی مهم در تعریف جایگاه سیاسی و بین‌المللی خود میدانند. این تصور، به کلی مردود و مطرود است. سلاح هسته‌ای نه تأمین‌کننده‌ی امنیت و نه مایه‌ی تحکیم قدرت

سیاسی است، بلکه تهدیدی برای این هر دو است. حوادث دهه‌ی ۹۰ قرن بیستم نشان داد که داشتن این تسلیحات نمیتواند رژیمی همانند شوروی سابق را هم حفظ کند. امروز نیز کشورهای را میشناسیم که با داشتن بمب اتم، در معرض امواج ناامنی‌های مهلکند. جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیایی و نظائر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی میداند. ما شعار (خاورمیانه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای) را مطرح کرده‌ایم و به آن پایبندیم. این به معنی چشم‌پوشی از حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تولید سوخت هسته‌ای نیست. استفاده‌ی صلح‌آمیز از این انرژی، بر اساس قوانین بین‌المللی، حق همه‌ی کشورها است. همه باید بتوانند از این انرژی سالم در مصارف گوناگون حیاتی کشور و ملتشان استفاده کنند و در اعمال این حق، وابسته به دیگران نباشند. چند کشور غربی که خود دارنده‌ی سلاح هسته‌ای و مرتکب این کار غیرقانونی‌اند، مایلند توان تولید سوخت هسته‌ای را نیز در انحصار خود نگه دارند. حرکتی مرموز در حال شکل‌گیری است تا انحصار تولید و فروش سوخت هسته‌ای را در مراکز با نام بین‌المللی ولی در واقع در پنجه‌ی چند کشور معدود غربی، تثبیت و دائمی کنند. طنز تلخ روزگار ما آن است که دولت آمریکا که دارنده‌ی بیشترین و مرغبارترین سلاحهای هسته‌ای و دیگر سلاحهای کشتار جمعی و تنها مرتکب به کارگیری آن است، امروز میخواهد پرچم مخالفت با اشاعه‌ی هسته‌ای را به دوش بگیرد! آنها و شرکای غربی‌شان رژیم صهیونیستی غاصب را به سلاحهای هسته‌ای مجهز کرده و برای این منطقه‌ی حساس، تهدیدی بزرگ فراهم کرده‌اند؛ اما همین مجموعه‌ی فریبگر، استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را برای کشورهای مستقل برنمی‌تابند و حتی با تولید سوخت هسته‌ای برای رادیوداروها و دیگر مصارف صلح‌آمیز انسانی، با هرچه در توان دارند، ستیزه‌گری میکنند. بهانه‌ی دروغین آنان، بیم از تولید سلاح هسته‌ای است. در مورد جمهوری اسلامی ایران، آنان خود میدانند که دروغ می‌گویند؛ اما سیاست‌ورزی، آنگاه که کمترین اثری از معنویت در آن نباشد، دروغ را هم مجاز می‌شمرد. آیا آن که در قرن بیست‌ویکم زبان به تهدید اتمی می‌گشاید و شرم نمیکند، از دروغ‌گوئی پرهیز و شرم خواهد کرد؟! من تأکید میکنم که جمهوری اسلامی هرگز در پی تسلیحات هسته‌ای نیست، و نیز هرگز از حق ملت خود در استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای چشم‌پوشی نخواهد کرد. شعار ما (انرژی هسته‌ای برای همه، و سلاح هسته‌ای برای هیچکس) است. ما بر این هر دو سخن پای خواهیم فشرد و میدانیم که شکستن انحصار چند کشور غربی در تولید انرژی هسته‌ای در چهارچوب معاهده‌ی عدم اشاعه، به سود همه‌ی کشورهای مستقل و از جمله کشورهای عضو جنبش عدم تعهد است.^{۱۶۱}

با وجود این همه مشکلات، این همه مانع‌تراشی‌ها، جوانان ما گفتند خودمان درست میکنیم. در سال ۹۰ اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد را اینها برای سایت هسته‌ای تهران تولید کردند و آن را به دنیا اعلام کردند؛ دشمنان ما ماندند متحیر! با اینکه میدانند مرکز هسته‌ای تهران مخصوص رادیوداروهاست - یعنی برای نیاز بیمارستانها و آزمایشگاه‌های ما در سرتاسر کشور است و هزاران بیمار به این رادیوداروها احتیاج دارند - درعین حال نمیدادند، نمی‌فروختند، شرط می‌گذاشتند، باگیری میکردند. جوانان ما خودشان آن را تهیه کردند. کار پیچیده‌ای هم بود، کار سختی هم بود، اما از عهده برآمدند و انواع و اقسام رادیوداروها الان در همین مرکز تهران با سوخت داخلی تولید میشود. این مال سال ۹۰ است. در سال ۹۰، در همین صنعت هسته‌ای، تولید صفحه‌ی سوخت را در کشور انجام دادند؛ که اگر من بخواهم آن را هم شرح بدهم، طولانی میشود. اجمالاً، آن وقتی که صحبت تبادل اورانیوم تولید داخل بود، میگفتند اورانیوم سه و نیم درصد را به روسیه بدهید، روسیه ۲۰ درصد کند؛ او بدهد به فرانسه، فرانسه صفحه‌ی سوخت درست کند، بدهد به شما؛ یعنی هفت خان رستم! دانشمندان ما، جوانان ما گفتند ما خودمان این صفحه‌ی سوخت را

درست میکنیم؛ همت کردند، درست کردند، گزارش دادند، نشان دادند. این مال سال ۹۰ است.^{۱۶۲}

اهمیت دستیابی به فناوری هسته ای برای عزم راسخ بخشیدن به ملت:

همتهاتان را بالا ببرید. در مجموعه‌ی سازمانتان، در بین همه‌ی افرادی که این مهم را بر عهده گرفته‌اند، انگیزه را برای ادامه‌ی این راه افزایش بدهید. کارتان کار بزرگی است، کار مهمی است و ان‌شاء‌الله برای این کشور آینده‌ساز است. مسئله این نیست که ما خواهیم توانست از صنعت هسته‌ای برای مصارفی که به سود منافع ملی است، استفاده کنیم؛ مسئله این است که این حرکت، به جوانهای این کشور، دانشمندان این کشور، آحاد مردم این کشور، عزم و تصمیم راسخ میبخشد و آنها را در این راه ثابت‌قدم میدارد؛ این مهم است. این ایستاده نگه داشتن ملت و پرانگیزه نگه داشتن آحاد ملت، منافع و استفاده‌هایش از خود این صنعت مهمتر است؛ این کار را شما دارید انجام میدید و ان‌شاء‌الله خدای متعال هم کمکتان خواهد کرد.^{۱۶۳}

علامه محمد تقی جعفری:

چشمگیر بودن صنعت و پدیده‌های آن ارزش علم را سخت بالا برده تا به آن حد مردم را بخود جلب کرد که علم بهمان معنای صنعت را محور زندگی تلقی نمودند و این مطلب که علم یعنی دگرگون کننده و تعیین کننده خطوط زندگی از فضای جوامع صنعتی بر مغز مردم تلقین گشت مخصوصا با نظر به این که کشورهای صنعتی میدان تنازع در بقا و اعمال قدرت در اشکال گوناگون را در اختیار خود گرفتند. و بهیچ وجه در این مسئله نیندیشیدند که آیا این بود معنای علم که انسانهای آگاه و آزاد را دست بسته به جبر قوانین ماشین آلات سپرده و احساس مسئولیت در زندگی را بکلی نابود بسازد آیا این بود معنای علم که انسان با دست خود، خود را به شکل ابزار و وسایل ماشینی در اختیار قدرتمندان خود کامه که اداره کنندگان ماشین بزرگ اجتماع هستند، در آورد. بهر حال چشمگیر بودن پدیده صنعت نیز که از علم زاییده شد و سپس راهزن خود علم و انسان هشیار و آزاد که بوجود آورنده علم گشت، یکی از عوامل اشتغال مردم ساده لوح به گرداندن تسبیح علم گشته، و جنبه ذکر مقدس بخود گرفت: علم، علم، علم، علم، علم، علم،... از طرف دیگر بازیگران صحنه حیات بشری مجال ندادند که مردم حق طلب و واقعیت‌گرا این سؤال را مطرح کنند که بسیار خوب، صنعت یک نمایش بسیار عالی علم است و منکر آن از خرد و منطق محروم است، اما آیا اجازه می‌دهید از شما بپرسیم که این صنعت که یک پدیده فوق‌العاده با اهمیت است و می‌تواند بعنوان یکی از بهترین جلوه‌گاه‌های نبوغ آدمیان محسوب شود که توانسته است طبیعت و پدیده‌های پیچیده و ظریف آن و معادن گوناگون را دگرگون ساخته، این همه پدیده‌های بهت‌انگیز را بوجود بیاورد، آیا همه به تنهایی حیات بشری است آیا نباید بشر طرز ارتباط و بهره‌برداری از صنعت را در راه «حیات معقول» خود درک نموده و به اسارت آن در نیاید آیا علم بشما گفته است که هرگز نگذارید انسان حتی یک لحظه در باره حیات خود و این که از کجا آمده و برای چه آمده و بکجا می‌رود بیندیشد آیا علم این دستور را صادر کرده است که کره زمین را با آن همه زیباییهایش به کارخانجات اسلحه‌سازی مبدل نمائید و نگذارید هیچ انسانی در باره ارزشها و عظمت‌های ...^{۱۶۴}

نظم و قانونگرایی (امروز) در زندگی اجتماعی یک پدیده جبری برای زندگی دندانه‌های چرخ

۱۶۲ بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۱ - 1391/01/01

۱۶۳ بیانات در دیدار دانشمندان تاجع هسته‌ای 1390/12/03

۱۶۴ شرح نهج البلاغه علامه جعفریج 25 ص 123-124

ماشینی است که صنعت امروزی برای بشر به ارمغان آورده است و مربوط به علم و معرفتی که «حیات معقول» انسانها را تضمین می‌نماید نمی‌باشد.^{۱۶۵}

در این سرزمین (مغرب زمین) مغزهایی مقتدر متوجه اهمیت صنعت شده و با یک کوشش فوق العاده رو به صنعت و اکتشافات مفید در آن بردند. و بدانجهت که علوم مربوط به صنعت در مسیر بوجود آوردن تغییرات محسوس در زندگی جوامع بود و این تغییرات خواه بر مبنای حقیقت و خواه بر مبنای عرضه‌ها تصنعی، تنها با صنعت امکان پذیر بود، لذا پدیده‌های بسیار متنوع کارخانه‌ها و ماشینها و دیگر وسائل تکنولوژی سخت بکار افتادند و صاحبان صنایع طعم سود و اداره کنندگان جوامع صنعتی مزه قدرت را چشیدند و با اشتیاق و عشق غیر قابل توصیف، علم را در خدمت تقویت و تنوع بخشیدن به تکنولوژی در آوردند. این توسعه در تمدن صنعتی، در عین حال که مزایایی غیر قابل انکار در اختیار بشریت گذاشت، ولی از آن جهت که صنعت برای صاحبان صنایع سودهای کلان و قدرت طبیعی و اعتباری (اوتوریته) به ارمغان می‌آورد، تمدن به کلی در اختیار صنعت و سود و قدرت در آمد. و از این مسیر صنعت و مختصات آن (سودجویی و قدرت طلبی و تبدیل زندگی طبیعی انسانها به زندگی ماشینی) علم و معرفت را از مختص بسیار انسانی آن که عبارتست از شناخت انسان و جهان و بکار انداختن آن در ایجاد «حیات معقول» برای انسانها، با کمال مهارت از بین برد.^{۱۶۶}

در دوره‌های اخیر فشار زندگی ماشینی برای مغرب زمینی‌ها جز با تلقین این مسأله که ما باید زندگی به مقتضای علم بکنیم و علم چنین است که صنعت و ماشین را به همین شکل بوجود آورده است، قابل تحمل نمی‌باشد.^{۱۶۷}

از نظر علامه جعفری آرمان خیالی همه ی انسان‌ها ویژگیهایی دارد از جمله:

این آرمان روئایی کاری که میکند اینست که کره خاکی را از انبار اسلحه مبدل به گلزار و چمن و گلستان بهشتی می‌کند. کار دیگری هم دارد که نامش تمدن واقعی انسانی است، نه فرورفتن ارواح پاک اولاد آدم در لابلای آهن پاره‌ها بنام صنعت.^{۱۶۸}

آیت الله مکارم شیرازی:

آیت الله ناصر مکارم شیرازی ثبت الله قلبه علی دینه می نویسد:

مردم جهان باید به این حد از رشد اجتماعی برسند که بفهمند پیشرفت تکنولوژی الزاماً به مفهوم پیشرفت بشریت و تأمین خوشبختی انسانها نیست؛ بلکه تکنولوژی پیشرفته تنها در صورتی ضامن نیکبختی و سعادت است که زیر چتر یک سلسله اصول معنوی و انسانی استقرار یابد و الا- همان گونه که بارها دیده‌ایم- بلا آفرین خواهد بود و مایه ویرانگری است. مردم جهان باید دریابند صنایع اگر به صورت بتی در آیند برحجم مشکلات کنونی افزوده خواهد شد و به ابعاد ویرانی و ضایعات جنگها وسعت می‌بخشد؛ بلکه باید به شکل ابزاری در آیند تحت کنترل انسانهای شایسته.^{۱۶۹}

قیام یک مصلح بزرگ برای استقرار عدل و آزادی در سراسر جهان هیچ گاه سبب نمی‌شود که

۱۶۵ شرح نهج البلاغه علامه جعفری ج 25 ص 256 و ج 22 ص 263- چک شود

۱۶۶ شرح نهج البلاغه علامه جعفری ص 254 و ج 22 ص 263- چک شود

۱۶۷ شرح نهج البلاغه علامه جعفری جلد 16 ص 184-185

۱۶۸ شرح نهج البلاغه علامه جعفری جلد 14 ص 345-346

۱۶۹ مکارم شیرازی ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۱۴ و ۲۱۵

جنبش صنعتی و ماشینی در شکل سالم و مفیدش بر چیده یا متوقف شود... صنایع کنونی نه تنها بسیاری از گره‌ها را از زندگی انسانها گشوده‌اند، بلکه همانگونه که در بحثهای گذشته گفتیم یکی از پایه‌های استقرار حکومت واحد جهانی، نزدیکی و به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی و پیوندهای اجتماعی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست. ولی شک نیست این جنبش صنعتی و تکامل تکنولوژی الزاماً باید از یک صافی دقیق بگذرد تا جنبه‌های ناسالم و زیانبخش آن حذف گردد، و سرانجام در مسیر منافع انسانها و صلح و عدالت بسیج شود؛ یک حکومت طرفدار حق و عدالت این کار را حتماً خواهد کرد...^{۱۷۰}

آیت الله مکارم شیرازی از منتهی الآمال درباره سیره پیامبر چنین نقل می‌کند:

درختان را از بیخ نزنید مگر اینکه ناچار باشید، نخل‌ها را نسوزانید و با آب غرق نکنید، درختان میوه را ریشه کن نسازید، زراعت را آتش نزنید که خود بدان محتاج خواهید بود و حیوانات حلال گوشت را نابود نسازید مگر به اندازه‌ای که برای تغذیه لازم دارید. هرگز آب دشمن را با زهر آلوده نسازی. ^{۱۷۱}

در جای دیگری از همین مقاله ایشان از آیه ی زیر چنین نتیجه می‌گیرد:

در آیه ی ۱۹۰ سوره ی بقره می‌خوانیم: وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز ننمایید که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد. در این آیه در واقع به سه نکته اشاره شده: نخست این که جنگ باید برای خدا و در راه خدا باشد نه به خاطر جاه‌طلبی و انتقام‌جویی. دیگر اینکه جنگ در برابر متجاوز باشد، یعنی تا جنگ بر شما تحمیل نشود دست به اسلحه نبرید. سوم در میدان جنگ از حد تجاوز نکنید و اصول اخلاقی را رعایت کنید بنابراین اگر دشمن اسلحه را بر زمین بگذارد و تسلیم شود نباید به او حمله کرد، و همچنین نسبت به کسانی که قدرت بر جنگ را ندارند مانند پیر مردان، کودکان و زنان نباید مزاحمت شود، نابود کردن باغ‌ها و مزارع و تخریب اماکن قابل استفاده، و توسل به سلاح‌های کشتار جمعی، همه از مصادیق تعدی بر بیگناهان و انتخاب روش‌های غیر انسانی است و از نظر اسلام ممنوع است.^{۱۷۲}

صنعت در حکومت مهدوی:

از پاره‌ای از روایات که شکل زندگی مردم جهان را در عصر قیام مهدی علیه السلام ترسیم می‌کند- و بعداً بخواست خدا مشروحاً پیرامون آن بحث خواهد شد- استفاده می‌شود که پیشرفت تکنولوژی و صنعت مخصوصاً صنایع حمل و نقل و ارتباطی در آن عصر چنان خواهد بود که قاره‌های بزرگ جهان عملاً به صورت چند شهر نزدیک به هم در می‌آیند؛ و شرق و غرب حتی حکم یک خانه را پیدا می‌کند؛ مشکل زمان و مکان بکلی حل خواهد شد. البته ممکن است قسمتی از این امور در پرتو یک جهش و انقلاب صنعتی در آن عصر صورت گیرد، ولی بالاخره یک نوع آمادگی علمی به عنوان زمینه باید در آستانه چنان عصری باشد.^{۱۷۳}

بر خلاف آنچه بعضی می‌پندارند که رسیدن به مرحله تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت، حتماً همراه با نابودی تکنولوژی جدید امکان‌پذیر است، وجود این صنایع

۱۷۰ مکارم شیرازی ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۴۳ و ۲۴۴

۱۷۱ مقاله جهاد و دفاع در قرآن، آیت الله مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۱۰، ص ۳۵۱

۱۷۲ همان منبع

۱۷۳ حکومت جهانی مهدی (عج)، ص: ۲۱۶ و ۲۱۷

پیشرفته نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانه جهانی نخواهد بود، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال است. برای ایجاد و سپس کنترل یک نظام جهانی، یک سلسله وسایل مافوق مدرن لازم است که با آن بتوان جهان را در مدّت کوتاهی در نوردید و به همه جا سرکشی کرد؛ از همه جا آگاه شد؛ و در صورت نیاز امکانات لازم را از یک سوی جهان به سوی دیگر برد؛ و پیامها و اطلاعات و آگاهیهای مورد نیاز را در کمترین مدت به همه نقاط دنیا رسانید. اگر زندگی صنعتی به وضع قدیم بازگردد، و مثلاً برای فرستادن یک پیام از یک سوی جهان به سوی دیگر یک سال وقت لازم باشد، چگونه می‌توان بر جهان حکومت کرد و عدالت را در همه جا گسترده؟! اگر برای سرکوب کردن یک فرد یا یک گروه کوچک متجاوز- که مسلماً حتی در چنان جهانی نیز امکان وجود دارد- مدتها وقت برای مطلع شدن حکومت و سپس مدتها وقت برای فرستادن نیروی تأمین کننده عدالت لازم باشد، چگونه می‌توان حق و عدالت و صلح را در سراسر دنیا تأمین کرد؟! خلاصه، بدون شک چنین حکومتی برای برقرار ساختن نظم و عدالت در سطح جهان نیاز به آن دارد که در آن واحد از همه جا آگاه و بر همه جا تسلط کامل داشته باشد، تا مردم آماده اصلاح را تربیت و رهبری کند؛ آگاه سازد؛ زنده و بیدار نگه دارد؛ و چنانچه افرادی ناصالح بخواهند سر برآورند آنها را بر سر جای خود بنشانند. آنها که غیر از این فکر می‌کنند گویا به مفهوم حکومت جهانی نمی‌اندیشند و آن را با حکومت در یک محدوده کوچک مقایسه می‌کنند. اصولاً دنیائی که می‌خواهد به چنین مرحله‌ای برسد باید آنچنان وسایل آموزش و تربیت در آن وسیع و گسترده و همگانی باشد که قسمت عمده برنامه‌های اصلاحی را با «خود آگاهی» و «خود یاری» مردم پیاده کند، و زنده کردن روح «خود آگاهی» و «خود یاری» عمومی و در سطح جهان نیازمند به نیرومندترین مراکز فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی، و جامعترین کتب و مطبوعات، و مانند آن است، که هیچ کدام از اینها بدون عالیتیرین و پیشرفته‌ترین وسائل صنعتی ممکن نیست. ۱۷۴

سؤال 1585- معنای قیام با سیف (شمشیر) که در روایات مربوط به قیام حضرت مهدی (عج) وارد شده است، چیست؟ جواب: قیام با سیف ممکن است اشاره به استفاده از نیروی نظامی و قدرت بوده باشد، زیرا سیف معمولاً کنایه از قدرت و قلم کنایه از علم است، ولی این احتمال نیز وجود دارد که سلاحهای گرم در آن زمان از کار بیفتند و تنها جنگها با سلاح سرد صورت گیرد، زیرا سلاحهای گرم مخصوصاً سلاحهای سنگین و موشکها و بمبها غالباً بی‌گناه و باگناه را از بین می‌برد. ۱۷۵

3- از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: ذخر لصاحبکم الصّعب! قلت: و ما الصّعب؟ قال: ما کان من سحاب فیه رعد و صاعقه او برق، فصاحبکم یرکبه، أما انه سیر کب السّحاب و یرقی فی الّأسباب؛ اسباب السّماوات السّبع والارضین! برای صاحب و دوست شما (مهدی علیه السلام) آن وسیله سرکش ذخیره شده است. راوی این حدیث می‌گوید: گفتم منظور از وسیله سرکش چیست؟ امام علیه السلام فرمود: ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است؛ او بر این وسیله سوار می‌شود؛ آگاه باشید او بزودی بر ابرها سوار می‌گردد و صعود به آسمانها و زمینهای هفتگانه می‌کند. مسلماً منظور از ابر، این ابر معمولی نیست؛ زیرا ابرهای معمولی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آنها سفر فضایی کرد؛ آنها در جو نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیزی دارند و نمی‌توانند از آن بالاتر بروند؛ بلکه اشاره به وسیله فوق العاده سریع السیری است که در آسمان به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد، غرشی همانند رعد، و قدرت و شدتی همچون صاعقه و برق دارد؛ و به هنگام حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق العاده خود می‌شکافد؛ و همچنان به پیش می‌رود، و می‌تواند به هر نقطه‌ای از آسمان حرکت کند. و به این ترتیب، یک

وسیله مافوق مدرن است که شبیه آن را در وسایل کنونی نداریم؛ تنها در میان بشقابهای پرنده و وسایل سریع و سرسام آور فضایی که امروز داستانهایی از آنها بر سر زبانهاست و نمی‌دانیم تا چه حد جنبه واقعی و علمی دارد، شاید شباهت داشته باشد؛ ولی به هر صورت بشقاب پرنده هم نیست. به هر حال، از حدیث بالا بطور اجمال می‌توان دریافت که موضوع عقب‌گرد صنعتی در کار نیست، بلکه بعکس سخن از پیشرفت خارق‌العاده‌ای در میان است که به موازات آن باید تکامل در همه زمینه‌ها صورت گیرد.^{۱۷۶}

آیت الله جعفر سبحانی:

پیامبران پیوسته برای وصول به هدف و مطلوب از وسایل بسیار ساده ای استفاده می کردند و امر بسیط و «صنعت» ساده ای را برای وصول به هدف خارق العاده، پایه قرار میدادند برخلاف صنعتگران که از وسایل پیچیده علمی و دقیق، که حقیقت آن برای نوع مردم معلوم نیست، برای نیل به هدف استفاده میکنند. وسیله موسی برای اعجاز، همان عصای خشک و بی روح و ساده بود که آن را در همه موارد، حتی بردن گوسفندان خود به کار می برد و در مقام اعجاز از همان وسیله استفاده میکرد و همگان با دیدگان خود دیده بودند که چوب خشکی است که به صورت حیوان درنده‌ای در می آید؛ در حالی که جادوگران مصر، از ابزار پیچیده و ریسمانهای مملو از جیوه استفاده میکردند و نوع مردم از حقیقت آنها آگاه نبودند. یا پیامبر اکرم (ص) به فضا می روند و با ساده ترین وسیله به سوی آسمانها پرواز کرد، در حالی فضانوردان شرق و غرب، با «آپولوها» گام در ماه مینهند؛ وسیله‌های که برای ساختن یک واحد آن، از سیصد هزار مغز انسانی و صدها دستگاه‌های الکترونی کمک گرفته شده و هزاران مهندس و تکنیسین و فیزیکدان و شیمی‌دان و... در ترکیب قطعات و ساختن اجزای آن تشریک مساعی کرده و سفینه را با دستگاههای متعدد ویژه آن به پرواز درمی آورند. قرآن نیز که معجزه جاودان پیامبر خاتم است از این راه وارد شده و از ساده ترین ابزار (یعنی حروف الفباء) به عالیترین هدف دست یافته است و از ساده ترین ابزار، که در اختیار همگان قرار داشت و دارد، کتابی عرضه کرد که کلمات آن موزون است و معانی بزرگی در بر دارد، جمله های آن مرتب و کلمات آن در بلندترین پایه از فصاحت قرار دارد و معانی بلند و ژرف را در قالب زیباترین الفاظ میریزد که تاکنون نظیری برای آن دیده نشده است. هدف از آوردن این حروف در آغاز ۲۹ سوره اشاره به این است که، ای مردم اساس و ریشه این قرآن را همین حروف تشکیل میدهد.^{۱۷۷}

انسان در پرتو تمدن ماشینی، بر بسیاری از مشکلات پیروز گردیده و برخی را ریشه کن ساخته است، ولی موضوع دلهره و اضطراب روانی و اختلالات روحی و نگرانی از آینده برخلاف ناتوانی های جسمی و بیماری های عفونی، سیر تصاعدی پیدا و به موازات پیشرفت فن و تکنیک، آنها نیز پیشرفت کرده است. و این مطلب در کشورهای که از نظر صنعت و تمدن ترقی چشمگیری نموده اند، بیشتر نمایان است؛ مثلاً نیمی از آمریکایی های بالغ، لاقل یک بار برای معالجه نگرانی و تشویش خود، تحت معالجه طبیب قرار گرفته اند. تنها در ایالات متحده آمریکا یک میلیون و شش صد هزار تخت خواب در بیمارستان ها و مراکز مخصوص، برای معالجه و درمان بیماران روحی اختصاص داده شده است. و بیشتر تعجب آور خواهد بود اگر اضافه شود که این رقم نمودار مبتلایان به امراض روحی است که احتیاج به مراقبت پزشکی و دارویی دارند و چه بسا افرادی هستند که خارج از کادر رسمی، سرپایی به مداوا مشغولند. آماری که در باره بیماران روانی کشور ما منتشر شده، گرچه نمی توان گفت دقیق است؛ ولی می تواند نموداری از موضوع سیر تصاعدی

۱۷۶ حکومت جهانی مهدی (عج)، ص: 248 و 249

۱۷۷ قرآن و اسرار آفرینش (تفسیر سوره رعد) صفحه 34 نسخه PDF مرکز تحقیقات رایانه‌های قائمیه اصفهان

بیماری های روانی باشد. در حال حاضر ۱۴ تیمارستان روانی در ایران وجود دارد و در ظرف ۱۲ سال اخیر، تعداد بیماران از ۱۴۰ تن به ۱۸۳۶ نفر رسیده است. (۳). علت پیدایش این نوع بیماری ها یکی دوتا نیست؛ زیرا وراثت، ضربه های مغزی و اختلال دستگاه ترشحات غددی، از عوامل مهم پیدایش بیماری و یا لاقط اضطراب ها و دلهره هاست، ولی مطلب یقینی این است که حوادث بد و ناگوار و روی دادهای تلخ در پیدایش و یا لاقط بروز و تشدید این نوع بیماری عامل مؤثر است. گروهی برای بر طرف ساختن این نوع نگرانی ها، به الکل، تریاک، مرفین، هروئین، کوکائین و... پناه می برند. برخی دیگر از قرص های مسکن و خواب آور، صفحه های نشاط آور، فیلم های سینما استفاده نموده و احیاناً به وسیله خودکشی، به غم و اندوه و اضطراب و دلهره خود پایان می بخشند. گروهی از دانشمندان، این گونه بیماران را با تلقینات روحی مداوم می نمایند و می کوشند شخص بیمار باور کند که سنگینی بار امروز، برای خود امروز کافی است و نمی تواند سنگینی بار گذشته و یا فردا را بکشد، وانگهی راه خردمندانه این است که گذشته به دست فراموشی سپرده شود و به جای فکر در آینده، از امکانات وضع موجود، بهره برداری گردد و در آهینی میان وضع موجود و گذشته و آینده به وجود آید و به قول سعدی: سعدیا، دی رفت و فردا هم چنان معلوم نیست.^{۱۷۸}

تمدن ماشینی باتمام تلاش های طاقت فرسای خود، تصور می کند تنها در سایه پیشرفت علم می توان بشر را به قله سعادت رسانید و به آمال و آرزوهای دیرینه وی پاسخ مثبت داد؛ اما دیگر توجه ندارد که دستگاه کنترلی لازم است تا محصول علم را در مسیر سعادت بشر مصرف کند و در غیر این صورت به قول رئیس جمهوری فرانسه، پمپیدو، چیزی نخواهد گذشت که همه چیز دست به دست هم داده تا جامعه را به یک مسابقه سرگیجه آورترقی مادی، ترقی ای که حدود آن معلوم نیست و هیچ پاسخی به آمال قلبی بشر نمی دهد، بکشاند. راه اصلاح. این اعترافات و ده ها اعتراف دیگر حاکی از سرخوردگی غرب از زندگی ماشینی و کوتاهی و نارسایی علم از تفسیر و توضیح بسیاری از مشکلات انسانی و ترمیم بیچارگی های اوست. این جاست که پس از یأس و نومیدی می توان گفت: برای تجدید زندگی واقعی انسانی یک شانس بیش باقی نمانده است و آن، بازگشت به مذهب و ارزش های اخلاقی و حفظ موازنه میان پیشرفت های مادی و معنوی است و هر نوع اصلاح و رفورمی که منهای (مذهب) و معنویت باشد، سرود تخدیر کننده و رؤیای شیرینی بیش نیست و نتیجه ای جز پدید آمدن بن بست های غیر قابل نفوذ در بر نخواهد داشت. سرانجام ملتی که غرق در گناه و فساد باشد، نابودی است و چنین گروهی زود یا دیر، در کام مرگ و فنا فرو رفته و جز نام، نشانی از آنها باقی نخواهد ماند و امروز که بسیاری از ملل مغرب زمین غرق در عصیانگری و فساد و فحشا هستند به چنین سرنوشتی دچار خواهند شد و دیر یا زود با تمدن ماشینی خود - که کمالات انسانی و عواطف بشری و مراسم الهی را نادیده گرفته است - به خاک سپرده خواهند شد.

یکی از مشکلات زندگی عصر ما مشکلات روانی است. امروز سراسر زندگی جوامع ماشینی را اضطراب و دلهره فراگرفته و آرامش روحی جای خود را به تشنج روانی و سرانجام به انتحار و خودکشی داده است و این حقیقتی است که اکثر روانپزشکان را نگران ساخته است. بشر در سایه دانش نیرومند خود بر بسیاری از مشکلات زندگی پیروز گردیده و به قسمتی از راه مبارزه با آن، خود « میکرب »، بیچارگیها و ناتوانیهای خود پایان داده است؛ مثلاً با شناختن دشمن شماره یک و نامریی خود را از بیماریهای عفونی، به صورت قابل ملاحظه‌ای، رها ساخته است و یا با استخراج منابع زیرزمینی و نیروهای مختلف طبیعت، بسیاری از موانع را از پیش پای خود برداشته و وسایل استراحت مادی خود را به نحو دلپذیری فراهم نموده است. او در پرتو قدرت صنعت و تکنیک، درهای فضا را به روی خود گشوده و انسانهایی را به ماه فرستاده و باز گردانیده است و از

قلب و کلیه مصنوعی، استفاده نموده است و... ولی در برابر این پیروزی چشمگیر علمی، به آرامش روانی، که زیربنای زندگی سعادت‌مندانه است، نه تنهادست نیافته، بلکه به موازات پیشرفت صنعت و تکنیک و دانش‌های مادی و افزایش وسایل استراحت جسمی، مشکلات روانی و تشویش‌های فکری او روز افزون گردیده و لحظه به لحظه به سیر صعودی خود ادامه می‌دهد. تو گویی تشنجهای روحی و دلهره‌های روانی بشر، با ترقیبات مادی و تمدن ماشینی همراهند و به موازات هم، در حال پیشرفتند. گواه آن آمارهایی است که مطبوعات صنعتی ترین کشورهای جهان در این باره منتشر ساخته اند؛ مثلاً نیمی از آمریکاییهای بالغ، لاقلاً یک بار برای رفع نگرانی و تشویش تحت معالجه قرار میگیرند. تنها در آمریکا یک میلیون و هشتصد هزار تخت در بیمارستانها و مراکز خصوصی، برای معالجه و درمان بیماران روحی اختصاص داده شده است و بیشتر تعجب آور خواهد بود اگر اضافه کنیم که این رقم نمودار مبتلایان به امراض روحی است که احتیاج به مراقبت پزشکی و دارویی دارند. چه بسا افرادی هستند که خارج از کادر رسمی و به اصطلاح سرپایی به مداوا مشغولند. در آمریکا پزشکان گزارش داده اند از هر هشت نفر یک نفر قسمتی از عمرش را در بیمارستان امراض روحی خواهد گذراند. درجنگ جهانی دوم از هر شش نفر سرباز آمریکایی، که به جنگ اعزام میگردد، یک نفر به علت نقایص فکری و روحی از خدمت معاف میشد. علت جنون و دیوانگی، هر چند به درستی روشن نیست ولی در بسیاری از موارد، ترس نگرانی، عامل مؤثری در ایجاد جنون است اگر سایر کشورهای صنعتی آمارهای خود را در این زمینه منتشر میکردند، معلوم میگردد عصر کنونی، عصر فزونی اضطراب و تشویش، نگرانی و دلهره، دیوانگی و جنون است و به قول آکسیس کارل: تو گویی صفت عقل و دیوانگی غرامتی است که ما باید در برابر تمدن صنعتی و تغییراتی که در طرز زندگی ما داده است، ادا کنیم.^{۱۷۹}

باید دید نقص این زندگی صنعتی، که با بودن همه نوع وسایل آرامش، آرامش وجود ندارد، کجاست. به عقیده محققان و دانشمندان بشر دوست اشکال کار این جاست که زیر بنای زندگی بشر کنونی را در بسیاری از جامعه‌های صنعتی، امور مادی و لذایذ نفسانی و شاخص خوشبختی و بدبختی را ثروت و خوشبختی مادی و جلوه فریبنده آن تشکیل میدهد. ناگفته پیداست دورنمای زندگی مادی بسیار زیبا و فریبنده است، اما هرگز سعادت آفرین و آرامش بخش نیست؛ زیرا انسان مادی دل به چیزی بسته است که در آستانه فنا و نابودی است و هرگز پایدار و جاودانی نیست؛ از این رو چنین فردی، خود را خوشبخت و سعادت‌مند نخواهد دید و زندگی را جز اتلاف عمر و سپری ساختن دقایق آن، چیزی دیگر تلقی نخواهد نمود و ناچار باید سعادت را در کوی و برزن دیگری جستجو نماید که ابدیت دارد و لرزان و فناپذیر نیست. به عبارت دیگر، انسان برای آرامش خود و رها ساختن خویش از دست عوامل اضطراب تکیه گاهی لازم دارد که، جاویدان و فناپذیر، عالم و دانا، قادر و توانا باشد و چنین تکیه‌گاهی، جز خدا و ایمان به او و علاقه به کمالات روحی و معنوی و اعتقاد عمیق به زندگی جاودانی در سرای دیگر، چیز دیگری نیست و جهان ماده با تمام زیباییهای زود گذر خود، از آن جهت که لرزان و بیقرار و رو به فنا و نابودی است، نمیتواند به زندگی پرتلاطم وی سکونت و آرامش ببخشد. چنین تکیه‌گاهی با تمام خصوصیتی که دارد به سان لانه عنکبوتی است که در مسیر باد و آب و آتش قرار گیرد. لانه عنکبوت از نظر فن معماری و اصول مهندسی و رموز خانه سازی، در جهان آفرینش بسیار بینظیر است. فواصل تارها آن چنان منظم و یک نواخت است که حیرت هر بیننده را برمیانگیزد ولی این شاهکار خلقت در برابر قطره آبی، نسیم کوتاهی، شعله آتشی، کوچکترین مقاومتی ندارد.^{۱۸۰}

آهن نه تنها سرچشمه قوای قاهره است، بلکه امروز کاخ رفیع زندگی بشر، براساس این فلز سیاه

بنا شده است و اگر امروز صنایع شگفت انگیز، سینه فضا را می شکافند، در دل دریاها پیش می روند و فاصله زمان و مکان را درهم پیچیده و جهان را به صورت یک واحد متصل درآورده اند، قسمت مهم آن در سایه آهن است و لذا می فرماید: (فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ؛ در آهن قدرت بزرگ و سودهایی برای مردم است). قرآن در ۱۴ قرن پیش، از قدرت شگفت انگیز آهن خبر داده است. شاید این گزارش برای بیدار کردن جامعه اسلامی بود که دست به استخراج آهن زنند و این قوه و نیرو را از دل زمین بیرون آورند و پیش از آن که دیگران به این فکر بیفتند، مسلمانان در میدان صنعت و اختراع و اکتشاف گوی سبقت برآیند، ولی متأسفانه در این مورد موفقیت شایان تقدیر نصیب آنها نگردیده است. این جاست که انسان به یاد یکی از سخنان برجسته امیرمؤمنان(ع) افتاده و به عظمت و بزرگی این سخن پی می برد. آن حضرت چنین فرمود: (اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ فِي الْعَمَلِ بِغَيْرِكُمْ؛ مسلمانان برحذر باشید که دیگران در عمل به قرآن از شما پیشی نگیرند). خداوند در پایان آیه، مسلمانان را دعوت می کند که از قدرت سرشار آهن استفاده کنند و خدا و رسول او را در نشر اصول عدالت و محو ستم یاری نمایند.

شهید مرتضی مطهری

شهید مطهری معتقدند هر علم نافع علم دینی است:

جامعیت و خاتمیت اسلام اقتضا می کند که هر علم مفید و نافع را که برای جامعه اسلامی لازم و ضروری است علم دینی بخوانیم.^{۱۸۱}

ایشان در تعریف صنعت می فرمایند:

بشر برای برآوردن حوائج خویش در حدود امکانات علمی و فنی خود پاره‌ای از مواد این عالم را به شکل و صورتی در می آورد که حاجتی از حاجات اولیه یا ثانویه او را برآورد. نام این گونه تغییرها «صنعت» است. بدیهی است به هر اندازه که علوم مادی بشر پیشروی بیشتری پیدا می کند و قوانین طبیعت برای بشر بیشتر مکشوف می گردد، راه تسلط بشر بر طبیعت هموارتر و دایره فعالیت صنعتی وی وسیع تر می گردد، چنانکه از مقایسه دیروز و امروز زندگی بشر پیداست.^{۱۸۲}

ایشان به پهن شدن سفره ی صنعت توسط خدای تبارک و تعالی تصریح دارند و می فرمایند:

در صنعت یک مطلب بدیهی یا شبه بدیهی وجود دارد و آن اینکه شرط اول به وجود آمدن یک مصنوع «ماده» است؛ یعنی یک چیزی باید باشد تا بشر بتواند او را به صورت «دلخواه» خود درآورد. بشر قادر نیست از هیچ، چیزی بسازد. همه اختراعات بشر از نمونه‌های ساده اولیه گرفته مانند بیل و پارو و کارد تا نمونه‌های عالی و فنی آن از قبیل رادیو و هواپیما و غیره پاره‌ای از مواد موجود در طبیعت است که با دست بشر به این شکل و صورت فعلی در آمده است.^{۱۸۳}

شهید مطهری تکامل جدیدی در صنعت را می پذیرد هرچند این تکامل را نه یک تکامل حقیقی بلکه یک تکامل مجازی می داند و آن را فرع بر تکامل حقیقی که تکامل انسانیت انسان است می شمارد:

یک وقت ما می گوئیم جامعه بشری متکامل است بدین معنی که در مسائل فنی یعنی در رابطه

۱۸۱ مرتضی مطهری، «فریضه علم»، ص 137

۱۸۲ مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج 6 726

۱۸۳ مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج 6 727

انسان با طبیعت [پیشرفت داشته است]. انسان با طبیعت رابطه دارد، در حال جنگ و جدال است و می‌خواهد بر طبیعت تسلط پیدا کند، قاهر بشود و طبیعت را استخدام کند. تکامل در این امر، خیلی خوب معنی دارد و بدون شک جامعه بشری در رابطه‌اش با طبیعت تکامل پیدا کرده، یعنی اگر ما در مجموع زمانها در نظر بگیریم، آنچه که «تکنیک» یا «صنعت» یا «تصرف در طبیعت» و یا «تسلط بر طبیعت» نامیده می‌شود روز به روز [پیشرفت نموده و] افزایش پیدا کرده است.^{۱۸۴}

«رشد» و یا «تکامل» در مورد انسان تعبیر «حقیقی» است و در مورد ابزارهای فنی و تولیدی «مجازی» است. رشد و تکامل حقیقی آنجاست که یک واقعیت عینی از مرحله دانی‌تر به مرحله عالی‌تر برسد. و اما رشد مجازی به معنی این است که یک واقعیت عینی تغییر مرحله نمی‌دهد، بلکه آن واقعیت معدوم یا منسوخ و واقعیتی دیگر مغایر با آن جانشین آن می‌شود. مثلاً کودک که بزرگ می‌شود واقعاً یک رشد و تکامل حقیقی صورت گرفته است. اما اگر معلمی در کلاسی تدریس کند و بعد به جای او معلمی دیگر از او باسوادتر و کارا تر بیاید تدریس کند، در اینجا وضع معلمی کلاس تکامل پیدا کرده اما این تکامل، تکامل مجازی است. تکامل انسان در جریان ابزارسازی تکامل حقیقی است، واقعاً انسان از نظر روحی رشد و نمو می‌کند و تکامل می‌یابد. اما تکامل صنعت- از قبیل تکامل اتومبیل که هر سال مدل جدیدتر و کامل‌تر و مجهزتر به بازار می‌آید- تکامل مجازی است؛ یعنی واقعاً یک واقعیت عینی از مرحله دانی به مرحله عالی پا نگذاشته است؛ اتومبیل سال گذشته امسال مجهزتر نشده است، بلکه معدوم و منسوخ و از صحنه خارج شده و جای آن اتومبیل‌های دیگری آمده است. به عبارت دیگر فرد «ناقص» از بین رفته و فردی دیگر «کامل» به جای آن نشسته، نه اینکه یک فرد در دو زمان از مرحله نقص به مرحله کمال انتقال یافته است. آنجا که یک تکامل حقیقی و یک تکامل مجازی دوش به دوش یکدیگر قرار دارند، بدیهی است که تکامل حقیقی اصل است و تکامل مجازی فرع.^{۱۸۵}

همه‌اش صحبت از تکامل ابزار تولید، تکامل جامعه و این حرفهاست و تنها اینها را تکامل انسان می‌دانند با اینکه انسانها در سایه این تکاملها مقامشان از حیوانات هم پست‌تر است. البته ما نمی‌گوییم که انسان یک روزی به تکامل در همه زمینه‌ها نمی‌رسد، ما که از آنها خوشبین‌تریم و امیدمان به آینده بیشتر است، اما ما وضع موجود را «رسیدن به تکامل» نمی‌دانیم، برخلاف آنها که به علت تکامل ابزار تولید، چشم بسته بشر را تکامل یافته حساب می‌کنند، و حرف ما این است که تکامل پیدا نکرده. «در آینده تکامل پیدا می‌کند» حرف دیگری است و امید ما هم به آینده بیش از آنهاست ولی راه تکامل در آینده راهی نیست که آنها خیال می‌کنند. ماشین نمی‌تواند انسان را به استقلال و آزادی برساند.^{۱۸۶}

تغییرات صنعتی سطحی است نه جوهری:

در صنعت از این جهت این قانون وجود دارد که صنعت نیز نوعی عمل طبیعی است. در کارگاه بزرگ طبیعت دائماً تغییر و تبدل رخ می‌دهد و یک چیز دیگر می‌شود. تغییرات و تبدلاتی که در طبیعت صورت می‌گیرد در آینده ثابت خواهیم کرد که طبیعت جز «شدن» و تغییر و تحول نیست. تغییراتی که به وسیله صنعت رخ می‌دهد سطحی است و با همه تغییر نامها و شکلها از حدود مربوط

۱۸۴ مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج 3 535

۱۸۵ مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج 2 448

۱۸۶ مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج 13 781

کردن و پیوند دادن نیروهای موجود در طبیعت و تنظیم آنها تجاوز نمی‌کند. اما تغییرات طبیعی تا عمق جوهر اشیاء نفوذ دارد. اشیاء در تغییرات طبیعی تغییر ماهیت می‌دهند و به راستی یک ذات و جوهر تبدیل به ذات و جوهر دیگر می‌شود چنانکه عن قریب توضیح خواهیم داد.^{۱۸۷}

صنعت امروز بدین سو پیش می‌رود که ماشین جای هوش انسان را می‌گیرد. ماشین حساب دقیقاً جمع و تفریق و ضرب و تقسیم می‌کند. یک اتومبیل مجهز است به دستگاهی که مجموع مسافتی را که تا کنون طی کرده و دستگاهی که سرعت حرکت اتومبیل را نشان می‌دهد و دستگاههایی که تمام شدن روغن یا بنزین را اعلام می‌کند. دستگاه رادار از پیش، وقوع خطر را اطلاع می‌دهد. یک دستگاه ساده قطب نما جهت را به طرز صحیح نشان می‌دهد. این مقدار از راه یابی و کار منظم، از مجموع خواص فیزیکی و شیمیایی اشیاء استفاده و استخراج می‌شود و لازمه سازمان یافتن مواد و اشیاء و حرکات و آثار آنهاست. بدون شک نتیجه سازمان منظم و تشکیلات مرتب و حساب شده، کار منظم و مرتب و حساب شده است. این نوع از راه یابی از گذشته و علیت فاعلی سرچشمه می‌گیرد یعنی از مجموع اموری که دارای یک سلسله خواص فیزیکی و شیمیایی می‌باشند سازمانی به وجود آمده و اجزاء مجموعه به یکدیگر مربوط شده‌اند و لازمه قهری و نتیجه جبری مواد جمع شده بعلاوه خاصیتهایی که هر کدام دارند و بعلاوه نظم و ارتباطی که میان آنها برقرار شده و آنها را به صورت یک دستگاه در آورده، کار معین و راه پیمایی منظم است.^{۱۸۸}

تفاوت طبیعت با صنعت در غایتمندی:

مطلب دیگری که شیخ به عنوان مؤید غایت داشتن طبیعت ذکر می‌کند این است که طبیعت یک امر ماشینی و صنعتی نیست. اگر ما ماشینها را در نظر بگیریم، از ماشینهای کوچک مانند ساعت تا ماشینهایی از قبیل اتومبیل و دیگر دستگاهها، ساختمانشان این گونه است که یک طبیعت واحد خاصی بر ماشین حاکم نیست. ماشین عبارت است از مجموع طبیعتهایی که انسان به طور مصنوعی آنها را به هم پیوند زده و کنار هم قرار داده است، مانند دانه‌های زنجیر. حلقه‌های زنجیر به یکدیگر متصلند، نتیجه‌اش این است که اگر ما حلقه اول را بکشیم حلقه آخر هم کشیده می‌شود. این لازمه قهری و جبری اتصال و پیوندی است که میان حلقه‌های زنجیر برقرار است. منتها این یک نمونه ساده است. وقتی که اجزای طبیعت روی یک اصولی به طور مصنوعی برای هدف خاصی به یکدیگر پیوند زده شوند ما به آن «ماشین» می‌گوییم. خصوصیت ماشین این است که بر مجموع آن یک طبیعت واحد حکومت نمی‌کند؛ یعنی فرق میان «طبیعت» و «صنعت» این است که در طبیعت یک نیرویی، یک چیزی - که می‌خواهید اسمش را «صورت» بگذارید یا «طبیعت» - بر همه اجزاء حاکم است و او این اجزاء را استخدام کرده و در جهت هدفی که دارد به کار می‌برد؛ مثلاً در حیوانات و موجودات زنده تمام نیروهای مادی و موادی که در وی موجود است در استخدام آن امر واحدی است که اسمش را «صورت» یا «طبیعت» یا در انسان و حیوان «نفس» می‌گذاریم؛ تمام این نیروها مستخر یک ذات است و آن ذات است که همه اینها را در جهت هدف خود استخدام کرده است؛ ولی در صنعت اینطور نیست؛ در صنعت فقط پیوند میان طبیعتهاست بدون اینکه یک وحدت طبیعی میان اینها به وجود آمده باشد، بدون اینکه یک

طبیعت واحد همه اینها را استخدام طبیعی کرده باشد. در صنعت اگر دستگاهی خراب شود آیا خود این مجموعه ماشینی اقتضای این را دارد که خودش شروع کند به فعالیت و تعمیر کردن خود؟ البته ممکن است دستگاه دیگری در کنار آن ساخته باشند که آن دستگاه بدون اینکه قصد تعمیر این را داشته باشد کاری انجام دهد که لازمه اش تعمیر این دستگاه باشد، و این گونه پیش‌بینی‌ها را در دستگاه‌های دقیق صنعتی می‌کنند، اما طبیعت خود دستگاه این نیست که وقتی یک نقص و کسری در اجزایش پیدا شد فوراً در صدد جبران برآید؛ ولی ما این حالت را در هر جا که طبیعت هست می‌بینیم، لاقط در طبیعت‌های جاندار به خوبی می‌بینیم. این نشانه آن است که طبیعت به سوی همان مقصد خود حرکت می‌کند و تا نقصی پیدا می‌شود که مضر به تأمین آن مقصد باشد فوراً آن را برطرف می‌کند. مسئله دیگر - که شیخ این تعبیر را بیان نکرده و من آن را عرض می‌کنم - آن چیزی است که اسمش را «قابلیت انطباق با محیط» می‌گذارند. این یکی از حیرت‌انگیزترین فعالیت‌های طبیعت است. مسئله انطباق این است که طبیعت وقتی در محیطی قرار دارد با آن محیط هماهنگ است. فرضیه داروین و امثال او می‌گوید این موجود هماهنگ با محیط است چون ساخته این محیط است؛ چون عوامل محیط این را ساخته‌اند جبراً اینطور است که این شیء به گونه‌ای ساخته شود که متناسب با آن عوامل باشد. به قول شیخ «و لنسامح» فرض می‌کنیم که مطلب از این قرار است، اگر فرض کنیم اینطور باشد طبیعت خصوصیتی دارد که همین قدر که او را از محیط خودش خارج کنیم و به محیطی ببریم که ناهماهنگ باشد، شروع می‌کند به فعالیت کردن برای اینکه وضع جدیدی برای خودش به وجود بیاورد که متناسب با محیط موجود باشد و برای او امکان بقا را فراهم آورد. البته این تطابق، نامتناهی نیست و اگر عوامل محیط خیلی مخالف و شدید باشد و برای طبیعت امکان تحمل آن نباشد قهراً طبیعت از میان می‌رود. مثلاً اسپهایی که در منطقه استوائی متولد می‌شوند خصوصیات متفاوتی دارند با اسپهایی که در مناطق معتدل متولد می‌شوند و یا اسپهایی که در مناطق نزدیک به قطب زندگی می‌کنند مثل سبیری؛ یا اسپه‌های روسی یک اندام و هیكل و رنگ و قیافه دارند و اسپه‌های عربی و استوائی رنگ و قیافه و هیكل دیگری. حالا اگر همین اسپه‌های عربی را به مناطق معتدل بیاورند، دیده می‌شود که تدریجاً آنها خودشان را در جهتی که متناسب با محیط موجود باشد تغییر می‌دهند؛ یعنی یک عامل درونی در آنها شروع می‌کند به فعالیت در جهت ایجاد وضعی که بتواند با شرایط نامناسب محیط مبارزه کند؛ و حتی اگر اسپه‌های استوائی را به مناطق سردتر نزدیک قطب ببرند - به شرط اینکه یکدفعه نبرند، که این اسپه‌ها به آنجا خو بگیرند (اصلاً معنای «خو گرفتن» این است که تدریجاً انجام شود) لاقط در یکی دو نسل به کلی وضع خود را عوض می‌کنند و با محیط جدید منطبق می‌شوند. این امر از چه چیز حکایت می‌کند؟ آیا از این حکایت نمی‌کند که طبیعت یک غایت و هدفی دارد و آن هدف را جستجو می‌کند و وضعیت وجودی خودش را به گونه‌ای هماهنگ و میزان می‌کند که با محیط سازگار باشد و بتواند حیات خود را در محیط جدید ادامه دهد. مسئله دیگر آن چیزی است که در مورد «خود درمانی» موجود زنده گفته می‌شود. می‌گویند: «الطیب خادم الطبیعة كما أن النبی خادم العقل». اینکه می‌گویند: «طیب خدمتگزار طبیعت است» یعنی کار طیب کمک دادن به طبیعت است. می‌خواهند بگویند طبیعت خود اساساً در پی صحت است، خود طبیعت همیشه در حال مبارزه با بیماری است، طیب به کمک طبیعت می‌آید. لهذا گاهی طیب بجای اینکه با بیماری مبارزه کند، طبیعت را تقویت می‌کند و آنگاه خود طبیعت بیماری را زایل می‌کند و از بین می‌برد. ولی در مصنوعات اینطور نیست. در یک ماشین، متخصص به کمک یک ماشین نمی‌آید؛ یعنی ماشین نسبت به آن حالتی که ما آن را صحت و درستی ماشین می‌دانیم بی‌تفاوت است، برای اینکه ماشین طبیعی ندارد که در جستجوی حالت اعتدال و مناسبی که هدف صنعتکار است باشد؛ آن، هدف صنعتگر و سازنده است نه هدف خود ماشین.^{۱۸۹}

خیال می‌کنند که صنعت الهی مثل صنعت یک انسان است و همان طور که مثلاً یک انسان می‌رود و اجزائی را از این طرف و آن طرف می‌آورد و جمع می‌کند و یک رابطه مصنوعی میان اینها برقرار می‌کند و بعد مثلاً یک ساختمان می‌سازد، و یا چوب و میخ و اینها را به همدیگر مترتب می‌کند، خداوند یا فرشته‌ای که مأمور [صنع موجودات است] به همین شکل کار می‌کند؛ غافل از اینکه این طور نیست. خداوند در همان اولین واحد موجود این عالم توجه به این هدف را قرار داده است و اوست که آن موجود را برای رسیدن به کمال خودش مدد می‌دهد. این است که همیشه یک قوه مدبر، یعنی همان مَلْکی که مشغول کار اوست، در درون او وجود دارد و در کمال شعور و ادراک هدف خودش را تشخیص می‌دهد و وسائل را استخدام می‌کند. ولی استخدام او به نحو فاعلیت بالتسخیر است که در عین حال فاعلیت طبیعی است. فاعلیت بالتسخیر غیر از فاعلیت صنعتی است. فاعلیت بالتسخیر این است که طبیعت بیرون را که از آن موجود جداست جزء ذات خودش می‌کند و حالت طبیعی به آن می‌دهد. این را می‌گویند «فاعلیت بالتسخیر»؛ مثل اینکه یک موجود زنده عناصری را از بیرون جذب می‌کند، بعد که جذب شدند، همانها با خودش هم‌هدف می‌شوند و حالت طبیعی پیدا می‌کنند؛ نه مثل مصنوعات ساخته انسان که هیچ وقت با انسان هم‌هدف نمی‌شوند. چوب هیچ وقت به طور طبیعی در مسیر انسان قرار نمی‌گیرد. گوسفند هیچ وقت به طور طبیعی در مسیر انسان قرار نمی‌گیرد. پس معنی حکمت الهی این نیست که خداوند خودش غرض دارد و اشیاء را به نحو رابطه مصنوعی به یکدیگر ارتباط می‌دهد و اشیاء را استخدام می‌کند، بلکه به معنی این است که او اشیاء را آفریده و برای اشیاء کمالاتی قرار داده است و توجه به این کمالات را در درون این اشیاء قرار داده که اسمش هدایت است. «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» اشیاء را مدد می‌کند و به سوی غایات ذاتی و طبیعی خودش انبساط می‌کند.^{۱۹۰}

مسئله آلودگی محیط زیست:

مسئله دیگر مسئله آلودگی محیط زیست است. ما هم، اکنون این مسئله را در شهرهای بزرگ خودمان خصوصاً تهران احساس می‌کنیم؛ یعنی آن بزرگترین مایه زندگی بشر که هواست، امروز آنچنان آلوده شده و روز به روز هم آلوده‌تر می‌شود که می‌رود انسان از بزرگترین موهبت زندگی محروم گردد، و این مشکله بزرگی در دنیا شده است. ریشه‌اش چیست؟ آیا واقعاً همان طور که گفته‌اند جبر ماشین است و چاره‌ای نیست؟ آیا این همه ماشین (به معنی اعم) و این همه محصولات ماشینی که در دنیا تولید می‌شود، براساس احتیاج بشر است؟ ابداً. هیچ با احتیاجات بشر [همانگ نیست]، فقط حرصها و آزهاس است که اینها را به این شکل درآورده. مصرف چطور؟ امروز هزاران نیرنگ در دنیا به کار می‌برند برای اینکه مصرفهای مصنوعی بسازند. تمام وسایل ارتباط جمعی دنیا در خدمت سرمایه دارهای بزرگ است برای ایجاد اشتباهی کاذب در مصرف کردن؛ یعنی ماشینها دائم دارند تولید می‌کنند، ولی چون بشر این مقدار نیاز ندارد آنها به وسایل مختلف (با موسیقی، با جاذبه‌های زنان، با فیلمها، با تلویزیونها و وسایل دیگر) می‌خواهند کالاهای تولیدشده را به خورد بشر بدهند که بشر از یک طرف بدود برای پول درآوردن و از طرف دیگر به سرعت خرج کند برای اینکه چرخهای ماشینها بتواند بگردد.^{۱۹۱}

یکی مسأله آلودگی محیط زیست است که کم‌کم در میان ما هم عنوان شده، ولی در دنیای اروپا و آمریکا الآن یک مسأله حساس حیاتی شده است، اینکه در اثر ازدیاد وسائل صنعتی و ماشین و کارخانه و زیاد شدن دود و لوازم سوختی دیگر و جاری شدن نفت و بنزین و روغن سوخته و امثال اینها رودخانه‌ها و دریاها آلوده شده و نسل برخی حیوانات و گیاهها از بین رفته است و اکنون خود بشر را تهدید می‌کند، و اگر همین‌طور پیش برود کم‌کم دنیا به حالتی درمی‌آید که غیرقابل زندگی خواهد بود. نه می‌شود جلو این ازدیاد روزافزون وسایل صنعت را گرفت (در ایران ما که تازه پیدا شده است) و نه می‌شود با آن ساخت. آینده بسیار خطرناکی دارد. این مسأله جزء مسائل حاد دنیای امروز تلقی می‌شود.^{۱۹۲}

ضرورت استفاده از فناوری معادل در جنگ‌ها:

اگر کسی در مورد وسائلی که انسان را به هدفهای صحیحش نزدیک می‌کند بگوید نه، من نمی‌خواهم از این وسائل استفاده کنم و آنوقت کسی که دنبال هدفهای نامشروع می‌رود از همین وسائل استفاده کند، و این که دنبال هدفهای مشروع می‌رود از این وسائل استفاده نکند، چنین شخصی محکوم به شکست است. مثل اینکه شما بگوئید من مسلمانم و می‌خواهم هدف اسلامی را تعقیب بکنم، می‌خواهم جهاد بکنم و واقعا هم قصد شما لله است. دیگری در راه شیطان می‌خواهد بچنگد، در راه مادیگری و فساد می‌چنگد، اما او از وسائلی که امروز پیدا شده است مثل توپ و تفنگ و خمپاره استفاده می‌کند و شما می‌گوئید نه، من به وسیله کار ندارم، من می‌خواهم با کارد و شمشیر بچنگم. قطعاً شما محکوم هستید، هدف شما محکوم است. شما هدف خود را با دست خودتان محکوم کرده‌اید.^{۱۹۳}

در باره عدم مطلوبیت مطلق سرعت:

یکی از چیزهایی که از لحاظ رابطه انسان با طبیعت و از نظر ابزارسازی فوق‌العاده پیشروی کرده است، سرعت است. یعنی انسان در ابزار آنچنان پیشرفت کرده است که سرعت را به حد بالایی رسانده است. آیا در صد سال پیش امکان داشت که گروهی از دانشجویان محترم در ظرف یک دقیقه به وسیله تلفن از من دعوت بکنند از تهران و آمدن من هم در ظرف یک ساعت به وسیله هواپیما صورت بگیرد؟ نه. سرعت، فوق‌العاده افزایش پیدا کرده است ولی آیا این سرعت را با مقیاس آسایش انسان می‌توانیم پیشرفت بدانیم؟ یا اینکه چون سرعت یک وسیله است، همین‌طوری که سبب شده در یک قسمتهای برای انسان آسایش بیاورد سبب شده است که در قسمتهای دیگر آسایش را از انسان سلب بکند زیرا همان‌طوری که این سرعت، یک انسان با حسن نیت و یک انسانی که مقصد خوبی در زندگی دارد را زودتر به مقصد می‌رساند، انسان پلید با مقاصد پلید را هم زودتر به مقصدش می‌رساند. یعنی درست است که یک انسان سالم و با حسن نیت دستش قویتر شده و پایش سریعتر گشته ولی یک انسان پلید هم همین‌طور شده است. افزایش سرعت سبب شده است که مثلاً وسیله آدمکشی را هم در ظرف چند ساعت از این سر دنیا به آن سر دنیا منتقل بکنند و هزارها و بلکه میلیونها آدم را یکجا بکشند.^{۱۹۴}

۱۹۲ مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۲۷ ص ۴۲۵

۱۹۳ اسلام و مقتضیات زمان ۱ ص ۱۹۴ و ۱۹۵

۱۹۴ مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۵، ص: ۵۱۸ و ۵۱۹

پیش تر ضرورت بررسی نسبت دین و فناوری را از نگاه حجت الاسلام میرباقری بیان کردیم^{۱۹۵}،

حجت الاسلام میرباقری پایه ی شکل گیری تکنولوژی مدرن را نگاهی مغایر با فرهنگ اسلامی می دانند. در اینجا به بیان ایشان درباره اشکالات تکنولوژی جدید می پردازیم، ایشان مدعی هستند که:

تکنولوژی مدرن در درون خودش چنین اقتضایی دارد که نمی تواند تکامل را سرپرستی کند. نمی تواند بشر را به سمت قرب برساند بلکه یک تکنولوژی تک ساحتی است که تنها جنبه های حسی و نیازهای ظاهری انسان را منظور نظر دارد. تکامل نیاز و ارضاء را در جهت نیازهای مادی بشر می بیند و اگر تکنولوژی تنها در جهت ساحت حسی انسان حرکت کرد، بالضرورت منتهی به چنین پایانی خواهد شد. این هم مدعای دوم است. به تعبیر دیگر اگر می بینید تکنولوژی مدرن با این ضعف ها مواجه است ریشه اش فرهنگ و مبانی حاکم بر این تکنولوژی است.^{۱۹۶}

ایشان در جلسه ی دیگری درباره ضرورت تولید تکنولوژی متناسب با فرهنگ اسلامی می فرمایند:

تکنولوژی های غربی به جهت اتکا بر مبانی طبیعی و مغایرت با اخلاق، با آموزه های اسلامی در تضاد است، از این رو اگر بخواهیم از تکنولوژی استفاده کنیم، باید تکنولوژی متناسب با فرهنگ اسلامی تولید کنیم.^{۱۹۷}

ایشان در جای دیگری ضرورت تبیین رابطه ی دین و تکنولوژی را چنین اشاره می کنند:

اصولی ترین محصولات تمدن غرب در واقع، فناوری های حاصل از این تمدن اقتصاد محور هستند. به همین دلیل ما نیازمند جهت گیری خاص و روشنی در این زمینه هستیم تا بتواند رویکرد ما را نسبت به توسعه تکنولوژی بیان کرده و منشاء و مبتدایی برای موضع گیری های اصولی، برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها باشد.^{۱۹۸}

ایشان در واقع در مقالات و ارائه های خود بیشتر نگاه کلامی و دفاعی دارند به هججه هایی که در باب ناسازگاری دین و تکنولوژی در رسانه ها به دین شده است و سعی دارند با تبیین درست دین جامع اسلام و تفاوت آن با مسیحیت تحریف شده و همچنین تبیین جامع انتقال فرهنگ و ارزشها از طریق تکنولوژی و حمال بودن تکنولوژی برای فرهنگ غرب به دفاع از تفکر نیاز به تولید تکنولوژی متناسب با فرهنگ اسلامی بپردازند.

زادگاه توسعه ی کنونی و زادگاه تکنولوژی های امروزی، جامعه ای است که در آن، اندازه خاصی از توسعه انسانی به وقوع پیوسته و دارای اندیشه و گرایشی خاص است که توانسته این تکنولوژی ها را متولد نماید. به عبارت دیگر هرگز نمی توان بین تکنولوژی های مدرن و ساحت های عمیقی که این تکنولوژی ها از آن برخاسته اند، جدایی تصور نمود. زمانی که به فناوری بالاتر از سطح رویین آن یعنی محصول نگاه کنیم، خواهیم دید که فناوری بر لایه های عمیقی مبتنی است که نمی توان آن را از این لایه های عمیق جدا کرد. یکی از این لایه ها، گرایش ها و بینش هایی است که در لایه های رویموجب پیدایش تکنولوژی و در نهایت تولید محصول می شوند. این تکنولوژی و محصول می تواند شیوه ی زیست جدید را نیز معین کند. بنابر این به سادگی نمی توان تکنولوژی

۱۹۵ فصل اول رساله، بخش ضرورت پژوهش

۱۹۶ سایت اندیشه ی قم:

<http://www.andisheqom.com/Files/kanoon.php?pgView=84&status=2&pgNumber=0>

۱۹۷ سایت ابنا، خبرگزاری اهل بیت علیهم السلام:

<http://abna.ir/print.asp?lang=1&id=314816>

۱۹۸ دکتر مهدی میرباقری، فصل نامه ی توسعه تکنولوژی، سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۸۴، صفحه ۳۹

را نادیده گرفت و حتی نمی‌توان اخلاق همراه این تکنولوژی را تغییر داد.^{۱۹۹}

ایشان بر این باور هستند که باید در کوتاه مدت از تکنولوژی استفاده کرد و چشم خود را بر هیچ یک از محصولات تکنولوژیک نبست، در میان مدت به سمت گزینش تکنولوژی بر مبنای برنامه منطق خاص مبتنی بر دین حرکت کرد و در دراز مدت به سمت طراحی تکنولوژی های کاملاً مبتنی بر دین حرکت کرد.^{۲۰۰}

ایشان معتقدند:

در تحلیل تکنولوژی مدرن باید به این نکته توجه کرد که این تکنولوژی برای دستیابی به آن هدفی است که بعد از رنسانس دنبال شده است یعنی بهره‌وری بیشتر انسان از طبیعت ... این نگرش به طبیعت موجب شده است که برای دستیابی به این هدف - یعنی دستیابی به رفاه بیشتر - آرام آرام فلسفه‌ها و دانشها و سپس فناوری‌ها و صنعت و انقلاب صنعتی شکل بگیرد و زمینه بهره‌وری بیشتر انسان فراهم شود. در این نگاه احساس می‌شود رابطه انسان با طبیعت - آن هم برای دستیابی به رفاه بیشتر - اصل است و تکنولوژی هم تامین‌کننده همین رابطه و فراهم‌کننده این رفاه بیشتر هست. در واقع ماهیت تکنولوژی از یک سو به نگرش انسان به طبیعت و به خودش برمیگردد. اگر انسان احساس کرد طبیعت منبعی در اختیار خودش است و باید آن را در اختیار بگیرد تا به لذت بیشتری برسد آرام آرام تکنولوژی خاص و توسعه خاصی شکل میگیرد. .. اما اگر بخواهیم از این طرف نگاه کنیم (یعنی نگاه دینی و اسلامی) قاعدتاً آنچه اول است تکامل قدرت اجتماعی انسان در ارتباط با خداوند متعال است. یعنی رابطه انسان با طبیعت اصل نیست، بلکه رابطه انسان با خدا اصل است - هم در حوزه فردی هم اجتماعی. یعنی تکامل رابطه انسان با خدا مبدا تکامل قدرت میشود و مبتنی بر این تکامل قدرت، روابط اجتماعی و اخلاق باید شکل بگیرد و مبتنی بر تکامل اخلاق و روابط اجتماعی میان انسانها، تکنولوژی‌ها شکل میگیرند. یعنی انقلاب تکنولوژیک متاخر از اخلاق و اخلاق متاخر از ارتباط انسان با خداست. یعنی پرستش محور تکامل اجتماعی است و محور تکامل اخلاق اجتماعی نیز محور توسعه تکنولوژی است. بنابراین تکامل اجتماعی به تکامل رابطه انسان با طبیعت تعریف نمیشود. بلکه تکامل انسان با خدا مبدا تکامل اجتماعی است و تکامل اجتماعی هم نیاز به تکامل در اخلاق دارد و تکامل در اخلاق هم به دنبال خودش نوعی فناوری‌هایی را ایجاد میکند که بستر توسعه بهره‌وری ما در مسیر آن اخلاق و تکامل اجتماعی می‌باشند.^{۲۰۱}

ایشان درباره رابطه‌ی تکنولوژی مدرن و سبک زندگی معتقدند:

بر اساس تهاجم نرمی که اتفاق افتاده، سبک زندگی مبتنی بر ایدئولوژی مادی در جهان اسلام رو به فراگیر شدن است، آنچه باید طراحی شود سبکی فراگیر نسبت به روابط خرد، الگوهای کلان و تکامل سبک زندگی اجتماعی مبتنی بر اسلام است، نباید تنها پاسخ‌گوی این نظام جدید باشیم، باید ایجاد یک حادثه جدید ایجاد کنیم و رهبری سبک زندگی را مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی در مقیاس جامعه جهانی به عهده بگیریم. استفاده از ابزارهای پشتیبان مانند علوم مختلف و هنر را برای رسیدن به یک سبک زندگی اسلامی ضروری است و هیچگاه دانش مدرن، تکنولوژی مدرن و هنر مدرن در خدمت فرهنگ اسلام و ایدئولوژی اسلامی برای ایجاد یک سبک زندگی اسلامی

۱۹۹ همان صفحه 40

۲۰۰ همان صفحه 41 . 42

۲۰۱ سخنرانی حجت الاسلام میرباقری درباره نسبت دین و تکنولوژی است که در سلسله نشست های غرب پژوهی و اندیشه اسلامی در دانشگاه رضوی

مهرماه 92، برگرفته از سایت علم دینی :

قرار نمی‌گیرند که اگر به دنبال سبک زندگی اسلامی هستیم، دانش‌های پشتیبان خود، فلسفه پشتیبان، هنر پشتیبان و ساختارهای اجتماعی لازم را باید خودمان تولید کنیم و اگر می‌خواهیم از اسلام الهام بگیریم باید در این مقیاس الهام بگیریم. آنچه باید طراحی شود سبکی فراگیر نسبت به روابط خرد، الگوهای کلان و تکامل سبک زندگی اجتماعی مبتنی بر اسلام است، نباید تنها پاسخ‌گوی این نظام جدید باشیم، باید ایجاد یک حادثه جدید ایجاد کنیم و رهبری سبک زندگی را مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی در مقیاس جامعه جهانی به عهده بگیریم.^{۲۰۲}

سید احمد هاشمی:

امنیت یکی از بهترین و مطلوب‌ترین صفات برای محیط حیات انسانی است و خدای متعال برای یک شهر بالاترین نعمات را امنیت و نبود گرسنگی ذکر می‌کند... چرا با تکنولوژی حتی بسیار پیشرفته، نمی‌توان از جرم و جنایت جلوگیری کرد؟ به دو دلیل: نخست اینکه به همان نسبت که دولتها امکانات و تواناییهای خود را در تکنولوژی کشف جرم و تبهکاری توسعه می‌دهند، به همان نسبت هم تبهکاران که غالباً در چارچوب باندهای تبهکاری فعالیت می‌کنند، تکنولوژی خنثی کردن این اقدامات را اختراع می‌کنند، و نتیجه می‌شود: صفر صفر، لابد می‌دانید که بسیاری از تبهکاران از هوش و دانش فنی بالایی برخوردارند، و تبهکاران کم‌هوشتر زیر نظر آنان انجام وظیفه می‌کنند دوم اینکه تکنولوژی پیشرفته، پلیس، دستگاههای هشدار دهنده و غیره، بُرد محدودی دارند، بدین معنا که با این امکانات تنها می‌توان افراد را در محدوده مشخصی، مثلاً در ملاً عام کنترل کرد، اما وقتی افراد با خود خلوت می‌کنند، و از چشم پلیس و دستگاههای هشدار دهنده دور می‌شوند، آیا باز هم می‌توان آنها را کنترل کرد، و آنها را از ارتکاب جرم باز داشت؟ امروزه این مسئله در عالم اینترنت و نرم افزارها کاملاً مشهود است، اگر از در نشد، از پنجره وارد می‌شوند. بنابراین تمام امکاناتی که دولتها برای امنیت خود و مردم به کار می‌گیرند تنها در حکم پلیس بیرونیست، در حالی که-همانطور که گفته شد- دین و ایمان پلیس درونیست، که در خلوت و جلوت انسان را کنترل می‌کند، و او را از عمل خلاف باز می‌دارد. به اعتقاد من اگر هزینه‌های گزافی که برای ایجاد امنیت و کشف جرم و جنایت در جهان صرف می‌شود، برای نشر ایمان و فضائل اخلاقی صرف می‌شد، انسانها بسیار ایمن‌تر و خوشبخت‌تر بودند، در حالی که با داشتن پیشرفته‌ترین تکنولوژی امنیتی و اطلاعاتی، دولتی مانند آمریکا با این کبکبه و دبدبه، هنوز نتوانسته احساس امنیت و آرامش را برای شهروندان خود به ارمغان بیاورد (تازه بعد از حملات ۱۱ سپتامبر این احساس ناامنی بیشتر هم شده است). در خبرها خواندم که در امریکای دویست و هشتاد میلیون نفری، دویست و هفتاد و پنج میلیون قبضه اسلحه در دست مردم است!!! واقعاً چرا دویست و هفتاد و پنج میلیون قبضه اسلحه؟ زیرا شهروندان احساس امنیت ندارند، شما هم اگر آنجا زندگی کنید مجبورید برای خود سلاح تهیه کنید، زیرا که با داشتن اسلحه احساس امنیت بیشتری می‌کنید. یاد دارم زمانی که بیل کلینتون تازه رئیس‌جمهور امریکا شده بود، در مراسمی در جمع طرفداران خود دعا کرده بود، که خداوند امنیت را به کشور بازگرداند، که این خود نشان از آن دارد که بحران امنیت همه را بدنبال خود کشیده است.^{۲۰۳}

۲۰۲ سخنرانی حجت الاسلام میرباقری در مراسم پایانی روز نخست هجدهمین المپیاد بین‌المللی قرآن و حدیث جامعه المصطفی (ص) العالمیه، نهم بهمن

بدون شک یکی از پیش فرض های فلسفی تکنولوژی مدرن آن است که از طریق کشف قوانین طبیعت می توان تکنیک مدرن را پدید آورد. طبیعت، تکنیک یا صنع الهی است که از قوانین قابل محاسبه ی عقلانی تبعیت می کند. پس کافی است با محاسبه و کشف این قوانین، مواد طبیعی را به گونه ای دیگر شکل بدهیم. شکل دادن های اجزای طبیعت بر مبنای قوانین خود طبیعت، تکنیک بشری است. زیرا در این شکل دادن و صورت پردازی مواد طبیعی، عقل بشری دخالت دارد و حاصل آن تکنولوژی یا هنر و صنعت آفرینش بشری است. در اینجا تکنولوژی بشری تابعی از تکنیک طبیعی یا صنع الهی است. بشر هرگز قادر نیست قانون طبیعت را نفی نموده و قانونی خودبنیاد یا بشری را جایگزین آن نماید. نهایت توانایی عقل بشر در این جهان آن است که از قوانین طبیعت تبعیت نموده پدیده هایی مشابه تکنیک طبیعی ابداع کند، بنابراین، تکنولوژی طبیعی نسبت به تکنولوژی مدرن یا بشری، اصالت دارد. تکنیک بشری فرع بر تکنیک الهی است. حال می توان این پرسش را طرح کرد که کمال تکنولوژی مدرن به چیست؟ گفته شد که کمال تکنولوژی به آن است که فلسفه ی تکنیک در مقام بهره برداری معطوف به فلسفه ی وجودی تکنیک در مقام ثبوت یا پیدایش باشد؛ یعنی بنیاد مابعدالطبیعی (تکنولوژی پیرو) باید همان بنیاد فلسفی باشد که (تکنولوژی پیشرو) بر آن بنیاد پایه ریزی شده است. حال که تکنیک بشری تابع و پیرو تکنیک طبیعی یا تکنیک الهی است، لاجرم کمال تکنولوژی بشری هنگامی تحقق می یابد که فلسفه ی وجودیش معطوف به بنیاد مابعدالطبیعی تکنولوژی الهی (طبیعت) باشد. پس کمال مصنوعات بشری در انسانی شدن نیست که در الهی شدن است. آن گاه که تکنیک بشری خداگونه شد، به کمال و غایت وجودی خود نزدیک شده است. ۲۰۴

عبدالعلی رضایی

حجت الاسلام رضایی مجری طرح پیوست فرهنگی هستند، پیشتر گفته شد امام خامنه ای به ضرورت پیوست فرهنگی در پروژه های صنعتی تصریح فرموده اند، ایشان در مصاحبه ای در پاسخ به دو سؤال درباره پیوست فرهنگی چنین پاسخ می دهند:

برخی معتقدند پیوست فرهنگی مانع پیشرفت تکنولوژی می شود و سرعت پیشرفت و توسعه را کاهش می دهد. نظر شما چیست؟ این موضوع را از دو زاویه می توانیم نگاه کنیم: اگر اصل را قرار دادن الگوی پیشرفت و توسعه موجود بدانیم، بله؛ مانع است. چون فرض پیوست فرهنگی این است که پیامدهای منفی یک پروژه یا یک تصمیم یا یک قانون را ملاحظه کند. از جهتی دیگر نه، اتفاقاً پیوست فرهنگی تسریع کننده استفاده از تکنولوژی است و موجب تقویت فرهنگی دینی خواهد شد. پیوست فرهنگی به عنوان یک مهره و اهرم مبدل عمل می کند که در عین استفاده از تکنولوژی و استفاده از اندیشه ها و دستاوردها، آن نقاط بحرانی پدیده را شناسایی می کند در نتیجه اگر پیوست فرهنگی بد تفسیر شود و فقط به عنوان یک تفسیر سلبی داشته باشیم، پیوست فرهنگی محل است. فرض استفاده از پیوست فرهنگی این است که استفاده از تجارب را تسریع بخشد. با حفظ ملاحظه ی آسیب ها، راه های جبرانی را وضع کند. به تعبیر دیگر پیوست فرهنگی یک نگاه تهذیبی دارد. آن کالا، پروژه، فکر یا تصمیم را مهذب می کند و بعد از تهذیب، یک نگاه تجویزی دارد و بعد از آن یک پیش برندگی ایجاد می کند. ۲۰۵

جامع امروز به گونه ای است که اندیشه در خدمت تکنولوژی است و به سمتی پیشرفته که تکنولوژی غربی تفوق دارد. به نظر شما برای استفاده مفید از تکنولوژی بدون آسیبی دیدن از مضرات احتمالی آن چه باید کرد؟ اگر ما فقط به فکر بازدارندگی باشیم، قطعاً این فرآیند شکست خورده است. یعنی ما فقط به شکل تدافعی عملی می کنیم. و اگر یک مجموعه یا نظام فقط در لاک دفاعی فرو رود، تحملش تمام خواهد شد. چون از خودش حرف ایجابی ندارد. اگر ما این سیاست یا استراتژی دفاعی را تبدیل نکنیم به استراتژی تهاجمی و قدرت فعال که ارزش ها و آرمانهای خودمان را تبدیل به قانون، ضابطه، برنامه و کالا و تکنولوژی، قطعاً به عنوان مصرف کننده باقی خواهیم ماند. پیوست فرهنگی فقط ناظر به بعد اول نیست و همزمان جلوی پیامدهای منفی را می گیرد. باید به دنبال تولید، احداث و تأسیس فرهنگ جدیدی در استفاده از تکنولوژی باشیم.^{۲۰۶}

اصغر طاهرزاده:

نظر رهبر انقلاب درباره صنعت تخریبگر مدرن:

یک وقت در شرایط تاریخی خاصی قرار داریم که زندگی تکنیکی تمام اطراف ما را اشغال کرده و همه ی میل های ما را به خود جلب نموده، در این صورت رهبر و مدیر جامعه اگر بخواهد جامعه را جلو ببرد باید جامعه سوار تکنولوژی موجود شود و فرمان آن را در دست بگیرد تا آرام آرام به نوعی از تکنولوژی نظر نمود که به جای تخریب طبیعت، تعامل با طبیعت را مد نظر قرار دهد. بنده بر اساس محکومات نظر رهبر انقلاب که می دانم مثل هر مسلمان حکیمی، طالب آن نوع تکنولوژی نیستند که طبیعت را تخریب کند و زندگی را از بستر طبیعی آن خارج کند، جایگاه سخنان ایشان را این طور می فهمم که در حال حاضر باید فرمان تکنولوژی را در دست گرفت ولی در نهایت باید از آن عبور کرد.

انتقال فرهنگ همراه با صنعت:

استاد اصغر طاهرزاده می نویسد :

هر تکنیکی با فرهنگ خاصی که همراه دارد، ظاهر می شود و هر جا پا می گذارد فرهنگ خاص خود را به همراه می آورد.^{۲۰۷}

استاد طاهرزاده می نویسد :

که اگر دل انسان ها از فضای تکنیکی فراری است، دست و پای او در قبضه ی فرهنگی است که تکنولوژی بر او تحمیل کرده است. حاصل این کشمکش ها تولد انسانی است که با همه تلاشی که صبح تا شام انجام می دهد، از همه چیز ناراضی است، حتی از قهقهه های مستانه ای که می زند تا از نارضایتی خود فرار کند.^{۲۰۸}

وقتی بنا است ما به تکنیک شکل دهیم، باید آن شکل دهی به صورتی باشد که با اندیشه‌ی الهی مطابق گردد تا هماهنگ با نظام الهی در خدمت ما باشد.^{۲۰۹}

در جای دیگری ایشان می نویسد :

مشکل این است که افراد باور ندارند که نه تنها «رسانه خود پیام است» و هر جا آمد فرهنگ خود را به همراه می‌آورد بلکه تکنیک هم یک فرهنگ است و هر جا آمد فرهنگ و نوع زندگی مخصوص به خود را نیز به همراه می‌آورد.^{۲۱۰}... تکنولوژی در ذات خود یک فرهنگ را به همراه می‌آورد و نباید آن را به عنوان یک ابزار صرف نگریست.^{۲۱۱} ... القانات شیطان در روح تکنولوژی بی‌تأثیر نیست، به همین جهت انسان غرب‌زده به‌جای ارتباط با طبیعت و تعامل با آن، برای اهداف و همتی خود با حرص و سرعت هر چه بیشتر به تخریب طبیعت دامن می‌زند.^{۲۱۲}

ابتدا تاریخ را طوری تفسیر کردند که تکامل بشری به معنی تکامل در ابزار تولید تلقی شد و تاریخ تمدن به عصر سنگ و مفرغ و مس و آهن و ... تقسیم شد، گفتند عصر حجر یعنی عصری که انسان ابزارش را از سنگ می‌ساخته و انسان عصر مفرغ، از او پیشرفته‌تر است، زیرا ابزار تولیدش از سنگ به مفرغ تکامل یافته. در این تحلیل بی‌پایه اولاً: هر ملتی هراندازه هم فرومایه باشد همین که ابزار تولیدش پیشرفته‌تر از ملت قبلی است، کامل‌تر است، حتی اگر آن ملت قوم لوط باشد با آن همه رذائل اخلاقی، و هر ملتی که ابزار تولیدش مربوط به گذشته است غیر کامل است، هر چند پیامبر خدا یعنی حضرت آدم باشد.^{۲۱۳}

آفرینش دوست یا دشمن:

استاد طاهر زاده می گوید :

آموزه‌های دینی با تربیت انسان متعادل و رشد همه جانبه، انسانی می‌سازد که در عین رشد عقلی و علمی، ابعاد قلبی و عاطفی او نیز رشد مناسب داشته باشد، تا در عین ساختن ابزارهای مورد نیاز با ابزارهای غول‌آسا روبه‌رو نشود و با توجه به منابع محدود طبیعت با مصرف بی‌رویه‌ی آن، طبیعت را - که بستر لطف خدا است- دچار بحران ننماید، اساساً با توجه به رویکرد درستی که انسان دینی نسبت به طبیعت دارد هرگز در صدد ساختن ماشین‌های ویران‌کننده‌ای نیست که نظم طبیعت را به کلی ویران کند. بلکه با شناخت ظرائف روح انسان و دقائق طبیعت، طوری عمل می‌کند که در عین جلو بردن انسان در علم و در عین استفاده از طبیعت، نه انسان‌ها یک بُعدی شوند و نه طبیعت تخریب گردد. وقتی نسبت به قدرت ماشین‌های غول‌آسا مغرور شدیم دیگر فکر نمی‌کنیم بر سر روان انسان‌ها و نظم محیط زیست چه می‌آید، تصور می‌کنیم با تکنولوژی برتر می‌توان خسارات وارده را جبران کرد. این مثل آن است که فکر کنیم با خراب کردن کلیه‌ی یک شخص، می‌توان دستگاه دیالیز به او بدهیم تا خسارت وارده جبران شود. غافل از آن که انسانی که مجبور است هر روز دیالیز کند دیگر از بستر زندگی طبیعی محروم شده است.^{۲۱۴}

۲۰۹ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۱۰۹

۲۱۰ همان ص ۵۵

۲۱۱ همان ص ۵۸

۲۱۲ همان ص ۶۰

۲۱۳ همان ص ۷۸

۲۱۴ طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، ۶۲ و ۶۳

وقتی انسان از رابطه تکوین با تشریح در عالم هستی غافل شد و گمان کرد نظام الهی نسبت به هر فکر و عملی بی تفاوت است، بدون رعایت هیچ محدودیتی به هر اقدامی دست می زند و تلاش می کند هر تصویری را که در خیال خود دارد در خارج از خیال صورت عملی بدان بپوشاند، تنها مانع عملی نشدن صورت های وهمی خود را نداشتن ابزار مناسب می داند و لذا اگر توانست ابزار مناسب آن را بسازد دیگر بدون هیچ فکری دست به اقدام می زند. با چنین روحیه ای ماشین های غول آسا و اسلحه های مخوف ساخته شد، تا به وسیله ی ماشین های غول آسا هر کار خواستند در تغییر نظام طبیعت انجام دهند و با اسلحه های مخوف هر ملتی را که خواستند نابود کنند. غافل از این که در اوج رسیدن به امیال خود، با سنن الهی روبه رو می شوند^{۲۱۵}... این که به راحتی هر ماشینی را می سازند و به عواقب زیست محیطی آن فکر نمی کنند و سعی می شود هر روز با اسلحه های مخوف تر ملت ها را مرعوب کنند، به جهت غفلت آنها از حضور سنن الهی در هستی است.^{۲۱۶}

اصغر طاهرزاده می گوید :

که تکنیک و ابزار ملت ها در گذشته با روح و جسم انسان ها هماهنگ بود، بیلی که با آن زمین را می کند ادامه دست او و در کنترل او بود، و به تعبیری تکنیک قدیم دست افزار انسان بود اما تکنیک جدید از حالت دست افزاری خارج شده بلکه بر انسان حکومت می کند، به همین جهت ویران گری در آن غلبه دارد، بیل و چکش لایه ی اُذن را از بین نمی برد چون تحت کنترل انسان است، ولی دود ناشی از تکنیک جدید تحت کنترل انسان نیست. تکنیک دنیای مدرن از انسان بریده است، ساختاری مستقل از انسان دارد و چون نامقدس است بی برکت می باشد.^{۲۱۷}

استاد طاهر زاده می نویسد:

یک مسلمان صاحب بصیرت، همه چیز را جلوه ای از حقایق آسمانی می بیند و آن ها را نماد مستقیم جهان معنوی می شناسد و بیشتر دوست دارد با اشیایی به سر برد که نماد آن جهان هستند، و نه اشیایی که مصنوعی و ساخت امیال بشر بریده از آسمان است، حتی روی زمین به ملائمت گام برمی دارد تا در عین انس با طبیعت، مزاحم محیط پیرامون خویش نگردد. قرآن در وصف بندگان واقعی خداوند می فرماید: (وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا...) یعنی؛ بندگان خدای رحمان چون بر زمین قدم می زنند آرام و متواضعانه قدم می زنند.^{۲۱۸}

سرعت یا حکمت:

وقتی سرعت به خودی خود هدف شد حکمت بی رنگ می شود و آن چیز که بشر را آرام می کند نه سرعت بیشتر است و نه داشتن دنیای بیشتر. تکنولوژی سرعت بیشتری را به بشر هدیه کرد ولی به همان اندازه آرامش و وقار و حکمت را از بشر ربود. رسول خدا می فرماید: «الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ التَّأْنِي مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ [مهجۀ البيضاء، ج ۵، ص ۶۰] عجله از شیطان است و تأنی و آرامش از طرف خداوند است.^{۲۱۹}

استاد طاهر زاده می گوید:

۲۱۵ طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۱۵۱

۲۱۶ همان ص ۱۵۳

۲۱۷ طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۱۰۷ و ۱۰۸

۲۱۸ طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم ص ۸۶

۲۱۹ طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۶۰

روح تکنولوژی آنچنان مغرور قدرت و سرعت است که هرگز از حکمت لازم در رسیدن به اهداف خود استفاده نمی‌کند. انسان‌ها در آن فرهنگ به این باور می‌رسند که اگر آنچه خواستیم بسازیم، خراب شد دوباره و با سرعت بیشتر آن را می‌سازیم و به همین جهت ضعف کارها در خراب کردن و دوباره ساختن پنهان می‌شود، گویا چیزها را می‌سازند تا خراب کنند و فرصت تفکر برای درست ساختن را از دست داده‌اند.^{۲۲۰}

سادگی :

استاد اصغر طاهرزاده در باب ساده بودن فن آوری می‌گوید:

ابزارها هرچه ساده‌تر باشد انسان کم‌تر مشغول آن خواهد شد، و راحت‌تر به هدف خود دست می‌یابد.^{۲۲۱} ... به ما آموخته‌اند سادگی، آسودگی آفرین و قدرت بخش‌ترین صفت است، چون انسان قدرتمند انسانی است که در اسارت نیازهای فراوان نباشد. تولید انبوه و مصرف زیاد، هم خسارات روحی به بار می‌آورد و هم محیط زیست را تخریب می‌کند، با توجه به این نکته اگر با نگاهی عالمانه به زندگی غربی بنگریم به جای حسرت از آن زندگی، عبرت نصیب ما می‌شود تا راهی را که آن‌ها رفتند نرویم.^{۲۲۲}

استاد طاهرزاده می‌گوید :

روحیه‌ی انبیاء الهی در رابطه با داشتن زندگی ساده و رعایت قناعت در مصرف، بدان جهت بود که متوجه قوانین طبیعت الهی بودند، و می‌دانستند اگر انسانی که با اندک تلاش می‌تواند مایحتاج طبیعی خود را به دست آورد، از مرز نیاز طبیعی پا را فراتر بگذارد، نه تنها مجبور است چندین برابر زندگی طبیعی تلاش کند، بلکه باید برای به دست آوردن مازاد بر نیازش به جنگ طبیعت برود و نیازهای وهمی خود را از حلقوم آن بیرون بکشد و برای این کار مجبور است تکنولوژی‌های غول‌آسا طراحی کند، به امید آن که بر طبیعت غلبه کند، غافل از آن که با روبه‌رو شدن با بحران محیط‌زیست از زندگی طبیعی اولیه خود نیز محروم می‌شود.^{۲۲۳} ... همچنان که فرمودند: «دَعُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ وَ هُوَ لَا يَشْعُرُ» [مجموعه ورام، ج ۱ بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۱۵۶]. دنیا را به اهل دنیا واگذارید، و هرکس از دنیا بیش از مقدار نیازش برداشت کند، ناخودآگاه دست به نابودی خود زده است.^{۲۲۴}

استاد اصغر طاهرزاده می‌گوید:

یک کوزه را با یک بلوک سیمانی مقایسه کنید، کوزه‌گر کوزه را چگونه ساخته است؟ اول با زبان فطرت خود به خاک رُس گفته است که ای خاک! تو چه چیزها می‌توانی بشوی؟ خاک هم با زبان تکوینی خود به او می‌گوید: من می‌توانم برای تو کوزه بشوم و لذا این خاک با دستان هنرمند کوزه‌گر به صورت کوزه خود را ظاهر کرد، در واقع کوزه‌گر خاک را سرکوب نکرد، بلکه برعکس؛

۲۲۰ همان ص ۶۰

۲۲۱ همان ص ۵۵

۲۲۲ همان ص ۶۵ و ۶۶

۲۲۳ همان ص ۶۴

۲۲۴ طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بیش توحیدی ، ص ۶۸

به انکشاف کشاند، لذا خاک توانست خودش را به صورت کوزه‌ای ظریف نشان دهد و عملاً با این نوع برخورد کوزه‌گر با خاک، رازی از رازهای خاک نمایان شد و آن کوزه یکی از نقطه‌های اُنس شما با طبیعت قرار گرفت. حال به من بگو که آیا تمام این وسایل موزه‌ها که شما با نگاه کردن به آن‌ها، به عالم آرامش منتقل می‌شوید، این‌ها وسایل زندگی مردم بود یا این‌ها را برای موزه‌ها ساخته بودند؟ آیا غیر از این است که این‌ها وسایل زندگی مردم بوده است و مردم با آن‌ها زندگی می‌کرده‌اند؟ ولی مردمی که با طبیعت تعامل کنند از خاک، کوزه می‌سازند، نه بلوک سیمانی. یعنی بشر حکیم، طبیعت را برای زندگی خود، به صورت‌های زیبایی که بتواند با آن زندگی کند و از طریق آن رازگشایی کند در می‌آورد. به همین جهت می‌بینید اکثر مردم قدیم، به یک معنی هنرمندند، چون در تعامل با طبیعت به دنبال رازگشایی از آن بوده‌اند و ما تمام وسایل زندگی بشر قدیم را به عنوان هنر در موزه‌ها می‌گذاریم. از خود بپرسید که چرا این قدر روی این کوزه وقت گذاشته‌اند؟ چرا این قدر روی چوب این تخت وقت صرف کرده‌اند؟ چه چیزی از این تکه چوب انتظار داشته‌اند؟ همه این‌ها به جهت آن است که می‌دانستند این چوب اسراری دارد که می‌شود آن اسرار را به انکشاف آورد، و طوری اسرار آن را ظاهر کرد که بتوان با آن مؤانست داشت. بشر حکیم می‌دانست که زندگی یعنی مؤانستی قدسی با همه پدیده‌های اطراف خود، تا از طریق آن مؤانست و ارتباط با باطن این پدیده‌ها، عقل و قلبش به سوی عالم معنی اوج بگیرد، به همین جهت از وسایل زندگی و خانه خود خسته نمی‌شدند، تا تصمیم بگیرند دائم آن‌ها را تغییر دهند، و به سوی ناکجاآباد و همی همواره همه‌چیز را عوض کنند. امروزه ساختمان خانه‌ها را ملاحظه بفرمایید که چگونه فضاها را با فشاری که بر روح ما می‌آورد گویا فریاد می‌زند که از ما بیرون بروید، چون آن ساختمان‌ها عامل انکشاف حقایق باطنی طبیعت نیست تا محل سکنی و آرامش باشد، بلکه بیشتر حاصل سرکوب طبیعت است^{۲۲۵}... حالا در مقابل کوزه، بلوک سیمانی را در نظر بگیرید که حاصل سلطه بشر بر طبیعت است و نه حاصل تعامل بشر با طبیعت. اولین کاری که بشر مدرن با نوع برداشت امثال فرانسیس بیکن از طبیعت، انجام داد این بود که طبیعت را میراند. شما تفاوت خاک را با سیمان در نظر بگیرید. شما وقتی که به خاک نگاه می‌کنید با وقتی که به سیمان نگاه می‌کنید یک حالت ندارید، چون خاک مَحْرَم جان ماست. ما با آن زندگی می‌کنیم، صورت و جلوه تدبیر خدای حکیم است، می‌توانیم با آن به عنوان یک موجود زنده اُنس بگیریم و عاشقه کنیم، در حالی که سیمان صورت مرگ است. بشری که همه طبیعت را مرده می‌داند، نمی‌فهمد طبیعت را کشته است چون از اول آن را مرده می‌دانست. خاک، صورت حیات است. بروید نگاه کنید که چگونه در کلاس‌های درس علوم، بشر را نسبت به فهم حیات طبیعت کور کردند. می‌گویند خاک که مرده است. حالا هر چه هم آن را حرارت می‌دهی، تغییری در حال آن ایجاد نمی‌شود. معتقدند مرده که مرده‌تر نمی‌شود. بعد شما می‌بینید طبیعتی که خاک آن تبدیل به سیمان شده، دیگر نمی‌تواند با شما ارتباط برقرار کند و زندگی در خانه‌های سیمانی، عرصه زندگی همراه با آرامش را بر ما تنگ می‌کند، بدون آن که علت آن را بدانیم^{۲۲۶}

استاد طاهر زاده می‌گوید:

انسان وقتی هدف خود را شناخت از وسایل در آن حدی که او را به اهدافش نزدیک کند به خوبی استفاده می‌کند، و دیگر موضوع بهترین یا بدترین وسیله مطرح نیست، بلکه وسیله خوب برای انسان آن وسیله‌ای است که او را در رسیدن به هدف یاری کند. در این جاست که اگر وسیله‌ای او را مشغول خودش کرد تصمیم می‌گیرد از آن وسیله فاصله بگیرد، دیگر به خود وسیله فکر نمی‌کند به هدف فکر می‌کند، در این صورت اگر به ما بگویند درست است که شما برای ساختن خانه با همین نوع آجر و کاشی می‌توانی خانه خود را بسازی، ولی آجر و کاشی بهتری هم هست،

۲۲۵ طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم، ص ۶۵ و ۶۶

۲۲۶ همان ص ۷۳ و ۷۴

شما می‌پرسید بهتر برای چه؟ اگر من می‌توانم با این آجر و کاشی به مقصد خود برسیم دیگر بهتر به چه معنی است؟ آری اگر مقصد من و شما داشتن بهترین کاشی و آجر است، باید دائماً به دنبال بهترین باشیم. ولی اگر مقصد ما ساختن خانه مناسبی است که بتوانیم در آن زندگی کنیم، دیگر بهترین معنی ندارد، بهترین همان است که من بتوانم از آن به مقصد خودم که چیزی بالاتر از داشتن بهترین ابزار است، برسیم. اما و صد اما اگر خدا گم شد، بهتر داشتن دنیا مقصد انسان می‌شود، اعم از بهتر داشتن خانه یا ماشین، چون خود بهتر داشتن مقصد است، اما نه خدایی که بهترین مقصد است. خاستگاه فکری و فرهنگی تکنولوژی موجود ریشه در بهتر داشتن ابزارها دارد و گرنه بسیاری از وسایل موجود زائد است و انسان‌ها را تبیل و زندگی‌ها را پیچیده کرده است. کمپانی‌های بزرگ تولید کننده وسایل زندگی متوجه چنین نقطه ضعفی در بشر بریده از خدا شده‌اند و لذا با انواع تغییرات و هم‌پسند به راحتی کالاهای خود را بر روح و روان مردم تحمیل می‌کنند و با ایجاد نیازهای کاذب زندگی بشر را تحت سیطره انواع تکنولوژی‌ها قرار داده‌اند. راستی اگر مشکل شما با این ظرف مرتفع می‌شود، به من و شما چه مربوط است که مُد جدیدی از این نوع ظرف در بازار آمده است.^{۲۲۷}

قناعت و نه به مصرف زدگی:

در جای دیگری دوباره استاد طاهرزاده می‌گوید:

به تعبیر قرآن روح اهل کفر روح افتخار بر اسراف است «يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ، سوره بلد، آیه ۶»؛ می‌گوید من مال زیادی را از بین می‌برم. و این نوع مصرف‌زدگی را شاخصه رشد نشان می‌دهند تا حیات تکنولوژی فزون‌خواه ادامه یابد، در حالی که شاخصه حیات دینی «قناعت» است و «سادگی»^{۲۲۸}... رسول خدا می‌فرماید: «اگر کسی برای غسل کردن بیش از یک صاع - حدود سه کیلو- آب مصرف کرد خلاف سنت من عمل کرده.»^{۲۲۸} [وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۸۲] از این روایت بر می‌آید که روح انسان موحد اجازه نمی‌دهد مصرف‌زدگی بر زندگی‌اش حاکم باشد، حال چه تولیدش بیش از مصرفش باشد و چه نباشد. چه در منطقه‌ای زندگی کند که دارای آب فراوان باشد و چه در منطقه خشک و کویری زندگی کند. مصرف زیاد روح را می‌میراند و انسان را گرفتار مصرف‌زدگی می‌کند، مضافاً این که طبیعت ظرفیت اسراف‌کاری در هیچ چیزی را ندارد (یک نوزاد متولد ایالت متحده؛ ۲ برابر نوزاد سوئدی، ۳ برابر نوزاد ایتالیایی، ۱۳ برابر نوزاد برزیلی، ۳۵ برابر نوزاد هندی، ۱۴۰ برابر نوزاد بنگلادشی و ۲۸۰ برابر نوزادی که در چاد، رواندا، هائیتی یا نپال متولد می‌شود، سربار محیط زیست است). (افسانه‌ی توسعه، اسوالدو دیورورو، ص ۹۰).^{۲۲۹}

علی لقمان پور:

ستادی به نام صافا^{۲۳۰} (صنعت ایرانی فرهنگ اسلامی) در وزارت صنایع حسب تاکیدات امام خامنه‌ای در دیدار مورخ ۹ فروردین ۸۹ و الزام ایشان به وزیر برای پیوست فرهنگی داشتن پروژه‌های صنعتی، در آبان ماه ۸۹ تاسیس شده است و برای آن اهداف خوبی نیز ترسیم شده است. حجت الاسلام علی لقمان پور مشاور فرهنگی وزیر صنایع و معادن و رییس ستاد صافا می‌گوید:

در قالب این طرح به دنبال دستیابی به الگوهای اسلامی در راه‌اندازی واحدهای صنعتی در داخل و خارج از کشور هستیم و در پی آنیم که نظر استادان حوزه‌های علمیه درباره چگونگی اجرای

۲۲۷ طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم، ص ۳۲

۲۲۸ همان، ص ۸۷

۲۲۹ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه پیش توحیدی ص ۸۸

۲۳۰ سایت ستاد صافا : <http://safa.mim.gov.ir>

پروژه‌های صنعتی و معدنی از منظر دینی و اسلامی را جمع‌آوری کنیم. در قالب طرح صافا می‌خواهیم رابطه دین و صنعت را تعریف کنیم و به شناختی عمیق از احکام فقهی در حوزه صنعت و معدن دست یابیم. با اجرای طرح صافا درصددیم تا رشته‌های جدیدی را در حوزه‌های علمیه برای شناخت رابطه دین با صنعت و معدن ایجاد کنیم و پایان‌نامه‌های حوزه‌های علمیه را به این سمت و سو سوق دهیم^{۲۳۱}...

وی همچنین در مصاحبه‌ای از ایجاد گرایش فقه و صنعت در دروس حوزه علمیه قم خبر داده است و می‌گوید:

در این مرکز با ارتباط خوبی که با حوزه علمیه قم برقرار کرده ایم به دنبال ایجاد مرکز تخصصی فقه و صنعت هستیم.^{۲۳۲}

که امیدواریم ان شاء الله این ستاد نیز در سوق دادن صنعت کشور به سمت یک صنعت اسلامی و الهی توفیقات روز افزون داشته باشد.

حجت الاسلام علی اکبر رشاد:

آیا فناوری دارای ماهیت است؟ آیا صنعت و تکنولوژی کفر و ایمان می‌شناسد؟ ملحد، سکولار و مؤمن دارد؟ شرقی، غربی دارد؟ من در اینجا بی‌آنکه در ورطه‌ی پاره‌ای افراط‌ها افتاده باشم، پاسخ به این پرسش‌ها مثبت است. برخی به افراط می‌گویند حتی یک تلفن هم اسلامی و غیراسلامی دارد، که من اینگونه اعتقاد ندارم، اما تردیدی نیست که در پس فناوری‌ها و تکنولوژی‌ها یک ایدئولوژی نهفته است. شما صنعت بلوک شرق سابق را با صنعت غرب مقایسه کنید و مختصات آنها را بسنجید، آیا این دو با هم تفاوت ندارند؟ ایدئولوژی خشن بلوک شرق در صنعت آن نیز بروز کرده و تأثیر گذاشته است، صنعت بلوک شرق ظرافت ندارد، ولی به عکس در تکنولوژی غربی ظرافت‌هایی دیده می‌شود. من اینجا در مقام تحسین و تقبیح نیستم، ولی می‌خواهم بگویم که چون فرهنگ در تکنولوژی تأثیر می‌گذارد و فناوری جزء فرهنگ نیست ولی نمود و نماد فرهنگ است، فرهنگ بر تکنولوژی تأثیر می‌گذارد، همان‌طور که بر معرفت تأثیر می‌گذارد و بر سطح زندگی ما تأثیر می‌گذارد. بخش عظیمی از فرهنگ در سبک زندگی بروز می‌کند. فناوری دارای ماهیت است، و در آن ایدئولوژی نهفته است. خواه‌ناخواه ایدئولوژی‌مند است و رسانه‌ی انقلابی - اسلامی، نیازمند به فناوری متناسب خود است و ابزارهای مناسب خود را می‌طلبد^{۲۳۳}.

۲۳۱ مصاحبه با حجت الاسلام لقمان پور رویت شده در مهر ۹۱

<http://www.gostaresonline.com/article-leading/۴۸۰۴-۶۴۸۰۴-۲۰۱۰-۱۱-۲۱-۴۶-۵۹.html>

۲۳۲ سایت وزارت صنایع و معادن، رویت شده در آبان ۹۱

<http://mimt.gov.ir/index.php?name=news&file=article&sid=44739>

۲۳۳ سایت شخصی حجت الاسلام رشاد:

<http://rashad.iict.ac.ir/index.aspx?siteid=17&fkeyid=&siteid=17&pageid=2949>

فصل سوم : امکان قرآنی شدن صنعت و فناوری

آیا قرآن کریم مشتمل بر مطالب مفید برای صنعت و فناوری هست؟

همچنین تا جایی که نگارنده حقیر مطلع است اولین شخصیت معاصری که خواستار پیگیری طرح بحث مبانی معرفتی اسلامی صنعت و فناوری شد و ضرورت آن را تحت عنوان کلید واژه ی فقه صنعت در عصر حاضر گوشزد نمود علامه محمد تقی جعفری بود^{۲۳۴}:

در حقیقت هیچ عملی - چه عضلانی و چه فکری، خواه طبیعی یا قرار دادی و خواه ارزشی و غیر ذلک - از بشر سر نمی‌زند، مگر این‌که مشمول قانون فراگیر الهی؛ یعنی فقه باشد، بنابراین فقه اسلامی شامل بخشهای زیر می‌شود: فقه عبادی، فقه احوال شخصیه، فقه معاملات و عقود و ایقاعات، فقه اخلاق، فقه عرفان، فقه سیاست، فقه صنعت، فقه ارتباطات بین الملل، فقه فرهنگ، فقه مدیریت، فقه جهاد و دفاع، فقه علوم، فقه اکتشافات، فقه آینده‌نگری فقه اطلاعات به آنچه که در دنیا می‌گذرد، و...

بعد ها برخی از دیگر محققین نیز به ضرورت تدوین فقه صنعت اشاره کردند. از جمله حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه در مصاحبه با هفته نامه صبح صادق درباره تحول در حوزه و دیدگاه امام خامنه ای می گوید^{۲۳۵}:

اکنون حوزه بیشتر در مباحث فقهی به مباحث متعارف فقهی طهارت تا دیات می پردازد، یعنی آنچه که امروز در شرح لمعه یا در شرایع وجود دارد در حالی که جامعه ما که حکومت دینی تشکیل داده به شدت نیازمند به عرصه های دیگر فقهی است، یعنی فقه توسعه، فقه صنعت، فقه تکنولوژی، فقه فرهنگ (که در درون فقه فرهنگ بحث های فقه موسیقی و امثال ذلک وجود دارد)، فقه پزشکی و... نیازهای ضروری جامعه امروز ما به شمار می آید. دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه الله) این است که وقتی که حوزه می خواهد پیرامون فقه کار پژوهشی، آموزشی و تبلیغی انجام دهد باید همه این عرصه های جدید را مد نظر قرار دهد فقط بحث متعارف طهارت تا دیات را نباید مورد توجه قرار دهد.

حجت الاسلام حجت الله بیات نیز در مجله مبلغان می نویسد^{۲۳۶} :

با توجه دقیق و همه جانبه به ارکان اعتقادی و احکام مکتب اسلام، این حقیقت اثبات می‌شود که ما در اسلام، فقهی که محدود و منحصر به بیان کیفیت و کمیت رابطه شخصی انسان با خدا، یعنی عبادات می‌باشد، نداریم؛ بلکه تمامی اعمال و شؤون حیات معقول انسانها در قلمرو فردی و اجتماعی - که یگانه عامل سعادت دنیوی و اخروی بشریت است - مشمول فقه به معنای حقیقی آن می‌باشد؛ بنابراین، فقه اسلامی شامل بخشهای زیر است: فقه ارتباطات بین الملل، فقه صنعت، فقه سیاست، فقه فرهنگ، فقه مدیریت، فقه جهاد و دفاع، فقه علوم، فقه اکتشافات، فقه مبارزه با ظلم و فساد، فقه تشویق و تحریک به

۲۳۴ جعفری محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۵، ص ۱۲۵ و فلسفه دین، ص ۱۸۸

۲۳۵ مصاحبه با حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه، هفته نامه صبح صادق شماره ۴۷۶، سال ۱۳۸۹، ص ۱۰

۲۳۶ مصاحبه با حجت الاسلام حجت الله بیات، مدیر رادیو معارف، مجله مبلغان شماره ۱۰۰، بهمن و اسفند ۸۶، ص ۱۴۱

بایستگیها، فقه مبارزه با ناشایستگیها، فقه آینده نگری، فقه تکنولوژی، فقه هنر، فقه رسانه، فقه تعلیم و تربیت، فقه اطلاع رسانی، فقه تبلیغات و فقه اطلاعات به آنچه در دنیا می‌گذرد و ...

اما در باب تخصصی شدن فقه دینی نیز بزرگانی چون آیت الله حائری یزدی در صد سال پیش^{۲۳۷} و شهید بزرگوار مرتضی مطهری^{۲۳۸} در حدود سه دهه پیش این ضرورت را مطرح کرده اند. درباره علت و ضرورت تخصصی شدن فقه شیعه همین بس که امروزه با توجه به گسترش عرصه نویسندگی و پژوهش به قدری درباره هر یک از ابواب و موضوعات زندگی سخن های گوناگون گفته شده است که یک نفر حتی فرصت نمی کند همه آن ها را بخواند چه این که بخواهد به همه شبهات موجود در همه موضوعات پاسخ گوید و بر بحث های باز شده تحت عناوین مختلف در موضوعات گوناگون اشراف داشته باشد و بتواند با قدرت تحلیل و بررسی و تطبیق احکام دینی حکم این عناوین را استخراج کند.

شهید مطهری در این باره میگوید^{۲۳۹}:

در وضع حاضر باید علماء و فقهاء این زمان، رشته های تخصصی بوجود آورند و مردم هم در تقلید، تبعیض کنند همان طوری که در رجوع به طیب تبعیض می کنند.

حجت الاسلام سید محمد مهدی میرباقری رئیس فرهنگستان علوم اسلامی نیز درباره ی ضرورت تعیین نسبت دین و فناوری می فرماید:

به طور طبیعی می بایستی اندیشمندان و متفکرین دنیای اسلام موضع خویش را با این تکنولوژی مدرن روشن کرده و توضیح دهند که آیا این تکنولوژی و ره آورد جدید بشری را به رسمیت می شناسند، یا خیر؟ آیا تعارض بین این تکنولوژی و فن آوری های جدید و دین وجود ندارد؟ و سؤالهای فراوان دیگری که پیش روی متفکرین دنیای اسلام است؛ که به ناچار می بایست به این سؤالها پاسخ روشنی بدهیم. البته معنی این که ما ناچار هستیم که نسبت خودمان و اسلام را با دنیای مدرن و از جمله تکنولوژی و فن آوری های مدرن ترسیم و روشن کنیم، فقط از این زاویه نیست؛ که این دنیای مدرن در حال جهان گشایی است و به جغرافیای دنیای اسلام هجوم آورده است؛ بلکه از این جهت است؛ که ما مدعی یک تمدن جدید هستیم؛ و در این تمدن جدید باید نسبت خودمان را با این محصولات بشری به روشنی تبیین کنیم. بنابراین تحلیل تکنولوژی مدرن و شناخت و تبیین نسبت آن با تمدنی که ما مدعی آن هستیم، یک ضرورت برای ما در مسیر دستیابی به تمدن جدید است. آیا تمدنی که ما مدعی آن هستیم همین فنون مورد استفاده ی بشر است و تنها مسیر استفاده ی آن تغییر می کند، یا این فنون و تکنیک های جدید، ابزار دست یابی به تمدن دینی

۲۳۷ زنجانی، احمد؛ الکلام یجبر الکلام، چاپ سوم، انتشارات حق بین، قم، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۲۴.

۲۳۸ مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، چاپ ششم، صدرا، تهران، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۲۰ و مطهری، مرتضی؛ ده گفتار، چاپ پنجم، صدرا، تهران، ۱۳۶۸، ص

۱۲۳

۲۳۹ مطهری، مرتضی؛ ده گفتار، چاپ پنجم، صدرا، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۲۵

نیستند؟ آیا می‌خواهیم، آنها را به طور کلی از عرصه‌ی حیات بشر حذف کنیم، یا می‌خواهیم از بین آنها متناسب با شرایط فرهنگی و اقلیمی خودمان گزینش کنیم و به طور کلی این تکنولوژی را در یک تکنولوژی جدید مُنحل و تبدیل کنیم؟ پاسخ به مجموعه این سؤالات نه از موضع ضعف بلکه به خاطر این رویکرد است، که ما مدّعی یک تمدن جدید هستیم و این تمدن جدید یکی از موضوعات جدّی‌ای که باید حلّ و فصل کند و از برخورد ابهام آمیز با آن اجتناب کند؛ همین مسأله‌ی تکنولوژی و فن‌آوری‌های مدرن است. بیش از این لازم به توضیح نیست که برای دست یابی به یک تمدن جدید ما نیاز به یک سلسله ساز و کارها و فن‌آوری‌ها داریم.^{۲۴۰}

فقه صنعت و فقه مسائل صنعتی خود به زودی باب جدیدی را در کتاب‌ها فقهی باز خواهد کرد و امروزه هم مسائل فقهی در صنعت و فناوری جدید کم نیست اما بحث خطوط اصلی و جهت‌گیری اصلی صنعت در قرآن کریم با فقه صنعت بحث متفاوتی است. به عنوان نمونه چند فتوای صنعتی حضرت امام خمینی در ادامه ذکر می‌شود:

اقوی آن است که ذبیحه‌ای که با ماشین‌های جدید ذبح می‌شود اگرچه تمام شرایط ذبح در آن جمع باشد حرام است، تا چه رسد به این‌که ذبح از قفا یا بدون استقبال قبله باشد. پس ذبح به وسیله ماشین‌ها میته و نجس است که خوردن آن‌ها و همچنین خریدن آن‌ها جایز نیست. و فروشنده ثمنی را که در مقابل آن گرفته است مالک نمی‌شود و او برای مشتری ضامن است.^{۲۴۱}

مسأله ۱۰- اگر با هواپیمایی که سرعتش بیشتر از حرکت زمین باشد سفر نماید و از شرق به غرب سیر نماید، پس ناگزیر آفتاب بر او از مغرب زمین - عکس طلوع آن برای اهل زمین - طلوع می‌کند، پس آیا اعتبار در نمازها به طلوع و غروب آفتاب نسبت به او می‌باشد - نه نسبت به اهل زمین - بنا بر این، مثلاً نماز صبح را قبل از طلوع خورشید از مغرب، که وقت غروب اهل زمین است می‌خواند و نماز مغرب و عشا را بعد از غروب آفتاب در افق شرقی می‌خواند، یا تابع زمین می‌باشد، که در وقت طلوع آفتاب از مغرب به اندازه چهار رکعت، مختص به نماز عصر است سپس بین ظهر و عصر تا ماندن وقت برای چهار رکعت به زوال، مشترک می‌باشد سپس اختصاص به ظهر پیدا می‌کند و نماز صبح را

۲۴۰ روزنامه کیهان 1389/2/6 و ۱۳/۰۲/۱۳۸۹، سایت باشگاه اندیشه:

<http://www.bashgah.net/fa/category/show/58376>

و سایت اندیشه ی قم :

<http://www.andisheqom.com/Files/kanoon.php?pgView=84&status=2&pgNumber=0>

بعد از غروب آفتاب که آن وقت، نسبت به اهل زمین بین الطلوعین است می‌خواند سپس بعد از آن وقت اختصاصی عشا سپس نماز مغرب و عشا و بعد از آن وقت اختصاصی نماز مغرب داخل می‌شود؟ در آن اشکال است، اگرچه بعید نیست که پیروی نمودن از اهل زمین لازم باشد پس در اوقات زمین نماز می‌خواند. مسأله ۱۱- اگر با قمر مصنوعی به خارج جاذبه زمین سفر نماید پس لامحاله در آن جا وزنی ندارد، بنا بر این اگر ایستادن بر سطح داخلی به طوری که پاهایش به سوی زمین باشد، ممکن باشد باید در حالی که جهت قبله را رعایت می‌کند نماز بخواند وگرنه به صورت معلق بین فضا نماز می‌خواند، پس اگر با این حال ممکن باشد که پاهایش به زمین باشد باید چنین نماز بخواند وگرنه به هر صورتی که برایش ممکن است و نماز در هیچ حالی ترک نمی‌شود. و در تمام احوال قبله یا طرف نزدیک‌تر به قبله را رعایت می‌کند. و با جهل به آن به چهار طرف نماز می‌خواند.^{۲۴۲}

مسأله ۱- نماز در هواپیماها با رعایت رو به قبله بودن جایز است. و اگر در حال رو به قبله بودن، داخل نماز شود پس هواپیما به راست یا چپ انحراف پیدا کند پس اگر نمازگزار بعد از سکوت از قرائت و ذکر، به طرف قبله برگردد نمازش صحیح است، اگرچه گردیدن او به طور تدریجی منتهی به این شود که مقابل طرف اول قرار بگیرد؛ و اما اگر پشت به قبله نماید سپس برگردد، نمازش باطل است. پس اگر در هواپیمایی که بر مکه یا کعبه مکرّمه می‌گذرد نماز بخواند باطل است؛ زیرا حفظ رو به قبله بودن ممکن نیست. و اما اگر در اطراف مکه پرواز می‌کند و نمازگزار به طور تدریجی صورتش را به طرف قبله قرار می‌دهد، نماز صحیح است. مسأله ۲- اگر سوار هواپیمایی شود، پس چهار فرسخ به طور عمودی پرواز نماید، نماز و روزه‌اش قصر می‌باشد. و اگر مثلاً دو فرسخ به طور عمودی پرواز کند آنگاه جاذبه زمین به طریق علمی لغو شود پس زمین دور بزند و هواپیما بدون این‌که دور بزند باقی بماند پس بعد از نصف دور مثلاً، به زمین برگردد نماز و روزه قصر نیست. مثلاً اگر فرض شود که هواپیما در بغداد است پس به طور عمودی پرواز نماید و در فضا بدون این‌که به تبع زمین دور بزند باقی بماند و بعد از چند ساعتی برگردد و محل برگشتن مثلاً لندن باشد، نمازش تمام است و مسافر نمی‌باشد.^{۲۴۳}

مسأله ۳- جواب سلام کسی که به واسطه رادیو سلام می‌دهد واجب نیست، ولی جواب کسی که با تلفن سلام داده واجب است. مسأله ۴- اگر آیه سجده را از مثل رادیو بشنود

۲۴۲ تحریر الوسیله (ترجمه فارسی) ج ۲ 671 و 672

۲۴۳ تحریر الوسیله (ترجمه فارسی) ج ۲ 667 و 668

پس اگر قرائت شخصی به طور مستقیم پخش می‌شود، سجده واجب است و اگر از ضبط صوت‌ها پخش می‌شود، واجب نیست. مسأله ۵- اذان و اقامه ساقط می‌شوند اگر از مثل رادیو بشنود به شرطی که به طور مستقیم پخش شوند. و اگر از ضبط صوت‌ها پخش شوند به شنیدن آن‌ها ساقط نمی‌شوند.^{۲۴۴}

بزرگانی همچون آیت الله جوادی آملی درباره دیدگاه اسلام درباره صنعت مطالب نابی را از قرآن کریم استنباط نموده اند، به عنوان مثال ایشان می‌نویسد^{۲۴۵} :

اصل فرایند صنعتی در حکومت اسلامی ممدوح و مورد ترغیب است... مهم ترین بهره درست از صنایع پیشرفته هر عصر، عبارت است از تامین نیازهای علمی و عملی مردم آن عصر. آنچه در قرآن یاد شد، جنبه «تمثیل» دارد نه «تعیین»؛ یعنی در قرآن، مثال بهره وری صحیح از صنعت بازگو شده نه آنکه استفاده درست از صنعت، منحصر در همین چند مورد (مثالهای ذکر شده از صنعت در قرآن کریم مانند کشتی و زره و ...) باشد... استفاده از تکنولوژی در تمام امور سازنده و سودمند رواست، ولی بهره برداری از آن در امور تخریبی، و تهاجمی، و سوزنده، و کشنده، و تباه کننده زمین، دریا، هوا، گیاهان، جانوران، انسان‌ها، مناطق معمور، و... هرگز روا نیست.

ایشان در جای دیگری چنین می‌فرماید^{۲۴۶} :

دین نه تنها تشویق به فراگیری علوم را عهده‌دار است، و انسان‌های مستعد را به تحصیل کمال‌های علمی ترغیب می‌نماید، بلکه علاوه بر آن خطوط کلی بسیاری از علوم را ارائه کرده و مبانی جامع بسیاری از دانش‌های تجربی، صنعتی، نظامی و مانند آن را تعلیم داده است.

خود استاد جوادی آملی در بعضی کتاب‌ها از آیات و روایات استفاده‌هایی در بحث اخلاق صنعتی داشته اند. مثلاً ایشان در یکی از کتاب‌های اخلاقیشان^{۲۴۷} می‌فرمایند:

مستحب است کسی که بر مرکبی سوار می‌شود بگوید: (سبحان الذی سخر لنا هذا وما كنا له مقرنین وإنا إلی ربنا لمنقلبون)^۱، چنانکه نقل شده است: امام صادق (علیه السلام) هرگاه بر مرکب سوار می‌شدند ابتدا آیه (سبحان الذی...) را تلاوت و سپس هر یک از تسبیح، تحمید و تهلیل را هفت بار تکرار می‌کردند^۲. گرچه این آیه در مورد سوار شدن بر چهار پایان است ولی اختصاصی به آنها ندارد و شامل اتومبیل، کشتی، ترن، هواپیما و سفینه نیز

۲۴۴ تحریر الوسیله (ترجمه فارسی) ج 2 665

۲۴۵ جوادی آملی، عبدالله؛ ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، چاپ هفتم، نشر اسراء، قم ۱۳۸۷، ص ۱۱۳

۲۴۶ جوادی آملی، عبدالله؛ شریعت در آینه معرفت - صفحه ۹۶

۲۴۷ جوادی آملی، عبدالله؛ مراحل اخلاق در قرآن - صفحه ۳۱۴

می‌شود.

ایشان در یکی از گفتارهای خود لزوم هماهنگی صنعت با فطرت را یادآور می‌شوند و خطرات غفلت صنعتی از فطرت را چنین گوشزد می‌

فرمایند^{۲۴۸}:

آنچه توجه به آن لازم و سودمند است این است که با پیشرفت تکنولوژی و عرضه کالاهای صنعتی به بازار فرهنگ و مصرف، توجه علمی و انعطاف عملی جامعه بسوی موجودهای بی‌شماری است که ترکیب و تکثیر آنها مانع تحقق وحدت آنها خواهد بود و چیزی که فاقد وحدت حقیقی باشد، واجد وجود حقیقی نخواهد بود و چیزی که وجود حقیقی نداشت از محور علت و معلول بیرون بوده و طرح ساختار نظام‌مند فاعلی و غایی درباره آنها روا نیست، البته اجزای اصلی آنها واحد حقیقی و موجود واقعی‌اند، لیکن آنها از منظر اصحاب صنعت دورند. جامعه‌ای که در تمام شئون صعود و هبوط خود با همین وسائل صنعتی فاقد هویت به سر می‌برد و هیچ‌گونه آثار وحدت حقیقی، معلولیت، مخلوقیت و سنت الهی را در متن چنین صنعتی مشاهده نمی‌کند، متدرجاً از شهود سنت الهی محروم و از ادراک وحدت، هستی، معلولیت و مخلوقیت و در نتیجه از نگاه به نظام فاعلی و غایی محجوب خواهد بود. انس مستمر به حیات صنعتی نه تنها اشتغال به طبیعت را به همراه دارد بلکه اعراض از فراطبیعی لازمه چنین اشتغال گسترده به طبیعت است، و حتی بالاتر موجب بینش صنعتی و تکنولوژیکی و ماشینی به انسان خواهد بود، قهراً حیات انسان از منظر مبتلایان به انغمار در صنعت و از دیدگاه لاهیان به طبیعت همان حیات یک موجود صناعی خواهد بود و روشن است که هیچ خبری از فطرت در موجود صنعتی نیست و هیچ اثری از آن در موجود ماشینی وجود ندارد. ابتلای به صنعت از جهات فراوان نیازمند به بازنگری و ضبط جهات دیگر است، وگرنه از جهت معرفت‌شناسی نیز آسیب خاص خود را رسانده و می‌رساند؛ زیرا در چهار سوق صنعت هرگز سخن از خارج محمول و جنس و فصل و لازم ذات، و ذاتی باب ایساغوجی و ذاتی باب برهان و قضیه حقیقیه و ضرورت ذاتی محمول برای موضوع و مانند آن نخواهد بود، مگر به لحاظ اجزای واحد صنعتی که موجودی طبیعی است و دارای خواص ذاتی و عرض است، لیکن آثار جزئی آن اجزا محسوس نبوده و محسوب نخواهد شد و تفصیل این بحث را می‌توان، در معرفت‌شناسی در قرآن یافت.

ایشان در کتاب دیگری باز هم بحث ارتباط نزاهت روحی و تکنولوژی را طرح فرموده و می‌نویسند:

اسلام در تمام شئون زندگی بشر قانون سازنده دارد، به طوری که رفاه طبیعی را در کنار فضیلت فراطبیعی طرح می‌کند و فنون بهره‌وری از مزایای تکنولوژی را در جوار نزاهت روحی لازم می‌داند.^{۲۴۹}

۲۴۸ جواد آملی، عبدالله؛ فطرت در قرآن - صفحه ۵۲ و ۵۳

۲۴۹ جواد آملی، عبدالله؛ سروش هدایت جلد ۴ صفحه ۹۸ و ۹۹

آیت الله جوادی آملی معتقدند اصول و خطمشی صنایع باید از علوم عقلی به دست آید ایشان در این باره چنین می نویسند^{۲۵۰}:

گرچه میان علوم عقلی با پرورش و شکوفایی علوم تجربی ارتباط تنگاتنگ نیست، علوم نظری، خط مشی و اصول کلی علوم تجربی را تعیین می کنند و علوم عقلی، جنبه راهنما و هدایت گری برای علوم تجربی دارند؛ مثلاً علوم عقلی و معارف دینی به ما می آموزند که به جای سلاح تخریبی و تهاجمی، سلاح دفاعی بسازیم، چنان که قرآن کریم الگوی آن را در داستان حضرت داود پیامبر (علیه السلام) برای مسلمانان ارائه می کند: (وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ) [سوره انبیاء، آیه ۸۰]؛ برای شما زره بافی را به او (داود) آموختیم تا از (گزند) جنگتان ننگه دارد؛ نه اینکه از آن سلاح سرد بسازد تا عامل تخریب و کشتار گردد. شبیه آنچه در روایات آمده که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: آیا اجازه داریم به دو طرف متخاصم که هردو کافرند سلاح بفروشیم؟ امام فرمود: به هر دو طرف بفروشید، آن هم سلاح دفاعی؛ مانند زره و سپر؛ نه سلاح تهاجمی؛ مانند شمشیر، تیر و نیزه. بر این اساس، سهم معارف الهی و نظری این است که صنعت قهّار را مهار می کند و این عالی ترین نوع ترقّی جوامع انسانی است. توحّش جنگجویان و غارتگران اتمی را نمی توان تمدن نامید، زیرا نتیجه پیشرفت و ثمره ارتقای اجتماعی، ایجاد آرامش و امنیت و کاهش اضطراب و ناامنی است، در حالی که امروز در کشورهای غربی ایجاد اضطراب فکری و اعتقادی و ناهنجاری های اخلاقی را پیشرفت جوامع بشری می نامند.

ایشان در جای دیگری تبیین حقوق و اخلاق در صنعت را نیز از شوون قوانین دینی و اسلامی می دانند و می نویسند^{۲۵۱}:

قوانین اسلامی و مسئولان نظام دینی، عهده دار تبیین، تدوین و اجرای رشد حقوقی داخلی و بین المللی می باشند؛ زیرا جامعه انسانی هر چند در شوون گوناگون اقتصاد مترقی باشد و هر چند در امور متنوع صنعت کارآمد باشد، مادامی که از قوانین حقوقی کامل و متقابل آگاه نبوده و به آن معتقد نشده، در عمل به آنها متعهد نباشد، هرگز کامیاب نخواهد شد چون همان سلاحهای اقتصادی و صنعتی بدون صلاح حقوقی و اخلاقی، زمینه تباهی را فراهم می کند و جریان جنگ جهانی اول و دوم و تهاجمهای موضعی بعد از آنها که باعث شد همواره زورمداران در موضع تخریب قرار گرفته و محرومان در موضع انزوا و قتل و غارت واقع شوند، گواه بر آن است.

ایشان همچنین تلاش دانشمندان برای استخراج مطالب عمیق علوم تجربی در قرآن کریم را لازم می داند و می نویسند:

همان طور که فطاحل و فحول علمی حوزه های دینی از جمله (وما کُنَّا مُعَدِّينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا) [سوره عنکبوت، آیه ۲۰]. مطالب عمیق اصول فقه را استنباط می کنند و با اثاره

۲۵۰ جوادی آملی، عبدالله؛ جامعه در قرآن - صفحه ۴۵۵ و ۴۵۶

۲۵۱ جوادی آملی، عبدالله؛ اسلام و محیط زیست - صفحه ۵۵

دفائن عقلی آنها را از متن آیه استخراج می‌کنند، از آیات کیهان‌شناسی، دریا شناسی، زمین شناسی و... نیز می‌توان با اِثاره دفائن عقلی، مطالب عمیق فنون یاد شده را استنباط کرد و سؤالهای تولید شده را بر آیات دیگری یا روایات معتبر معروض داشت و پاسخ طمأنینه بخش را از مجموع آنها استظهار کرد و سهم دین را در علوم انسانی خلاصه نکرد و علم و دین را مقابل هم قرار نداد.^{۲۵۲}

متأسفانه در حال حاضر بسیاری از صنایع کشور از صنایع غربی که در آنها انواع جهالت‌ها مشاهده می‌شود الگوبرداری شده‌اند و بسیاری از افراد جامعه به کاربرد این صنایع عادت کرده‌اند و تصفیه‌ی صنایع کشور یک از نکاتی است که ضرورت انجام این پژوهش را گوشزد می‌کند. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی ثبت‌الله قلبه علی دینه می‌نویسد:

مردم جهان باید به این حد از رشد اجتماعی برسند که بفهمند پیشرفت تکنولوژی الزاماً به مفهوم پیشرفت بشریت و تأمین خوشبختی انسانها نیست؛ بلکه تکنولوژی پیشرفته تنها در صورتی ضامن نیکبختی و سعادت است که زیر چتر یک سلسله اصول معنوی و انسانی استقرار یابد و آلا- همان گونه که بارها دیده‌ایم- بلا آفرین خواهد بود و مایه ویرانگری است. مردم جهان باید دریابند صنایع اگر به صورت بتی در آیند برحجم مشکلات کنونی افزوده خواهد شد و به ابعاد ویرانی و ضایعات جنگها وسعت می‌بخشد؛ بلکه باید به شکل ابزاری در آیند تحت کنترل انسانهای شایسته.^{۲۵۳} قیام یک مصلح بزرگ برای استقرار عدل و آزادی در سراسر جهان هیچ گاه سبب نمی‌شود که جنبش صنعتی و ماشینی در شکل سالم و مفیدش بر چیده یا متوقف شود... ولی شک نیست این جنبش صنعتی و تکامل تکنولوژی الزاماً باید از یک صافی دقیق بگذرد تا جنبه‌های ناسالم و زیانبخش آن حذف گردد، و سرانجام در مسیر منافع انسانها و صلح و عدالت بسیج شود؛ یک حکومت طرفدار حق و عدالت این کار را حتماً خواهد کرد.^{۲۵۴}

استاد اصغر طاهرزاده درباره راه حل مشکل صنایع و فناوری های این عصر می گوید:

باید زندگی انسان‌ها نظر و نسبتی با حق و حقیقت پیدا کند تا بحران‌ها به تعادل تبدیل شود و «عقل‌هدایت»، عنان عقل تکنیکی را در دست بگیرد و با علم به اعیان‌اشیاء، در طبیعت تصرف کند و اصالت را به عالم غیب بدهد و عالم شهادت را تابع آن بداند و گرنه بحران‌ها همچنان ادامه خواهد یافت.^{۲۵۵}

ایشان در جای دیگری درباب ضرورت تصفیه تکنولوژی می‌گوید:

۲۵۲ تسنیم، جلد ۹ صفحه ۵۵۷-۵۵۸

۲۵۳ مکارم شیرازی ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۱۴ و ۲۱۵

۲۵۴ مکارم شیرازی ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۴۳ و ۲۴۴

۲۵۵ طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم ص ۷۶

باید غفلت نکنیم که هر تکنولوژی بر اساس فرهنگ و هدفی خاص ساخته شده و در هر جا آورده شود ناخودآگاه روح خود را نیز با خود می‌آورد... اگر از روح حاکم بر تکنولوژی غافل شویم و بدون هیچ‌گزینه‌ش و کنترلی تسلیم آن گردیم از اسلام و حکومت اسلامی جز پوسته‌ای بی‌روح نخواهد ماند و زحماتی که در پدیدآوردن نظام اسلامی صرف شده با ناکامی همراه خواهد شد. که از وقوع آن به خدا پناه می‌بریم.^{۲۵۶}

در جای دیگری باز هم به نفوذ فرهنگ از طریق صنعت و تکنولوژی اشاره می‌کنند:

اگر کسی تکنولوژی را امری خنثی تلقی کند به بدترین صورت تسلیم آن خواهد شد.^{۲۵۷}

بحث اشتمال قرآن کریم بر همه ی علوم

۱) وجود محتوای مرتبط با صنعت و فناوری در قرآن

قرآن کریم کتاب هدایت بشر به راه حقیقی رسیدن به کمال فردی و اجتماعیست. شکی نیست که خدای متعال که خود خالق و طراح نظام خلقت است بهتر از هر کس بر ربوبیت انسان‌ها در این عالم و تامین مقصود خود از خلقت آنها تواناست. از همین باب قرآن کریم که آخرین کتاب نازل شده از جانب خدای متعال است باید برای صنایع آخرالزمانی هم حرف‌های بدیع و عمیق و حکیمانه‌ای در خود جای داده باشد که به زودی خواهیم دید که حقا چنین است. قرآن کریم در باب مصادیق فن آوری‌هایی چون کشتی و زره و قصر و ... چنان ظرائفی را بیان کرده است که شکی نیست چراغ راه فروزانی برای هر صنعتگر مسلمانی خواهد بود. علامه طباطبایی رحمه الله می‌نویسند:

فللقرآن اصطکاک مع جميع العلوم و الصناعات المتعلقة بأطراف الحياة الإنسانية و من الواضح اللاتح من خلال آیاته النادرة إلى التدبر و التفكير و التذكر و التعقل أنه یحث حثا بالغا علی تعاطی العلم و رفض الجهل فی جميع ما یتعلق بالسماویات و الأرضیات و النبات و الحيوان و الإنسان، من أجزاء عالمنا و ما وراءه من الملائكة و الشیاطین و اللوح و القلم و غیر ذلك لیكون ذریعة إلى معرفة الله سبحانه، و ما یتعلق نحوها من التعلق بسعادة الحياة الإنسانية الاجتماعية من الأخلاق و الشرائع و الحقوق و أحكام الاجتماع.^{۲۵۸}

علامه با تعبیر دقیق اصطکاک قرآن کریم با علوم و صنایع بشری، قرآن کریم را همچون سوهانی می‌دانند که در صورت ورود در زندگی انسان‌ها و نظام علمی جامعه با تراشکاری، انحرافات و زبری‌های علوم و صنایع را در همه جا صیقل می‌زند و به حقیقت یهدی‌للتی‌هی‌اقوم و جامعه را به سمت هدایت قویم الهی می‌کشاند.

حجت الاسلام عبدالعلی رضایی می‌نویسد^{۲۵۹}:

۲۵۶ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۸۹ و ۹۰

۲۵۷ همان ص ۹۹

^{۲۵۸} المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۷۱ و ۲۷۲

^{۲۵۹} رضایی عبدالعلی؛ تحلیل ماهیت تکنولوژی، ص ۳۰۶

اگر قرآن سخن از "ولا رطب و لا يابس الا في كتاب مبين" می فرماید و به جامعیت احکام، اعتقادات و معارف الهی اشاره می کند؛ نمی توان تصور کرد که این جامعیت، جدا از ظرف تاریخ و صرفاً برای مقطعی خاص (همچون زمان نزول وحی و مخاطب میان عبد و معبود) معنا پیدا می کند. اصولاً با توجه به خاتم بودن دین اسلام و بسته شدن باب وحی، این استدلال تقویت می شود؛ که احکام اسلام باید برای تمام زمان ها و شرایط اجتماعی، از قابلیت لازم برای انطباق برخوردار باشد.

اشتمال قرآن کریم بر همه ی علوم

فهم انحرافی از اشتمال قرآن کریم به بر همه ی صنایع و فنون و فرمولها :

بعضی متأسفانه چنین می پندارند که علوم تجربی کشف شده عین حق و حقیقت بوده است و لذا اگر قرآن کریم تبیان لکل شیء است و همه چیز در آن بیان شده است باید شامل این فرمولها هم باشد. آیت الله مصباح یزدی درباره ی این دیدگاه انحرافی می فرماید:

برخی که آشنایی کافی با قرآن نداشته یا تحت تأثیر موج‌هایی از فرهنگ‌های بیگانه واقع شده بوده‌اند، بی [هیچ] حجتی، تلاش کرده‌اند تا بسیاری از مسائل را به قرآن نسبت دهند یا برای کشف پاره‌ای از مسائل علمی، از آیات قرآن کمک بگیرند و یا ادعا کرده‌اند که همه چیز و هرچیز را می‌توان از قرآن بیرون کشید و حتی گفته‌اند که غربی‌ها صنعت‌ها را از قرآن استنباط کرده‌اند! نمونه این کژاندیشی را می‌توان در تفسیر طنطاوی دید. او در زمانه‌ای می‌زیست که علوم غربی، تازه به مصر راه یافته و فرهنگ اروپایی بر افکار مسلمانان سیطره پیدا کرده بود و او به گمان خود برای آن‌که مسلمانان را از فریفتگی در برابر فرهنگ غربی بازدارد، در کتاب جواهر القرآن کوشید تا بسیاری از مسائل علمی را با آیات قرآنی تطبیق دهد! شاید اگر از وی پرسیده می‌شد که آیا فرمول بمب اتمی را هم می‌توان در قرآن کشف کرد، بی‌میل نبود که بگوید: آری! ... ۲۶۰

درباره اینکه آیا قرآن کریم مشتمل بر همه ی فرمولهای عالم آفرینش است یا نه می‌توان به این حد برای این رساله اکتفا کرد که اولاً باید از شخص سؤال‌کننده پرسید برای چه کسی؟ به هر حال هر شخصی باید حیطه و محدوده ی علمی خود را بشناسد و نباید کسانی که می‌دانند را با کسانی که نمی‌دانند مساوی فرض کرد، اهل بیتی که خزان علم الهی اند کجا و بشر قلیل العلم کجا، بر مبنای روایات سؤالی نیست که ائمه ی معصومین به پاسخ آن آگاه نباشند اما نکته اینجاست که آیا این پاسخ نفعی هم به حال سؤال‌کننده و جامعه دارد یا نه؟ مثلاً علم سحر و علوم دیگری که علوم غیر نافع نامیده شده‌اند نیز به هر حال راه‌هایی هستند که در نظام آفرینش پیش‌بینی شده‌اند اما راه‌های گمراهی هستند نه هدایت، صنایع نیز از این بحث خارج نیستند یعنی بسیاری از صنایع فعلی مانند همان صنعت ساخت بمب اتم که آیت الله مصباح اشاره نموده اند جزو صنایع باطل و فاسد هستند و مصداق سبیل غی حساب می‌شوند لذا ائمه ی معصومین نیز چون هیچ‌گاه به سمت ضلالت و غی راهنمایی نمی‌کنند به این سؤالات پاسخ نخواهند داد. از طرفی خود غربی‌ها هم ادعایی برای منطبق بود تجربیاتشان یا همان چیزی که سایش نامیده اند بر حق ندارند و اصولاً بحث از عدم قطعیت و ظنی بودن این نتایج برایشان مشخص است. اساس و پایه

ی فرمولهای تجربی بر استقراء استوار است و استقراء نیز از مصادیق تخمین و خرص و حدس و گمان است و کسی نیست که استقراء را به عنوان حق و حقیقت و علم اصیل معرفی کند و لذا اولاً سنخ علمی که در قرآن آمده است با این علوم تجربی متفاوت است. مثل نتایج علوم تجربی مثل نتایج ذهن کوری است که با عصا زدن و استقراء و تعمیم در مورد اشیاء اطرافش قضاوت می‌کند و چون دو بار عصایش به جسم سختی بر می‌خورد فوراً با استقراء و تعمیم و تخمین تصور می‌کند که بین این دو دیواری است و خطی سخت. در حالی که مثل علم اهل بیت و قرآن کریم مثل نور است که حق را روشن و مبین می‌کند و باید گفت نور کجا و نتایج نقطه‌ای عصا بر در و دیوار عالم کوبیدن کجا؟ این‌ها حاضرند برای آنکه نور متجلی خدای تبارک و تعالی در عالم را انکار کنند خفاش گونه چشم‌ها را در سراسر عمر ببندند و فقط به عصا و صدا حرکت کنند و از تخمین و ظن پیروی کنند.

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ ۚ ۲۶۱

وَ أَمَّا تَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۲۶۲

البته همان‌گونه که گفته شد در صدر و ذیل این رساله حرفی از فرمولهای فنی و مهندسی و طبیعی نیست و ما صرفاً پیگیر معارف ارزشی صنعت و فناوری اسلامی بر مبنای قرآن کریم هستیم و اگر انسان برای ساخت صنعت حق قیام کند و لله دست به مواد آفرینش ببرد آنگاه آیه ی و اصنع الفلک باعیننا و وحینا شامل حالش می‌شود و خداوند خود در مسیر ساخت او را هدایت می‌کند. مثل چنین انسانی مثل موسی است که وقتی قوم بنی اسرائیل به او نا امیدانه گفتند برای ما در فرار از حکومت فرعونی راهی نیست فرمود: آن معی ربی سیه‌دین... بله در عالم فرمولهایی هست برای اینکه از دل کوه ناهه بیرون بیاید و یا عرش ملکه ی سبا از بلادی به بلاد دیگر منتقل شود و یا سلیمان نبی علی نبینا و آله والسلم بر باد سوار شود و طی الارض نماید و این فرمولها دست یافتنی است اما راه آن عصا زدن نیست راهش آدم شدن و عبد الله شدن و پیروی از کونوا ربانین بما کنتم تعلقون الكتاب و بما کنتم تدرسون و همچنین کریمه ی و اتقوا الله و یعلمکم الله است و اگر چنین شد از ابزارهای عالم عصایی برای موسای کلیم کافیت تا دریایی را بشکافد و خاتمی برای سلیمان نبی کافیت تا عالمی را فرمانروایی کند...

عموماً برای اثبات اشتغال قرآن کریم بر همه ی علوم به آیه ی شریفه ی زیر استشهد می‌شود:

وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيداً عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ؛ ۲۶۳

و به یاد آور روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیختیم و تو را هم بر اینان گواه آوردیم و این کتاب را تبیان هر چیز بر تو نازل کردیم و برای مسلمانان هدایت و رحمت و بشارتی است.

نکته ی دیگر اینکه تبیان اصول وسیله ایست که بینونت ایجاد می‌کند یعنی بین حق و باطل افتراق ایجاد می‌کند و از سیاق آیه هم بر می‌آید که قرآن وسیله‌ای است که پیامبر اکرم در قیامت با آن هر فعلی را به یکی از دسته های حق یا باطل مرتبط می‌کند و در واقع معنای تبیان نزدیک به فرقان است که با آن مجرمین از مؤمنین افتراق می‌یابند. و اینکه قرآن تبیان کل شیء است یعنی هر چه به قرآن کریم عرضه شود

^{۲۶۱}الرعد ۱۶

^{۲۶۲}فصلت ۱۷

^{۲۶۳}نحل، آیه ۸۹.

این کتاب توان تشخیص باطل یا حق بودن آن گزاره یا فعل را دارد و لذا ابزار دست نبی اکرم برای قضاوت در روز قیامت است که سیاق نیز همین معنا را تأیید می‌کند.

اشاره به مسائل صنعتی در قرآن کریم

در قرآن کریم اشاره به مسائل صنعتی کم نیست، طبق آماری که از آیات صنعتی گرفته شده است. -- آیه به صنایع اعجازی، -- آیه به صنایع غیر اعجازی، -- آیه راهبردها و راهکارهای صنعتی ارائه شده است و در -- آیه به مصنوعات فناورانه اشاره شده است.

قرآن کریم و یگانه‌ی پایه ساز برای تمدن اسلامی و صنعت و فناوری اسلامی

علامه طباطبایی قرآن کریم را جامع همه‌ی زمینه‌های معرفت بشری می‌داند و تحدی قرآن را که اثبات اعجاز آن است نشانه‌ی این می‌داند که قرآن برای هر انسانی در هر علمی که دارد نکاتی ارائه می‌کند که آن شخص از فهم این نکات عاجز است، یعنی نکات صنعتی‌ای که در قرآن کریم آمده است نکاتی است که برترین اهل صنعت از کشف آن‌ها عاجزند.

قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا^{۲۶۴}؛

بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند. ایشان درباره‌ی این آیه شریفه می‌نویسد:

قرآن در این آیه، همگان اعم از جن و انس را به همانندآوری فراخوانده، و علاوه بر بلاغت و اسلوب، به دیگر ویژگی‌های قرآن اعم از معارف حقیقی، اخلاق فاضله، احکام و قوانین، خبرهای غیبی، و علوم و معارف نامکشوف و غیر آن تحدی نموده است. عمومیت تحدی قرآن کریم، نسبت به جن و انس در صورتی معنا دارد که دایره‌اش تمام اوصاف و ویژگی‌ها و زمینه‌هایی را که امکان تفاضل و سبقت‌جویی در آن‌ها وجود دارد، دربرگیرد. بر این اساس، قرآن برای فرد بلیغ و سخنور در بلاغت، و برای حکیم در حکمتش، و برای عالم در علمش، و برای عالم علوم اجتماعی در تخصص خاص خودش، و برای قانون‌گذاران در قانون‌گذاری‌شان، و برای اهل سیاست در سیاستشان، و برای حاکمان در حکومتشان، و برای تمام جهانیان در آنچه به صورت همگانی بدان دست نمی‌توانند یافت، معجزه است و کسی مانند آن را نمی‌تواند بیاورد. بنابر این قرآن در تمام زمینه‌های معرفت بشری، تحدی می‌کند و عام بودن این تحدی اثبات‌کننده‌ی اعجاز قرآن در تمام جهات یاد شده است و این امر دلالت دارد که جامعیت قرآن شامل همه‌ی زمینه‌های معرفتی بشر می‌شود.^{۲۶۵}

دکتر حمید آریان نیز این بیان ایشان را بیانگر این می‌داند که در قرآن کریم اصول و کلیات تمام علوم آمده است:

از این بیان علامه استفاده می‌شود که قرآن از جهت علمی معجزه بوده و مشتمل بر علوم گوناگونی است که فوق همانندآوری است، و در نتیجه جامع آن علوم مختلف است؛ زیرا، مراد ایشان از علم و معرفت، نوع خاصی از معرفت، همانند معرفت تجربی نیست، بلکه

معرفت را به صورت مطلق مطرح کرده که شاخه‌های مختلف دانش را دربرمی‌گیرد. از سوی دیگر، با فرض اشتغال قرآن بر کلیات تعالیم اسلام و هر آنچه به نحوی با فعل و عمل آدمی ارتباط دارد، و مصونیت آن از همانندآوری و تغییر و تحول و تکامل، باید این کتاب حداقل جامع اصول و کلیات تمام علوم باشد که با عمل انسان ربط پیدا می‌کنند.^{۲۶۶}

برخی^{۲۶۷} از قرآن پژوهان نیز در موضوع اعجاز در محتوا و اشتغال آن بر علوم فراوان به آیه ۴۹ قصص استناد کرده اند که تحدی به همانند آوری در باب هدایت می‌کند:

قل فأتوا بكتاب من عندالله هو اهدى منهما اتبعه ان كنتم صادقين؛^{۲۶۸}

بگو پس کتابی از جانب خداوند بیاورید که از این دو (کتاب) هدایت کننده تر باشد تا اگر راست‌گو بودید پیرویش کنم.

۲۶۶. ر. ک: حمید آریان، دو فصلنامه قرآن شناخت، جامعیت قرآن در بیان مفسر المیزان، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۳۱-۱۶۷.

۲۶۷. ر. ک: جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر السیوطی، معترك الاقتران فی اعجاز القرآن، ج ۱، ص ۱۲-۱۶، آیت الله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم قرآن، در قرآن، ج ۱، ص ۱۳۷. و نیز محمد تقی مصباح یزدی، راه و راهنما شناسی، ص ۱۳۰، محمد هادی معرفت، التمهید، ج ۴، ص ۲۹. و محمد حسین حسینی تهرانی، نور ملکوت قرآن، ج ۲، ص ۲۲.

۲۶۸. قصص، آیه ۴۹.

فصل چهارم: روش کشف ارزشها و سیاستهای صنعت و فناوری اسلامی از قرآن کریم

طرح ریزی و سیاست گذاری راهبردی (استراتژیک) فناوری:

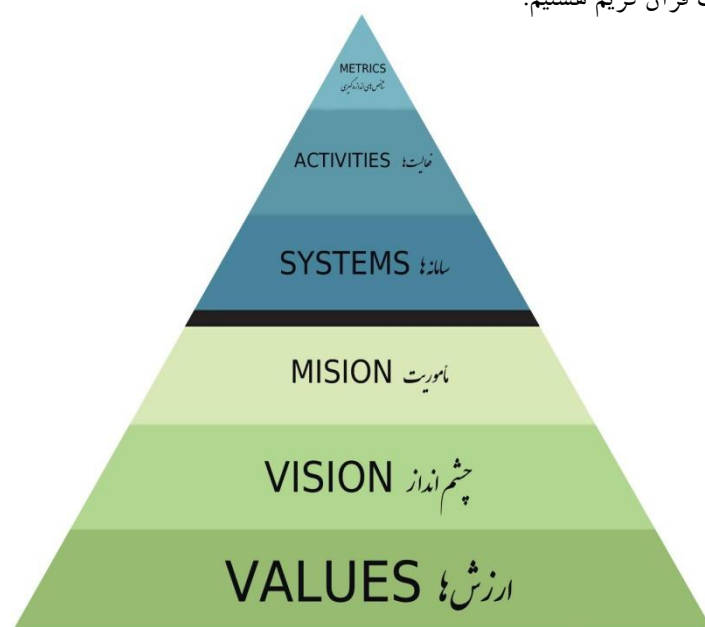
قرآن کریم که خود را به عنوان تبیان لکل شیء معرفی می نماید یقیناً دارای آیات و مطالبی است که به کمک آنها می توان میان افعال و صفات و ابزارهای صالح و فاسد تبیین نمود و آنها را از هم تمییز داد. مهمترین زیربنایی که برای ساخت یک نظام و مجموعه ی کامل از تجهیزات و فناوری های نظامی لازم است کشف ارزشهای حاکم بر این فناوری هاست. یعنی اصولاً در طراحی و ساخت این ابزارها و فناوری ها چه جهت گیری ها و خطوط قرمز و اصول و مبانی ای باید حاکم باشد تا از آن یک صنعت نظامی قرآنی و اسلامی بوجود آید. امروزه در نگرش سیستمی زیربنایی ترین مفاهیم جاری در هر مجموعه و سیستم ارزشهای جاری در آن مجموعه هستند. به تعبیر دیگر حالت آرمانی هر مجموعه حاکم شدن ارزش های آرمانی در آن مجموعه است، در نتیجه ارزش ها هستند که چشم انداز نهایی یک مجموعه را تعیین می کنند و چشم انداز نهایی است که ماموریت و مسیر رفتن به سمت حالت نهایی را به ما می گوید. بعد از تعیین ماموریت و نقشه راه ، تاکتیک ها و تکنیک ها و راهبردهای کلان و جزئی بر اساس آنها تعیین می شوند. به بیانی دیگر می توان گفت ارزشها تصویری را برای ما ترسیم می کنند که ما با توجه به این تصویر، تکنیک و تاکتیک ها را انتخاب می کنیم.

مثالی برای یافتن جهت و مبنای فناوری بر اساس ارزش ها:

مثلاً اگر کم نمودن تنش ها و خشونت های آهنین در روی زمین برای ما یک ارزش است آنگاه بر مبنای آن سعی می کنیم که با اتخاذ راهبردهای دفاعی بازدارنده تا حد امکان از بوجود آمدن تنش ها و خشونت های آهنین جلوگیری کنیم. حال این راهبردها می تواند در سطح فردی به ابزارهایی مانند زره و جلیقه های غیرقابل نفوذ ضدگلوله ختم شود و در سطح لشکری و کشوری به سامانه های پیشرفته ی ضد موشک و ضدراکت و اژدرهای رهگیری و انهدام موشکهای زیرسطحی منجر شود و در سطح شهری به حصارهای شهری و دروازه های حفاظت شده و انواع سامانه های دفاعی و ضدهجومی پیشرفته منجر شود که همه اثر بازدارندگی مجازی و حقیقی دارند و کاربران ابزارهای آهنین را از آغاز نبرد و نفوذ، ناامید و در صورت هجوم این ابزارهای و فناوری های دفاعی، اثرگذاری ابزارهای آهنین مهاجمین بر کسانی که مورد هجوم قرار گرفته اند را مانع می شود و در نهایت تنش ها و خشونت های آهنین در روی زمین کاهش می یابد.

ارزش های کلان و خرد:

گاه ارزش ها به صورت مستقیم و در سطح کلان توسط خدای متعال معرفی شده اند مانند : ان الله یامر بالعدل و الاحسان، تعاونوا علی البر و التقوی و گاهی هم این ارزشها در قالب افعال الهی و افعال انبیاء و اولیای الهی به ما نموده شده اند. مثلاً رفتارهای نبی اکرم خود حجت الهی برای ما در کشف و فهم ارزشهای مورد تایید حضرت حق و قرآن کریم است. در این نوشته به دنبال کشف و فهم ارزشهای حاکم بر فناوری های نظامی از میان آیات قرآن کریم هستیم.



مثال دیگر برای ارزش های حاکم بر صنعت و فناوری :

یکی دیگر از ارزشهای اسلامی که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است و به عنوان اولین اقدام حکومت صالحین از آن نام برده شده است (الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاة) اقامه ی صلات است. شکی نیست در طراحی صنعت و فناوری ها دو حالت پیش رو است. یکی این که صنایع و فناوری به ارزش اقامه ی صلات پایبند باشند و آن را لحاظ کنند و گونه ی دیگر هم آن است که طراحی ها به این ارزش توجهی نداشته باشند. مثلاً می توان صنایع و فناوری هایی طراحی کرد که تمهیدات لازم برای امکان پذیری اقامه ی صلات در وقت در آنها لحاظ شده باشد و مشکلی در اقامه ی صلات کاربر ایجاد نکنند.

یک نمونه استنباط ارزشی درباره صنایع از قرآن کریم:

نمونه ی اول : حمل کریمانه

در قرآن کریم یک سلسله اصول کلی درباره ی سبک زندگی انسان و تعاملات و مناسک او آمده است که این رفتارها تنها برای زمان عبادت و مساجد نیست بلکه این امور باید در همه ی حالات و شرایط زندگی او از جمله در زمان های تعامل با صنایع و استفاده از ابزارهای صنعتی و ساخت و طراحی آنها نیز رعایت گردد. از جمله خدای متعال تکریم انسان را به خود نسبت می دهد و از لوازم تعامل انسانها با هم رعایت اصل تکریم را مطرح می فرماید. در باب تکریم یکی از ظهورهای تکریم الهی در قرآن کریم حمل انسان در دریا و خشکی ذکر شده است و آمده است که لقد کرمننا بنی آدم و حملناه فی البر و البحر. از این آیه ی شریفه استنباط می شود که حمل انسان از مصادیق تکریم اوست و انسان از آنجا که موجود مکرم الهی است شایسته ی حمل شدن در دریا و خشکی است. لذا کرامت انسان اقتضاء دارد که او محمول باشد. این علاقه ی فطری ای که انسانها نسبت به سوار شدن بر وسایط حمل و نقل دارند از همین فطرت مکرم بودن بر خواسته است. اما آیا تنها محمول بودن برای تکریم انسان کافی است؟ پاسخ آن است که خیر. در واقع این محمول بودن شرایطی دارد که در آن شرایط هم باید تکریم انسان رعایت شود. خدای تبارک و تعالی درباره ی چگونگی حمل می فرماید : و علیها و علی الفلک تحملون یا حملناهم فی الفلک المشحون در جای دیگری می فرماید لتستووا علی ظهوره.. از این دو آیه ی شریفه بر می آید که کیفیت حمل باید به گونه ای باشد که انسان سوار بر موجود حمّال قرار داشته باشد و مثلاً اگر حمّال کشتی است بر عرشه ی آن قرار گیرد و اگر اسب است بر پشت او قرار گیرد. در گذشته برخی اقوام اسرای خود را در قفس هایی قرار داده و حمل می کردند که با کرامت حمل شونده سازگار نبود، یا مثلاً چوب بلندی را بر دوش می گرفتند و دست و پای اسیر را به آن طناب پیچ می کردند. این نوع از حمل یقیناً کریمانه نیست و بیشتر مصداق حمل ذلیلانه است. این قضیه قابل تعمیم به فناوری های امروزی نیز هست یعنی مثلاً می توان تشکیک کرد که آیا با حمل کریمانه سازگار است که انسانها در متروهای زیر زمینی حمل شوند؟



یک نمونه مونوریل

آیا مونوریل و قطارهای هوایی که امروزه در حال کنار زدن متروها هستند با تکریم انسان سازگارتر نیستند؟ شاید از باب همین نیاز به تکریم است که جوانان که فطرت نیالوده تری دارند علاقه ی بیشتری به موتور و خودروهای اسپورت (سقف باز، بدون سقف، روباز) دارند که در آنها انسان بالاتر از موجود حمل کننده قرار می گیرد.

آیا این وسیله دو چرخ کرامت انسان را حفظ می کند؟



یک نمونه سه چرخه ی قرن بیست و یکی :



فصل پنجم: معنای پسوند
قرآنی و اسلامی برای صنعت
و فناوری

آیا اصولاً صنعت و فناوری اسلامی داریم؟

گرچه این سوال در دهه ی اخیر تحت عنوان بحث تکنولوژی دینی به صورت محدود مطرح شده است اما دایره ی این سؤال گسترده تر از صنعت و فناوری است. (در فصل بررسی دیدگاه‌ها به صورت مفصل به آراء درباره تکنولوژی دینی خواهیم پرداخت). یعنی اصولاً این سؤال مطرح است که آیا علوم اسلامی و غیر اسلامی دارند یا نه؟ یا حتی فنونی مانند مدیریت، اسلامی و غیر اسلامی دارند یا نه؟ دانشگاه اسلامی و اسلامی کردن دانشگاه‌ها هم که خود یکی از مطالبات جدی حضرت امام خمینی و امام خامنه ای بوده و هست. در ادامه به نظرات حضرات آیات جوادی آملی و مصباح یزدی در پاسخ به این سؤالات می‌پردازیم که به نظر متقن ترین پاسخ‌های ارائه شده به این پرسش‌ها هستند.

فناوری و صنعت مسلمانان یا فناوری و صنعت اسلامی؟

عنوان فناوری اسلامی نامی است که بیشتر نیز در برخی کتابها مانند تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی^۱ بکار برده شده است. در واقع این کتاب فناوریهایی را که در دوره تمدن اسلامی در ممالک اسلامی رشد و توسعه یافته است بررسی کرده است و نشان داده است بسیاری فناوریهایی که غرب مودیانه درباره آنها هیچ اسمی از ماخذ و منبعش نمی برد از جهان اسلام گرفته شده است. متأسفانه کتابهای غربی در این زمینه با تحریف تاریخ به جای حرف از تمدن اسلامی به عنوان مبدآ پیشرفت تکنولوژیکشان سعی می کنند با طرح اسامی ای مانند داوینچی و گالیله و ارشمیدس و ... ذهن مخاطب را از فهم این که بسیاری از این تکنیک ها در جهان اسلام کشف شده است بازدارند. موضوع مقاله ما البته بحث از مصادیق تکنولوژیک بوجود آمده در دنیای اسلام نیست و بحث ما بیشتر مبانی مفهومی و معرفتی فناوری و صنعت اسلامی است نه تاریخ فناوریها و صنایع مسلمانان.

جالب آنجاست فناوریهای تاریخی تمدن اسلامی در پیشرفته ترین سطوح خود که سامانه های آبرسانی طراحی شده توسط الجزری هستند نیز از نیروی حیوانات برای تامین انرژی سامانه خود استفاده می کردند.^۲

برخی عنوان فناوری اسلامی را برای فناوریهای اختراع شده در دوران درخشان علمی تمدن اسلامی در هزاره ی اول بعد از هجرت در نظر گرفته اند و در نظرشان آن صنایعی که بعد از اسلام توسط مسلمانان ابداع و اختراع شده است شایسته ی نام فناوری اسلامی است در حالی که به نظر فناوری های اکتشافی مسلمانان نام متناسب تری برای این ابداعات است.

برخی نیز در دوره ی معاصر فناوری هایی که با محتوای اسلامی تولید شده اند را مصداق فناوری اسلامی دانسته اند و مثلاً درب بازکن های الکتریکی با صدای زنگ یا علی و ساعت های دیواری دیجیتالی که اذکار هفته و احادیث و اوقات شرعی در آنها نمایش داده می شود را مصداق فناوری اسلامی دانسته اند که این هم نگاهی سطحی به نظر می رسد و صرفاً بر مبنای ظاهر این فناوری ها درباره ی آنها قضاوت شده است مانند برجسبهای مذهبی و شعرنویسی هایی که روی اتوبوس ها و کامیون ها و بعضاً داخل و روی خودروهای شخصی نوشته می شود که گرچه استفاده ی رسانه ای از این فناوری ها برای اسلام است و شایسته است اما تناسبی با نسبت این فناوری ها با اسلام و احکام الهی ندارد.

نظر آیت الله مصباح در باب پسوند اسلامی بر علوم و فنون:

نظر آیت الله مصباح درباره دانشگاه اسلامی:

آیت الله مصباح یزدی یکی از جدی ترین پیگیری کنندگان منویات امام خامنه ای حفظه الله و امام راحل عظیم الشان در بحث اسلامی کردن دانشگاه‌ها هستند. ایشان مکرر در این باره از سالهای دور پیگیر بوده اند و همه سالها هم در بیانات خود بارها به اهمیت این مسأله

اشاره می‌فرمایند. شکر خدا در مؤسسه‌ی امام خمینی رحمت‌الله علیه هم که هدایت آن بر عهده‌ی ایشان است گام‌های خوبی در بحث اسلامی کردن دانشگاه‌ها برداشته شده است.

ایشان در مقاله‌ای در تبیین نظر سکولارها که اسلام را از سنخ مسیحیت می‌دانند مفهوم اسلامی کردن دانشگاه را چنین می‌فرمایند:

بنا بر پیش سکولاریسم و دنیاگرایانه، اسلام محدود به مسجد و حسینیه است، پس چه ارتباطی به دانشگاه دارد؟ آیا اصلاً دانشگاه اسلامی مفهومی دارد؟ همان‌گونه که نمی‌توان گفت مسجد غیر اسلامی، نمی‌توان گفت دانشگاه اسلامی، زیرا مسجد اسلامی است و مسجد غیر اسلامی معنایی ندارد، همچنین دانشگاه نیز دانشگاه است و ربطی به اسلام ندارد؛ زیرا فقط محل طرح نظریات علمی و پرورش متخصصان و مهندسان است. مسلمان می‌تواند در دانشگاه باشد، کافر هم می‌تواند در آنجا باشد، دروسی هم که در آنجا تدریس می‌شود یا استادانی که آن دروس را تدریس می‌کنند ممکن است با اسلام رابطه‌ای داشته باشند و ممکن است نداشته باشند. حداکثر چیزی که در این زمینه می‌توان پذیرفت این است که مسجد و حسینیه هم داشته باشد؛ اگر بخواهیم اسلامی تر باشد باید بگوییم حسینیه‌ای هم داشته باشد و شبهای جمعه عده‌ای در آنجا عزاداری کنند؛ ولی اصلاً اسلام صفتی برای دانشگاه نیست. این مانند ضم الحجر الی جنب الانسان است.^۴

ایشان در تعریف دانشگاه اسلامی می‌فرمایند :

در اصل این مفهوم (دانشگاه) ابهامی وجود ندارد. چنانچه این لفظ بخواهد وصفی داشته باشد ناچار این وصف به همین عناصر باز می‌گردد، یعنی اگر بخواهیم دانشگاهمان اسلامی باشد باید دانشجو، استاد، برنامه، کتاب درسی، فضای آموزشی، وسایل کمک آموزشی و بطور کلی، همه‌ی ابعاد تربیتی و فرهنگی اش اسلامی باشد.^۵

ایشان در چرایی اسلامی شدن دانشگاه در یک نظام اسلامی چنین می‌فرمایند:

در این نظام مقدس، که اساس آن بر اسلام استوار می‌باشد و تأمین‌کننده‌ی نیروهای مورد نیازش دانشگاه است، توقع بر این است که دانشگاه به گونه‌ای باشد که اگر دانشجویی با دین وارد آن می‌شود، با دین هم خارج شود، زیرا دانشجو عنصر سازنده‌ی این نظام است و در آینده پایه‌های این نظام بر دوش او قرار خواهد گرفت. اگر دانشجو مسلمان باشد این نظام اسلامی باقی خواهد ماند وگرنه این نظام از بین خواهد رفت. پس توقع این است که دانشگاه نیروهای سازنده و نگهبان این انقلاب را به گونه‌ای تربیت کند که در شأن این نظام باشد. اگر دانشجو در رشته‌ی علوم سیاسی درس می‌خواند؛ بتواند سیاست اسلامی را تبیین کند؛ زیرا این دانشگاه می‌خواهد برای آینده‌ی این کشور سیاستمدار تربیت کند. اگر در رشته‌ی حقوق درس می‌خواند، بتواند از حقوق اسلامی دفاع کند، خواه حقوق اساسی باشد یا مدنی یا جزایی، اما اگر دانشگاه ما دانشجو را نسبت به اسلام معترض تربیت کند، یعنی دانشجو پس از تحصیل در دانشگاه اعتقادش نسبت به اسلام ضعیف شده و در ذهنش شبهه به وجود آمده باشد چنین دانشگاهی اسلامی نیست.^۶

ایشان مهمترین بخش از فرایند اسلامی شدن دانشگاه‌ها را اسلامی شدن کتاب‌های درسی می‌دانند که متأسفانه هنوز محقق نشده است، ایشان با اشره به اینکه سنخ کارهایی که در اسلامی کردن دانشگاه‌ها در کشور برنامه‌ریزی می‌شود از سنخ همان کارهایی است که از نگاه سکولارها برمی‌خیزد تصمیم‌گیران این حیطه را فاقد صلاحیت و دارای نگاه انحرافی و دچار سکولاریسم می‌دانند. در این رابطه ایشان می‌فرمایند:

از همان اوایلی که مسأله‌ی انقلاب فرهنگی مطرح شد، یکی از مسائلی که همه روی آن بحث می‌کردند مسأله‌ی تغییر کتاب‌های درسی دانشگاه‌ها بود، ولی متأسفانه برنامه‌ی منظمی برای این کار تدوین نشد که چگونه این کتاب‌ها باید تغییر کند؟ به چه مقدار وقت نیاز دارد؟ چقدر نیرو می‌خواهد؟ چه مدت طول می‌کشد؟ و باید طی چند مرحله این کار انجام شود؟ برای کارهای خیلی کوچک‌تر برنامه‌ریزی می‌شود، اما کاری به این عظمت که تنها چیزی را که می‌توان با آن مقایسه کرد اصل انقلاب است، عده‌ای در اتاق‌های درسته گردهم می‌نشینند و مثلاً تصمیم می‌گیرند که باید بر در دانشگاه‌ها اعلامیه نصب کرد، دختران دانشجوی حجابشان را بیشتر رعایت کنند، نماز جماعت برگزار شود، پس از نماز فلان تعقیبات را بخوانند و امثال آن. اما اینکه مثلاً بیابیم و در کتاب روان‌شناسی بنویسیم که اما صادق (علیه‌السلام) در آن باره چه نظری دارند و در زمینه‌ی اقتصاد ایشان چه می‌فرمایند چنین کارهایی صورت نگرفته است. مطلب مهم هم که اسلامی کردن دانشگاه‌ها یعنی چه، چگونه این کار باید انجام شود و بودجه‌ی آن از کجا تأمین شود هیچ مطرح نیست. اگر فرض به همین منوال باشد، چند دهه‌ی دیگر هم که بگذرد، سر جای اول خواهیم بود. آن کار اصلی که باید صورت گیرد این است که کتاب‌های درسی، استادان دانشگاه‌ها، تربیت دانشجویان و برنامه‌ریزیها اسلامی شود، اما تاکنون کار مثبتی در این زمینه انجام نشده است.

نظر این الله مصباح درباره مدیریت اسلامی:

برخی معتقدند که مدیریت نیز یک فن و یک تکنولوژی و فناوری است و قواعد و قوانین خاصی دارد که با رعایت آن‌ها می‌توان از سازماندهی نیروی انسانی نتایج بهتری به دست آورد. در این نگاه مدیر همانند مهندس است با این تفاوت که به جای سازماندهی چرخ دنده و اجزای مکانیکی در یک طرح و نقشه اینبار نیروهای انسانی را باید به متابه‌ی چرخ دنده و بازوی مکانیکی فرض کند و جایگاه و ارتباط آن‌ها را طراحی کند. این نگاه از یک نظر ممکن است این‌طور به نظر برسد که با نگاه کریمانه به انسان در تناقض است و از طرفی هم ممکن است گفته شود که خود پیامبر اکرم نیز در جنگ‌ها نیروها را مدیریت و سازماندهی و جایگذاری می‌کرد (وَ إِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ نُبُوًّا الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (آل عمران ۱۲۱)). در هر حال مقایسه پیامبر اکرم با مدیران معمولی به نظر صحیح نمی‌رسد و این بحث نیاز به کاوش بیشتری دارد. اگر از در نظر گرفتن مدیریت به عنوان یک تکنولوژی و فناوری بگذریم و فقط آن را به عنوان یک فن و مهارت هم در نظر بگیریم باز هم می‌توان گفت که دادن پسوند اسلامی به مدیریت با دادن پسوند اسلامی به صنعت و فناوری مشابه است. آیت الله مصباح یزدی ثبت الله قلبه علی دینه درباره معانی مختلف اعم از صحیح و انحرافی که ممکن است از مدیریت اسلامی اراده شود سه دسته را معرفی می‌کنند. دسته‌ی اول کسانی هستند که اصولاً مدیریت اسلامی را نفی می‌کنند و وجود آن را قبول ندارند. ایشان درباره این دسته می‌نویسد:

تربیت یافتگان دانشگاه‌های غربی به دلیل دیدگاه ویژه خود، این تعبیر [مدیریت اسلامی] را صحیح نمی‌دانند و معتقدند که علوم از قبیل مدیریت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی اقتصاد، اسلامی و غیر اسلامی ندارد. آنها تصور می‌کنند که تعبیری از این قبیل، مصنوعی و ساخته عالمان متعصب مذهبی است که در پی سوء استفاده از مذهب و اعتقاد مردمند. طبق اعتقاد آنها روحانیت در مسیحیت و اسلام برای تأمین منافع مادی و تعمیق حاکمیت ظاهراً معنوی خود و اغفال مردم به هر علمی، نابجا رنگ دینی می‌زند تا سر رشته تمامی علوم از جمله علوم انسانی را نیز بدست گیرد. متولیان امور دینی - که اصلاً نیازی به وجودشان نیست - از گرایش و علاقه مردم به دین و موقعیت اجتماعی و عواطف دینی مردم سوء استفاده می‌کنند و در علوم که با آنها هیچ ارتباطی ندارد دخالت می‌نمایند. این دخل و تصرف و سوء استفاده، مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی فزونی گرفت. این قشر که مسئولیت آن قبل از انقلاب اسلامی به روضه خوانی و امامت مساجد محدود می‌شد، بعد از انقلاب فرصتی پیدا کرد که پسوند «اسلام» را بر انقلاب و به تبع آن بر دانشگاه‌ها، ارگانها و علوم انسانی، از جمله مدیریت، اضافه نماید و به این بهانه که اسلام، دینی فراگیر است و به مَثَوَلی نیاز دارد خود را مَثَوَلیان اسلام معرفی کردند و بر هر چیزی انگ اسلامی زدند. از دید این گروه، علمی به نام «مدیریت اسلامی» وجود خارجی ندارد. بعضی از این به اصطلاح متفکران، صادقانه و شاید هم از روی بی‌غرضی اعتقاد خود را بیان می‌کنند. برداشت آنها از دانشگاه‌های غربی، اوضاع مسیحیت، کلیسا و دستگاه پاپ همان است که می‌گویند: مدیریت فقهی مدیریت فقیهان است! بازار تجارت عالمان مذهبی است، نه مدیریت علمی! اما گروهی دیگر به دلیل ایجاد نکردن شرایط اجتماعی - اسلامی در بیان پندارهای خود به طور صریح، فرصت طلبانه و از روی غرض و مرض چنین سخنانی را ضمنی و در پرده و لفافه مطرح می‌کنند. طرح صریح بیاناتی از این قبیل در جامعه‌ای که اکثریت قریب به اتفاق آنان به اسلام علاقمندند، گاهی خطرآفرین و نابجاست، ناچار به توجیه روی می‌آوردند که: «آری مدیریت اسلامی هم داریم، اما مقصود از مدیریت اسلامی این است که: جامعه اسلامی به گونه‌ای اداره شود که مسلمانان به اهداف خود برسند و در دنیا عزیز باشند؛ به تعبیر دیگر، مقصود از «مدیریت اسلامی» اداره جامعه به گونه‌ای است که عزت اسلامی مسلمانان محقق شود. بنابراین، مدیریتی که در دوران کوتاهی، پیشرفت، توسعه و ترقی کشورهای از قبیل هند و ژاپن و ... را به ارمغان آورد و بند اسارت آنان را گسست از نوع مدیریت اسلامی است. مقصود از مدیریت اسلامی هم همین است که بر مملکت اسلامی مدیریتی حاکم شود که کشور را به سوی توسعه و ترقی پیش ببرد، مدیریت اسلامی غیر از این، محتوا و معنایی ندارد! این تفکر در پی رد این ادعاست که اسلام در عرصه مدیریت هم سخنی برای عرضه کردن دارد. همین توهم موجب شده است که این سؤال پی‌درپی تکرار شود که اسلام چه نقشی در مدیریت دارد.»

آیت الله مصباح یزدی گروه دوم را کسانی معرفی می‌کند که نگاه قشری و سطحی به دین دارند و انتظار دارند که مدیریت اسلامی در متن آیات و روایات قابل مشاهده باشد:

ب. گروهی از ساده نگران مذهبی «مدیریت اسلامی» را ارائه نظریات خاص و روشهای عملی ویژه اسلام برای حل مشکلات اجتماعی می‌دانند. طبق این نظر کسی که مدیریت اسلامی را یاد می‌گیرد کلید حل کلیه مشکلات را بدست آورده و مطابق فرمولهای خاصی قادر به حل مشکلات اجتماعی و سیاسی است؛ مثلاً، با استفاده از آیات قرآن می‌داند که: چگونه از تورم پولی در اقتصاد جلوگیری کند، فساد اداری را کنترل و روابط بین المللی را تنظیم نماید. این دسته منتظرند که در مورد هر مشکل و معضل اجتماعی نسخه‌ای ویژه و آماده از قرآن و حدیث دریافت نمایند. روشن است که صاحبان این نگرش سطحی، نه اسلام را شناخته و نه معنای صحیح مدیریت اسلامی را درک کرده اند.^۱

ایشان نظر گروه سوم را نیز مطرح می‌کنند و آن را می‌پذیرند هر چند این نظر را صحیح‌ترین نظر نمی‌دانند، ایشان نظر گروه سوم را چنین تشریح می‌فرمایند:

ج. در برداشتی دیگر، گروهی مدیریت اسلامی را به «مدیریت مدیران مسلمان» معنا می‌کنند. آنها می‌گویند: همان‌گونه که «فلسفه اسلامی» به معنای فلسفه فیلسوفان مسلمان است، «مدیریت اسلامی» هم به همین معناست؛ به عبارت دیگر، محتوای مدیریت اسلامی بررسی توصیفی نحوه مدیریت مدیران مسلمان در طول تاریخ است. مسائلی از این قبیل که سلاطین، وزرا و دانشمندانی که با حاکمیت ارتباطی داشته‌اند چه خط مشیی را دنبال نموده‌اند و منطقه تحت نفوذ خود را چگونه اداره کرده و می‌کنند؛ مضامین اصلی «مدیریت اسلامی» را تشکیل می‌دهد. در چنین دیدگاهی شیوه مدیریت و حکومت علی (علیه السلام) در صدر اسلام، صدور فرمان و دستورالعمل به عمال خود برای اداره بلاد تحت نفوذ، بررسی کیفیت مدیریت ائمه معصومین، سلام الله علیهم اجمعین، و شخص نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) الگوهای مدیریت اسلامی است. بی تردید چنین برداشتی از «مدیریت اسلامی» صحیح است و علاوه بر توصیف واقعیات ممکن است درسهای عملی هم بتوان از آن استنتاج کرد، اما صحیح‌ترین معنای «مدیریت اسلامی» این نیست.^۱

ایشان در نهایت با طرح این نظر که مدیریت اسلامی مدیریتی است که در آن ارزشهای اسلامی جریان داشته باشد و این ارزشها بر آن حاکم باشد این نظر را به عنوان صحیح‌ترین نظر می‌پذیرند و چنین شرح می‌دهند:

صحیح‌ترین معنای «مدیریت اسلامی»: مهم‌ترین نقشی که اسلام در نظریه‌ها و همچنین در روشهای عملی مدیریت ایفا می‌کند، از طریق تأثیر ارزشهای اسلامی بر مدیریت است، لذا از طریق مقایسه بین دو مدیر که یکی از آنها عمیقاً به ارزشهای اسلامی پای بند است، می‌توان به محتوای مدیریت اسلامی پی برد. امروزه هیچ کدام از مدیريتها در جامعه جهانی بر ارزشهای اسلامی مبتنی نیست، البته ممکن است بعضی از آنها که معتقد به دینهایی از قبیل: اسلام و مسیحیت‌اند فی الجمله ارزشهای دینی را در رفتار خود نشان دهند، اما این

کار هم نوعاً بیان گر سلیقه شخصی است. ما معتقدیم که اسلام دارای نظام ارزشی عمیق، گسترده و منسجمی است که مدیریت مدیران مسلمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در روشهای عملی آنها اثر می‌گذارد و به حرکت آنها جهت می‌دهد. این بزرگ ترین نقشی است که اسلام در مدیریت ایفا می‌کند و معنای صحیح «مدیریت اسلامی» نیز همین است؛ نظیر همین سخن را در «اقتصاد اسلامی» نیز می‌توان گفت. هیچ کسی مکانیسم های علمی حاکم بر بازار را انکار نمی‌کند، اما سخن این است که مکتب اسلام مشتمل بر ارزشهای خاصی است که تمامی ابعاد اقتصادی مسلمانان؛ از قبیل: کمیت و کیفیت تولید، نوع کالا، هدف از تولید، قیمت گذاری، رقابت و فروش آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما معنای این گفته وجود تفاوت اساسی در نظام علمی اقتصاد بین بازار مسلمان و غیر مسلمان نیست. شاخه های متفاوت مدیریت اعم از بازرگانی، صنعتی، کشاورزی و حتی مدیریت دولتی به نوعی با مسائل اقتصادی سر و کار دارد و تقریباً تمامی ارزشهای حاکم بر «اقتصاد»، بر «مدیریت» نیز تاثیر می‌گذارد. طرح بحث ارزشهای اسلامی در «مدیریت» به این مناسبت است که کیفیت تأثیرگذاری ارزشها را بر آن بررسی کنیم؛ یعنی به جای نظر دادن در مورد روشهای کاربردی و عملی و طرح مشکلات فعلی و ارائه راه حل، بحث بنیادین ریشه های مؤثر در این تغییرات را مطرح نماییم که سرانجام با مراعات آنها در عمل، گره بسیاری از مشکلات اجتماعی نیز باز خواهد شد. این شیوه بحث در واقع جهت دادن به مدیریت و تبیین «چرایی»، «هدف» و «معیار» هاست.

در باب صنعت و فناوری اسلامی همین تقریباً می‌توان گفت همین سه گروه وجود دارند. یعنی برخی اصولاً عبارت صنعت و فناوری اسلامی را نفی می‌کنند و برخی هم آن را به صنعت و فناوری مسلمانان فرو می‌کاهند و برخی نیز صنایع ذکر شده در قرآن و روایات را صنایع و فناوری های اسلامی می‌پندارند. برخی هم مانند آیت الله مصباح معتقدند که صنعت و فناوری اسلامی، آن صنعت و فناوری ای است که ارزشهای اسلامی بر آن حاکم باشد و هدف و معیارهایش بر مبنای ارزشهای اسلامی باشد که به نظر نگارنده این دیدگاه ارجح است.

نظرات علامه جوادی آملی حفظه الله علی صراطه المستقیم :

نظر آیت الله جوادی آملی درباره علوم اسلامی و غیر اسلامی:

حضرت آیت الله جوادی آملی معتقدند یکی از علل مهم انحراف علوم تجربی و طبیعی خروج آنها از دامن علوم الهی و دینی بوده است. ایشان بازگشت علوم طبیعی و تجربی به دامن علوم الهی و دینی را مهمترین وظیفه برای قرار گرفتن مجدد علوم تجربی و فنی در مسیر صحیح انسانیت می‌دانند. در کتاب منزلت عقل در هندسه ی معرفت دینی می‌نویسند :

در گذشته که رشته‌های گوناگون دانش به شکل کنونی آن تخصصی و مجزاً نشده بود علوم و معارف در یک نوع هماهنگی و ارتباط محتوایی به رشد خود ادامه می‌دادند. تخصصی شدن گسترده علوم و دانشها این اثر مهم را به دنبال دارد که داده‌ها و نتایج آنها بیگانه و بی‌ارتباط با هم شکل می‌گیرند و تصویری مبهم و نامتجانس و عینک از عالم و آدم عرضه می‌کنند. وضعیت دانش در گذشته به گونه‌ای بود که ریاضیات و طبیعیات در

دامن الهیات و در تعامل مستقیم با فلسفه و حکمت الهی رشد می‌کرد. فلسفه الهی عهده‌دار برخی مبانی مهم و اساسی علوم تجربی بود و داد و ستد علمی بین آنها برقرار بود. برای نمونه در طبیعیات مبحث حرکت وضعی برخی از کرات و تناهی ابعاد و نیز مسئله وجود نظم در عالم، تثبیت می‌شد و به فلسفه وام داده می‌شد تا فیلسوف به کمک این مقدمات برگرفته شده از طبیعیات برخی مسائل فلسفی را مبرهن کند. اینکه مشاهده می‌شود که کتاب منظومه مرحوم حکیم سبزواری در حقیقت مشتمل بر چهار کتاب منطقیات، طبیعیات، الهیات و اخلاقیات است، نه از آن جهت است که این چهار فن بی‌ارتباط با هم تنها در یکجا صحافی شده و جنگی را به نام کتاب شکل داده‌اند، بلکه از آن رو است که مؤلف کتاب همچون اسلاف متألّه خویش هماهنگ می‌اندیشیده و میان این شاخه‌های معرفت تجربی و تجربیدی، ارتباط و تعامل و هماهنگی می‌دیده است. چنین نیست که بتوان درباره طبیعت سخن گفت و علوم طبیعی را بنا نهاد بی‌آنکه به الهیات و فلسفه کلی توجه کرد. آنچه درباره حقایق هستی در حکمت و الهیات به کرسی می‌نشیند باید خود را در علوم طبیعی و انسانی نشان دهد و با حضور محتوای معرفتی آنها این علوم رقم بخورد، چنان‌که در مواردی نیز دستمایه این علوم به کار حکمت و الهیات و دین‌پژوهی می‌آید. علوم موجود و متعارف و طبعاً دانشگاهها و مراکزی که در چارچوب این ناهماهنگی درونی و بیگانه‌سازی ناموجه به تحقیق و پژوهش مشغول‌اند، از اساس عینک هستند؛ چه عیبی بالاتر از اینکه در عرصه‌ای از دانش و معرفت، حقایق و واقعیاتی که دیگر شاخه‌های معرفتی در اختیار می‌نهند نادیده گرفته شوند و نسبت به وجود آنها تغافل و تجاهل روا داشته شود. و عده‌ای بر اثر این کثرت به وحدت نرسیده کوثر معرفت را رها کرده به تکاثر وهم آلود بسنده نمایند. ۱۱

آیت الله جوادی آملی عیب دیگر علوم تجربی را که باعث شده است اطلاق عنوان اسلامی بر این علوم دور از ذهن بنماید قطع ارتباط این علم با مبدأ و معاد وجودش می‌داند. یعنی اگر در علم مثلاً زمین شناسی کاری با خالق زمین و ابتدای آنکه خلقتش است نداشته باشیم و پایان کار آنکه معاد است و یوم تبدل الارض غیر الارض را هم در نظر نگیریم این علم تجربی یک علم بی سر و ته و به اصطلاح ایشان منقطع الاول و الآخر است. در این زمینه ایشان می‌نویسند:

علم تجربی موجود معیوب است، زیرا در سیری افقی به راه خود ادامه می‌دهد؛ نه برای عالم و طبیعت مبدئی می‌بیند و نه غایت و فرجامی برای آن در نظر می‌گیرد و نه دانشی که خود دارد عطای خدا و موهبت الهی می‌یابد. این نگاهی که واقعیت هستی را مُثله می‌کند و طبیعت را به عنوان خلقت نمی‌بیند و برای آن خالق و هدفی در نظر نمی‌گیرد، بلکه صرفاً به مطالعه لاشه طبیعت می‌پردازد و علم را زاییده فکر خود می‌پندارد نه بخشش خدا، در حقیقت علمی مردار تحویل می‌دهد، زیرا به موضوع مطالعه خویش به چشم یک مردار و لاشه می‌نگرد، چون بال مبدأ فاعلی و نیز بال مبدأ غایی از آن کنده شده است. احیای این مردار و برطرف کردن نقص این دانش معیوب که از این احیاء به اسلامی کردن علوم و

دانشگاهها تعبیر می‌شود به آن نیست که مظاهر و برنامه‌های اسلامی و دینی را در محیط و فضای دانشگاهها و مراکز علمی وارد نماییم؛ مثلاً در محیطهای علمی و دانشگاهی نمازخانه و مسجد بسازیم و یا کتابهای درسی دانشگاهها را با بسم‌الله و آرم جمهوری اسلامی چاپ کنیم. این کارهای صوری و ظاهری توان آن را ندارند که علوم را احیا کنند و دانش معیوب و همواره افسرده را صحت و شادابی بخشند. اسلامی کردن علوم در گرو تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و تدوین متون درسی سرآمد و صاعد و هماهنگ دیدن حوزه‌های معرفتی و بازگشت طبیعیات به دامن الهیات است. تا هنگامی که علوم و دانشگاهها از سیر محدود و افقی خویش دست برنداشته و در مسیر صعودی گام برندارند، هرگونه کار و اقدام شکلی و ظاهری، تغییر ماهوی در ساختار معیوب علوم ایجاد نمی‌کند. این نگاه معیوب به علم است که صُنْع خدا در عالم را نمی‌بیند و همه چیز را به شانس و اتفاق و تصادف وامی‌نهد و سخن گفتن از تأثیر و دخالت خداوند در حوادث عالم را خرافه و افسانه می‌پندارد. ^{۱۲}

ایشان در ادامه می‌نویسند:

کسی که در فضای مسموم تلقی معیوب از علم، تنفس می‌کند در طبیعت جز علل و اسباب مشاهده‌پذیر مادی نمی‌بیند، لذا قادر به فهم این نکته نیست که مبدأ حکیمی که سرتاپای کار او حکیمانه است، بساط عالم را برپا کرده و کارگردان صحنه هستی است و آنچه واقع می‌شود همه به اذن و اراده اوست. این نگاه معیوب تجربه‌زده ستمی سهم و مجالی برای نیایش و دعا و نماز برای تغییر حوادث و وقوع امور طبیعی قائل نیست و همه چیز را مرهون تحقق اتفاقی و شانسی اسباب طبیعی و مادی می‌داند؛ اما نگاه سالم به هستی و علم، به گونه‌ای دیگر می‌اندیشد و طبیعت را خلقت دانسته و در کنار اسباب طبیعی به اسباب معنوی و فراطبیعی نیز باور دارد. حاصل آنکه: ۱. نگاه طبیعت‌زده حس‌گرا برای معلوم مبدأ و هدف قائل نیست، لذا از خلقت به طبیعت یاد می‌کند. ۲. برای عالم؛ یعنی خود شخص طبیعت‌گرا آغاز و انجامی معتقد نیست و خیال می‌کند از خاک برآمده و دوباره خاک می‌شود و بعد از آن خبری نیست، زیرا مرگ را پوسیدن می‌پندارد؛ نه از پوست به درآمدن و هجرت کردن. ۳. برای علم مبدأ و هدف قائل نیست بلکه خیال‌پردازی او را به این وادی می‌کشاند که بخشی از علم را کوشش وی و بخش دیگر را شانس، تصادف، رخدادهای اتفاقی و... به عهده دارد. ^{۱۳}

ایشان یکی دیگر از تفاوت‌های علم اسلامی و غیر اسلامی را نیز نگاه کارونی اهل علم به علم می‌دانند و معتقدند اگر کسی معلم علم که خدای متعال است را از معادلات علمی سانسور کند علمش اسلامی نخواهد بود:

غرض آنکه در عرصه کسب دانش و معرفت نیز بسیاری افراد فکر کارونی دارند و از منطق قارون پیروی می‌کنند، زیرا معلّم واقعی را نمی‌بینند و علم را یکسره مرهون تلاش و کوشش و استعداد فردی خویش می‌دانند. غافل از آنکه در تمام دوران تحصیل بر سر سفره احسان

معلم واقعی؛ یعنی خداوند نشسته‌اند و واهب و ساقی معارف و علوم، حضرت حق جل و علاست، زیرا قابل به تنهایی از قوه به فعل نمی‌رسد. این نگرش قارونی در حدّ خود چالش علم و دین را به همراه دارد و مانع همگامی و وحدت حوزه و دانشگاه و علم و دین خواهد بود. تا زمانی که ریشه‌های معایب علم موجود، برطرف نشده و غفلت از مبدأ و معاد عالم و منطق قارونی حاکم است نمی‌توان به اسلامی شدن علوم امیدوار بود. با توصیه و بخشنامه و نمازخانه ساختن و تأکید بر ظواهر شرعی نمی‌توان علوم دانشگاهها را اسلامی کرد، هرچند ممکن است فضای غالب و جوّ حاکم بر آن اسلامی شود و دانشجویان متدینی از تحصیلات عالی دانشگاه فراغت یابند. اما باید عنایت کرد که دانش اسلامی است که مرکز یادگیری خود به نام دانشگاه را اسلامی خواهد کرد نه عکس آن. ۱۱

نظر آیت الله جوادی آملی درباره ی دانشگاه اسلامی:

آیت الله جوادی آملی حفظه الله علی صراط هدایتی معتقدند که دانشگاه اسلامی و غیر اسلامی دارد اما اسلامی بودن دانشگاه به اسلامی بودن ظاهر آن نیست (مانند داشتن مسجد و نمازخانه) بلکه عمده در دانشگاه اسلامی این مهم است که علمی که در دانشگاه تدریس می‌شود اسلامی باشد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

با توصیه و بخشنامه و نمازخانه ساختن و تأکید بر ظواهر شرعی نمی‌توان علوم دانشگاهها را اسلامی کرد، هرچند ممکن است فضای غالب و جوّ حاکم بر آن اسلامی شود و دانشجویان متدینی از تحصیلات عالی دانشگاه فراغت یابند. اما باید عنایت کرد که دانش اسلامی است که مرکز یادگیری خود به نام دانشگاه را اسلامی خواهد کرد نه عکس آن... از یک سو علوم و دانش طایفه‌ای از مشتغلین به دین‌شناسی که متمرکز بر ادله نقلی هستند و در حوزه‌های علمی به فهم و تفسیر آنچه خدا گفته مشغول‌اند و قول خدا را محور و موضوع تلاش علمی خویش قرار داده‌اند، دینی و اسلامی است. از سوی دیگر در کنار حوزه‌های علمی، دانشگاههای اسلامی قرار می‌گیرد که همت خود را مصروف ادراک و فهم فعل خدا قرار داده و درصدد تفسیر جهان خلقت است. اگر تفسیر قول خدا، علم اسلامی را به دست می‌دهد، تفسیر فعل خدا نیز علمی اسلامی محسوب می‌شود، پس داشتن دانشگاه اسلامی منوط به داشتن علوم اسلامی است و این علم زمانی فراهم می‌شود که اولاً علم را به حریم هندسه معرفت دینی راه دهیم و چتر دین را بر سر آن بگسترانیم و ثانیاً طبیعت را خلقت ببینیم و میان طبیعت‌شناسی و الهیات وفاق و آشتی برقرار کنیم و از سیر افقی فقط در مسیر علم دست برداریم و هرگونه فکر ناب، اندیشه سرّه، عقل صرف و رهاورد علم صائب را موهبت الهی بدانیم که به انسان عطا کرده است. ۱۲

نظر این آیت الله جوادی آملی درباره ی علوم تجربی از جمله فیزیک و شیمی اسلامی:

آیت الله جوادی آملی معتقدند اولاً فیزیک و شیمی اسلامی تافته ی جدابافته ای از فیزیک و شیمی فعلی نیست و ثانیاً معتقدند هر علم حق و صحیحی قطعاً اسلامی است و غیر اسلامی نخواهد بود. ایشان می‌نویسند:

در زمینه اسلامی کردن علوم و دانشگاهها از هرگونه افراط و تفریط باید دوری جست و نباید تصور کرد علم اسلامی؛ یعنی فیزیک و شیمی اسلامی تافته‌ای جدا بافته از علوم طبیعی رایج است. منشأ چنین گمانی آن است که نسبت علم دینی به علم رایج را نسبت فرش دستباف با فرش ماشینی بدانیم و تخیل کنیم که علم دینی محتوایی کاملاً متفاوت از علم رایج در اختیار می‌گذارد و چون مشاهده می‌کنیم که از دل علم دینی فیزیک و شیمی متفاوتی به دست نمی‌آید، به این تصور کشانده می‌شویم که از اساس منکر امکان اسلامی کردن علوم گردیم.^{۱۷} ... ما هرگز فیزیک و شیمی غیراسلامی نداریم. علم اگر علم است نمی‌تواند غیراسلامی باشد، زیرا علم صائب تفسیر خلقت و فعل الهی است و تبیین کار خدا حتماً اسلامی است، گرچه فهمنده این حقیقت را درنیابد و خلقت خدا را طبیعت بیندارد. اینان بخشی از حقیقت را می‌گیرند و بخشی از آن (ارتباط طبیعت با خداوند و مبدأ تعالی) را انکار می‌کنند. کنار گذاشتن بخشی از حقیقت، مانع از آن نیست که بخش متمر و مثبت آن که علم صائب و مطابق با واقع است، مطرود شود. آنچه علم صحیح و ثمربخش است قطعاً اسلامی و حجت شرعی است و آن دسته از محتوای علوم که وهم است و خیال در واقع جهل مرکب است و علم نیست تا سخن از اسلامی بودن یا غیراسلامی بودن علوم شامل حال آن شود.^{۱۸}

جمع‌بندی نظرات آیت الله جوادی آملی این خواهد بود که افزودن پسوند اسلامی به انتهای علم یا فن یا مکان لزوماً به معنای آن نیست که تغییر ماهوی در آن ایجاد شود بلکه نظرگاه و رویکرد و نگاه به موضوعی اگر عوض شود و ملاحظاتی درباره آن رعایت شود می‌توان پسوند اسلامی را به آن افزود. یعنی لزوماً صنعت و فناوری اسلامی تافته‌ی جدا بافته‌ای از صنعت و فناوری فعلی نیست بلکه اگر نگاه به صنعت به جای تسلط جبارانه و حیوانی بر طبیعت به ابتغای فضل الهی از خلقت او تغییر کند نظرگاه اصلاح شده است و اگر ملاحظات دینی در این ابتغا و ابزار آن رعایت شود می‌توان نام صنعت و فناوری اسلامی بر آن نهاد.

صنعت و فناوری اسلامی از نگاه نایبان امام زمان ارواحنا لثراب مقدمه الفدا

امام راحل عظیم الشان رحمه الله تفاوت صنعت اسلامی را با صنعت کنونی جهان متذکر می‌شوند و می‌فرمایند:^{۱۹}

آیا صحیح است که چون آنها موشک درست می‌کنند ما باید تابع آنها باشیم، در حالی که آنها با این صنعت‌ها دنیا را تخریب می‌کنند و ما می‌خواهیم صنعتی داشته باشیم که تخریبگر نباشد، بلکه مفید و سازنده باشد.

امام بزرگوار ما معتقد بودند و تصریح کردند که حرکت به سمت صنایع پیشرفته مانند هواپیماسازی باید در کشور انجام شود و صنعتگران باید به سمت داشتن صنایع پیشرفته حرکت کنند، البته همراه با استقلال فکری و صنعتی، ایشان می‌فرمایند:^{۲۰}

اگر ما به این معنا توجه کنیم و بیدار بشویم، دنبال بیداری، اراده پیش می‌آید که ما بخواهیم که خودمان وسایل اجتماعی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان... باید کارهای خودمان را انجام بدهیم. مدتی می‌گذرد و ما خودمان صنعتگر خواهیم شد... اگر دهقانه‌ای

ما در صحراها و در هر کجا که هستند این معنا را بفهمند که کوشش باید کرد تا وابسته نبود، و هرکس وابسته است اسیر است و ممکن است که اسارتش زیاده‌تر بشود. اگر آنها در بیابانها این معنا را احساس کنند، اراده می‌کنند که وابسته نباشند، و اراده می‌کنند که ارزاق خود مملکت را خودشان تهیه کنند. و اگر در کارخانه‌های ما این معنا را متنبه بشوند که ما باید وابسته نباشیم و ما باید خودمان برای خودمان کار انجام بدهیم، آنها کوشش می‌کنند که کارخانه‌ها را بهتر راه ببرند. و اشخاصی که مغز تفکر صنعتی دارند این مغزها را به کار می‌اندازند. و بعد از اینکه فهمیدند که باید برای خودمان کار بکنیم و باید صنعت را هم - چه صنعت بزرگ، چه صنعت کوچک را - خودمان باید درست بکنیم، این مبدأ عمل می‌شود که بعد از آن بیداری و این اراده راه بیفتند، و مشغول بشوند و تفکر کنند و مغزها را به کار بیندازند و کار خودشان را خودشان انجام بدهند... شما متوقع نباشید که همین امروز بتوانید طیاره درست کنید. می‌گردد. البته الآن نمی‌شود، اما مایوس نباشید از اینکه می‌توانیم درست کنیم. باید بیدار بشوید، بروید دنبال اینکه آن صنایع پیشرفته را خودتان درست بکنید. وقتی این فکر در یک ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می‌کند و دنبال کوشش این مطلب حاصل می‌شود. یأس از جنود ابلیس است،

ایشان البته در کنار اعتقاد به داشتن صنایع پیشرفته معتقد بودند که این صنایع باید در یک نظام توحیدی اسلامی و مهار شده برای معنویت برپا شود:

فرق بین دانشگاه‌های غربی و دانشگاه‌های اسلامی باید در آن طرحی باشد که اسلام برای دانشگاه‌ها طرح می‌کند. دانشگاه‌های غربی - به هر مرتبه‌ای هم که برسند - طبیعت را ادراک می‌کنند، طبیعت را مهار نمی‌کنند برای معنویت. اسلام به علوم طبیعی نظر استقلالی ندارد. تمام علوم طبیعی - به هر مرتبه‌ای که برسند - باز آن چیزی که اسلام می‌خواهد نیست. اسلام طبیعت را مهار می‌کند برای واقعیت؛ و همه را رو به وحدت و توحید می‌برد.

امام راحل عظیم الشان رحمت الله علیه قرآن کریم را مشتمل بر تمام معارف و همه ی چیزها می‌دانند: ما همچو کتابی داریم که مصالح شخصی، اجتماعی، مصالح سیاسی، کشورداری و همه چیزها در آن هست.

قرآن مشتمل بر تمام معارف و تمام ما یحتاج بشر است.

قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود بدان احتیاج دارد. در کافی فصلی به عنوان تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان شده و «کتاب» یعنی قرآن «تبیان کل شیء» است.

ایشان در وصیت‌نامه ی خویش نیز که از زرین‌ترین یادگارهای آن سرباز وفادار امام زمان ارواحنا لثراب مقدمه الفدا بود می‌نویسند: اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگرها و

چپاولگریها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسانها را به کمال مطلوب خود برساند. و مکتبی است که برخلاف مکتبهای غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است.¹⁵

امام خامنه ای نیز در دیدار با مدیران و فعالان صنعت¹⁶ می فرماید:

صنعت میتواند یک صنعت پیشرفته باشد، در عین حال ملاحظات دینی، ملاحظات اخلاقی، ملاحظات انسانی در صنعت کاملاً رعایت بشود. ما میخواهیم شما صنعتگران کشورمان، مدیران صنعت، نماد این حقیقت باشید. پایبند به دین و در همان حال و به همان استناد، پایبند به پیشرفت جهشی صنعت.

مترجم ناصر موفقیان داند؛ تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، هیل، حسن، احمد و ر یوسف¹

الزمان ابن العز بن اسماعیل الجزری بدیع:النافع فی صناعة الحیل، تألیف اسلامی، الجامع بین العلم و العمل مبانی نظری و عملی مهندسی مکانیک در تمدن کتاب²

14 آمل، ص حقوق واحد کردن دانشگاه ها، مجله تخصصی فقه و مبانی یزدی، محمد تقی، مقاله ی شیوه‌های اسلامی مصباح³

12 صفحه همان⁴

16 صفحه همان⁵

18 صفحه همان⁶

285 تا 283 صفحه الله محمد تقی مصباح یزدی، مدیریت اسلامی آیت⁷

285 ص همان⁸

286 و 285 ص همان⁹

297 و 286 همان¹⁰

135 و 134 هندسه معرفت دینی، ص الله عبدالله جوادی آملی، منزلت عقل در آیت¹¹

136 و 135 همان¹²

138 و 137 همان¹³

139 ص همان [14](#)

۱۳۹ ص همان [15](#)

۱۴۰ و ۱۴۱ ص همان [16](#)

۱۴۲ ص همان [17](#)

۱۸ جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ص ۱۴۴

۱۹ موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور جلد ۱۸ ص ۲۱۸

۲۰ موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور جلد ۱۳ ص ۵۲۵ و ۵۳۶

۲۱ موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور جلد ۸ ص ۴۳۳

۲۲ صحیفه نور، امام خمینی جلد ۱۸ صفحه ۲۵۷

۲۳ همان جلد ۲۰ صفحه ۸۲

۲۴ امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۱

۲۵ صحیفه امام، ج ۲۱ ص ۴۰۲ و ۴۰۳

۲۶ بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی - ۰۹/۰۱/۱۳۸۹ سایت خامنه ای دات آی آر

فصل ششم : مفهوم شناسی

در این پژوهش رویه‌ی ما این نیست که در تعریف اصطلاحات تعاریف دیگران را جمع‌آوری کنیم و خود نیز تعریف جدیدی به آن بیفزاییم زیرا معتقدیم که واژگان در قاموس آفرینش به وسیله‌ی خدای تبارک و تعالی وضع شده‌اند. (علمه البیان، الذی علم بالقلم، علم آدم الاسماء كلها) و لذا انسان در برابر خداوند باید تابع باشد و به تعاریف خدای تبارک و تعالی گردن نهد و بر مبنای آن تعاریف و تعیین مفاهیم سخن بگوید و بنویسد. البته برای واژگان و مفاهیم ذکر نشده در قرآن کریم، برای مشخص نمودن مقصودمان از واژه تعریفی مرسوم و معمول ارائه خواهیم داد. بزرگانی که از سطح دنیا و مادیات عبور کرده‌اند همچون مرحوم امام خمینی و ملاصدرا و ابن عربی همه تصریح دارند که واژگان برای روح معنا وضع شده‌اند و این تنها رأی مادی‌گرایان دنیا بین است که تصور می‌کنند ریشه‌ی وضع اسماء برای این مرتبه‌ی دانیه‌ی مادی و اشیاء و اجسام فیزیکی است و سعی می‌کنند هر واژه‌ای را به یک شیء مادی پیوند بزنند.

تعریف فناوری:

در این پژوهش فناوری معادل تکنولوژی در نظر گرفته شده است. هر چند معادل تحت اللفظی تکنولوژی فن شناسی و ترفندشناسی است اما ظاهراً با توجه به آنکه در بسیاری از تکنولوژی‌ها یک جهت نوآورانه نیز وجود دارد فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی واژه‌ی فناوری را برای معادل تکنولوژی پیشنهاد نموده است و بر همین اساس و کاربرد رهبر معظم انقلاب اسلامی از این واژه ما نیز در این پژوهش از این واژه استفاده می‌کنیم. البته منکر آن نیستیم که بسیاری از تکنولوژی‌ها از آفرینش الهی الگوبرداری شده‌اند و به فن شناسی نزدیک تر هستند اما برخی از فنون نیز به وحی الهی روی زمین آمده‌اند (مانند کشتی سازی و اصنع الفلک بوحینا و اعیننا) و برخی نیز به الهام و وحی شیطان ایجاد شده‌اند (و لا مرهم فلیغیرن خلق الله و لیبتکن آذان الانعام) و جنبه‌ی شناسایی در آن‌ها وجود ندارد و آوردن بیشتر در مورد آن‌ها صدق می‌کند. برخی افراد با توجه به اقبال جامعه به عبارت تکنولوژی از آن استفاده‌های نابجا نموده‌اند مثلاً عناوینی چون تکنولوژی فکر و امثالهم کاملاً از مقصود پیشین از تکنولوژی متفاوت است و در این پژوهش نیز چنین استفاده‌های جدیدی منظور نخواهد بود

فناوری: هر گونه الگو و روش برای تولید یک ساخته‌ی سخت‌افزاری که در راه رسیدن به هدفی کاربرد داشته باشد.

تعریف صنعت:

بررسی و معناشناسی واژه‌ی صنعت در قرآن کریم در ادامه در فصل کلیدواژه‌های صنعت و فناوری در قرآن کریم خواهد آمد اما اجمالاً خدای تبارک و تعالی تنها ساخته‌های فیزیکی و مادی را صنعت نمی‌داند بلکه خود ظهور اعمال و افعال را نیز از مقوله‌ی صنعت می‌شمارد. چیزی که شاید بتوان آن را معادل تولیدات ویدیویی و فیلم در نظر گرفت که با اینکه در فیلم هیچ تولید فیزیکی و مادی حاصل نمی‌شود اما به خود فیلم یک محصول تولیدی اطلاق می‌شود و ذاتاً دارای ارزش صنعتی است. در قرآن کریم صنعت الله بیش از صنعت انسان مطرح شده است که اشاره به خلقت الهی دارد. در این پژوهش مقصود ما از صنعت صنعت مادی انسان (نه صنعت افعال توسط انسان) است و بحث صنعت الهی خود موضوع مستقلی است که از دایره‌ی این پژوهش خارج است. درباب خود صنعت نیز غربی‌ها هرگونه فعل و عملیاتی را که به تولید ثروت جاری منجر شود صنعت می‌نامند و لذا از همین باب به گردشگری و فیلم سازی و بازی سازی و مواد مخدر و غیره نیز لفظ صنعت (Industry) به کار می‌برند. در این پژوهش مقصود ما از صنعت صنایع سخت‌افزاری است که ظهور مادی و فیزیکی دارند که

دایره‌ای محدود از آنچه که قرآن کریم آن را صنعت به حساب می‌آورد است.

صنعت: هر گونه کارگاه یا کارخانه که در آن بر اساس یک یا چند فناوری مشخص، سازوکار لازم برای یک عمل صنعتی و تولید محصولی صنعتی فراهم آمده باشد.

با توجه به کاربرد عمل صنعتی و محصول صنعتی در تعریف بالا از صنعت لازم است این دو مفهوم نیز تعریف شوند:

تعریف محصول صنعتی:

به هر ساخته‌ی مادی (فیزیکی) بشر که مستقیم یا غیر مستقیم (به کمک سامانه‌های خودکار) بر مبنای یک یا چند فناوری خاص ساخته شده باشد یک محصول صنعتی گفته می‌شود.

تعریف عمل صنعتی:

هر گونه فعالیت در جهت تولید محصول صنعتی به کمک فناوری مشخص در یک کارگاه صنعتی عمل صنعتی نامیده می‌شود.

تحلیل واژه‌ی فناوری:

رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی می‌نویسد:

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، متصل نوشتن واژه «فناوری» را صحیح می‌داند تا این کلمه با واژه «فن آوری» به مفهوم انتقال تکنولوژی اشتباه نشود. «فناوری» از چهار جزء فن + میانوند الف + پسوند -ور +ی مصدری تشکیل شده و به قیاس با ترکیباتی مانند دلاوری و تناوری و جنگاوری ساخته شده و معنی آن «فنوری» است. استفاده از تشدید بر روی کلمه فن از نظر فرهنگستان بلا مانع است، هر چند در زبان فارسی نوشتاری امروز کمتر به کار می‌رود. فرهنگستان زبان و ادب فارسی واژه «فناوری» را معادل واژه تکنولوژی قرار داده و به معنای داشتن و به کار گرفتن فن و روش‌های علمی در یک حیطة خاص و ورزیدگی در آن حیطة تلقی کرده است و این معانی را با استفاده از پسوند اتصاف «-ور» که معانی دارندگی و ورزندگی را القاء می‌کند، به واژه «فناوری» منتقل ساخته است.^{۲۶۹}

فرهنگ فارسی معین در توضیح این واژه آورده است:^{۲۷۰}

۱- تکنولوژی، علم به صنایع و حرفه‌ها. ۲- مجموع اصطلاحات فنی و صنعتی.

تعریف اصطلاحی فناوری:

تعریف رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی: داشتن و به کار گرفتن فن و روش‌های علمی در یک حیطة خاص و ورزیدگی در آن حیطة^{۲۷۱}

۲۶۹ مقاله‌ی الحیل و فارابی، هجین روزنامه‌ی همشهری، پنج‌شنبه ۵ تیر ۱۳۸۲، سال یازدهم، شماره ۳۰۸۸ به نقل از سایت روزنامه:

<http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1382/820405/news/elmf.htm>

۲۷۰ ذیل واژه‌ی تکنولوژی نیز چنین آمده است: 1- مطالعه‌ی فنون و ابزار و ماشین‌آلات و مواد اولیه. ۲- تجهیزات و روش‌های علمی که در حیطة خاصی به کار

برده‌شود، فناوری

۲۷۱ همان

تعریف دانش نامه ی رشد : ساخت و کاربرد ابزار، ماشینها و فرایندهائی است که به حل مشکلات بشر کمک می کند.^{۲۷۲}
تعریف درگاه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: فناوری را می توان مجموعه ای از فرآیندها، دانش ها، روش ها، ابزارها، تجهیزات، ماشین آلات، سیستم ها و مهارت های به کار رفته در ساخت محصولات برای ارائه خدمات دانست.^{۲۷۳}
غلامحسین رحیمی مفهوم صنعت را نمود عینی فناوری می داند و می نویسد:

از میان تعاریف، فناوری را معادل ابزار و ماشین دانستن در اذهان عموم متداول تر و آسان فهم است، مانند خودرو، تأسیسات ساختمان، کامپیوتر و ملحقات آن، گران کش و بتن ساز، قطار و هواپیما^{۲۷۴}.

تعاریف دیگری^{۲۷۵} هم برای فناوری ارائه شده است که وسیع تر و گسترده تر از این تعارف است.

تعریف مختار:

فناوری: هر گونه الگو و روش برای تولید یک ساخته ی سخت افزاری انسان ساز، که برای تامین هدفی کاربرد داشته باشد.
با این تعریف، فناوری :

اولاً یک الگو و روش است.

دوماً الگو و روشی برای ساخت یک سخت افزار یا محصول فیزیکی است.

سوماً این الگو برای ساخت محصول توسط انسان مطرح است.

چهارماً ساخت این محصول هدفمند است.

با این تعریف گرچه برخی فنون و ترندهای موجود در آفرینش الهی را نیز مصادیق فناوری می دانند اما در این تعریف لحاظ نمی شوند. مثلاً خانه سازی زنبورها گرچه یک فن و تکنیک پیشرفته است اما جزو فناوری محسوب نمی شود. ممکن است بتوان برای چنین الگوها و روش هایی نام دیگری مانند الگوهای سازه های آفرینشی مطرح کرد.

همچنین با این تعریف الگوها و روش های نرم افزاری نیز از مصادیق فناوری خارج هستند یعنی مثلاً فنون مدیریت مجموعه های انسانی و فنون سیاسی و اقتصادی و تفکر و غیره هم مصداق فناوری نیستند گرچه عباراتی مانند تکنولوژی آموزشی و تکنولوژی فکر مطرح شده است.

همچنین با این تعریف روش ساخت محصولاتی که هدف خاصی را دنبال نمی کنند مانند برخی ساخته های هنری که صرفاً توهّم و خیالات ذهنی هنرمند هستند و هدفی در دنیای خارج برای آنها متصور نیست نیز فناوری نیست.

۲۷۲ دانشنامه رشد (شبکه جامع آموزشی و پرورشی کشور) تاریخ بازدید خرداد ۹۳:

فن + آوری = <http://daneshnameh.roshtd.ir/mavara/mavara-index.php?page=>

۲۷۳ درگاه ایران دات ای آر (سایت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات):

<http://www.iran.ir/about/science-technology>

۲۷۴ فارابی، علم حیل و فلسفه فناوری، غلامحسین رحیمی، استاد دانشکده فنی دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال چهارم و چهارم، شماره یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ص ۸۶ و ۸۷

۲۷۵ علاقه مندان می توانند به مقاله ی چالشهای فلسفی در مورد تعریف فناوری در سایت باشگاه اندیشه مراجعه نمایند:

http://www.bashgah.net/fa/content/print_version/33119

فصل هفتم: دسته بندی آیات در موضوع صنعت و فناوری:

انواع فناوری از نظر منشأ :

۱. فناوری های وحیانی نبوی
۲. فناوری های الهام یافته از آفرینش غیرنبوی
۳. فناوری های وحیانی الهی غیرنبوی
۴. فناوری های وحیانی شیطانی غیرنبوی

دسته بندی اول: از نظر گونه ی طرح محتوای مرتبط با فناوری: (نوع عنایت قرآن به موضوع)

۱) ذکر محصولات صنعتی

در برخی آیات قرآن کریم از محصولات صنعتی نام برده شده است. این دسته که بزرگترین دسته از عنایت های قرآن کریم به موضوع صنعت و فناوری را تشکیل می دهند بیش از چند صد آیه هستند.

۲) ذکر فرآیند های صنعتی

در باره ای از آیات قرآن کریم به برخی فرآیندهای صنعتی اشاره شده است. به عنوان مثال می توان به آیات زیر اشاره کرد. تعداد این آیات حدود ده آیه است.

۳) ذکر وحی های صنعتی

وحی های مرتبط با صنعت به پیامبران نیز موضوعی است که در بیش از ده آیه از قرآن کریم وجود دارد.

۴) ذکر تحدی صنعتی

در یک آیه از قرآن کریم هم به تحدی صنعتی خدای متعال هم در بحث ساخت و خلق محصول صنعتی و فناورانه و هم در بحث مقابله با مخلوقات الهی این تحدی صورت گرفته است.

۵) ذکر مثالهای صنعتی

برای مشخص شدن جزئیات دیدگاه قرآن کریم نسبت به صنعت و فناوری آیاتی که در آنها یکی از مصادیق فناوری و محصول صنعتی و یا فعالیت صنعتی ذکر شده باشد جمع آوری و دسته بندی خواهد شد.

واژگان محصولات صنعتی:

فُلک، سفینه، لباس، فرش، مهد، مسکن، صرح، معرج (معارج)، سقف، مسجد، قصر، بیت، فخار، صلصال، برج، بلد، مدینه، مفتاح، باب، غل، خلاق، عرش، اریکه، سریر، سلسله، سربیل، رمحه، سقف، سلم، سکین، کهف، اثاث، متاع، عمد، جدار، دار، دیار، ارم، اوتاد، مرصوص، قاعده، کرسی، محاریب، قدور راسیات، جبل، غزل، سم الخیاط، سبب، قواریر، خیام قریه، قرن، رحل، صواع، غرفه، ردم، دلو، منساة، قرطاس، قسطاس، میزان ...

واژگان به کار رفته برای فعالیت های صنعتی:

صنع، عمر، بنی، عرش، نقب، مکن، نحت، شید، ثار، سقی، سخر، سلط، نقض، سوی، خلق، ركب، جاب، فرغ، سیل و...

واژگان مشترک محصولات صنعتی و مفاهیم دیگر:

مفتاح، قلم، باب، عمد، متاع،

واژگان مشترک بین محصولات صنعتی بشر ساز و طبیعی :

کهف و اکنان، نهر، سبیل، عصا

واژگان مواد خام صنعت:

حدید، قطران، تراب، طین، حجر، حطب، ریج، نار، نور، صخر

دسته بندی دوم: بر اساس صنایع مرتبط با دنیا یا آخرت

دسته بندی سوم : بر اساس نسبت با انبیاء یا ظالمین و شیاطین یا شخص عادی

دسته بندی چهارم : بر اساس کاربرد (عمرانی، کشاورزی، نظامی و)

آیات دسته بندی اول: بر اساس نوع طرح

آیات بیان کننده امر و حیانی صنعتی:

امر و حیانی صنعتی یعنی امر و حیانی به روش انجام یک فعالیت صنعتی، آیات زیر از سنخ چنین آیاتی هستند.
وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (یونس ۸۷)

در این آیه درباره ی کیفیت ساخت خانه های بنی اسرائیل در مصر وحی صادر شده است

وَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ (انبیاء ۸۰)

این آیه به تعلیم و حیانی ساخت زره توسط حضرت داوود اشاره دارد.

وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ (حج ۲۶)

این آیه به طراحی و ارائه ی نقشه ی خانه ی کعبه از طریق وحی خدای متعال به حضرت ابراهیم اشاره دارد.

وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (البقره ۱۲۷)

این آیات به ساخت خانه ی کعبه توسط حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیهما السلام اشاره دارد.

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ صُنْعَ الْفُلْكِ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنْوِيرُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تَخَاطَبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرَفُونَ (مومنون ۲۷)

این آیه به وحی الهی در مورد کیفیت ساخت کشتی توسط نوح نبی علی نبینا و آله و علیه السلام اشاره دارد

آیات روایت کننده ی یک فعالیت صنعتی غیر اعجازی بدون جزئیات :

وَ كَانُوا يَنْجِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ (حجر ۸۲)

وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (الفجر ۹)

وَ تَنْجِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ (شعرا ۱۴۹)

این آیات به حجاری و کوه تراشی قوم ثمود و ایجاد غارخانه های امن و ایجاد وادی در درون کوه توسط این قوم اشاره دارند.

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ (شعرا ۱۲۸)

وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (شعرا ۱۲۹)

این آیات به انحرافات صنعتی قوم عاد اشاره دارد. از جمله بنا کردن ابنیه بر فراز هر تپه یا ریعی و اتخاذ مصنوعاتی جهت خلود طلبی

آیات روایت کننده ی یک فعالیت صنعتی غیر اعجازی ابتکاری با جزئیات :

أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قِطْرًا (كهف ۹۶)

وَ قَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (القصص ۳۸)

از این آیه ی کریمه بر می آید که منظور از صرح، کاخ یا قصر (در اصطلاح عامیانه ی معروف نه قصری که در قرآن کریم آمده) نیست بلکه صرح ظاهراً به معنای برج و مناره و ساختمان‌هایی است که هدف از ساخت آن‌ها صرفاً بالا رفتن برای مقصودی مانند دیدبانی یا جازدن و اذان گفتن و امثال آن است. معنی ندارد که فرعون به هامان بگوید که کاخی و قصر (ساختمان مجللی) برایش بسازد به صرف اینکه می‌خواهد بالا برود و با خدای موسی نبرد کند. نکته ی دیگری که از این آیه بر می آید آن است که اگر آجرهای خشتی به آتش نزدیک‌تر باشد محکم تر و مقاوم تر می‌شوند (در اصطلاح آجرپزان و کوره داران به این آجرها آجرهای جوشی می‌گویند) در این آیه هم فرعون به هامان می‌گوید که او قد علی الطین به جای آنچه که مرسوم است که آتش زیر خشت ها روشن می‌کند در این آیه گفته می‌شود که او قد علی الطین یعنی روی خشتهای گلی و گل‌ها آتش روشن کن، یعنی آتش با شعله ی زیاد که خشت های زیر آن پخته شود، نکته ی دیگر اینکه شاید مقصود آن باشد که به جای رویه ی مرسوم که خشت می‌پزند و بعد با خشت ها برج می‌سازند منظور فرعون این باشد که اول برج را (تا ارتفاعی که تحمل می‌کند) بسازد و بعد آن را با آتشی که رویش برپا می‌کند بپزد که مقاوم تر و مستحکم تر باشد و ارتفاع بیشتری بتوان برج را بالا برد. به هر حال این آیه به یک فعالیت صنعتی با ذکر جزئیات اشاره دارد. البته باید صرح در آیه ی ملکه ی بلقیس توجیه شود. البته باید توجه شود که شاید او قد علی اصطلاح باشد.

آیات روایت کننده ی یک فعالیت صنعتی اعجازی:

فعالیت صنعتی اعجازی به فعالیت صنعتی ای گفته می‌شود که به امر الهی و عنایت خاص الهی صورت گرفته است و در اختیار همه نیست. درواقع همگان از انجام آن عاجزند جز آنانکه خداوند به آن‌ها اذن داده است و برایشان مقدمات این فعالیتها را فراهم نموده است.

وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَ الطَّيْرَ وَ أَنَا لَهُ الْحَدِيدُ (سبا ۱۰)

این آیه به نرم کردن آهن برای حضرت داوود توسط خداوند اشاره دارد. البته از ظاهر آیه بر نمی‌آید که این نرم کردن اعجازی است یا همان تعلیم آهنگری به حضرت داوود و تعلیم ساخت کوره ی آهنگری است اما ظاهراً از روایات چنین بر می‌آید که این نرم شدن اعجاز گونه بوده است (نظر آیت الله جوادی)

وَسَلِيمَانَ الرِّيحِ عُدُّوْهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَاسْلُنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (سبا ۱۲)

این آیه به تسخیر باد باذن الله برای حضرت سلیمان اشاره دارد و اینکه این باد هر صبح به اندازه ی یک ماه طی مسافت حضرت سلیمان را جابجا می کرده است و هر عصر هم به همین مقدار. و همچنین سیلان چشمه ی قطر

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (سبا ۱۳)

این آیه به مصنوعات جن های تسخیر شده برای حضرت سلیمان اشاره دارد.

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (۳۶) وَ الشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَ غَوَّاصٍ (ص ۳۷)

این آیات هم به عنایت های صنعتی خدای متعال به حضرت سلیمان اشاره دارد.

آیات اشاره کننده به محصولی صنعتی در دنیا:

رمح:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَ رِمَاحُكُمْ^{۳۷۶} لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (المائدة ۹۴)

صرح:

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (النمل ۴۴)

وَ قَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ (غافر ۳۶)

قصر:

وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَخَذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْجِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَادْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (الأعراف ۷۴)

وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَافِهَا وَ أَوْبَارِهَا وَ أَشْعَارِهَا أَثَانًا وَ مَتَاعًا إِلَى حِينٍ (نحل ۸۰)

وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَ جَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ (نحل ۸۱)

وَ لَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُفْقًا مِنْ فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيَّهَا يَظْهَرُونَ (۳۳) وَ لِيُوتِيَهُمْ أَنْبَابًا وَ سُرُرًا عَلَيَّهَا يَتَّكُونَ (۳۴) وَ زُخْرَفًا وَ إِنَّ كُلَّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (الزخرف ۳۵)

آیات اشاره کننده به محصولی صنعتی در آخرت:

سوره هایی از ذهب

ثياب خضر از استبرق

تکيه گاهی و نظاره گاهی به نام اريکه ها

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُندُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى

۲۷۶ الجدول في إعراب القرآن، ج ۷، ص ۲۳: (رماح)، جمع رمح، اسم جامد، و قد سمع اشتقاق فعل يرمح باب فتح منه أى طعنه بالرمح وزنه فعل بضم فسكون، و الجمع فعال بكسر الفاء.

الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَ حَسَنَتْ مَرْتَفَعًا (الكهف ۳۱)

هُمُ وَ أَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنِينَ (يس ۵۶)

مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا (الإنسان ۱۳)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (المطففين ۲۳)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (المطففين ۳۵)

آیات اشاره کننده به یک فعالیت شبه صنعتی:

فعالیت‌های شبه صنعتی به فعالیتهایی گفته می‌شود که با آنکه خود فعالیت صنعتی نیست اما ملزومات آن اشاره به یک عمل صنعتی دارد. مثلاً شخم زدن زمین یک فعالیت صنعتی نیست اما ابزاری که لازمه‌ی آن است یک ابزار صنعتی است. یا مثلاً کشاورزی با گیاهان پابلند که نیاز به داربست سازی دارد در قرآن کریم تحت عنوان درختان معروضات آمده است و نشان تأیید صنعت داربست سازی برای این‌گونه از کشاورزی است.

وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّيْتُونَ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلًّا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (الأنعام ۱۴۱)

قال إنه يقول إنها بقرة لا ذلول تشير الأرض ولا تستقي الحرث مسلمة لا شبيهة فيها قالوا الآن جئت بالحق فدبحوها وما كادوا يفعلون (البقرة ۷۱)

أ وَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (الروم ۹)

آیات ذیل دسته بندی‌های دیگر در نسخه‌ی پاورپوینت جمع‌آوری شده‌اند که باید منتقل شوند. مراجعه فرمایید به نسخه پاورپوینت

برای منابع هم مراجعه شود به مقاله فناوری‌های نظامی در قرآن کریم